



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عزیزان
علیهم الصلوات
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



از ظلماتی

روزانه‌ای و مستند به فرهنگ و تاریخ ایران
پوشش: ۱۰۰٪

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راز طلايي

نويسنده:

محمد رضا رجايي

ناشر چاپي:

اقيانوس معرفت

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۳۹	راز طلایی
۳۹	مشخصات کتاب
۴۰	اشاره
۴۴	فهرست مطالب
۹۴	مقدمه
۹۴	مزیت ها و ویژگی های کتاب حاضر
۹۴	اشاره
۹۴	۱- استفاده از منابع مهم
۹۵	۲- پاورقی
۹۵	۳- سبک ساده نویسی و نکات دستوری
۹۵	۴- مزایای دیگر
۹۵	۵- فصل های مستقل
۹۵	۶- نام کتاب
۹۵	۷- نظم و ترتیب
۹۵	۸- ویژگی ها
۹۶	فصل اول: آسیب شناسی موفقیت و خوشبختی
۹۶	اشاره
۹۸	تعریف واژه
۹۹	جایگاه و اهمیت آسیب شناسی
۱۰۰	خصوصیات آسیب شناسی
۱۰۰	اشاره
۱۰۰	۱. آموزش و بهره گیری (مجهولات)
۱۰۰	اشاره

- ۱۰۱ آفات علم بدون تزکیه
- ۱۰۲ ۲. اندیشه گرایی و دور اندیشی
- ۱۰۲ ۳. پرهیز از ارتکاب گناه
- ۱۰۲ اشاره
- ۱۰۳ *** داستان ***
- ۱۰۴ *** آب لیموی شیراز ***
- ۱۰۵ ۴. تفاهم اخلاقی خانواده (عدم روابط سالم زن و شوهر)
- ۱۰۵ ۵. تواضع و فروتنی (کبر)
- ۱۰۶ ۶. خوش بینی (بدگمانی)
- ۱۰۶ ۷. دوست دانا
- ۱۰۸ ۸. سخن نیکو (بیهوده گوئی)
- ۱۰۹ ۹. شجاعت و شهامت (ترس)
- ۱۰۹ ۱۰. صرفه جویی و اندازه نگه داشتن (ولخرجی)
- ۱۱۰ ۱۱. فرصت شناسی (دزدهای فرصت ها)
- ۱۱۰ ۱۲. فضیلت و برتری (دوری از قرب الهی)
- ۱۱۰ اشاره
- ۱۱۱ تسلیم را از کبوتران بیاموزید
- ۱۱۲ ۱۳. منافع گوناگون دیگر
- ۱۱۲ ۱۴. نیکبختی و سعادت
- ۱۱۳ شخصیت آسیب شناسان (راز کام بابان)
- ۱۱۳ اشاره
- ۱۱۳ ۱. پاداش و ثواب
- ۱۱۳ اشاره
- ۱۱۳ آفت اخلاص
- ۱۱۳ ۲. پیروی از الگوها
- ۱۱۴ ۳. حرکت

۴. عبرت یا آموخته های عملی ۱۱۴
- اشاره ۱۱۴
- زن احمق ۱۱۴
۵. عدم غفلت ۱۱۵
- اشاره ۱۱۵
- آفات ثروت برای انسان سست عنصر ۱۱۵
۶. عقل گرایی ۱۱۷
۷. ویژگی های تبادل نظر ۱۱۷
- فرازهایی از آسیب شناسی راه های رسیدن به موفقیت و خوشبختی ۱۱۸
- فراگیری روش های حفظ دستاوردها (ملاک های بهروزی) ۱۳۲
- علمی: ۱۳۲
- عملی: ۱۳۲
- مراقبت و آسیب شناسی از دیدگاه قرآن کریم ۱۳۲
- اشاره ۱۳۲
- الف. آسیب شناسی شناخت ۱۳۲
- ب. آفت ایمان ۱۳۳
- ج. آفت حق گرایی ۱۳۳
- د. تقلید کورکورانه، آفت هدایت ۱۳۳
- ی. جهل، آفت اصلاح ۱۳۳
- اشاره ۱۳۳
- ۱- آفت دین ۱۳۴
- ۲- شرافت خانوادگی ۱۳۴
- ۳- کردار ۱۳۵
- ۴- مراقبت و آفت زدایی ۱۳۶
- مراقبت و آفت زدایی از دیدگاه بزرگان ۱۳۶
- اشاره ۱۳۶

۱۳۶	الف) آفت اراده
۱۳۷	ب) آفت اندیشه
۱۳۷	ج) آفت مقاومت و پایداری
۱۳۸	د) حفظ دستاوردها
۱۳۹	موانع و آفات جوانی
۱۴۱	موانع و آفات نهضت ها
۱۴۱	موانع و عوامل موهوم موفقیت و پیروزی (نکته های جادویی)
۱۴۱	اشاره
۱۴۲	۱- اقبال گرایی
۱۴۲	۲- اموال اجداد
۱۴۳	۳- حادثه و تصادف
۱۴۳	اشاره
۱۴۳	*** داستان ***
۱۴۴	۴- رؤیا پردازی سرنوشت
۱۴۶	فصل دوم: احتیاط، دقت و دوراندیشی
۱۴۶	اشاره
۱۴۸	تعریف واژه
۱۴۸	جایگاه و اهمیت احتیاط، دقت و دوراندیشی
۱۴۹	جلوگیری از شتاب زدگی
۱۵۰	*** حکایت ***
۱۵۲	خصوصیات احتیاط و دقت
۱۵۲	اشاره
۱۵۲	۱. امنیت جانی و مالی
۱۵۲	۲. سالم ماندن از آسیب ها
۱۵۲	۳. عدم ناسازگاری با مخالفان (مدارا)
۱۵۴	۴. فرصت شناسی

- ۱۵۴ ----- ۵. معنویت و عبودیت
- ۱۵۴ ----- اشاره
- ۱۵۵ ----- *** خاطره ***
- ۱۵۶ ----- ۶. نیکبختی و موفقیت
- ۱۵۷ ----- شخصیت افراد با احتیاط، دقیق و دور اندیش (چشم انداز زیبایی)
- ۱۵۷ ----- اشاره
- ۱۵۷ ----- ۱. اراده ای خلل ناپذیر و تصمیمی قاطع
- ۱۵۷ ----- اشاره
- ۱۵۸ ----- *** روایت ***
- ۱۵۸ ----- ۲. به کارگیری آموخته های تجربی
- ۱۵۸ ----- اشاره
- ۱۶۱ ----- لمس آیات
- ۱۶۲ ----- ۳. سپاسگذاری
- ۱۶۲ ----- ۴. شکلیا و پایدار
- ۱۶۳ ----- ۵. در نور دیدن زمان و مکان
- ۱۶۳ ----- ۶. دوست، یاور !!
- ۱۶۳ ----- ۷. عدم بلند پروازی های خطرناک
- ۱۶۴ ----- ۸. مشاوره و تبادل نظر
- ۱۶۴ ----- فراگیری روش های احتیاط و دقت (ملاک های کامیابی)
- ۱۶۴ ----- علمی :
- ۱۶۶ ----- کیفیت احتیاط و دقت از دیدگاه قرآن مجید
- ۱۶۶ ----- اشاره
- ۱۶۶ ----- الف) دقت در امور آخرت
- ۱۶۶ ----- ب) دقت در محاسبه
- ۱۶۶ ----- ج) دقت در میزان
- ۱۶۷ ----- د) دقت و روابط سالم در امور زندگی

- ۱۶۷ ----- (و) عاقبت اندیشی و رضای خدا
- ۱۶۷ ----- (ز) عاقبت اندیشی و متقین
- ۱۶۷ ----- (ی) هشدار برای احتیاط
- ۱۶۸ ----- کیفیت دقت و احتیاط از دیدگاه معصومین (علیهم السلام)
- ۱۶۸ ----- اشاره
- ۱۶۸ ----- الف) ارتباط احتیاط و دور اندیشی
- ۱۶۸ ----- ب) ارتباط احتیاط و معنویت
- ۱۶۸ ----- و) ارتباط دور اندیشی و بدگمانی
- ۱۷۰ ----- ه) ارتباط دور اندیشی و زمان
- ۱۷۰ ----- (ی) ایمنی از لغزش ها
- ۱۷۰ ----- دور اندیشی از دیدگاه بزرگان
- ۱۷۱ ----- دور اندیشی و دقت از دیدگاه شعرا
- ۱۷۳ ----- فصل سوم: اهداف
- ۱۷۳ ----- اشاره
- ۱۷۵ ----- تعریف واژه
- ۱۷۵ ----- تلاش برای آینده گریز ناپذیر
- ۱۷۷ ----- جایگاه و اهمیت آن
- ۱۷۷ ----- خصلت «ایمان به هدف»
- ۱۷۹ ----- خصوصیات اهداف موفقیت آمیز
- ۱۷۹ ----- ۱. اصل اخلاق
- ۱۷۹ ----- ۲. اصل روابط سالم در خانواده
- ۱۷۹ ----- ۳. امور مادی
- ۱۷۹ ----- ۴. تحصیل و تخصص
- ۱۷۹ ----- ۵. شغل پر در آمد و بدون حاشیه
- ۱۸۰ ----- ۶. فضیلت و برتری
- ۱۸۰ ----- ۷. ملاک شادکامی و بهروزی

- ۱۸۰ رعایت اصول تنظیم هدف
- ۱۸۰ اشاره
- ۱۸۱ الف) اهدافتان را به طور قاطع به زبان آورید.
- ۱۸۱ ب) اهداف را دقیق و باحساس مطرح کنید
- ۱۸۱ و) نتایج به دست آمده را همواره ارزیابی کنید
- ۱۸۲ ه) نتایج مورد نظر باید تحت کنترل شما باشند
- ۱۸۲ ی) نتایج و عاقبت کار را در نظر بگیرید!!
- ۱۸۳ شخصیت هدف داران (عوامل ترقی)
- ۱۸۳ اشاره
- ۱۸۳ ۱- انتخاب گری
- ۱۸۳ ۲- بهره برداری از آموخته ها
- ۱۸۳ ۳- بهره گیری از تحصیلات عالی
- ۱۸۴ ۴- خود رأیی
- ۱۸۴ ۵- راز شکوفایی
- ۱۸۴ ۶- مساعدت و مطابقت با الگو
- ۱۸۵ فراگیری روش های رسیدن به اهداف (راهکارها)
- ۱۸۵ عملی:
- ۱۸۵ عملی:
- ۱۸۶ هدف را به واقعیت تبدیل کنید. (تمرین عملی)
- ۱۹۳ هدف از دیدگاه بزرگان
- ۱۹۴ هدف از دیدگاه شعرا
- ۱۹۵ فصل چهارم: برنامه ریزی، تدبیر و حسابگری
- ۱۹۵ اشاره
- ۱۹۶ تعریف واژه
- ۱۹۷ جایگاه و اهمیت آن
- ۱۹۷ چرا برنامه ریزی در سرنوشت انسان تأثیر بسزایی دارد!!

- ۱۹۹ چگونه برای آینده خود برنامه ریزی کنیم!!!
- ۱۹۹ اشاره
- ۱۹۹ الف) تحقیق و پرسش
- ۱۹۹ ب) زیرکی
- ۱۹۹ ج) سؤال
- ۱۹۹ و) کمک استاد
- ۲۰۰ ه) منافع مشروط
- ۲۰۰ ی) نیاز به پافشاری
- ۲۰۰ چگونه اصول حاکم بر برنامه ریزی پیشرفته
- ۲۰۰ اشاره
- ۲۰۰ ۱- اصل تدریج
- ۲۰۰ ۲- اندیشه و ابتکار
- ۲۰۱ ۳- اولویت بندی
- ۲۰۱ ۴- بازنگری
- ۲۰۱ ۵- بلندنظری
- ۲۰۱ ۶- تجارب فردی و غیره
- ۲۰۱ ۷- توکل و استمداد از او
- ۲۰۲ ۸- زمان بندی
- ۲۰۲ ۹- سرعت در کنار دقت
- ۲۰۲ ۱۰- عدم تأخیر
- ۲۰۲ ۱۱- علمی بودن
- ۲۰۳ ۱۲- مثبت اندیشی و اعتقاد به وفور نعمت
- ۲۰۳ ۱۳- مداومت و استمرار
- ۲۰۳ ۱۴- مشاوره و بررسی با اهل فن
- ۲۰۳ ۱۵- نهراسیدن از اشتباه
- ۲۰۳ ۱۶- هماهنگی و جامع نگری

- ۲۰۳ خصوصیات محاسبه، تدبیر و برنامه ریزی
- ۲۰۳ اشاره
- ۲۰۴ ۱- آسان شدن مشکلات
- ۲۰۴ ۲- اسلوب خاص
- ۲۰۴ ۳- الگو و سر لوحه
- ۲۰۴ ۴- انجام هماهنگ مسئولیت ها
- ۲۰۴ ۵- حاکمیت نظم
- ۲۰۴ ۶- رسیدن به اهداف مترقی
- ۲۰۵ ۷- رفع آشفتگی
- ۲۰۵ ۸- شکوفایی استعداد
- ۲۰۵ ۹- قدرت آینده نگری
- ۲۰۵ فراگیری روش های برنامه ریزی مدون (راهکارها)
- ۲۰۵ علمی :
- ۲۰۵ عملی :
- ۲۰۶ فراگیری هفت مرحله برنامه ریزی (نکته های ثمربخش)
- ۲۰۶ اشاره
- ۲۰۶ الف) ارزیابی از نحوه گذراندن اوقات:
- ۲۰۷ ب) بررسی کارهایی که باید انجام شود
- ۲۰۷ ج) تعیین کارهای مهم
- ۲۰۸ د) شناخت اوقات حداکثر و حداقل کارایی
- ۲۰۸ و) شناخت هدر دهنده های وقت
- ۲۰۹ ه) کیفیت برنامه هفتگی
- ۲۰۹ ی) نظارت بر حسن اجرای برنامه ها
- ۲۰۹ کیفیت محاسبه نفس (تغذیه روح)
- ۲۱۰ محاسبه ایام
- ۲۱۰ مراقبت از خود با برنامه پیشنهادی ۲۴ ساعته

- ۲۱۰ اشاره
- ۲۱۰ ۱- اهمیت صبح خیزی
- ۲۱۱ ۲- با اذان آماده نماز شویم
- ۲۱۱ ۳- بر پای داشتن نافله صبح
- ۲۱۱ ۴- بر پای داشتن نماز صبح و تعقیبات آن
- ۲۱۲ ۵- تلاوت قرآن، ورزش، شنیدن اخبار
- ۲۱۲ اشاره
- ۲۱۲ الف) تلاوت قرآن:
- ۲۱۲ ب) ورزش
- ۲۱۴ ج) شنیدن اخبار
- ۲۱۴ ۶- آمادگی برای کار روزانه
- ۲۱۴ اشاره
- ۲۱۴ الف) بهره مندی از ویژگی های وضو
- ۲۱۴ ب) به نام خدا شروع کنیم
- ۲۱۴ ج) راه رفتن و خروج از منزل
- ۲۱۵ د) شخصیت عادی اجتماع
- ۲۱۵ ۷- در محل کار
- ۲۱۵ اشاره
- ۲۱۵ الف) اهداف روزانه
- ۲۱۶ ب) عدم سهل انگاری در کار
- ۲۱۶ ۸- در حد توان خویش مردم را یاری کنیم
- ۲۱۶ اشاره
- ۲۱۶ الف) قضای حاجات
- ۲۱۶ ب) فضیلت و حل مشکلات مردم
- ۲۱۸ ۹- در هنگام ظهر
- ۲۱۸ ۱۰- در هنگام استراحت

- ۲۱۸ ۱۱- رازونباز و نماز مغرب و عشاء
- ۲۱۹ ۱۲- رسیدگی به خانواده
- ۲۱۹ الف) ارتباطات خانوادگی:
- ۲۱۹ ب) مطالعه
- ۲۱۹ ۱۳- رسیدگی
- ۲۱۹ الف) با وضو خوابیدن
- ۲۲۰ ب) محاسبه اعمال روز
- ۲۲۰ ۱۴- نماز شب
- ۲۲۱ ۱۵- نیکی به والدین
- ۲۲۱ اشاره
- ۲۲۱ الف) اهمیت آن:
- ۲۲۳ ب) شناخت احادیث متواتر در مورد آن:
- ۲۲۳ ۱۶ _ یاری مبارزان راه خدا
- ۲۲۴ ۱۷ _ یاری ایزد متعال به مؤمنان
- ۲۲۶ معنویت محاسبه در برنامه ریزی
- ۲۲۶ اشاره
- ۲۲۶ الف) ضرورت محاسبه نفس
- ۲۲۷ ب) عدم سخت گیری در آن
- ۲۲۸ فصل پنجم: بهره برداری صحیح از سرمایه های حیات
- ۲۲۸ اشاره
- ۲۲۹ تعریف واژه
- ۲۳۰ جایگاه و اهمیت آن
- ۲۳۰ خصوصیات رشد
- ۲۳۰ اشاره
- ۲۳۰ ۱- اصلاح عملکردها
- ۲۳۰ ۲- برطرف نمودن عیب های جزئی

- ۳- پیشرفت ۲۳۰
- ۴- حفظ احترام ۲۳۱
- ۵- حفظ سرمایه ها ۲۳۱
- ۶- شخصیت متمایز ۲۳۱
- ۷- فضیلت و ثواب ۲۳۱
- ۸- منافع اجتماعی ۲۳۱
- *** خاطره *** ۲۳۲
- رشد، تکامل و شایستگی ۲۳۲
- اشاره ۲۳۲
- الف) باهای بی رشدی ۲۳۲
- ب) بی های بی رشدی ۲۳۳
- ج) رشد اکتسابی است ۲۳۳
- شخصیت انسان رشید (عوامل رشد) ۲۳۴
- اشاره ۲۳۴
- ۱- اصل گرایش به قرآن ۲۳۴
- ۲- انس با کلام راهبران ۲۳۴
- ۳- انس و ارتباط با گفتار مشاهیر ۲۳۴
- ۴- تقویت آگاهی ها ۲۳۵
- ۵- سنجش و نتیجه گیری ۲۳۵
- ۶- مطالعه درس های تاریخی ۲۳۵
- اشاره ۲۳۵
- ۱- جاهلان ۲۳۶
- ۲- غافلان ۲۳۷
- اشاره ۲۳۷
- الف) استمرار حالت ذکر و ادامه آن ۲۳۷
- ب) یقظه ۲۳۸

- ج) راه دوّم برای رهایی از بیماری غفلت ۲۳۸
- ۳) کاهلان ۲۳۹
- کیفیت روش های رشد و تکامل (راهکارها) ۲۴۰
- عملی: ۲۴۰
- مراقبت و بهره برداری از سرمایه های حیات از دیدگاه روان شناسی ۲۴۰
- اشاره ۲۴۰
- الف) در دوره نوجوانی ۲۴۰
- اشاره ۲۴۰
- اعمال رشدی مهم نوجوان عبارتند از: ۲۴۲
- ب) مهارت های اجتماعی ۲۴۲
- ج) مدیریت بازتاب ۲۴۳
- اشاره ۲۴۳
- ۱- حالت درون گرایی ۲۴۵
- ۲- حالت برون گرایی ۲۴۵
- ۳- حالت دوگانگی روانی ۲۴۵
- د) مدیریت رشد اجتماعی ۲۴۶
- معنویت سرمایه های حیات از دیدگاه قرآن کریم ۲۴۹
- هماهنگی با مدیریت سرمایه های حیات از دیدگاه مشاهیر ۲۵۰
- فصل ششم: توفیق (درخواست امداد و یاری از او) ۲۵۲
- اشاره ۲۵۲
- تعریف واژه ۲۵۳
- جایگاه و اهمیت توفیق ۲۵۴
- خصوصیات توفیق خواهی ۲۵۴
- ۱- آسودگی خاطر ۲۵۴
- ۲- حرکت در پرتو لطف الهی ۲۵۴
- ۳- سرعت در امور زندگی ۲۵۵

- ۴- سیر و سلوک ۲۵۵
- ۵- لذت های مشروع ۲۵۵
- ۱- اصل احترام به والدین ۲۵۶
- ۲- اصل اخلاص ۲۵۶
- ۳- اصل تجربه آموزی ۲۵۶
- ۴- ترخم به مردم ۲۵۶
- ۵- توکل و رضا ۲۵۶
- ۶- حفظ دین داری ۲۵۶
- توفیق و عدم توفیق در یک خانواده ۲۵۷
- ۷- درخواست و توسل به او ۲۵۸
- عوامل سلب توفیق ۲۵۸
- الف) سلب توفیق قرائت قرآن ۲۵۸
- ب) مردی که توفیق نداشت ۲۵۹
- فراگیری روش های کسب توفیق (راهکارها) ۲۶۰
- علمی: ۲۶۰
- عملی: ۲۶۰
- کسب توفیق با توسل ۲۶۱
- ۲- اصل زندگی در پرتو اخلاق ۲۶۲
- ۳- اصل عبادت خدا ۲۶۲
- ۴- قرآن ۲۶۲
- ۵- محبت و دوستی اهل بیت ۲۶۲
- کسب توفیق از نظرگاه آیات الهی ۲۶۵
- الف) توفیق ۲۶۵
- ب) توفیق ایمان ۲۶۵
- پ) توفیق الهی در انجام تکالیف ۲۶۶
- ج) توفیق الهی و توبه ۲۶۶

- ۲۶۶ (د) توفیق الهی و رحمت الهی
- ۲۶۷ (و) توفیقات الهی و حسن نیت
- ۲۶۷ (ی) توفیقات در انفاق نعم الهی
- ۲۶۷ توفیق از نظرگاه معصومین (علیهم السلام)
- ۲۶۸ کسب قابلیت از نگاه شعرا
- ۲۷۰ فصل هفتم: حرفه آموزی و هنرمندی
- ۲۷۰ اشاره
- ۲۷۱ تعریف واژه
- ۲۷۲ جایگاه و اهمیت آن
- ۲۷۲ خصلت های هنر
- ۲۷۲ اشاره
- ۲۷۲ ۱- بروز استعداد ها در مجاری سالم
- ۲۷۲ ۲- بهبود وضع اقتصادی
- ۲۷۳ ۳- بیان احساسات
- ۲۷۳ ۴- خوشحالی، کامیابی و تغذیه روح
- ۲۷۳ ۵- دوری از آفات بیکاری
- ۲۷۴ ۶- عزت
- ۲۷۴ ۷- یاری رسانی
- ۲۷۴ اشاره
- ۲۷۴ ۱- آشنایی با هنرمندان
- ۲۷۴ ۲- امیدواری
- ۲۷۵ ۳- تخصص و بهره برداری
- ۲۷۵ ۴- حس تعهد
- ۲۷۵ ۵- رهروی و پیروی
- ۲۷۶ کیفیت هنر در منزل
- ۲۷۶ اشاره

- ۱- سخنوری و فن بیان ۲۷۶
- ۲- شعر و شاعری ۲۷۸
- ۳- هنر خطاطی و نویسندگی ۲۷۸
- ۴- هنر خیاطی و بافندگی ۲۸۰
- کیفیت هنر در مسابقه تیر اندازی ۲۸۲
- مدیریت تحصیل هنر جویی (راهکارها) ۲۸۳
- مدیریت هنر جویی ۲۸۳
- مهارت های هنر جویی ۲۸۵
- نیاز به هنر جویی ۲۸۶
- هنر جویی از نظرگاه آیات و احادیث ۲۸۷
- اشاره ۲۸۷
- ۱_ آیات: ۲۸۷
- ۲_ احادیث ۲۸۸
- اشاره ۲۸۸
- الف) مدیریت و نیاز هر صنعتگر ۲۸۸
- ب) نکوهش شب تا صبح کار کردن ۲۸۸
- هنر جویی از نظرگاه بزرگان ۲۸۸
- اشاره ۲۸۸
- الف) آحاد ملت ها در پی کار و تلاش ۲۸۸
- ب) افراد پرکار و بیکار ۲۹۰
- فصل هشتم: راستگویی و امانت داری ۲۹۱
- اشاره ۲۹۱
- تعریف واژه ۲۹۲
- جایگاه و اهمیت آن ۲۹۳
- خصلت های راستگویی و امانت داری ۲۹۳
- اشاره ۲۹۳

- ۲۹۳ ۱- آسودگی خاطر
- ۲۹۴ ۲- استحکام پیمان ها
- ۲۹۴ ۳- اعتماد عمومی
- ۲۹۴ اشاره
- ۲۹۴ «جوان امانتدار»
- ۲۹۶ ۴- رشد اقتصادی و فرهنگی جامعه
- ۲۹۶ ۵- عزت نفس
- ۲۹۷ ۶- مانع اختلاف خانوادگی
- ۲۹۷ ۷- فضیلت
- ۲۹۷ اشاره
- ۲۹۸ از ژرفای سیره اولیاء
- ۲۹۸ ۸- موجب مغفرت
- ۲۹۹ شخصیت راستگویان و امانت داران (راز سعادت)
- ۲۹۹ اشاره
- ۲۹۹ ۱- اعتقاد
- ۲۹۹ ۲- رهروی از راهبر
- ۲۹۹ اشاره
- ۳۰۰ شرط حاج شیخ عبدالکریم حائری
- ۳۰۰ ۳- عدم ستوه و رنجش
- ۳۰۱ ۴- عدم شراب خواری
- ۳۰۱ ۵- عدم منافق صفتی
- ۳۰۱ ۶- کراهت دوستی با دروغگو
- ۳۰۲ شخصیت دروغگو
- ۳۰۲ اشاره
- ۳۰۲ الف) انواع دروغ
- ۳۰۳ ب) دروغ و خیانت

- ج) چه موقعی دروغ گفتن جایز است؟! - - - - - ۳۰۵
- و) توریه - - - - - ۳۰۶
- ی) دروغ مصلحت آمیز - - - - - ۳۰۷
- فراگیری انواع امانت داری - - - - - ۳۰۸
- اشاره - - - - - ۳۰۸
- الف) امانات حق - - - - - ۳۰۸
- ب) امانات سیاسی - - - - - ۳۰۹
- ج) امانت اقتصادی - - - - - ۳۱۰
- و) امانت خانوادگی - - - - - ۳۱۲
- ی) امانات فرهنگی - - - - - ۳۱۲
- فراگیری روش های امانت داری و راستگویی - - - - - ۳۱۲
- علمی : - - - - - ۳۱۲
- عملی: - - - - - ۳۱۳
- لزوم امانت داری از دیدگاه قرآن کریم - - - - - ۳۱۳
- اشاره - - - - - ۳۱۳
- الف) اهمیت حفظ امانت - - - - - ۳۱۳
- ب) اهمیت باز گرداندن امانت - - - - - ۳۱۳
- ج) امانت داری از صفات مؤمنین - - - - - ۳۱۴
- د) امین بودن انبیاء - - - - - ۳۱۴
- ه) امین بودن کارگر - - - - - ۳۱۴
- ی) لزوم مراعات امانت در تجارت - - - - - ۳۱۴
- لزوم امانت داری و راستگویی از نظرگاه بزرگان - - - - - ۳۱۵
- فصل نهم: زیارت و بزرگداشت شهدا - - - - - ۳۲۰
- اشاره - - - - - ۳۲۰
- ترتیب شهید - - - - - ۳۲۲
- تعریف و معنی زیارت - - - - - ۳۲۲

۳۲۲ اشاره

۳۲۲ ۱_ معنی زیارت

۳۲۲ الف) معنای لغوی:

۳۲۳ ب) معنای اصطلاحی:

۳۲۳ ۲_ تعریف واژه

۳۲۳ جایگاه و اهمیت آن

۳۲۳ زیارت عارفانه (انواع زیارت)

۳۲۳ اشاره

۳۲۳ ۱_ زیارت بر مبنای جهل (جاهلان)

۳۲۴ ۲_ زیارت بر مبنای عادت (عامیانه)

۳۲۴ ۳_ زیارت بر مبنای عقل و علم

۳۲۴ ۴_ زیارت عارفانه (زیارتی بر مبنای عشق و عرفان)

۳۲۴ زیارت فرصتی برای شناخت نیازها (توصیف زیارت)

۳۲۷ زیارت فرصتی برای تکامل زائر است

۳۲۸ زیارت معنوی شهید کربلا

۳۲۹ فواید زیارت

۳۲۹ اشاره

۳۳۰ ۱_ اجابت حاجات

۳۳۰ ۲_ بزرگداشت شهید و شهادت

۳۳۰ اشاره

۳۳۰ گریه بر شهید

۳۳۱ ۳_ تداوم اعتقاد

۳۳۱ ۴_ سیر و سلوک

۳۳۱ ۵_ پاداش و ثواب

۳۳۱ اشاره

۳۳۲ «پیوند با شهیدان»

- ۳۳۳ ----- ۶ - کسب فضایل معنوی
- ۳۳۳ ----- ۷_ مغفرت
- ۳۳۴ ----- ۸ _ نشاط، ناشی از ایمان و تغذیه روح
- ۳۳۴ ----- مدیریت روش های زیارت (راهکارها)
- ۳۳۴ ----- علمی :
- ۳۳۴ ----- عملی:
- ۳۳۴ ----- معنویت شهید و چگونگی زیارت از دیدگاه قرآن کریم
- ۳۳۴ ----- (شهادت در راه خدا)
- ۳۳۴ ----- اشاره
- ۳۳۶ ----- الف) آموزش و شهادت
- ۳۳۶ ----- ب) آموزش و شهید
- ۳۳۶ ----- ج) شهید زنده است
- ۳۳۶ ----- د) عظمت مقام شهید
- ۳۳۷ ----- و) عظمت، مقام و اجر شهید
- ۳۳۷ ----- هـ) عظمت، مقام و اجر عظیم شهید
- ۳۳۷ ----- معنویت و حیات واقعی شهید
- ۳۳۸ ----- معنویت شهید و چگونگی نکوداشت شهدا از دیدگاه معصومین(علیهم السلام)
- ۳۳۸ ----- اشاره
- ۳۳۸ ----- الف) بالا ترین نیکی
- ۳۳۸ ----- ب) برترین قتل شهادت است
- ۳۳۹ ----- ج) برترین مبارز شهید است
- ۳۳۹ ----- د) خون شهید
- ۳۳۹ ----- ذ) شفاعت شهید
- ۳۴۰ ----- هـ) شهید درد جراحات را احساس نمی کند
- ۳۴۰ ----- ی) شهید و کفار گناهان
- ۳۴۲ ----- فصل دهم: سرعت، سبقت و تلاش برای الگو شدن

- ۳۴۲ اشاره
- ۳۴۳ تفاوت «سرعت» و «سبقت»
- ۳۴۴ تعریف واژه
- ۳۴۴ جایگاه و اهمیت آن
- ۳۴۴ الف) اهمیت آن
- ۳۴۵ ب) جایگاه سرعت و سبقت
- ۳۴۵ خصوصیات سرعت و سبقت
- ۳۴۵ اشاره
- ۳۴۶ (۱) استفاده کامل از لحظات زندگی
- ۳۴۶ (۲) اعتماد و اطمینان
- ۳۴۶ (۳) روابط سازنده در خانواده
- ۳۴۷ ۴- سرعت در اعمال دینی
- ۳۴۷ (۵) سیاست
- ۳۴۷ (۶) عدم ملالت
- ۳۴۷ (۷) کیاست و بزرگی
- ۳۴۸ (۸) مورد اطمینان
- ۳۴۸ (۹) موفقیت
- ۳۴۸ (۱۰) نشاط ایمانی
- ۳۴۸ (۱۱) هم دردی با قشر کم درآمد
- ۳۴۸ ***خاطره***
- ۳۴۹ شخصیت سبقت گیرندگان واقعی (ملاک های موفقیت آفرین)
- ۳۴۹ اشاره
- ۳۴۹ (۱) اسیر سرعت خویش نیستند !!
- ۳۴۹ (۲) تأمل کامل
- ۳۴۹ (۳) خستگی ناپذیری
- ۳۵۰ (۴) دور اندیشی

- ۳۵۰ (۵) عدم ترس های بی مورد
- ۳۵۰ (۶) عدم سرعت غیر مجاز
- ۳۵۰ (۷) هر چیزی در جای خویش
- ۳۵۰ فراگیری روش های سرعت و سبقت
- ۳۵۰ علمی :
- ۳۵۱ عملی:
- ۳۵۱ فراگیری روش های الگو شدن
- ۳۵۱ نمونه ها و الگوها از دیدگاه قرآن
- ۳۵۱ الف) پیامبر الگویی بزرگ
- ۳۵۲ ب) حضرت ابراهیم الگویی بزرگ
- ۳۵۳ د) قارون الگوی دنیا پرستان
- ۳۵۴ فصل یازدهم: عادت ممدوح
- ۳۵۴ اشاره
- ۳۵۵ تعریف واژه
- ۳۵۵ جایگاه و اهمیت آن
- ۳۵۶ خصوصیات عادات ممدوح
- ۳۵۶ اشاره
- ۳۵۶ (۱) ابعاد اجتماعی
- ۳۵۶ اشاره
- ۳۵۶ هجرت از عادت
- ۳۵۷ (۲) ابعاد خانوادگی
- ۳۵۷ اشاره
- ۳۵۷ کنترل عادت ها
- ۳۵۸ (۳) اصل کاربرد
- ۳۵۹ (۴) تحول ملت ها
- ۳۵۹ (۵) تقویت اندیشه

- ۳۵۹ قدرت ابتکار (۶)
- ۳۶۰ فرصت شناسی (۷)
- ۳۶۰ نمود و اصل مذهبی (۸)
- ۳۶۰ نمود و اصل ملی (۹)
- ۳۶۰ شخصیت پیروان عادات ممدوح
- ۳۶۰ اشاره
- ۳۶۰ (۱) پرورش نفس
- ۳۶۰ اشاره
- ۳۶۰ *** خاطره ***
- ۳۶۱ (۲) تسلط و برتری
- ۳۶۱ اشاره
- ۳۶۱ مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی
- ۳۶۱ (۳) چشم انداز زیبایی رفاقت
- ۳۶۲ (۴) عدم مطلق نگری
- ۳۶۲ (۵) متعصبین جاهل
- ۳۶۲ فراگیری روش های تغییر عادت (قاعده طلایی)
- ۳۶۲ مدیریت عادت از دیدگاه آیات الهی
- ۳۶۲ اشاره
- ۳۶۴ الف) افراد ستم پیشه (عاقبت عادت مذموم)
- ۳۶۴ ب) تسلط بر عادت
- ۳۶۴ ج) عادت به گناه
- ۳۶۵ د) عادت و ارزش های اخلاقی پسندیده
- ۳۶۵ و) غلبه عادت بر فطرت
- ۳۶۵ ه) غلبه عادت و رویگردانی از حق
- ۳۶۶ ی) غلبه عادت مذموم
- ۳۶۶ مدیریت عادت ممدوح از دیدگاه روایات

۳۶۶ اشاره

۳۶۶ الف) الگوی والا

۳۶۶ ب) ترک عادات ناپسند

۳۶۷ ج) روش ترتیب روح

۳۶۷ د) عادت به تقوا

۳۶۷ ذ) عادت به صبر

۳۶۷ و) عادت مذموم

۳۶۸ هـ) عادت معتاد

۳۶۸ ی) هنر ترک عادت

۳۷۰ فصل دوازدهم: عبرت (آموخته های عملی)

۳۷۰ اشاره

۳۷۲ تعریف واژه

۳۷۲ جایگاه و اهمیت آن

۳۷۲ اشاره

۳۷۲ (۱) آقایی و بزرگی

۳۷۲ (۲) ابزار خلاقیت و قدرت

۳۷۳ (۳) اندیشه گرایی

۳۷۳ اشاره

۳۷۳ *** حکایت ***

۳۷۴ (۴) عدم انحراف تاریخی

۳۷۴ (۵) خسارت و شکست

۳۷۴ (۶) قانع و سازگار

۳۷۴ (۷) قرب الهی

۳۷۴ اشاره

۳۷۵ سر بُردن به جای سیلی خوردن!

۳۷۶ (۸) نشاط ناشی از ایمان و عدم یأس

- شخصیت عبرت گیرندگان ۳۷۶
- اشاره ۳۷۶
- ۱ - استعداد یابی ۳۷۶
- ۲- بهره برداری از شناخت ۳۷۶
- ۳) بهره گیری از هشدارها ۳۷۷
- ۴) پاک سازی درون ۳۷۷
- اشاره ۳۷۷
- *** حکایت *** ۳۷۸
- ۵) عدم اتلاف وقت ۳۷۸
- ۶) عدم فراموشی ۳۷۹
- فراگیری راه های عبرت آموزی (راهکارها) ۳۷۹
- علمی : ۳۷۹
- عملی: ۳۷۹
- معنویت و عبرت از دیدگاه آیات الهی ۳۷۹
- اشاره ۳۷۹
- الف) تقوا شرط عبرت آموزی ۳۷۹
- ب) خانه های خالی ظالمان گذشته مایه عبرت ۳۸۰
- ج) درس های پند آموز تاریخ ۳۸۰
- د) عبرت در زمین ۳۸۰
- و) عبرت و اربابان بصیرت ۳۸۰
- ه) عبرت و عاقبت شوم کفار گذشته ۳۸۱
- ی) عدم چشم بصیرت آدمی باعث عبرت نگرفتن از تاریخ ۳۸۱
- معنویت عبرت از نظرگاه روایات ۳۸۱
- اشاره ۳۸۱
- الف) پند آموزی از پیشینیان ۳۸۱
- ب) دنیا و عبرت از آن ۳۸۲

۳۸۲	ج) عبرت و پند اندک
۳۸۴	فصل سیزدهم: عدم آشفتنگی و تزلزل
۳۸۴	اشاره
۳۸۶	تعریف واژه
۳۸۶	جایگاه و اهمیت آن
۳۸۶	خصوصیات عدم تزلزل
۳۸۶	اشاره
۳۸۶	۱) انجام اعمال نیکو و وجدان فروزنده
۳۸۶	۲) انجام کارهای بزرگ
۳۸۷	۳) تصمیم قاطع
۳۸۷	۴) ثبات عقیده
۳۸۷	۵) عدم آسیب های تن و روان
۳۸۷	۶) عدم همکاری با دزدان فرصت ها
۳۸۷	۷) نوید بخش انضباط
۳۸۷	شخصیت افراد بدون تزلزل (راه رسیدن به مقصود)
۳۸۷	اشاره
۳۸۸	۱- ارتباط قلبی
۳۸۹	۲) چگونه زیستن
۳۹۰	۳) درخواست و توسل
۳۹۰	۴) عدم افکار نامطلوب
۳۹۰	۵) عدم خود باختگی
۳۹۱	۶) کنترل و تعادل
۳۹۱	فراگیری روش های عدم آشفتنگی و تزلزل (راهکارها)
۳۹۱	علمی :
۳۹۱	عملی:
۳۹۱	مدیریت عدم تزلزل از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام)

- مدیریت عدم تزلزل از دیدگاه بزرگان ۳۹۲
- فصل چهاردهم: عدم اعتیاد ۳۹۴
- اشاره ۳۹۴
- تعریف واژه ۳۹۵
- جایگاه و اهمیت آن ۳۹۵
- خصوصیات عدم اعتیاد ۳۹۶
- اشاره ۳۹۶
- (۱) اطاعت از ایزد متعال ۳۹۶
- (۲) اطمینان برتر ۳۹۷
- (۳) امنیت و ارتباطات در خانواده ۳۹۷
- (۴) امین ۳۹۷
- (۵) چشم انداز زیبایی ۳۹۷
- (۶) دوری از کسالت ۳۹۸
- (۷) روح سالم در بدن سالم ۳۹۸
- (۸) شغل شرافتمندانه ۳۹۸
- (۹) عامل مدد رسانی ۳۹۸
- (۱۰) عدم تباهی ۳۹۹
- (۱۱) منافع اجتماعی ۳۹۹
- (۱۲) منافع خانوادگی ۳۹۹
- باید پیشگیری شود، زیرا معتاد مریض است!! ۳۹۹
- دیدگاه قرآن کریم درباره اعتیاد ۴۰۰
- اشاره ۴۰۰
- الف) ماده مخدر و فساد در زمین ۴۰۰
- ب) ماده مخدر و کارهای افراطی ۴۰۱
- ج) ماده مخدر و هلاکت ۴۰۱
- د) مذمت عدم مواظبت از اموال ۴۰۲

- ۴۰۲ (و) مذمت مادهٔ مخدر و غفلت
- ۴۰۳ (هـ) نکوهش کارهای بیپوده
- ۴۰۳ (ی) دیدگاه پیامبر (صلی الله علیه وآله) دربارهٔ اعتیاد
- ۴۰۳ روش های عدم اعتیاد
- ۴۰۶ فصل پانزدهم: عدم سستی و تنبلی
- ۴۰۶ اشاره
- ۴۰۷ تعریف واژه
- ۴۰۸ جایگاه و اهمیت آن
- ۴۰۸ خصوصیات عدم سستی و تنبلی (کلید جادویی کامیابی)
- ۴۰۸ اشاره
- ۴۰۸ (۱) ارزش برای موفقیت ملت ها
- ۴۰۸ اشاره
- ۴۰۸ *** روایت ***
- ۴۰۹ (۲) امیدهای تحقق یافته
- ۴۰۹ اشاره
- ۴۰۹ استخارهٔ سیاحتگر شرق و غرب
- ۴۱۱ (۳) بهترین پشتیبان
- ۴۱۱ اشاره
- ۴۱۱ «بند کفش»
- ۴۱۱ (۴) پیروزی ملت ها
- ۴۱۲ (۵) چگونه زیستن
- ۴۱۲ اشاره
- ۴۱۲ «خواهش»
- ۴۱۲ (۶) حفظ موقعیت های مناسب
- ۴۱۳ (۷) خوشحالی
- ۴۱۳ (۸) دشمنی با شیطان

- ۴۱۴ سلامت نفس (۹)
- ۴۱۴ نجات از رذیلت ها (۱۰)
- ۴۱۵ شخصیت عمل گرایان
- ۴۱۵ اشاره
- ۴۱۵ (۱) استعداد شناسی
- ۴۱۵ (۲) اصل قدرت اراده
- ۴۱۶ (۳) پرواز بر فراز قله های ترقی
- ۴۱۶ اشاره
- ۴۱۶ *** روایت ***
- ۴۱۶ (۴) سعی شرافتمندانه
- ۴۱۶ اشاره
- ۴۱۶ *** روایت ***
- ۴۱۷ (۵) عدم هراس از شکست
- ۴۱۷ (۶) عدم سستی باعث ثروت
- ۴۱۷ اشاره
- ۴۱۷ از خشکبار فروشی تا شهرت نویسندگی
- ۴۱۸ (۷) عدم شکایت از روزگار
- ۴۱۸ (۸) قانون سلطه
- ۴۱۸ (۹) مدرسه معرفت
- ۴۱۸ اشاره
- ۴۱۸ «کوشش ادیسون»
- ۴۱۹ (۱۰) یکرنگی اصل حیرت انگیز
- ۴۱۹ فراگیری روش های مبارزه با سستی و تنبلی
- ۴۱۹ اشاره
- ۴۱۹ ۱ - آگاهی
- ۴۱۹ ۲ - استمداد از پروردگار

- ۴۲۰ (۳) انضباط و نظم پذیری
- ۴۲۰ (۴) تقویت ایمان
- ۴۲۰ (۵) دل نبستن به دنیا
- ۴۲۱ ۶- کسب موفقیت های دنیایی و آخرتی
- ۴۲۲ عدم سستی و تنبلی از نظرگاه آیات الهی
- ۴۲۲ اشاره
- ۴۲۲ الف) آثار تلاش
- ۴۲۲ ب) تلاش برای کسب دنیا و نتیجه آن
- ۴۲۳ پ) تلاش در راه خدا
- ۴۲۳ ج) سعی و تلاش بی ثمر
- ۴۲۳ و) هدایت در راه تلاش برای کسب روزی
- ۴۲۴ ه) هدایت و مطلوب بودن تلاش برای کار نیک
- ۴۲۵ مدیریت کوشش و تلاش از دیدگاه بزرگان
- ۴۲۵ الف) از حرف تا عمل
- ۴۲۶ ب) خواسته ها و آرزوهای انسان
- ۴۲۶ ج) کار و تلاش لازمه زندگی بشر
- ۴۲۸ فصل شانزدهم: عدم همکاری با ستمگران
- ۴۲۸ اشاره
- ۴۲۹ تعریف واژه
- ۴۲۹ جایگاه و اهمیت آن
- ۴۳۰ چرا با ستمگران مبارزه می کنیم؟!
- ۴۳۶ چگونگی پاسخ ظالم در روز قیامت
- ۴۳۹ چگونگی و چرایی یاری ظالمان
- ۴۴۰ چگونگی بی تفاوتی نسبت به ظالم
- ۴۴۴ خصوصیات عدم تمکین ظالمان
- ۴۴۴ اشاره

- ۴۴۴ (۱) آزادی جوامع
- ۴۴۴ (۲) استقلال ملت ها
- ۴۴۴ (۳) امنیت آحاد ملت ها
- ۴۴۴ اشاره
- ۴۴۵ «مقدس اردبیلی»
- ۴۴۵ (۴) حاکمیت اسلامی
- ۴۴۵ اشاره
- ۴۴۶ *** روایت ***
- ۴۴۶ (۵) عدالت موجب خوشبختی
- ۴۴۶ (۶) غفران
- ۴۴۶ (۷) نشاط ناشی از فضیلت
- ۴۴۷ شخصیت مبارزان و مجاهدان راه خدا (زندگی نمونه)
- ۴۴۷ اشاره
- ۴۴۷ (۱) ایمان به خدا و روز بازپسین
- ۴۴۷ (۲) جوانمردی و مروت
- ۴۴۷ (۳) استمداد از او
- ۴۴۸ (۴) شناخت
- ۴۴۸ (۵) عدم فریب
- ۴۴۸ اشاره
- ۴۴۸ *** تصمیم ناگهانی ***
- ۴۵۱ (۶) وجدانی بیدار
- ۴۵۱ شخصیت و تمایلات ستمگران
- ۴۵۲ فراگیری روش های عدم تمکین ستمگران (راهکارها)
- ۴۵۲ مفساد تمکین ستمگران
- ۴۵۲ مفساد تمکین با ستمگران از نگاه آیات الهی
- ۴۵۲ اشاره

- ۴۵۳ الف) آیات الهی و شقاوت
- ۴۵۴ ب) آیات خدا برای عدم حمایت ستمگران دنیا
- ۴۵۴ ج) حکومت ظالمانه
- ۴۵۴ د) رابطه تکبر و ظلم
- ۴۵۵ و) محکوم به شکست
- ۴۵۵ ی) محکومیت ستمگران
- ۴۵۵ مفسد عدم مبارزه با ستمگران از دیدگاه پیامبر اسلام(صلی الله علیه واله) -
- ۴۵۵ اشاره
- ۴۵۶ الف) بدترین اخلاق حکمرانان
- ۴۵۶ ب) پرهیز از درمان
- ۴۵۷ مفسد عدم مبارزه با ستمگران از دیدگاه مشاهیر
- ۴۵۷ الف) عامل اصلی پیدایش ظالمان
- ۴۵۷ ب) زور گویی و استفاده نامحدود از قدرت
- ۴۵۷ ج) قبول ظلم
- ۴۵۸ مفسد عدم یاری ظالمان از دیدگاه شعرا
- ۴۶۱ فصل هفدهم: گرایش به قرآن
- ۴۶۱ اشاره
- ۴۶۳ تعریف واژه
- ۴۶۴ جایگاه و اهمیت آن
- ۴۶۴ خصوصیات گرایش به قرآن
- ۴۶۴ اشاره
- ۴۶۴ (۱) آب حیات
- ۴۶۴ اشاره
- ۴۶۴ *** روایت ***
- ۴۶۵ (۲) استمداد
- ۴۶۵ (۳) تازگی و طراوت

- ۴ دارویی بدون عوارض منفی ۴۶۵
- اشاره ۴۶۵
- «هجرت از گناه» ۴۶۶
- ۵) زندگی سعادتمندان ۴۶۷
- اشاره ۴۶۷
- «کاش به حفظ قرآن می پرداختیم» ۴۶۷
- «قبال لاهوری و انس با قرآن» ۴۶۸
- ۶) شفاء و رحمت ۴۶۸
- ۷) گرایش به ارزش ها ۴۶۹
- اشاره ۴۶۹
- «هدایت خاصه» ۴۷۰
- ۸) نشاط ناشی از ایمان ۴۷۱
- شخصیت قاریان قرآن ۴۷۱
- اشاره ۴۷۱
- ۱) پناه بردن به خدا ۴۷۱
- ۲) ترتیل (روشن و شمرده خواندن) ۴۷۲
- ۳) تفکر و تدبّر ۴۷۲
- اشاره ۴۷۲
- وای بر قاریان بدون تدبّر! ۴۷۳
- ۴) خشوع ۴۷۴
- اشاره ۴۷۴
- «یاد جهنم به وسیله قرآن» ۴۷۴
- ۵) مسواک ۴۷۵
- شناخت و چگونگی آشنایی با قرآن ۴۷۵
- آموزش و تعلیم ۴۷۶
- تجوید ۴۷۶

- ۴۷۶ حفظ آیات و معنای ظاهری آنها
- ۴۷۶ شناخت مفاهیم معانی و مقاصد
- ۴۷۷ قرآن چگونه کتابی است؟!
- ۴۸۱ قرآن کریم از نگاه آیات الهی
- ۴۸۵ قرآن کریم معجزه جاوید
- ۴۸۶ قرآن و عترت امانت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله)
- ۴۹۰ فهرست منابع
- ۴۹۷ کتاب های منتشر شده همین نویسنده:
- ۴۹۷ از همین نویسنده به زودی منتشر می شود:
- ۴۹۹ درباره مرکز

سرشناسه : رجائی ، محمدرضا، 1341 -

عنوان و نام پدیدآور : راز طلایی / مؤلف محمدرضا رجایی.

مشخصات نشر : اصفهان: اقیانوس معرفت ، 1395.

مشخصات ظاهری : 400ص.

شابک : 978-600-5301-63-2

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : رستگاری (اسلام)

موضوع : Salvation -- Islam

موضوع : خوشبختی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : Happiness -- Religious aspects -- Islam

موضوع : اخلاق اسلامی

موضوع : Islamic ethics

موضوع : موفقیت

موضوع : Success

موضوع : راه و رسم زندگی (اسلام)

موضوع : Conduct of life -- *Religious aspects -- Islam

موضوع : خوشبختی -- کلمات قصار

موضوع : Happiness -- Quotations, maxims, etc

رده بندی کنگره : 17 1395 ر 26 / BP 258

رده بندی دیویی : 297/72

شماره کتابشناسی ملی : 4525967

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

راز طلائی

نویسنده: محمد رضا رجائی

ص: 3

راز طلائی

نویسنده: محمد رضا رجائی

صفحه آرایی: سید محسن موسوی

انتشارات: اقیانوس معرفت

مدیر تولید: فخر السادات علوی

شمارگان: 1000 نسخه

نوبت چاپ: اول 1395

لیتوگرافی: آسمان * چاپ: شهریار * صحافی: آذر

شابک: 978-600-5301-63-2

حق چاپ و نشر محفوظ است.

بها: 120000 ریال

ص: 4

مقدمه. 31

فصل اول

آسیب شناسی موفقیت و خوشبختی

تعریف واژه 35

جایگاه و اهمیت آسیب شناسی.. 35

خصوصیات آسیب شناسی.. 36

1. آموزش و بهره گیری (مجهولات) 36

آفات علم بدون تزکیه. 37

2. اندیشه گرایی و دور اندیشی.. 38

3. پرهیز از ارتکاب گناه 38

داستان. 39

آب لیموی شیراز. 40

4. تفاهم اخلاقی خانواده (عدم روابط سالم زن و شوهر) 41

5. تواضع و فروتنی (کبر) 41

6. خوش بینی (بدگمانی) 42

7. دوست دانا 42

8. سخن نیکو (بیهوده گویی) 43

9. شجاعت و شهامت (ترس) 44

10. صرفه جویی و اندازه نگه داشتن (ولخرجی) 44

11. فرصت شناسی (دزدهای فرصت ها) 45

12. فضیلت و برتری (دوری از قرب الهی) 45

تسلیم را از کبوتران بیاموزید. 46

13. منافع گوناگون دیگر. 47

ص: 5

14. نیکبختی و سعادت.. 47

شخصیت آسیب شناسان (راز کام یابان) 48

1. پاداش و ثواب.. 48

آفت اخلاص... 48

2. پیروی از الگوها 48

3. حرکت.. 49

4. عبرت یا آموخته های عملی.. 49

زن احمق.. 49

5. عدم غفلت.. 50

آفات ثروت برای انسان سست عنصر. 50

6. عقل گرایی.. 51

7. ویژگی های تبادل نظر. 51

فرازهایی از آسیب شناسی راه های رسیدن به موفقیت و خوشبختی.. 52

فراگیری روش های حفظ دستاوردها (ملاک های بهروزی) 60

علمی.. 60

عملی.. 60

مراقبت و آسیب شناسی از دیدگاه قرآن کریم. 60

الف. آسیب شناسی شناخت.. 60

ب. آفت ایمان. 61

ج. آفت حق گرایی.. 61

د. تقلید کورکورانه، آفت هدایت.. 61

ی. جهل، آفت اصلاح.. 61

مراقبت و آسیب شناسی از دیدگاه معصومین.. 62

1- آفت دین.. 62

2- شرافت خانوادگی.. 62

3- کردار. 63

4- مراقبت و آفت زدایی.. 64

مراقبت و آفت زدایی از دیدگاه بزرگان. 64

الف) آفت اراده 64

ب) آفت اندیشه. 65

ج) آفت مقاومت و پایداری.. 65

ص: 6

د) حفظ دستاوردها 66

موانع و آفات جوانی.. 67

موانع و آفات نهضت ها 68

موانع و عوامل موهوم موفقیت و پیروزی (نکته های جادویی) 68

1_ اقبال گرایی.. 69

2_ اموال اجداد. 69

3_ حادثه و تصادف.. 70

داستان. 70

4_ رؤیا پردازی سرنوشت.. 71

فصل دوم

احتیاط، دقت و دوراندیشی

تعریف واژه 75

جایگاه و اهمیت احتیاط، دقت و دوراندیشی.. 75

جلوگیری از شتاب زدگی.. 76

حکایت.. 77

خصوصیات احتیاط و دقت.. 78

1. امنیت جانی و مالی.. 78

2. سالم ماندن از آسیب ها 79

3. عدم ناسازگاری با مخالفان (مدارا) 79

4. فرصت شناسی.. 80

5. معنویت و عبودیت.. 80

6. نیکبختی و موفقیت.. 82

شخصیت افراد با احتیاط، دقیق و دور اندیش (چشم انداز زیبایی) 83

1. اراده ای خلل ناپذیر و تصمیمی قاطع. 83

روایت.. 84

2. به کارگیری آموخته های تجربی.. 84

لمس آیات.. 87

3. سپاسگذاری.. 88

4. شکایا و پایدار. 88

5. در نور دیدن زمان و مکان. 89

ص: 7

6. دوست، یاور!! 89

7. عدم بلند پروازی های خطرناک.. 89

8. مشاوره و تبادل نظر. 90

فراگیری روش های احتیاط و دقت (ملاک های کامیابی) 90

علمی 90

علمی 90

کیفیت احتیاط و دقت از دیدگاه قرآن مجید. 91

الف) دقت در امور آخرت.. 91

ب) دقت در محاسبه. 91

ج) دقت در میزان. 91

د) دقت و روابط سالم در امور زندگی.. 92

و) عاقبت اندیشی و رضای خدا 92

ز) عاقبت اندیشی و متّین.. 92

ی) هشدار برای احتیاط.. 92

کیفیت دقت و احتیاط از دیدگاه معصومین.. 93

الف) ارتباط احتیاط و دور اندیشی.. 93

ب) ارتباط احتیاط و معنویت.. 93

و) ارتباط دور اندیشی و بدگمانی.. 93

هـ) ارتباط دور اندیشی و زمان. 94

دور اندیشی از دیدگاه بزرگان. 94

دور اندیشی و دقت از دیدگاه شعرا 95

فصل سوم

اهداف

تعریف واژه 99

تلاش برای آینده گریز ناپذیر. 99

جایگاه و اهمیّت آن. 101

خصلت «ایمان به هدف» 101

خصوصیات اهداف موفقیت آمیز. 103

1. اصل اخلاق.. 103

2. اصل روابط سالم در خانواده 103

3. امور مادی.. 103

ص: 8

4. تحصیل و تخصّص.. 103

5. شغل پر در آمد و بدون حاشیه. 103

6. فضیلت و برتری.. 104

7. ملاک شادکامی و بهروزی.. 104

رعایت اصول تنظیم هدف.. 104

الف) اهدافتان را به طور قاطع به زبان آورید. 105

ب) اهداف را دقیق و با احساس مطرح کنید. 105

و) نتایج به دست آمده را همواره ارزیابی کنید. 105

ه) نتایج مورد نظر باید تحت کنترل شما باشند. 106

ی) نتایج و عاقبت کار را در نظر بگیرید!! 106

شخصیت هدف داران (عوامل ترقّی) 107

1- انتخاب گری.. 107

2- بهره برداری از آموخته ها 107

3- بهره گیری از تحصیلات عالی.. 107

4- خود رأیی.. 108

5- راز شکوفایی.. 108

6- مساعدت و مطابقت با الگو. 108

فراگیری روش های رسیدن به اهداف (راهکارها) 109

عملی.. 109

عملی.. 109

هدف را به واقعیت تبدیل کنید. (تمرین عملی) 110

هدف از دیدگاه بزرگان. 117

هدف از دیدگاه شعرا 118

فصل چهارم

برنامه ریزی، تدبیر و حسابگری

تعریف واژه 120

جایگاه و اهمیت آن. 121

چرا برنامه ریزی در سرنوشت انسان تأثیر بسزایی دارد؟! 121

چگونه برای آینده خود برنامه ریزی کنیم؟! 123

الف) تحقیق و پرسش... 123

ب) زیرکی.. 123

ص: 9

ج) سؤال. 123

و) کمک استاد. 123

هـ) منافع مشروط.. 124

ی) نیاز به پافشاری.. 124

چگونگی اصول حاکم بر برنامه ریزی پیشرفته. 124

1- اصل تدریج.. 124

2- اندیشه و ابتکار. 124

3- اولویت بندی.. 125

4- بازنگری.. 125

5- بلندنظری.. 125

6- تجارب فردی و غیره 125

7- توکل و استمداد از او. 125

8- زمان بندی.. 126

9- سرعت در کنار دقت.. 126

10- عدم تأخیر. 126

11- علمی بودن. 126

12- مثبت اندیشی و اعتقاد به وفور نعمت.. 127

13- مداومت و استمرار. 127

14- مشاوره و بررسی با اهل فن.. 127

15- نهراسیدن از اشتباه 127

16- هماهنگی و جامع نگری.. 127

خصوصیات محاسبه، تدبیر و برنامه ریزی.. 127

1- آسان شدن مشکلات.. 128

2- اسلوب خاص... 128

3- الگو و سر لوحه. 128

4- انجام هماهنگ مسئولیت ها 128

5- حاکمیت نظم. 128

6- رسیدن به اهداف مترقی.. 128

7- رفع آشفتگی.. 129

8- شکوفایی استعداد. 129

9- قدرت آینده نگری.. 129

ص: 10

فراگیری روش های برنامه ریزی مدون (راهکارها) 129

علمی 129

عملی.. 129

فراگیری هفت مرحله برنامه ریزی (نکته های ثمربخش) 130

الف) ارزیابی از نحوه گذراندن اوقات.. 130

ب) بررسی کارهایی که باید انجام شود. 131

ج) تعیین کارهای مهم. 131

د) شناخت اوقات حداکثر و حداقل کارایی.. 132

و) شناخت هدر دهنده های وقت.. 132

ه) کیفیت برنامه هفتگی.. 133

ی) نظارت بر حسن اجرای برنامه ها 133

کیفیت محاسبه نفس (تغذیه روح) 133

محاسبه ایام. 134

مراقبت از خود با برنامه پیشنهادی 24 ساعته. 134

1- اهمیت صبح خیزی.. 134

2- با اذان آماده نماز شویم. 135

3- بر پای داشتن نافله صبح.. 135

4- بر پای داشتن نماز صبح و تعقیبات آن. 135

5- تلاوت قرآن، ورزش، شنیدن اخبار. 136

الف) تلاوت قرآن. 136

ب) ورزش... 136

ج) شنیدن اخبار. 137

6- آمادگی برای کار روزانه. 137

الف) بهره مندی از ویژگی های وضو. 137

ب) به نام خدا شروع کنیم. 137

ج) راه رفتن و خروج از منزل. 137

د) شخصیت عادی اجتماع. 138

7- در محل کار. 138

الف) اهداف روزانه. 138

ب) عدم سهل انگاری در کار. 139

8- در حد توان خویش مردم را یاری کنیم. 139

ص: 11

الف) قضای حاجات.. 139

ب) فضیلت و حل مشکلات مردم. 139

9- در هنگام ظهر. 140

10- در هنگام استراحت.. 140

11- رازونیز و نماز مغرب و عشاء. 140

12- رسیدگی به خانواده 141

الف) ارتباطات خانوادگی.. 141

ب) مطالعه. 141

13- رسیدگی.. 141

الف) با وضو خوابیدن. 141

ب) محاسبه اعمال روز. 142

14- نماز شب.. 142

15- نیکی به والدین.. 143

الف) اهمیت آن. 143

ب) شناخت احادیث متواتر در مورد آن. 144

16_ یاری مبارزان راه خدا 144

17_ یاری ایزد متعال به مؤمنان. 145

معنویت محاسبه در برنامه ریزی.. 147

الف) ضرورت محاسبه نفس... 147

ب) عدم سخت گیری در آن. 148

فصل پنجم

بهره برداری صحیح از سرمایه های حیات

تعریف واژه 150

جایگاه و اهمیت آن. 151

خصوصیات رُشد. 151

1- اصلاح عملکردها 151

2- برطرف نمودن عیب های جزئی .. 151

3- پیشرفت .. 151

4- حفظ احترام. 152

5- حفظ سرمایه ها 152

6- شخصیت متمایز. 152

ص: 12

7- فضیلت و ثواب.. 152

8- منافع اجتماعی.. 152

خاطره 153

رشد، تکامل و شایستگی.. 153

الف) باهای بی رشدی.. 153

ب) بی های بی رشدی.. 154

ج) رشد اکتسابی است.. 154

شخصیت انسان رشید (عوامل رشد) 155

1- اصل گرایش به قرآن. 155

2- انس با کلام راهبران. 155

3- انس و ارتباط با گفتار مشاهیر. 155

4- تقویت آگاهی ها 156

5- سنجش و نتیجه گیری.. 156

6- مطالعه درس های تاریخی.. 156

فراگیری موانع رشد انسان. 156

1- جاهلان. 157

2- غافلان. 158

الف) استمرار حالت ذکر و ادامه آن. 158

ب) یقظه. 159

ج) راه دوّم برای رهایی از بیماری غفلت.. 159

3) کاهلان. 160

کیفیت روش های رشد و تکامل (راهکارها) 161

علمی 161

عملی.. 161

مراقبت و بهره برداری از سرمایه های حیات از دیدگاه روان شناسی.. 161

الف) در دوره نوجوانی.. 161

ب) مهارت های اجتماعی.. 162

ج) مدیریت بازتاب.. 163

1_ حالت درون گرایی.. 164

2_ حالت برون گرایی.. 164

3_ حالت دوگانگی روانی.. 164

ص: 13

د) مدیریت رشد اجتماعی.. 165

معنویت سرمایه های حیات از دیدگاه قرآن کریم. 168

معنویت سرمایه های حیات از دیدگاه معصومین.. 168

هماهنگی با مدیریت سرمایه های حیات از دیدگاه مشاهیر. 169

فصل ششم

توفیق (درخواست امداد و یاری از او)

تعریف واژه 172

جایگاه و اهمیت توفیق.. 173

خصوصیات توفیق خواهی.. 173

1- آسودگی خاطر. 173

2- حرکت در پرتو لطف الهی.. 173

3- سرعت در امور زندگی.. 174

4- سیر و سلوک.. 174

5- لذت های مشروع. 174

شخصیت توفیق خواهان (عوامل حصول توفیق) 174

1_ اصل احترام به والدین.. 175

2_ اصل اخلاص... 175

3_ اصل تجربه آموزی.. 175

4_ ترحم به مردم. 175

5_ توکل و رضا 175

6_ حفظ دین داری.. 175

توفیق و عدم توفیق در یک خانواده 176

7- درخواست و توسل به او. 177

عوامل سلب توفیق.. 177

الف) سلب توفیق قرائت قرآن. 177

ب) مردی که توفیق نداشت.. 178

فراگیری روش های کسب توفیق (راهکارها) 179

علمی 179

عملی.. 179

کسب توفیق با توسل.. 180

1- توبه و استغفار. 180

ص: 14

2- اصل زندگی در پرتو اخلاق.. 181

3- اصل عبادت خدا 181

4- قرآن. 181

5- محبت و دوستی اهل بیت.. 181

کسب توفیق از نظرگاه آیات الهی.. 183

الف) توفیق.. 183

ب) توفیق ایمان. 183

پ) توفیق الهی در انجام تکالیف... 184

ج) توفیق الهی و توبه. 184

د) توفیق الهی و رحمت الهی.. 184

و) توفیقات الهی و حسن نیت.. 185

ی) توفیقات در انفاق نعم الهی.. 185

توفیق از نظرگاه معصومین.. 185

کسب قابلیت از نگاه شعرا 186

فصل هفتم

حرفه آموزی و هنرمندی

تعریف واژه 188

جایگاه و اهمیت آن. 189

خصلت های هنر. 189

1- بروز استعداد ها در مجاری سالم. 189

2- بهبود وضع اقتصادی.. 189

3- بیان احساسات.. 190

4- خوشحالی کامیابی و تغذیه روح.. 190

5_ دوری از آفات بیکاری.. 190

6_ عزّت.. 191

7_ یاری رسانی.. 191

شخصیت هنرمندان. 191

1_ آشنایی با هنرمندان. 191

2_ امیدواری.. 191

3- تخصص و بهره برداری.. 192

4- حس تعهد. 192

ص: 15

5- رهروی و پیروی.. 192

کیفیت هنر در منزل. 193

1- سخنوری و فنّ بیان. 193

2- شعر و شاعری.. 195

3- هنر خطاطی و نویسندگی.. 195

4- هنر خیاطی و بافندگی.. 197

کیفیت هنر در مسابقه تیر اندازی.. 199

مدیریت تحصیل هنر جویی (راهکارها) 200

مدیریت هنر جویی.. 200

مهارت های هنر جویی.. 202

نیاز به هنر جویی.. 203

هنر جویی از نظرگاه آیات و احادیث.. 204

الف) مدیریت و نیاز هر صنعتگر. 205

ب) نکوهش شب تا صبح کار کردن. 205

هنر جویی از نظرگاه بزرگان. 205

الف) آحاد ملت ها در پی کار و تلاش... 205

ب) افراد پرکار و بیکار. 206

فصل هشتم

راستگویی و امانت داری

تعریف واژه 208

جایگاه و اهمیت آن. 209

خصلت های راستگویی و امانت داری .. 209

1- آسودگی خاطر. 209

2- استحکام پیمان ها 210

3- اعتماد عمومی 210

«جوان امانتدار» 210

4- رشد اقتصادی و فرهنگی جامعه. 212

5- عزت نفس ... 212

6- مانع اختلاف خانوادگی .. 213

7- فضیلت .. 213

از ژرفای سیره اولیاء. 214

ص: 16

8- موجب مغفرت.. 214

شخصیت راستگویان و امانت داران (راز سعادت) 215

1- اعتقاد. 215

2- رهروی از راهبر. 215

شرط حاج شیخ عبدالکریم حائری.. 216

3- عدم ستوه و رنجش... 216

4- عدم شراب خواری.. 217

5- عدم منافق صفتی.. 217

6- کراهت دوستی با دروغگو. 217

شخصیت دروغگو. 218

الف) انواع دروغ. 218

ب) دروغ و خیانت.. 219

ج) چه مواقعی دروغ گفتن جایز است؟! 221

و) توریه. 222

ی) دروغ مصلحت آمیز. 223

فراگیری انواع امانت داری.. 224

الف) امانات حق.. 224

ب) امانات سیاسی.. 225

ج) امانت اقتصادی.. 226

و) امانت خانوادگی.. 228

ی) امانات فرهنگی.. 228

فراگیری روش های امانت داری و راستگویی.. 228

علمی 228

عملی.. 229

لزوم امانت داری از دیدگاه قرآن کریم. 229

الف) اهمیت حفظ امانت.. 229

ب) اهمیت بازگرداندن امانت.. 229

ج) امانت داری از صفات مؤمنین.. 230

د) امین بودن انبیاء. 230

ه) امین بودن کارگر. 230

ی) لزوم مراعات امانت در تجارت.. 230

ص: 17

لزوم امانت داری و راستگویی از نظرگاه امام صادق.. 231

لزوم امانت داری و راستگویی از نظرگاه بزرگان. 231

لزوم راستگویی و امانت داری.. 233

فصل نهم

زیارت و بزرگداشت شهدا

تربت شهید. 237

تعریف و معنی زیارت.. 237

1_ معنی زیارت.. 237

الف) معنای لغوی.. 237

ب) معنای اصطلاحی.. 238

2_ تعریف واژه 238

جایگاه و اهمیت آن. 238

زیارت عارفانه (انواع زیارت) 238

1_ زیارت بر مبنای جهل (جاهلانه) 238

2_ زیارت بر مبنای عادت (عامیانه) 239

3_ زیارت بر مبنای عقل و علم. 239

4_ زیارت عارفانه (زیارتی بر مبنای عشق و عرفان) 239

زیارت فرصتی برای شناخت نیازها (توصیف زیارت) 239

زیارت فرصتی برای تکامل زائر است.. 241

زیارت معنوی شهید کربلا.. 242

فواید زیارت.. 243

1_ اجابت حاجات.. 244

2_ بزرگداشت شهید و شهادت.. 244

گریه بر شهید. 244

3_ تداوم اعتقاد. 245

4_ سیر و سلوک.. 245

5_ پاداش و ثواب.. 245

«پیوند با شهیدان» 246

6- کسب فضایل معنوی.. 247

7_ مغفرت.. 247

8_ نشاط، ناشی از ایمان و تغذیه روح.. 248

ص: 18

علمی 248

عملی.. 248

معنویت شهید و چگونگی زیارت از دیدگاه قرآن کریم. 248

شهادت در راه خدا 248

الف) آمزش و شهادت.. 249

ب) آمزش و شهید. 249

ج) شهید زنده است.. 249

د) عظمت مقام شهید. 249

و) عظمت، مقام و اجر شهید. 250

هـ) عظمت، مقام و اجر عظیم شهید. 250

معنویت و حیات واقعی شهید. 250

الف) بالا ترین نیکی.. 251

ب) برترین قتل شهادت است.. 251

ج) برترین مبارز شهید است.. 252

د) خون شهید. 252

ذ) شفاعت شهید. 252

و) شهیدان و تبریک... 253

هـ) شهید درد جراحت را احساس نمی کند. 253

ی) شهید و کفار گناهان. 253

سرعت، سبقت و تلاش برای الگو شدن

تفاوت «سرعت» و «سبقت» 256

تعریف واژه 257

جایگاه و اهمیت آن. 257

الف) اهمیت آن. 257

ب) جایگاه سرعت و سبقت.. 258

خصوصیات سرعت و سبقت.. 258

1) استفاده کامل از لحظات زندگی.. 259

2) اعتماد و اطمینان. 259

3) روابط سازنده در خانواده 259

ص: 19

4) سرعت در اعمال دینی.. 260

5) سیاست.. 260

6) عدم ملالت.. 260

7) کیاست و بزرگی.. 260

8) مورد اطمینان. 261

9) موفقیت.. 261

10) نشاط ایمانی.. 261

11) هم دردی با قشر کم در آمد. 261

خاطره 261

شخصیت سبقت گیرندگان واقعی (ملاک های موفقیت آفرین) 262

1) اسیر سرعت خویش نیستند !! 262

2) تأمل کامل.. 262

3) خستگی ناپذیری.. 262

4) دور اندیشی.. 263

5) عدم ترس های بی مورد. 263

6) عدم سرعت غیر مجاز. 263

7) هر چیزی در جای خویش... 263

فراگیری روش های سرعت و سبقت.. 263

علمی 263

عملی.. 264

فراگیری روش های الگو شدن. 264

نمونه ها و الگوها از دیدگاه قرآن. 264

الف) پیامبر الگویی بزرگ.. 264

ب) حضرت ابراهیم الگویی بزرگ.. 265

ج) حضرت عیسی الگوی مناسب.. 265

د) قارون الگوی دنیا پرستان. 266

فصل یازدهم

عادت ممدوح

تعریف واژه 268

جایگاه و اهمیت آن. 268

خصوصیات عادات ممدوح.. 269

ص: 20

(1) ابعاد اجتماعی.. 269

هجرت از عادت.. 269

(2) ابعاد خانوادگی.. 270

کنترل عادت ها 270

(3) اصل کاربرد. 271

(4) تحول ملت ها 272

(5) تقویت اندیشه. 272

(6) قدرت ابتکار. 272

(7) فرصت شناسی.. 273

(8) نمود و اصل مذهبی.. 273

(9) نمود و اصل ملی.. 273

شخصیت پیروان عادات ممدوح.. 273

(1) پرورش نفس... 273

خاطره 273

(2) تسلط و برتری.. 274

مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی.. 274

(3) چشم انداز زیبایی رفاقت.. 274

(4) عدم مطلق نگری.. 275

(5) متعصبین جاهل.. 275

فراگیری روش های تغییر عادت (قاعده طلایی) 275

مدیریت عادت از دیدگاه آیات الهی.. 275

الف) افراد ستم پیشه (عاقبت عادت مذموم) 276

ب) تسلط بر عادت.. 276

ج) عادت به گناه 276

د) عادت و ارزش های اخلاقی پسندیده 277

و) غلبه عادت بر فطرت.. 277

هـ) غلبه عادت و رویگردانی از حق.. 277

ی) غلبه عادت مذموم. 278

مدیریت عادات ممدوح از دیدگاه روایات.. 278

الف) الگوی والا. 278

ب) ترک عادات ناپسند. 278

ص: 21

ج) روش ترتیب روح.. 279

د) عادت به تقوا 279

ذ) عادت به صبر. 279

و) عادت مذموم. 279

ه) عادت معتاد. 280

ی) هنر ترک عادت.. 280

فصل دوازدهم

عبرت (آموخته های عملی)

تعریف واژه 283

جایگاه و اهمیت آن. 283

خصوصیات آموخته های عملی.. 283

1) آفایی و بزرگی.. 283

2) ابزار خلاقیت و قدرت.. 283

3) اندیشه گرایی.. 284

حکایت.. 284

4) عدم انحراف تاریخی.. 285

5) خسارت و شکست.. 285

6) قانع و سازگار. 285

7) قرب الهی.. 285

سر بُریدن به جای سیلی خوردن! 286

8) نشاط ناشی از ایمان و عدم یأس... 287

شخصیت عبرت گیرندگان. 287

1 - استعداد یابی.. 287

2- بهره برداری از شناخت.. 287

3) بهره گیری از هشدارها 288

4) پاک سازی درون. 288

حکایت.. 289

5) عدم اتلاف وقت.. 289

6) عدم فراموشی.. 290

فراگیری راه های عبرت آموزی (راهکارها) 290

علمی 290

ص: 22

معنویت و عبرت از دیدگاه آیات الهی.. 290

الف) تقوا شرط عبرت آموزی.. 290

ب) خانه های خالی ظالمان گذشته مایه عبرت.. 291

ج) درس های پند آموز تاریخ.. 291

د) عبرت در زمین.. 291

و) عبرت و اربابان بصیرت.. 291

هـ) عبرت و عاقبت شوم کفار گذشته. 292

ی) عدم چشم بصیرت آدمی باعث عبرت نگرفتن از تاریخ.. 292

معنویت عبرت از نظرگاه روایات.. 292

الف) پند آموزی از پیشینیان. 292

ب) دنیا و عبرت از آن. 293

ج) عبرت و پند اندک.. 293

و) عبرت و سلامتی از گناه 293

هـ) عبرت و عدم انحراف.. 294

ی) مراحل عبرت.. 294

فصل سیزدهم

عدم آشفستگی و تزلزل

تعریف واژه 297

جایگاه و اهمیت آن. 297

خصوصیات عدم تزلزل. 297

(1) انجام اعمال نیکو و وجدان فروزنده 297

(2) انجام کارهای بزرگ.. 297

(3) تصمیم قاطع. 298

(4) ثبات عقیده 298

(5) عدم آسیب های تن و روان. 298

(6) عدم همکاری با دزدان فرصت ها 298

(7) نوید بخش انضباط.. 298

شخصیت افراد بدون تزلزل (راه رسیدن به مقصود) 298

(1) ارتباط قلبی.. 299

(2) چگونه زیستن.. 300

ص: 23

3) درخواست و توسل .. 301

4) عدم افکار نامطلوب .. 301

5) عدم خود باختگی .. 301

6) کنترل و تعادل. 302

فراگیری روش های عدم آشفته‌گی و تزلزل (راهکارها) 302

علمی 302

عملی .. 302

مدیریت عدم تزلزل از دیدگاه حضرت علی 302

مدیریت عدم تزلزل از دیدگاه بزرگان. 303

فصل چهاردهم

عدم اعتیاد

تعریف واژه 306

جایگاه و اهمیت آن. 306

خصوصیات عدم اعتیاد. 307

1) اطاعت از ایزد متعال. 307

2) اطمینان برتر. 308

3) امنیت و ارتباطات در خانواده 308

4) امین .. 308

5) چشم انداز زیبایی .. 308

6) دوری از کسالت .. 309

7) روح سالم در بدن سالم. 309

8) شغل شرافتمندانه. 309

9) عامل مدد‌رسانی.. 309

10) عدم تباهی.. 310

11) منافع اجتماعی.. 310

12) منافع خانوادگی.. 310

باید پیشگیری شود، زیرا معتاد مریض است!! 310

دیدگاه قرآن کریم درباره اعتیاد. 311

الف) ماده مخدر و فساد در زمین.. 311

ب) ماده مخدر و کارهای افراطی.. 312

ج) ماده مخدر و هلاکت.. 312

ص: 24

د) مذمت عدم مواظبت از اموال. 313

و) مذمت ماده مخدر و غفلت.. 313

هـ) نکوهش کارهای بیهوده 314

ی) دیدگاه پیامبر درباره اعتیاد. 314

روش های عدم اعتیاد. 314

فصل پانزدهم

عدم سستی و تنبلی

تعریف واژه 318

جایگاه و اهمیت آن. 319

خصوصیات عدم سستی و تنبلی (کلید جادویی کامیابی) 319

1) ارزش برای موفقیت ملت ها 319

روایت.. 319

2) امیدهای تحقق یافته. 320

استخاره سیاحتگر شرق و غرب.. 320

3) بهترین پشتیبان. 322

«بند کفش» 322

4) پیروزی ملت ها 322

5) چگونه زیستن.. 323

«خواهش» 323

6) حفظ موقعیت های مناسب.. 323

7) خوشحالی.. 324

8) دشمنی با شیطان. 324

9) سلامت نفس... 325

10) نجات از رذیلت ها 325

شخصیت عمل گرایان. 326

1) استعداد شناسی.. 326

2) اصل قدرت اراده 326

3) پرواز بر فراز قلّه های ترقّی.. 327

روایت.. 327

4) سعی شرافتمندانه. 327

روایت.. 327

ص: 25

- (5) عدم هراس از شکست.. 328
- (6) عدم سستی باعث ثروت.. 328
- از خشکبار فروشی تا شهرت نویسندگی.. 328
- (7) عدم شکایت از روزگار. 329
- (8) قانون سلطه. 329
- (9) مدرسه معرفت.. 329
- «کوشش ادیسون» 329
- (10) یکرنگی اصل حیرت انگیز. 330
- فراگیری روش های مبارزه با سستی و تبلی.. 330
- (1) آگاهی.. 330
- (2) استمداد از پروردگار. 330
- (3) انضباط و نظم پذیری.. 331
- (4) تقویت ایمان. 331
- (5) دل نبستن به دنیا 331
- (6) کسب موفقیت های دنیایی و آخرتی.. 332
- عدم سستی و تبلی از نظرگاه آیات الهی.. 333
- الف) آثار تلاش... 333
- ب) تلاش برای کسب دنیا و نتیجه آن. 333
- پ) تلاش در راه خدا 334
- ج) سعی و تلاش بی ثمر. 334
- و) هدایت در راه تلاش برای کسب روزی.. 334

ه) هدایت و مطلوب بودن تلاش برای کار نیک... 335

مدیریت کوشش و تلاش از نظرگاه ائمه هدی.. 335

مدیریت کوشش و تلاش از دیدگاه بزرگان. 336

الف) از حرف تا عمل.. 336

ب) خواسته ها و آرزوهای انسان. 337

ج) کار و تلاش لازمه زندگی بشر. 337

فصل شانزدهم

عدم همکاری با ستمگران

تعریف واژه 340

جایگاه و اهمیت آن. 340

ص: 26

چرا با ستمگران مبارزه می کنیم؟! 341

چگونگی پاسخ ظالم در روز قیامت.. 347

چگونگی و چرایی یاری ظالمان. 349

چگونگی بی تفاوتی نسبت به ظالم. 350

خصوصیات عدم تمکین ظالمان. 354

(1) آزادی جوامع. 354

(2) استقلال ملت ها 354

(3) امنیت احاد ملت ها 354

«مقدس اردبیلی» 355

(4) حاکمیت اسلامی 355

روایت.. 356

(5) عدالت موجب خوشبختی.. 356

(6) غفران. 356

(7) نشاط ناشی از فضیلت.. 356

شخصیت مبارزان و مجاهدان راه خدا (زندگی نمونه) 357

(1) ایمان به خدا و روز بازپسین.. 357

(2) جوانمردی و مروّت.. 357

(3) استمداد از او. 357

(4) شناخت.. 358

(5) عدم فریب.. 358

تصمیم ناگهانی.. 358

6) وجدانی بیدار. 360

شخصیت و تمایلات ستمگران. 360

«چرا ستمگران بر امور مسلط شدند؟!» 360

فراگیری روش های عدم تمکین ستمگران (راهکارها) 361

مفاسد تمکین ستمگران. 361

مفاسد تمکین با ستمگران از نگاه آیات الهی.. 362

الف) آیات الهی و شقاوت.. 362

ب) آیات خدا برای عدم حمایت ستمگران دنیا 363

ج) حکومت ظالمانه. 363

د) رابطه تکبر و ظلم. 363

ص: 27

و) محکوم به شکست... 364

ی) محکومیت ستمگران. 364

مفاسد عدم مبارزه با ستمگران از دیدگاه پیامبر اسلام. 364

الف) بدترین اخلاق حکمرانان. 365

ب) پرهیز از درمان. 365

مفاسد عدم مبارزه با ستمگران از دیدگاه مشاهیر. 366

الف) عامل اصلی پیدایش ظالمان. 366

ب) زور گویی و استفاده نامحدود از قدرت.. 366

ج) قبول ظلم. 366

مفاسد عدم یاری ظالمان از دیدگاه شعرا 367

فصل هفدهم

گرایش به قرآن

تعریف واژه 371

جایگاه و اهمیت آن. 372

خصوصیات گرایش به قرآن. 372

1) آب حیات.. 372

روایت.. 372

2) استمداد. 373

3) تازگی و طراوت.. 373

4) دارویی بدون عوارض منفی.. 373

«هجرت از گناه» 374

5) زندگی سعادت‌مندان. 375

«کاش به حفظ قرآن می پرداختیم» 375

«اقبال لاهوری و انس با قرآن» 376

6) شفاء و رحمت.. 376

7) گرایش به ارزش‌ها 377

«هدایت خاصه» 378

8) نشاط ناشی از ایمان. 379

شخصیت قاریان قرآن. 379

1) پناه بردن به خدا 379

2) ترتیل (روشن و شمرده خواندن) 380

ص: 28

3) تفکر و تدبیر. 380

وای بر قاریان بدون تدبیر! 381

4) خشوع. 382

«یاد جهنم به وسیله قرآن» 382

5) مسواک.. 383

شناخت و چگونگی آشنایی با قرآن. 383

آموزش و تعلیم. 384

تجوید. 384

حفظ آیات و معنای ظاهری آنها 384

شناخت مفاهیم معانی و مقاصد. 384

مرحله آشنایی با علوم قرآنی و دانستیهای آن. 385

قرآن چگونه کتابی است؟! 385

قرآن کریم از نگاه آیات الهی.. 387

قرآن کریم در اشعار شعرا 390

قرآن کریم معجزه جاوید. 390

قرآن و عترت امانت پیامبر اسلام. 391

فهرست منابع. 398

ص: 29

خداوند بزرگ و متعال را سپاس می‌گویم که بر من منت نهاد تا گامی دیگر برای آشنا ساختن مخاطبان گرامی با راه‌های رسیدن به موفقیت و خوشبختی بردارم.

بی‌گمان کتاب‌های فراوانی در زمینه روان‌شناسی موفقیت به رشته تحریر درآمده است و طی قرون متمادی در اختیار دوست‌داران و علاقه‌مندان آن قرار گرفته است. اینجانب نیز به لطف الهی توفیق یافتم که کتاب حاضر را با عنوان «راز طلایی» برای رسیدن به موفقیت و خوشبختی را نوشته و در اختیار خوانندگان عزیز قرار دهم که امیدوارم مورد استفاده و پسند آنان قرار گیرد.

ما در این کتاب سعی کرده‌ایم هشت ویژگی و مزیت بااهمیت را مد نظر قرار داده و در هر فصل ابتدا مقدمه‌ای در رابطه با موضوع بیان کرده و سپس تعریف واژه، جایگاه و اهمیت آن را مورد تحلیل قرار داده و سپس جوانب گوناگون آن را بررسی نموده‌ایم و از سویی دیدگاه معصومین (علیهم‌السلام) و بزرگان، فواید، آثار و علل خوشبختی آفرین را نیز در هر فصل بیان کرده‌ایم.

مزیت‌ها و ویژگی‌های کتاب حاضر

اشاره

ویژگی‌ها، خصوصیات و مزیت‌های این کتاب عبارتند از:

1- استفاده از منابع مهم

از حدود نود منبع بسیار مهم و نیز از کتاب‌های بسیار مفید و خواندنی استفاده نموده و در آخر کتاب فهرست منابع آن را به ترتیب حروف الفبا بیان کرده‌ایم.

2- پاورقی

آدرس منابع در پاورقی ها طبق قوانین نگارش به طور کامل

3- سبک ساده نویسی و نکات دستوری

سبک ساده نویسی و نکات دستوری رعایت شده است.

4- مزایای دیگر

الف) سعی شده است کتابی مختصر و مفید و در عین حال جامع باشد و از مطالب اضافی پرهیز شود.

ب) مطالب کتاب روان بوده و در اصطلاح موضوعات مطرح شده «گنگ» نیست.

ج) در این کتاب از آرایه های ادبی استفاده شده است.

5- فصل های مستقل

هر فصل به طور مستقل و مشروح بیان شده است، بنابر این شما می توانید هر فصلی را که خواستید پس از انتخاب مطالعه نمایید.

6- نام کتاب

بنابر محتوای کتاب و مطالب آن سعی شده است نامی درخور آن انتخاب شود.

7- نظم و ترتیب

بخش ها، تیترها و عناوین کتاب بر اساس نظم و ترتیب و به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است.

8- ویژگی ها

کتاب حاضر مزیت ها و ویژگی های دیگری نیز در بر دارد که خواننده عزیز هنگام مطالعه به آن پی می برد. مانند: برای مطالعه این کتاب داستان، اشعار، روایت، خاطره و مطالب متنوع دیگر بیان گردیده تا مخاطبان عزیز خسته و ملول نگردند.

محمد رضا رجائی

1395/05/20

ص: 32

در دوران کنونی که عصر ارتباطات نام دارد، از تهاجم ویروس های کامپیوتری گرفته تا آنچه حاصل سردرختی یا کشت زمینی را با مشکل مواجه می کند، از اطاق های عمل جراحی پزشکی که آسیب های جسمی را برطرف می سازد تا تیم های خوش ترکیب ورزشی همه و همه دارای طیبیان حاذق می باشند. بنابر این برای استفاده هر چه بهتر از سرمایه های حیات آفت زدایی ضروری است و برای این کار شناخت آسیب ها اصل اساسی آن است. (1)

با شناخت آفت ها و تلاش در جهت رفع آنها، دستاوردهای بهروزی آفرین را حفظ نموده تا از گرداب آفت زدگی محفوظ بماند. گاهی آسیب های احتمالی به ما خسارت های جبران ناپذیری وارد می کند و ما را از حرکت برای رسیدن به اهداف مادی و معنوی خویش باز می دارد. بنابر این باید آن آفت ها را شناسایی کرده و سپس با برنامه ریزی مدون در جهت رفع آنها کوشش نماییم.

بد نیست بدانید که «آسیب شناسی یکی از علوم متداول زندگی انسان است. به دلیل اینکه نه تنها در امور تشریحی و جاری انسان، بلکه در همه مخلوقات و پدیده های هستی احتمال آفت زدگی وجود دارد. (آفت تکوینی) حیوانات، گیاهان و جامدات در جهان می توانند دچار آسیب شوند و تأثیرات منفی در روند زندگی انسان ایجاد نمایند. همچنان که اندیشه، عقاید، اخلاق و رفتار هر انسان نیز ممکن است دچار آفت گردد. شناخت به موقع، کنترل و درمان آنها یکی از مهم ترین وظایف انسانی ماست» (2).

ص: 34

1- . بار فروش، عبدالرضا، آسیب شناسی عرفان، نشر راه نیکان، سال 1385، ص 11، با تصرف.

2- . نیلی پور، مهدی، آسیب شناسی دانش و دانشمندان، نشر: مرغ سلیمان، سال 1388، ص 7، با تصرف.

صد هزاران دام و دانه است ای خدا

ما چو مرغان حریص بی نوا

دم به دم ما بسته ای دام نویم

هر یکی گر باز و سیمرغی شویم

می رهانی هر دمی ما را و باز

سوی دامی می رویم ای بی نیاز

ما در این انبار گندم می کنیم

گندم جمع آمده گم می کنیم

می نیندیشیم آخر ما به هوش

کین خلل در گندم است از مکر موش

موش تا انبار ما حفره زده است

واز فنش انبار ما ویران شده است

اول ای جان دفع شر موش کن

وانگهان در جمع گندم کوش کن

بشنو از اخبار آن صدر الصدور

لا صلات تم الا بالحضور

گر نه موشی دزد در انبار ماست

گندم اعمال چل ساله کجاست؟ (1)

تعریف واژه

الف) شناخت عوامل و متغیرهایی که مانع وصول به اهداف یا انحراف در مسیر یا آسیب به اثر بخشی فعالیت ها می شود.

ب) شناخت آسیب ها در محیط های سه گانه خانواده، کار و اجتماع و مقابله با آن در جهت استفاده برتر و صحیح از سرمایه های حیات

؛ به عبارت دیگر شناخت آفات و آفت زدایی در جهت حفظ دستاوردهای موفقیت آمیز و سعادت آفرین.

جایگاه و اهمیت آسیب شناسی

شناخت آسیب ها و آفت زدایی اهمیت خاص و جایگاه ویژه ای در مکاتب مختلف سیاسی و مذهبی به ویژه دین مقدس اسلام داشته و اندیشمندان و مشاهیر به ویژه راهبران مکاتب مختلف بر آن تأکید نموده اند. به دلیل اینکه آسیب شناسی راز رسیدن به مقصود بوده و بزرگان مکاتب مختلف شناخت آن عواملی که مانع رسیدن به اهداف بوده و آفت زدایی را موفقیتی بزرگ و شرط اساسی برای رسیدن به بهروزی دانسته اند.

ص: 35

1- . شعر از مولوی.

اشاره

اکنون با هم ویژگی های آسیب شناسی را می خوانیم که این آثار در ابتدا به صورت تفکیکی و سپس به طور کلی بیان گردیده است؛ زیرا امکان بررسی فواید آفت زدایی در تمامی نمودها و اصل ها به طور مشروح وجود نداشته، بدین جهت به شکلی که مشاهده می نمایم بیان گردیده است:

1. آموزش و بهره گیری (مجهولات)

اشاره

بدون تردید آفت دانش، عدم به کارگیری، عدم سازندگی و از سویی عدم تغذیه روح است. دانشجویان با آموختن علم و دانش به سوی رشد و تکامل در حرکتند. آنها همواره به این اصل واقفند که باید در راه رسیدن به سرانجام نیکبختی به طور تدریجی آفت زدایی نموده و به خوبی می دانند که به کارگیری دانش از جایگاه خاصی برخوردار است.

آن جاست که حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

«آفت علم، عمل نکردن به آن است.»⁽¹⁾

نایت دینتاپ نیز می گوید:

«هر گاه بگویم قسمت اعظم زندگی جز تعلیم چیز دیگر نیست سخن به گزاف نگفته ایم؛ زیرا ما بقی آن تنها عبارت از به کار بستن دانشی است که فرا گرفته ایم.»

ما در یک جمله آفت دانش را جهت زدایی چنین تعریف می کنیم:

«آفت دانش، عدم عمل بدان است.»⁽²⁾

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر آنکه روز او به یکی از دو حالت آغاز گردد؛ یا عالم باشد یا متعلم و دانشجو. اگر نه عالم باشد و نه متعلم، در انجام وظیفه کوتاهی کرده و کوتاهی در انجام وظیفه

ص: 36

1- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 1، مترجم حمید رضا شیخی، نشر: دار الحدیث، 1384، ص 153.

2- . کاظمی، حکمت الله، نظری گذرا بر افکار اندیشمندان جهان، نشر: هنر پارینه، سال 1386، ص 42.

تضییع جوانی است و تضییع جوانی گناه است و سوگند به خدای محمد(صلی الله علیه و آله) جایگاه گناهکار در آتش خواهد بود» (1).

آفات علم بدون تزکیه

قاضی علی بن محمد ماوردی، اهل بصره که در فقه شافعی، استاد و معاصر با شیخ طوسی (رحمه الله) بود می گوید:

زحمت زیادی کشیدم در جمع و ضبط کتابی در خرید و فروش (بیع و شراء) و همه جزئیات و فروع مسائل مربوط به آن را در خاطر ثبت کردم، به طوری که بعد از اتمام آن کتاب به ذهنم آمد که من از هر کسی در این باب فقه، عالم ترم. عجب و خود پسندی مرا گرفت.

روزی دو نفر عرب بادیه نشین (عشایر) نزد من آمدند و راجع به معامله ای که انجام گرفته بود پرسیدند، آن مسأله از چهار فرع منشعب می شد که من هیچ کدام را نتوانستم جواب دهم.

مدتی به فکر فرو رفتم و به خود گفتم: تو ادعا می کردی که در این باب فقیه، مرجع و اعلم همه زمان ها هستی، حال چطور نمی توانی پاسخ به این سؤال دهی؟!

رو به آنها کردم و گفتم: این مسأله را نمی دانم! آنها نگاهی با تعجب به یکدیگر کردند و گفتند: باید بیشتر زحمت بکشی تا بتوانی جواب مسائل را بدهی.

سپس نزد عالم دیگری رفتم، و از او مسأله را پرسیدند. او به طور مشروح جواب داد، آنها خوشحال شدند و او را مدح نموده و به طرف ده خودشان رفتند.

ماوردی می گوید: این جریان سبب شد تا من متنبه شوم و نفسم را از خود پسندی و غرور در علم، ذلیل کنم تا دیگر میل به خود ستایی ننمایم. (2)

بنابر این در می یابیم که آموخته های علمی و خودسازی لازمه همدیگرند و عالمان باید وارسته و بی آرایش بوده و به علم خویش جامه عمل بپوشانند.

ص: 37

1- . مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج 1، نشر: وفا، سال 1403 ه.ق، ص 55 و مجلسی، محمد باقر، داستان های بحارالانوار، مترجم: محمود ناصری، نشر دار الهدی، سال 1386، ص 109.

2- . رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج 3، نشر: پیام علمدار، سال 1390، ص 39 و 40.

2. اندیشه‌گرایی و دور اندیشی

«عدم دور اندیشی آفت بزرگی است» زیرا انسان دور اندیش آینده خود را تضمین نموده و با برنامه ریزی، اهداف از پیش تعیین شده خویش را از آفت‌ها مصون و محفوظ نگاه داشته، تا نه تنها شکست را پذیرا نشده، بلکه با آمادگی پله‌های ترقی را طی نماید.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«آفت دور اندیشی، تنبلی است.»⁽¹⁾

گوته می‌گوید:

«برای آینده تصمیم بگیر و تلاش کن و امید ببند، اما برای آینده زندگی نکن.»⁽²⁾

3. پرهیز از ارتکاب گناه

اشاره

پرهیز از گناه نیز یکی از ویژگی‌های حفظ دستاوردهای خویش است، زیرا «هوس، آفت خردهاست.»⁽³⁾

کسانی که از خواهش‌های نفسانی پیروی می‌نمایند آفت زده هستند و دستاوردهایشان در معرض خطر است. شخصی که آلوده به گناه است، از سعادت دو عالم فاصله گرفته و به سوی جهنم سوزان در حرکت است. چنین کسی عذاب وجدان، نگرانی و اضطراب ناشی از ارتکاب گناه وجودش را فرا گرفته، و هرگز نمی‌تواند با فراغت بال از دستاوردهایش محافظت نماید.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آفت خرد را هوس بر می‌شمارد و مهماتما گاندی نیز می‌گوید:

«آن کس که می‌خواهد به پاکی و طهارت باطن نایل آید باید خوشبختی را در فکر، کلام و عمل از قید هوی و هوس رهایی بخشد.»⁽⁴⁾

ص: 38

1- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج، مترجم حمید رضا شیخی، ص 153، ح 563.

2- شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟، نشر: امید فردا، چاپ سال 1383، ص 27.

3- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، نشر: پیام علمدار، سال 1390، ص 27، ح 314.

4- یعقوبی، مرضیه، گنجینه سخنان بزرگان ایران و جهان، نشر: عطار، سال 1385، ص 98.

« کسی که بر نفس خود غلبه نکرد، بر هیچ چیز غالب نخواهد شد. » (1)

گراز پی شهوت و هوس خواهی رفت از من خبرت که بینوا خواهی رفت (2)

*** داستان ***

بنی اسرائیل در منطقه ای خوش آب و هوا زندگی می کردند. به تدریج گناه در میان آنها رواج یافت و از نعمت ها سوء استفاده کردند، خداوند بخت النصر را بر آنها مسلط کرد، او همه را کشت و آبادیشان را ویران نمود.

روزی عَزیر پیامبر مقداری انگور، مقداری انجیل و کوزه آبی برداشت، بر الاغ خود سوار شد و به راه افتاد. در مسیر خود به دهکده ویرانی رسید که دیوارهای خراب، سقف های واژگون، استخوان های پوسیده و بدن های از هم گسیخته مرگباری را به وجود آورده بود.

عَزیر از الاغ پیاده شد و زنبیل های انجیر و انگور را پهلوی خود گذاشت و افسار الاغ را بست و به دیوار باغ تکیه داد و در باره آن مردگان به اندیشه پرداخت، که این مردگان چگونه زنده می شوند، این پیکرهای پراکنده شده چگونه گرد هم می آیند و به صورت پیشین بر می گردند.

خداوند در این حال او را قبض روح کرد، صد سال تمام در آنجا بود و بعد از صد سال خداوند او را زنده کرد. چون عَزیر زنده شد تصور کرد که از خوابی گران برخاسته است. به جست و جوی الاغ و زنبیل ها و کوزه آب پرداخت.

فرشته ای به سوی او آمد، پرسید: ای عزیز! چه مدت در اینجا درنگ کرده ای؟ گفت: یک روز و یا قسمتی از یک روز. فرشته گفت: چنین نیست، بلکه تو صد سال در اینجا درنگ کرده ای.

در این صد سال خوردنی ها و آشامیدنی هایت به حال خود مانده و تغییر

ص: 39

1- . همان.

2- . شعر از خیام.

نکرده است. ولی الاغت را نگاه کن چگونه استخوان هایش از هم پاشیده است، اکنون بنگر خداوند چگونه این لاشهٔ پوسیده را زنده می سازد. عَزَّیر نگاه کرد و دید استخوان های الاغ به هم پیوند خورد و گوشت آنها را پوشانید و به حالت سابق در آمد. پس از دیدن آن منظره گفت:

«أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (1)

می دانم که خداوند بر هر چیز قادر است.

از آنجا به شهر برگشت و دید همه چیز دگرگون است.

به کسان خود گفت:

من عَزَّیر هستم باور نکردند، وقتی تورات را از حفظ خواند، باور کردند چون کسی جز او تورات را از حفظ نداشت.

هنگامی که عَزَّیر از خانه بیرون رفت، پنجاه ساله بود و همسرش در ماه آخر دوران حملش به سر می برد؛ وقتی که به خانه برگشت، او با همان شادابی پنجاه سالگی بود و پسرش صد سال داشت. (2)

بنابر این به دلیل ارتکاب گناه و معصیت قوم بنی اسرائیل به عذاب و عقوبت دنیوی و اخروی دچار شدند و با معجزه ای از جانب خداوند متعال بر عزیر پیامبر و طریقه زنده شدن مردگان عبرتی بزرگ فرا راه آنان بود.

آری!! گناه و معصیت آفت دنیا و آخرت بوده و علاوه بر بدبختی در دنیا، عذاب آخرت را نیز در پی دارد.

***** آب لیموی شیراز *****

مرحوم شیخ عبدالحسین خوانساری گفت:

در کربلا- عطاری مشهور و معروفی بود که مریض شد و تمامی اجناس مغازه و اثاثیه خانه خود را برای معالجه فروخت، اما فایده ای نداشت، پزشکان نیز برای معالجه او ناامید شدند.

ص: 40

1- . بقره، 259.

2- . مرحوم مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 7، نشر: وفا، بیروت، سال 1043ق، ص 34، ج 11، ص 315 و 337 و 374 و ج 53، ص 73 و 128 و مرحوم مجلسی، محمد باقر، داستان های بحار الانوار، ج 7، ترجمه و تنظیم: محمود ناصری، نشر: زائر، ص 219 و 220.

مرحوم خوانساری چنین ادامه داد: یک روز به عیادتش رفتم، حالش بد بود، از نظر مادی نیز در مضیقه بود. در این اثنا به پسرش گفتم: لوازم منزل را به بازارببر و بفروش و با پولش برایم دارو خریداری کن تا از مرض خلاصی یابم.

گفتم: این چه حرفی است!؟

آه سردی کشید و گفت:

من سرمایه زیادی داشتم ولی مدت ها قبل مرضی در کربلا شایع شد که علاج آن را پزشکان منحصر به آب لیموی شیراز دانستند، به همین دلیل آب لیمو گران و کمیاب شد.

با خود گفتم: آب لیمو را با آب مخلوط کن؛ زیرا بوی آب لیمو از آن به مشام می رسد، و آن را به قیمت آب لیموی خالص بفروش تا پول دار شوی.

سپس چنین کردم و آب لیمو در کربلا- به انحصار من در آمد و سرمایه زیادی از این مال آمیخته به حرام به دست آوردم، تا جایی که در صنف خود مشهور شدم.

اکنون هر چه داشته ام فروخته ام. آهی در بساط ندارم و مریض و درمانده ام. فقط این آخرین متاع بود که به فرزند خود گفتم، بفروشد، یا از مرض خلاص می یابم یا می میرم.

بنابراین در می یابیم که یک گناه، عاقبت او را به ناکامی و بدبختی کشانید.

آری!! هوس، آفتی بزرگ است که باعث گناه گردیده و دنیا و آخرت آدمی را متلاشی می سازد.

4. تفاهم اخلاقی خانواده (عدم روابط سالم زن و شوهر)

همان گونه که در ابتدای بحث متذکر شدیم، خانواده موفق، به دلیل آسیب شناسی در تمامی ابعاد زندگی خانوادگی از آفات در امان می ماند، بدین سبب زن و شوهر از تفاهم اخلاقی سرشاری برخوردارند و فرزندان آنان نیز با الگوپذیری از پدر و مادر از این قاعده مستثنی نیستند.

5. تواضع و فروتنی (کبر)

انسان مغرور به علت خود بزرگ بینی بالاتر از خود را نمی بیند. بنابر این توقف

نموده و نمی تواند به حرکت خویش ادامه دهد.

غرور و خود بینی آفت بزرگی است. برای تداوم راه سعادت‌مندان باید با این آفت بزرگ به مبارزه برخیزیم، تا آثار و فواید آن فرا را همان قرار گیرد.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمود:

«بدترین آفت خرد، خود بزرگ بینی است.» (1)

زنون می گوید:

«متکبر حتی یک دوست واقعی ندارد و متواضع حتی یک دشمن واقعی.» (2)

تکبر محرّکی بلند پرواز و خطر آفرین است که نه تنها موجب حرکت به سوی کامیابی نمی شود بلکه موجب ناکامی می گردد.

6. خوش بینی (بدگمانی)

با آفت زدایی، طرز فکر خویش را نسبت به هر چیز و هر کس نیکو نموده و با عینک خوش بینانه با همگان برخورد کنیم، سپس سخنان پسندیده بر زبان رانده، چنان که گویی بدبینی در فرهنگ ما جایی ندارد. آنگاه است که اعمال و کردار ما نیز از طرز فکر، چشم، دل و سخنان نغز ما نشأت می گیرد.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«آفتُ الدّینِ سوءُ الظّنِّ»

«آفت دین بدگمانی است.» (3)

7. دوست دانا

حضرت امیر (علیه السلام) فرمود:

«آفت عمل خیر و خوبی نمودن، رفیق بد داشتن است.» (4)

اعمال و رفتار رفیق، تأثیر مستقیم روی طبع ما دارد و اگر دوستی نادان باشد

ص: 42

1- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 1، ص 153، ح 574.

2- . شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟، ص 123.

- 3- . محمدى رى شهرى، محمد، ميزان الحكمة، ج 1، ص 150.
- 4- . تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، ص 1358.

پس از مدتی، اعمالی که از نادانی و جهالت او سرچشمه گرفته ما را دچار سکون و بحران کرده و از راه هدایت به چاه ضلالت سرنگون می نماید. بنابر این اگر بخواهیم از مصلحت ها فاصله نگیریم، باید یار خردمند انتخاب نموده و از دونان جدا شویم. «دوست یابی از دیرباز مورد علاقه فطری بشر بوده به طوری که با بیان مشکلات و مسائل زندگی خود به دوستان همواره سعی در رفع معضلات و مشکلات خویش داشتند». به عبارت ساده ؛

دوست داشتن برای انسان سعادت بوده و به نفع جوامع بشری است. (1)

بدین جهت باید با آفت زدایی در آیین دوست یابی به مراد خویش برسیم.

لاروشفوکو می گوید:

«دوست حقیقی از همه چیز گرانبهاتر است و کمتر کسی هم در صدد به دست آوردنش است.» (2)

8. سخن نیکو (بیهوده گویی)

خردمندان برای اینکه از آفات سخن گفتن در امان باشند، بیشتر سکوت کرده، و به موقع حرف می زنند.

آنان برای حفظ دستاوردهای خویش، آداب سخن گفتن را آموخته، و به آن جامه عمل می پوشانند، تا سخنان نیکو بر زبان رانند، بدین جهت نه تنها موجب رنجش کسی نمی شوند بلکه با حرف های متین و جذاب باعث آسودگی خاطر مردم به ویژه دوستان و آشنایان می شوند.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«آفت سخن گفتن، زیاده روی در آن است.» (3)

سیسرون می گوید:

ص: 43

1- . کاظمی، حکمت اله، نظری گذرا بر افکار اندیشمندان جهان، ص 12.

2- . سمیعی، رضا، جام اندیشه، نشر: صالحان، سال 1387، ص 219.

3- . تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، ص 357، ح 3959.

«سخن گویی و سخن دانی، سخن سنجی و سخن رانی چهار هنر اصلی سخن در زندگی است.» (1)

بد نیست بدانید که؛ سخن تیری است در کمان شما؛ اگر شکار خوب می خواهید، باید درست هدف بگیرید. (2)

9. شجاعت و شهامت (ترس)

حضرت امیر (علیه السلام) فرمود: «ترس، آفت است.» (3)

نقطه مقابل ترس، شجاعت و شهامت است. بنابراین برای استفاده صحیح از سرمایه های حیات و حفظ دستاوردها باید ترس های بی مورد را از خویش زدوده و شجاعت را جایگزین آن نماییم. برای این کار باید راه های غلبه بر ترس را بشناسیم، سپس شخصیت شجاعان را مورد بررسی قرار داده و از الگوهای با شهامت متابعت نماییم.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمود:

«ترسوئی، باعث ضرر و زیان و خود را به ناتوانی انداختن، سبک عقلی است.» (4)

به عبارت ساده؛ «شجاعت به اندازه و ملایمت به اندازه، رمز موفقیت است.» (5)

آری!! اعتدال در شهامت و شجاعت، یکی از رموز موفقیت است نه آن قدر خطر آفرین باشیم که زندگی خویش را فدا کنیم و نه آن قدر احتیاط کنیم که در جا بزنیم، بلکه با روش معتدل و شجاعت به اندازه و با سرعتی متعادل از دیگران سبقت بگیریم.

10. صرفه جویی و اندازه نگه داشتن (ولخرجی)

اندازه نگه داشتن و قناعت در معیشت، یکی از راه های رسیدن به سعادت

ص: 44

1- شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟، ص 183.

2- همان منبع با تصرف.

3- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، ص 14، ح 89.

4- همان، ص 14.

5- شاملویی، حبیب الله، بزرگان چه گفته اند؟، ص 197.

است؛ زیرا این وصف پسندیده خصلت های قابل ملاحظه ای دارد که به ما یاری شایانی می رساند.

حضرت علی (علیه السلام) می فرمود:

«آفه الّورع قلبه القناعه»

«آفت پارسایی کمی قناعت است.»

برای آفت زدایی از ثروت خویش، باید اسراف و تبذیر را به کناری گذاشته و قناعت کنیم، هر قدر که اندازه نگه داریم می توانیم بر سرمایه خویش افزوده و آینده خویش را تأمین نماییم.

ارسطو می گوید:

«قناعت پیشه کن تا مستغنی شوی» (1) زیرا «صرفه جویی، خود یکی از منابع مهم درآمد است.» (2)

11. فرصت شناسی (دزدهای فرصت ها)

چقدر وقت ما صرف آسیب ها می شود؟ آیا برای رسیدن به هدف آفت ها مانع ما نیستند؟ برای از بین بردن موانع، وقت ما تلف نمی شود؟!

برای پاسخ به این گونه پرسش ها باید آفت ها را بشناسیم و برای رفع آنها اقدام کنیم تا دستاوردهای ما در معرض خطر قرار نگیرند!! دفع نمودن آسیب ها مربوط به زمان و مکان خاصی نیست، و باید همیشگی و مداوم باشد.

برای این کار ژرف اندیشی را در هفته، ماه و سال فراموش ننموده، تا از دزدان فرصت ها در امان باشیم و در اوقات گرانبهای خود صرفه جویی کرده باشیم.

12. فضیلت و برتری (دوری از قرب الهی)

اشاره

در دین مقدس اسلام برای حفظ دستاوردها، آفت زدایی تأکید شده است و معصومین (علیهم السلام) در گفتار گرانبارشان آفات فراوانی را برای نمودها و اصل های گوناگون زندگی بر شمرده اند که با مراجعه به کتب حدیثی از آنها آگاهی

ص: 45

1- . یعقوبی، مرضیه، گنجینه سخنان بزرگان ایران و جهان، ص 670.

2- . همان.

می یابیم. بنابراین آسیب شناسی از ثواب وافری بهره مند بوده و فضیلتی چشمگیر دارد.

حضرت امیر (علیه السلام) می فرمود:

«أَفَةُ الْعِبَادَةِ الرِّيَاءُ»⁽¹⁾

«آفت عبادت، ریا و خودنمایی است.»

از این روی در آسیب شناسی نیز چون همه امور زندگی با دوری از ریا و تظاهر و با اخلاص کامل می توانیم بر عبودیت و معنویت خویش افزوده و از فضیلت و ثواب دنیوی و اخروی آن بهره مند شویم.

تسلیم را از کبوتران بیاموزید

در زمان یکی از پیامبران، مادری پسر جوانی داشت که او را بسیار دوست می داشت. به قضای الهی آن جوان مرد و آن مادر داغ دار شد و بسیار ناراحتی می کرد، تا جایی که اقوام او نزد پیامبر رفتند و از او چاره خواستند.

رسول گرامی نزد آن مادر آمد و آثار گریه و غم و بی تابی را در او مشاهده کرد.

به اطراف نگریست، لانه کبوتری مشاهده نمود و سپس فرمود:

«ای مادر! این لانه کبوتر است؟»

گفت: آری.

فرمود: این کبوتران جوجه می گذارند؟

گفت: آری.

فرمود: همه جوجه ها به پرواز می آیند؟

گفت: نه، زیرا بعضی از جوجه های آنها را شکار کرده و از گوشت آنها استفاده می کنیم.

فرمود: با این همه، کبوتران لانه خود را ترک نمی کنند؟

گفت: نه.

ص: 46

فرمود: «ای زن! بترس از اینکه تو در نزد پروردگارت از این کبوتران پست تر باشی، زیرا این کبوتران در چنین شرایطی هجرت نمی کنند، ولی تو با از دست دادن یک فرزند از خدا قهر کرده ای و این همه بی تابی می کنی و سخنان ناشایست بر زبان می رانی».

مادر چون این سخنان را شنید اشک از دیده برگرفت و دیگر بی تابی ننمود.

13. منافع گوناگون دیگر

آفت زدایی در ابعاد گوناگون و زمینه های مختلف زندگی منافع فراوانی داشته و باعث بهروزی می شود. ابعاد گوناگونی را که در گذشته مورد بررسی قرار داده ایم فواید آسیب شناسی را بیان کرده ایم اما در زمینه های مختلف دیگری که به علت اطاله کلام مورد بررسی قرار نگرفته ویژگی های فراوانی در آن وجود دارد که ما را بر آن می دارد تا به این مسأله مهم تأکید داشته باشیم.

14. نیکبختی و سعادت

اگر اهداف ما از گزند آفت ها در امان باشند. با آرامش، سرعت زیادتر و هزینه و وقت کمتری به آنها جامه عمل می پوشانیم ولی اگر اهداف ما در معرض آسیب ها باشند، به آن اهداف از پیش تعیین شده نخواهیم رسید و یا با فشارهای طاقت فرسا و در فرصت مدیدی همراه با خطرهایی که در کمین ما است، به آن خواهیم رسید. بنابر این آسیب شناسی و حفظ دستاوردها یاری شایان توجهی در این راه به ما کرده و باعث پیروزی ما خواهد شد.

آنتونی رابینز می گوید:

«با سه قدم زیر تغییرات پایدار پدید آورید:

قدم اول: معیارهای خود را بالا ببرید.

قدم دوم: (با شناخت آفت ها) عقاید زیان آور را تغییر دهید.

قدم سوم: جهت حفظ (دستاوردها) شیوه معمول کار را تغییر دهید. «فرق آدم های موفق و ناموفق در آن چه که دارند نیست؛ بلکه در این است که با توجه به امکانات و تجربیات خود، چه می بینند و چه می کنند.»

ص: 47

اشاره

بعد از برشمردن خصوصیات متغیرهای مانع وصول به اهداف به بیان چگونگی شخصیت آسیب شناسان می پردازیم، امیدواریم مورد پسند علاقه مندان قرار گیرد:

1. پاداش و ثواب

اشاره

آنان فقط برای خدا کار می کنند زیرا به خوبی می دانند که آفت اخلاص، ریا و تظاهر است. بنابر این کارهایی که باعث خشنودی او می شود را به خوشامد مردم ترجیح می دهند. پاداش مخلصان، که فقط خشنودی او را در نظر می گیرند، موجب فضیلت و ثواب فراوان در آخرت و آسیب شناسی بی نقص در دنیا است.

آفت اخلاص

مرحوم حاجی سبزواری (رحمه الله) برای عیادت بیماری می رفت و عده ای هم با او همراه بودند. نزدیک منزل بیمار که رسید، برگشت. اطرافیان پرسیدند: آقا چرا تا این جا آمدید و برگشتید؟!!

آقا جواب داد: این طور به خاطر رسید که بیمار وقتی مرا می بیند، از من خوشش می آید و می گوید: که سبزواری، چه انسان والا و بزرگی است که به عیادت بیمار آمده است. اکنون بر می گردم تا هنگامی که اخلاص اولیه را بیابم و تنها برای خدا به عیادت او بیایم.

بنابراین او به واسطه اخلاص فراوانی که داشته و فقط خشنودی خداوند بزرگ را در نظر گرفته به مقامات والای معنوی رسیده است.

2. پیروی از الگوها

آسیب شناسان در آفت زدایی خویش از اولیاء الهی (علیه السلام)، اندیشمندان و پندداندان پیروی نموده، و همواره از اندیشه، گفتار و اعمال پسندیده آنان استفاده بهینه را می نمایند. آنان برای رسیدن به اهداف دراز مدت خویش از تجربیات خردمندان بهره برداری نموده و از احادیث متواتر معصومی (علیه السلام) استفاده کامل می نمایند.

3. حرکت

آنان برای رسیدن به اهداف خویش با اراده ای خلل ناپذیر و تصمیمی محکم و پایداری و با استفاده از امکانات و تجهیزات، در حال رشد، ترقی و تکامل هستند. از این روی آفت زدایی و طریقه بهره برداری صحیح از سرمایه های حیات آسان و تکامل آدمی را سریع تر نموده است.

4. عبرت یا آموخته های عملی

اشاره

آنها برای حرکت به سوی دستاوردها و حفظ آن از گزند آفات از هیچ عمل خردمندانه ای دریغ نمی ورزند و حتی به همین خاطر از افراد ناشایسته نیز عبرت گرفته و از آن برای تعالی، بهره برداری می نمایند تا در این زمینه نیز الگو باشند.

اکنون با هم داستان زن احمق را که از آموخته های عملی است و در شأن نزول آیه 93 سوره نحل بیان گردیده می خوانیم.

امیدواریم در راه سعادت خویش از دزدان فرصت ها غافل نمانده و اوقات خویش را بیهوده تلف ننماییم.

زن احمق

«زنی به نام رایطه در زمان های جاهلیت از صبح تا نیمه روز، خود و کنیزانش پشم ها و موهایی را که در اختیار داشتند می تابیدند و پس از آن دستور می داد همه آنها را واتابند؛ به همین جهت به عنوان زن احمق در میان عرب معروف بود.

این کار از نظر اینکه پشم بر اثر تابیدن، استحکام و تکامل تازه ای پیدا می کند و با گشودن آن یک حرکت ارتجاعی انجام شده نه تنها بی حاصل بلکه زیان آور است.

همین گونه کسانی که با پیمان بستن با خدا و به نام حق، تعهدی را می پذیرند؛ هر گونه حرکتی در جهت شکستن این عهد و پیمان انجام دهند نه تنها بیهوده است بلکه دلیل بر انحطاط و سقوط شخصیت آنها نیز می باشد» (1).

ص: 49

1- نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ج 2، نشر: ولی عصر (عج)، سال 1385، ص 784.

اشاره

آسیب شناسان هنگامی که با آفت زدایی به اهداف خویش نائل می شوند؛ از مکارم و فضیلت، غفلت نکرده و همیشه با یاد او و در مسیر او و به سوی او در حرکت هستند.

با هم داستان عبرت انگیز زیر را برای غفلت زدایی می خوانیم:

آفات ثروت برای انسان سست عنصر

شخصی به نام ثعلبه که خیلی زاهد، متقی، اهل تهجد و نماز شب بود، در همه نمازهای پیغمبر شرکت می کرد و نمی گذاشت یک رکعت جماعت یا نافله اش تعطیل بشود، مرتب نزد پیغمبر می آمد و می گفت:

یا رسول الله! از خدا بخواه مرا ثروتمند کند.

پیغمبر می فرمود:

تو کار را به جریان طبیعی واگذار کن، شاید مصلحت این نباشد.

— نه، یا رسول الله! من می خواهم به این اغنیا یاد بدهم که انفاق چگونه است.

پیغمبر هم برای او دعا کرد.

خدا دعایش را برای امتحان خود او و همه مردم مستجاب کرد.

پس از چندی گوسفندهایی پیدا کرد، و به سرعت ثروتمند شد.

او با خود فکر کرد که گوسفندانش زیاد شده، دیگر در شهر نمی شود آنها را اداره کرد، باید بیرون شهر بروم یک جایی تهیه کنم تا بتوانم گوسفند ها را به چرا ببرم.

ظهر دیگر به نماز جماعت نمی رسید.

با خود گفت: حالا یک وعده را نخواندیم مهم نیست، به یک وعده نماز جماعت اکتفا می کنیم.

به سرعت خودش را به صف آخر می رساند، یک نماز می خواند و می رفت.

تا اینکه کارش توسعه یافت، با خود گفت: باید بروم فلان منطقه یک جایی انتخاب کنم.

پس از مدتی به آنجا رفت.

تا اینکه به پیامبر ختمی مرتبت آیه زکات نازل شد و پیامبر مأمورانی برای اخذ زکات فرستاد.

یکی از آنها به سراغ او رفت. گفت: دستور خداست که این مقدار باید بدهی تا در راه خدا مصرف شود.

گفت: اول به سراغ دیگران برو و بعد به اینجا بیا.

او ابتدا به سراغ دیگران رفت و سپس برگشت.

ثعلبه مدتی نگاه کرد، و گفت: این با باج گرفتن چه فرقی می کند؟

چشم فقرا کور شود می خواستند کار بکنند!!

این همان آدمی بود که به پیامبر گرامی 9 می گفت: اگر از فضل خود ثروت به ما ببخشی انفاق می کنیم و از صالحین خواهیم شد. سپس به مأمور زکات رو کرد و گفت: ما که با سخاوتم پول نداریم، آنهایی که پول دارند کرم ندارند.

در این گونه آزمایش ها اگر انسان مراقب خود نباشد به غفلت فرو می رود. (1)

6. عقل گرایی

چنان که در فواید آثار آفت زدایی بیان شد، آسیب شناسی یک عمل خردمندانه است. بنابر این حافظ دستاوردها شخصیتی خردمندانه دارد و به خوبی می داند که سنجش و نتیجه گیری وی در این باره ویژگی های شایان توجهی خواهد داشت.

7. ویژگی های تبادل نظر

آسیب شناسان به خوبی می دانند که خود رأی بودن یکی از آفت ها بوده و مانع رسیدن به مقصود است. بنابر این با مشاوران خویش به تبادل نظر پرداخته و به آن جامه عمل می پوشانند. زیرا مشورت یک عمل خردمندانه است که برای آفت زدایی مفید، و در دین مقدس اسلام و قرآن کریم به انجام آن سفارش شده است.

ص: 51

1- . رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج 3، ص 37، برگرفته از آشنایی با قرآن، ج 9، ص 223 و 224.

فرازهایی از آسیب شناسی راه های رسیدن به موفقیت و خوشبختی

(با استفاده از آیات قرآن کریم، گفتار معصومین (علیه السلام) و مشاهیر ایران و جهان)

موضوع

دانش

آفت: عمل نکردن به آن، فراموشی و دنیا طلبی

منشأ: توماس فولر: دانش گنجینه ای ارزشمند است و کلیدش عمل می باشد. (جام اندیشه سخن 43)

علاج: آگاهی از فضیلت علم، اراده و تصمیم قاطع برای عمل به علم، تزکیه جهت حفظ و نگه داری علم، تکرار و یادداشت برداری.

خرد

آفت: پیروی از هوس، خود پسندی

منشأ: گیتا: خرد کامل آن را نصیب می شود که از هوای نفس آزاد است. (جامه اندیشه، سخن 4325)

علاج: تزکیه، -تواضع و فروتنی، بالاتر از خویش را دیدن (عدم غرور)

اندیشه

آفت: آرزوهای واهی و دور و دراز

منشأ: حضرت امیر (علیه السلام) قربان گاه اندیشه ها، زرق و برق آرزوهاست. (نهج البلاغه، ح 219)

علاج: تمرین و ممارست برای فکر سلیس و روان و جلوگیری از افکار آلوده. اعتدال در امید و آرزو به (داشتن آرزوهای سازنده و امیدهای

پسندیده)

اراده و تصمیم

آفت: سستی و تنبلی

منشأ: حضرت امیر (علیه السلام): به وسیله عزم و اراده، با سستی و بدبختی بجنبید. (گفتار بزرگان، ص 23)

علاج: افزایش قدرت اراده و تصمیم، پرورش، رژیم غذایی مربوط به اراده، توانایی

مقاومت و پایداری

آفت: خواری، سفاهت، سبکسری، بی تابی، عجله، حسد

منشأ: آلفرد نوبل: صبر دشمن عجله است و عجله باعث شکست است. (بزرگان چه گفته اند؟، ص 209) قرآن کریم: بهدرستی که خدا با صابران است.

علاج: تسلط، پرهیز از دو صفت بی حوصله گی و تنبلی، درخواست کمک و یاری از طرف خداوند بزرگ، صدقه.

ص: 52

آفت: عدم خلوص، ریا و تظاهر، خودبینی عمل بدون خرد و آگاهی

منشأ: حضرت محمد(صلی الله علیه و آله): هر که عمل بد کند در دنیا سزای آن ببیند. (نهج الفصاحه، حدیث 2634)

علاج: عمل همراه با آگاهی و خرد باشد، تداوم در عمل خداپسندانه، خودسازی

سلامت

آفت: امراض روحی مانند حسادت و بد بینی و رضیلت های اخلاقی دیگر

منشأ: حضرت امیر(علیه السلام): شگفت که حسودان از سلامتی خود غافل مانده اند!! نهجالبلاغه، ح 325

علاج: شناخت رذیلت ها و امراض روحی گوناگون جهت دوری از آنها، شناخت طریقه تزکیه جهت خود سازی در این زمینه، زدودن رذیلت ها و جایگزین نمودن فضیلت های انسانی و مکارم اخلاقی

دوست:

آفت: به خشم آوردن او، دوست نادان - تنهایی

منشأ: حضرت امیر(علیه السلام): شگفت که حسودان از سلامتی خود غافل مانده اند!! نهجالبلاغه، ح 325

علاج: متانت و صبر - عدم افراط و تفریط در محبت به وی، خدا را در نظر داشتن و رضایت خاطر او را فراهم نمودن - شناخت و عمل به آئین دوست یابی از نظرگاه دین و روانشناسی - (دوستی با خردمندان)

سخن:

آفت: پرگویی، دروغ گفتن، غیبت، فحش دادن، بد صحبت کردن (سخن پراکنی)

منشأ: آنا تول فرانس: آنچه انسان را از حیوان تمیز می دهد، صفت دروغ و حس بیان است. رهنمون، ص 423 حضرت محمد(صلی الله علیه و آله): آفت سخن، دروغ گویی است. همان منبع

علاج: تأمل و تفکر در سخن گفتن - در هنگام بیان سخن خدا را در نظر گرفتن و خویش را در محضر او دیدن، استفاده از آداب سخن گفتن، آرام و نرم

سخن، سخنرانی نمودن

موضوع

راز داری

آفت: غفلت، پرگویی و ساده دلی

منشأ: مرزبان نامه: راز با مرد ساده دل و بسیار گو و می خواره و پراکنده صحبت مگوی که این طایفه از مردم بر کتمان آن قادر نباشند.
رهنمون، ص 377.

علاج: هوشیاری، کرامت، بلند همّت، محافظت و تفکّر هنگام بیان و سخن - سکوت

بخشش و نیکی

آفت: زیاده روی در بخشش، ناداری، منتّ، معطل کردن، اسراف و ولخرجی، عقب انداختن وعده ها

منشأ: حضرت محمد: منتّ آفت بخشش است. نهج الفصاحه، ص 31. سقراط: بخشش نباید چندان باشد که سبب تنگدستی شود. بزرگان چه گفته اند؟ 69

علاج: اعتدال در بخشش و (عدم افراط و تفریط در آن)، تزکیه، به وعده عمل نمودن در مورد این موضوع

ازدواج

آفت: عدم توافق و تفاهم اخلاقی

منشأ: ژول ورن: آفت ازدواج قبل از آن تردید است و بعد از آن خودخواهی. بزرگان چه گفته اند؟، ص 39.

علاج: دوری از رذیلت های اخلاقی و برخورد نیکو، رعایت حقوق زن و شوهر

برخود نیکی

آفت: دوری از آداب معاشرت بد صحبتی و ناسزاگویی، بخل.

منشأ: حضرت محمد: بد صحبتی بخل است و ناسزاگویی و بد خویی. نهج الفصاحه، ص 50

علاج: شناخت و بکار گیری آداب معاشرت، تبسم

جوانی

آفت: غنیمت نشمردن آن

منشأ: حضرت محمد: پروردگارتو جوانی را که جوانی نکند، دوست دارد.

علاج: غنیمت شمردن. فرصت ها در جوانی

خوشحالی

آفت: غصه، درد ورنج، دعوا، دشمنی و جنگ

منشأ: وین دایر: منابع غم و درد ورنج خود را صادقانه ارزیابی کنید و آنگاه با تکرار عبارت: عامل درد ورنج تنها در وجود من است و قصد دارم از ملامت هر کس و هر چیز در این زمینه دست بشویم» جدایی از درد را تمرین کنید. (اندیشه های ماندگار، ص 109)

علاج: شوخی متعارف، خنده، نیمه پر لیوان را دیدن، صلح و سازش، طرز فکر و تلقین

ص: 54

آفت: بدگمانی، هوس و خواهش های نفسانی

منشأ: حضرت محمد: هوس، آفت دین است (نهج الفصاحه ص 31. حضرت محمد: هر چیزی آفتی دارد که مایه فساد آن می شود و آفت این دین زمامداران بدند. (همان)

علاج: پرهیز از بدبینی در دین، مبارزه با نفس.

آراستگی و زیبایی

آفت: خود پسندی، غرور و خود بینی

منشأ: حضرت محمد: دوستی پدر خویش را حفظ کن و رشته آن را میر که خداوند نور تو را خاموش می کند. نهج الفصاحه، ص 164.

علاج: دوستی، محبت و عشق ورزی به والدین تمرین و پیگیری در اطاعت و احترام، خاطرات خوش و خوبی های آنان را دیدن و بازگو نمودن

اعتماد به نفس

آفت: موانع اعتماد به نفس، خود کم بینی، عدم اطمینان، باور نداشتن قدرت خلاقه و ارزش های وجودی

منشأ: وین دایر: همیشه اعتماد به نفس خویش را حفظ کنید و به دیگران نیز مجال ندهید، آن را سست و متزلزل سازند و بدانید که خود کم بینی و عدم اطمینان مانعی بر سر راه موفقیت و کامیابی می باشد، هدیه، ص 228

علاج: آگاهی و شناخت موانع اعتماد به نفس و رفع آن، باور و اطمینان به قدرت خلاقه درونی و ارزش های خویش.

امید

آفت: آرزوهای واهی، یأس، در انتظار مرگ به سر بردن

منشأ: وین دایر: خواسته خود را به میل و آرزو تبدیل کنید، شما تجلی همه برکت های بی کرانه اید و استحقاق دارید که در وفور نعمت عالم هستی سهیم باشید. پس برای آمال و آرزوهای خود محدودیت قایل نشوید. اندیشه های ماندگار ص 71.

علاج: مایوس نشدن و داشتن آرزوهای خردمندانه، تبدیل نمودن امید ها و آرزوها به واقعیت، ژرف اندیشی و امید به فردا

آفت: خود رأیی و در هم شکستن آراء

منشأ: حضرت علی: آفت مشورت در هم شکستن آراء است. میزان الحکمه، ج 1، ص 151

علاج: بکار گیری مشاوره در زندگی تبادل نظر در همه امور زندگی با بزرگترها و خردمندان، مراجعه به مشاور خانواده جهت زندگی مشترک.

وجدان

آفت: عدم پیروی از ندای درونی، عذاب وجدان

منشأ: حضرت علی: عذاب وجدان آتشی است که هستی را خاکستر خواهد کرد از این آتش بهراسید. سخنان بزرگان ایران و جهان، ص

948

علاج: شناخت وجدان و بیدار نمودن ندای درون خویش و به آن ترتیب اهمیت دادن با اعمال خدا پسندانه ای که مطابق وجدان باشد.

پیروی از ندای درونی خویش (وجدان) در هر شرایطی و مکانی

اعتدال

آفت: بخل ورزیدن گاهی افراط و گاهی تقریط احتیاط بیش از اندازه، دیوانه وار خطر کردن

منشأ: حضرت امیر: آنکه ترک میانه روی کند سرگردان است.

علاج: پی گیری و رعایت میانه روی در تمامی کارها و ریشه کن کردن صفت بخل، و یا بخشش بیش از اندازه در امور زندگی

تواضع و فروتنی

آفت: کبر، غرور، خود بزرگ بینی و خود پسندی

منشأ: ابن مقفع: اگر آفتی برای عقل باشد همانا خود پسندی است، رهنمون ص 214. منتسکیو: انسان مانند رودخانه است هر چه عمیق تر

باشد آرام تر است رهنمون، ص 565

علاج: آگاهی و شناخت ویژگی های فروتنی، بالاتر از خود را دیدن و به اصطلاح عامیانه خاکی شدن.

لذت های مشروع

آفت: شیفتگی به لذت و خوشگذرانی علاقه افراطی به دنیا

منشأ: حضرت علی: آفت نفس شیفتگی به دنیاست. میزان الحکمه، ص 151. حضرت علی: سر آمد آفت ها شیفتگی به لذت ها و (خوشگذرانی) است. میزان الحکمه.

علاج: دوری از لذت های نامشروع و خواسته های نفسانی به واسطه تزکیه، ترک گناه و نافرمانی خداوند، درخواست توفیق از او برای کسب لذت های مشروع.

ص: 56

آفت: کمی پارسایی، تصدیق فاسقان، حق را باطل و باطل را حق جلوه دادن
منشأ: امام علی: عدل آن چیزی است که هر چیز در جای خودش قرار بگیرد.
علاج: امام علی: عدل آن چیزی است که هر چیز در جای خودش قرار بگیرد.

آفت: تعدیو تجاوز به حقوق دیگران، عدم مسئولیت پذیری، سرکشی.

منشأ: تن: آزادی حقیقی مطیع قوانین درونی خویش و (قوانین بیرونی) بودن است. جام اندیشه، ص 19. جورج برنارد شاو: آزادی یعنی
مسئولیت پذیری و از این رو بعضی از ما از آن می ترسند. همان منبع، ص 20
علاج: رعایت قانون، عدم تجاوز به حقوق مردم، همسایگان و خانواده، عدم سرکشی، وظیفه شناسی.

آفت: حيله گری، خود ستایی و غرور، پیروی از هوای نفس

منشأ: برو نوجوردانو: به هوش خودت مغرور نشو، از تو باهوش تر هم هست. بزرگان چه گفته اند؟ ص 311. جرجی زیدان: حتی زرنگ
ترین افراد نیز گاه (به علت حيله گری) محتاج می شوند که بی هوش باشند. همان منبع
علاج: تزکیه، فروتنی و عدم خود بزرگ بینی سعادت دنیا و آخرت را طلبیدن و برای هر دو تلاش نمودن (فقط دنیا را نخواستن)

آفت: فراموشی

منشأ: آنچه را که با خوشی و لذت آموخته ایم هرگز فراموش نمی کنیم. رهنمون ص 259
علاج: تکرار- یادداشت برداری، تلقین مثبت، طب گیاهی برای تقویت حافظه.

آفت: عدم استفاده بهینه از فرصت ها

منشأ: بالزاک: اتلاف وقت گرانبهاترین خرج هاست. رهنمون ص 799. عبدالله منارل: از ابومسلم خراسانی پرسیدند، از چه به این مقام رسیدی؟ گفت: کار امروز را به فردا نینداختم، همان منبع، ص 800

علاج: شناختن ارزش وقت، شناختن دزدان فرصت ها و مبارزه با آن، وظیفه شناسی.

ادب و تربیت

آفت: عدم شناخت آداب زندگی در تمامی زمینه ها، حماقت.

منشأ: آناطول فرانس: ادب بدون علم، طبل میان تهی و نوشته علمی خالی از محسنات ادبی، تلخ و زننده است. جام اندیشه، ص 34. شیخ ابی سعید: ادب کردن، احمق را چون آبست در بیخ حنظل. همان منبع، ص 35

علاج: شناخت اهمیت و ویژگی های ادب و تربیت، شناخت و کاربرد آداب زندگی در همه زمینه ها

شجاعت

آفت: سرکشی، تعدی، از دست دادن دور اندیشی و احتیاط، عدم مهارت و تدبیر

منشأ: ابوعلی سینا: شجاعت در زور بازو نیست، در مهار نفس است. جام اندیشه، سخن 6019.

فردریک کبیر: شجاع بی مهارت و تدبیر، زود فریب می خورد. همان منبع

علاج: غلبه بر هوای نفسانی، در هنگام خطر دور اندیشی و احتیاط را مراعات می نمایند.

نماز

آفت: ریا و تظاهر، به جای رضایت خداوند بزرگ، رضایت مردم را جلب نمودن.

منشأ: قرآن کریم:

«وَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» وای بر نمازگزاران ریائی کسانی که در نمازشان سهل انگاری می نمایند

علاج: اخلاص، فقط برای او نماز را بر پا داشتن.

آفت: ارتکاب گناه و معصیت بعد از توبه، کوچک شمردن گناه

منشأ: قرآن کریم: «کسانی که در آستانه مرگ قرار می گیرند و می گویند اکنون از گناه خود توبه کردم، توبه آنان پذیرفته نخواهد شد. سوره نساء آیه 18.

علاج: شناخت و ویژگی های توبه و اینکه گناه عامل بدبختی است، ایمان، به خداوند و قصد جدی بر ترک گناه.

آرامش

آفت: آشفتگی و تزلزل

منشأ: وین دایر: ما در باطن صاحب همه چیز هستیم شادمانی، رضایت خاطر و همه چیز راهنمای باطن برای رسیدن به مقصود نهایی زندگی است. اگر شما از آرامش و صفای درون بی بهره باشید، دستتان خالی است. چراغ راه زندگی، ص 183.

علاج: توازن قوا، آب سرد، تنفس عمیق، خواب و خوراک مناسب. تفریح، ورزش، به گذشته و آینده فکر نکردن و در زمان حال زندگی نمودن.

ثروت

آفت: سوءمدیریت

منشأ: احمق و پولش به زودی از هم جدا می شوند. رهنمون، ص 147.

علاج: صرفه جویی، مدیریت بهینه در به دست آوردن و حفاظت ثروت.

صلح

آفت: ناسازگاری و عصبیت

منشأ: یک فقره اوقات تلخی انسان را به مرحله سقوط نزدیک می کند. روان کاوی عمومی

علاج: تفاهم، توافق در سه محیط خانواده، اجتماع و کار.

تلقین مثبت

آفت: مقطعی، به طور ناقص

منشأ: همیشه مواظب باشید تلقینات منفی در ضمیر شما رخنه نکند. بهتر است در تمامی عمر از تلقین مثبت استفاده نمایید.

علاج: آگاهی و شناخت، در همه ابعاد و زمینه های آن و به طور متداوم از تلقین مثبت استفاده شود.

ص: 59

علمی:

1. شناخت آسیب ها و آفات از طریق روان شناسی، گفتار معصومین: دانشمندان و مشاهیر.

2. شناخت راه های آفت زدایی از طریق آشنایی با شخصیت آسیب شناسان.

عملی:

1. شناخت آفات و علاج آن با اندیشه و کردار.

2. هر هفته، ماه و سال در دفتری که بدین منظور تهیه نموده اید؛ آفت زدایی در مورد اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت مورد بررسی قرار گیرد.

3. جهت اهدافی که آفت زدایی انجام گرفته و به هدف رسیده اند، برای خویش جایزه ای تعیین نمایید و برای اهدافی که آسیب شناسی نشده و در معرض خطر قرار دارند تنبیه در نظر بگیرید، و خویش را به این خو عادت دهید. (تا هرگز آسیب شناسی را فراموش ننمایید).

مراقبت و آسیب شناسی از دیدگاه قرآن کریم

اشاره

با تلاوت آیاتی چند از قرآن کریم آفت زدایی و آسیب شناسی را از کلام وحی جویا می شویم.

الف. آسیب شناسی شناخت

« وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِن مَّكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُم مِّن شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ». (1)

«ما به آنها (قوم عاد) قدرتی دادیم که به شما ندادیم، و برای آنان گوش، چشم و دل قرار دادیم (اما به هنگام نزول عذاب) نه گوش ها و چشم ها و نه عقل هایشان برای آنان هیچ سودی نداشت، زیرا آیات خدا را انکار می کردند و سرانجام آنچه را استهزا می کردند بر آنها وارد شد!»

ص: 60

عوامل شناخت عبارتند از:

چشم، گوش و دل و آفات شناخت نیز عبارتند از: کوری، کری و بی خردی.

بنابر این برای آفت زدایی باید چشم ها نعمت های خداوند بزرگ را ببیند و شکر کند؛ گوش ها سخن حق را بشنود و با عقل و خرد از فرامین الهی اطاعت نماید.

ب. آفت ایمان

«الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (1)

(آری) آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست و آنها هدایت یافته گانند!

ج. آفت حق گرایی

«کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، از آنچه بر تو نازل شده، خوشحالند و بعضی از احزاب (و گروه ها)، قسمتی از آن را انکار می کنند بگو: من مأمورم که «خدا» را بپرستم و شریکی برای او قائل نشوم! به سوی او دعوت می کنم و بازگشت من به سوی اوست.» (2)

د. تقلید کورکورانه، آفت هدایت

«و هنگامی که به آنها گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید!» می گویند: آنچه از پدران خود یافته ایم، ما را بس است! آیا اگر پدران آنها چیزی نمی دانستند، و هدایت نیافته بودند (باز از آنها پیروی می کنند)؟!» (3)

ی. جهل، آفت اصلاح

اشاره

و به آنچه نازل کرده ایم (قرآن) ایمان بیاورید! که نشانه های، آن با

ص: 61

1- . سوره انعام، آیه 82.

2- . سوره مائده، آیه 104.

3- . سوره رعد، آیه 36.

آنچه در کتاب های شماسه، مطابقت دارد و نخستین کافر به آن نباشید! و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! «و به خاطر در آمد مختصری، نشانه های قرآن و پیامبر اسلام را، که در کتب شما موجود است، پنهان نکنید!» و تنها از من (و مخالفت دستورهایم) بترسید (نه از مردم).» (1)

مراقبت و آسیب شناسی از دیدگاه معصومین علیهم السلام:

با هم با آفات چند موضوع مهم جهت آفت زدایی آشنا می شویم؛ امیدواریم با آسیب شناسی در تمامی ابعاد و اصول زندگی نه تنها به بی راهه نرفته بلکه با سرعت و سبقت حرکت خویش را تداوم بخشیده و الگوی دیگران شویم:

1- آفت دین

الف) پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«آفت دین سه چیز است:

1- عالم در دین که بدکار باشد.

2- پیشوای ستمکار.

3- و کسی که کوشش و تلاش می کند در چیزی که به آن عالم نیست.» (2)

ب) پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«هر چیزی آفتی دارد که مایه فساد آن می شود و آفت دین زمامداران بد هستند.» (3)

2- شرافت خانوادگی

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«ای علی! آفت بزرگی و شرافت خاندان، به خود افتخار کردن (تکبر) است.» (4)

ص: 62

1- .سوره بقره، آیه 41.

2- . نهج الفصاحه، نشر خاتم الانبیاء، سال 1385، ص 31، ح 104.

3- . همان منبع، ح 107.

4- . طبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، نشر: صبح پیروزی، سال 1389، ص 89.

کسانی که از روی کبر و خود خواهی از بزرگی و شرافت خاندان خویش یاد می کنند؛ و به آن غرور کاذب دارند، در معرض آسیب های زیانبار ناشی از آن هستند که یکی از آنها بر باد رفتن عزت نفس و بزرگی آنان نزد مردم است. چرا که خودبینی انسان را نزد خدا و مردم خوار می نماید.

3- کردار

الف) حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«ای علی: کسی که این سه چیز را نداشته باشد عملش کامل نیست:

1- دوری از معاصی خداوند.

2- اخلاقی که با مردم مدارا نماید.

3- بردباری که با ندانم کاری جاهل برخورد نماید.»⁽¹⁾

ب) احمد بن نجم از امام رضا(علیه السلام) درباره خود بزرگ بینی تباه کننده کردار پرسید. امام رضا(علیه السلام) فرمود:

خود بزرگ بینی مراتبی دارد: از آن مراتب این است که زشت کرداری بنده را در نگاهش آراسته می کند، پس کردارش را نیکو پنداشته و بزرگ می شمارد و گمان می کند که کار نیکویی کرده است و مراقب این است که بنده به پروردگارش ایمان آورد، و آنگاه بر خدا منت نهد در حالی که منت نهادن از آن خداست.⁽²⁾

ج) پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) فرمود:

ای ابن مسعود! هرگاه می خواهی عملی را انجام دهی پس از روی علم و عقل انجام بده و بر تو واجب است که از عمل به غیر از تدبیر و علم دوری نمایی زیرا که خداوند متعال فرمود؛ همچون پیرزنان نباشید که نخ ها را می ریسند ولی دوباره پنبه می کنند.⁽³⁾

ص: 63

1- . طبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، ص 892.

2- . حرّانی، ابو محمد، تحف العقول، نشر: آل علی، سال 1386، ص 807.

3- . طبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، ص 892.

4- مراقبت و آفت زدایی

الف) پیامبر گرامی (صلی الله علیه واله) فرمود:

ای علی!

آفت سخن گفتن، دروغ گویی، آفت علم، فراموشی و آفت عبادت، بی حالی و آفت زیبایی، غرور و آفت بردباری حسد است. (1)

ب) امام علی (علیه السلام) فرمود:

هر چیزی آفتی دارد؛ آفت علم فراموشی است، آفت عبادت ریا، آفت خرد خودپسندی، آفت نجیب زادگی تکبر، آفت زیرکی خودستایی، آفت بخشندگی زیاده روی، آفت شرم و حیا ناتوانی، آفت بردباری خواری، و آفت نیرومندی زشت گفتاری و بد کرداری است. (2)

مراقبت و آفت زدایی از دیدگاه بزرگان

اشاره

اکنون گذری کوتاه بر نظر اندیشمندان ایران و جهان درباره مراقبت، آسیب شناسی و آفت زدایی داریم؛ با هم می خوانیم:

الف) آفت اراده

الف) ژرژ پولیته می گوید:

«به وسیله ورزش می توانیم اراده خود را بهتر تربیت کنیم و روحیه خود را زنده نگه داریم تا خستگی کمتر بر ما چیره شود». (3)

یکی از عوامل تقویت کننده اراده، ورزش است که به وسیله آن می توانیم سستی و کاستی را از خویش بزدایم، زیرا آفت اراده، خستگی و سستی است.

ب) سعدی شیرازی می گوید:

«ز تن بی دل، طاعت نباید و از پوست بی مغز، بضاعت را نشاید». (4)

ص: 64

1- همان منبع، ص 911.

2- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ص 151، ح 614.

3- رحمت نژاد، حسین، گفتار بزرگان، نشر: عارف کامل، چاپ چهارم، ص 22.

4- همان منبع.

بدون تردید برای طاعت و بندگی خدا سلامت روحی و حضور قلب لازم است، پس باید تنبلی و خستگی را از خویش دور کنیم.

ج) ژول ورن می گوید:

«غیر ممکن فقط برای کسانی وجود دارد که ناتوانند». (1)

تنبلی و خستگی موجب ناتوانی است، و ممکن ها را غیر ممکن می سازد. بنابراین عوامل تقویت قوای نفسانی و روحانی همچون رژیم غذایی مناسب، ورزش و تمرین برای رسیدن به آن را فراموش ننماییم.

ب) آفت اندیشه

وین دایر می گوید:

«چند لحظه درباره ساختار حیرت انگیز ذهنتان و کارهایی که می تواند برایتان انجام دهد بیندیشید. به این نکته توجه کنید که ذهن تان به بیکرانی از عقل و درایت اتصال دارد و از ورود افکاری که ممکن است شفافیت فضای مقدس ذهنتان را بر هم بزند و آلوده اش کند جلوگیری کنید». (2)

باید به اندیشه خویش جهت بدهید و هرگز مغز خویش را با افکار بیهوده، آلوده نسازید.

در ضمن، برای سلیس شدن فکر خویش درباره موضوعات مفید و پسندیده به ویژه اهداف مورد نظر خویش کمی فکر کنید، و پس از آن با جهت دادن به افکار خویش، افکار مطبوع به خویش بچشانید و افکار خویش را آرام کنید.

ج) آفت مقاومت و پایداری

الف) کریستین می گوید:

«آنکه از دست روزگار به خشم آید، هر چه آموخته بیهوده بوده است». (3)

ص: 65

1- . همان منبع، ص 26.

2- . وین دایر، اندیشه های ماندگار، ترجمه: محمد آل یاسین، نشر: هامون سال 1387، ص 278.

3- . ذوالفقاری، غلامحسین، رهنمون، نشر: اوسان، سال 1385، ص 65.

شکایت از دست روزگار عبث است؛ زیرا آدمی باید در هر شرایطی به خاطر نعمت هایی که ایزد متعال به او ارزانی داشته شاکر باشد و هرگز با خشم، کفران نعمت نکند. «ان الله مع الصابرين»

(ب) حجازی می گوید:

«آنکه آشفته و از جا در رفته، اختیار وجود خود را به دیوانه ای سپرده که به جای او حرف بزند و احیاناً عمل کند».(1)

هر جا خشم باشد، از عقل خبری نیست و به همان نسبت که خشم زیادتر است عقل کمتر است. بنابر این آفت پایداری، خشم، و شتاب زدگی است.

(ج) در سیاست نامه آمده است: «شتاب زدگی کار ضعیفان است نه کار قادران»(2) انسان مقاوم، قادر و توانا است؛ زیرا با سلاح پایداری و به دور از خشم و کینه می تواند به اهداف خویش نائل شود.(3)

(د) حفظ دستاوردها

وین دایر می گوید:

«کارها و فعالیت هایی را که پیش از این از عهده آن بر نیامده اید و یا استعداد کمی نسبت به آن نشان داده اید دنبال کنید. از قدم برداشتن در قلمرو مجهول و ناشناخته ای که تضمینی بر آن نیست نهراسید، راه گریز از ترس و شکست، رویارویی و به مضحکه گرفتن آن است و نه خود باختگی در برخورد با نخستین پیامدهای آن. بنابراین وقتی نیروی مخالفی در باطنتان زمزمه می کند که: «نه این غیر ممکن است.» این دشمن لانه کرده در ضمیر باطن را از قلب و ذهن بیرون رانید و افکار شجاعانه و مثبت را به جای آن بنشانید».(4)

با آفت زدایی راه های رسیدن به موفقیت و خوشبختی به سرانجام مقصود

ص: 66

1- . همان منبع، ص 64.

2- . همان منبع، ص 65.

3- . ر. ک همین مؤلف، راه های رسیدن به موفقیت و خوشبختی، ج 1، نشر: اقیانوس معرفت، چاپ دوم.

4- . وین دایر، اندیشه های ماندگار، ترجمه: محمدرضا آل یاسین، ص 181 و 182.

رهنمون گردید. در هنگام شکست نیز از آن آموخته عملی اندوخته و پلی برای رسیدن به پیروزی بسازید. هرگز مأیوس و ناامید نگردید، شما می توانید، از همین الآن شروع کنید.

موانع و آفات جوانی

1- وسواس؛ انعطاف پذیری سریع

2- نداشتن مشاور و استاد امین

3- گزینش دوستی ها و رفیق بازی افراطی

4- تنبلی، وقت کشی و خوش گذرانی های افراطی

5- خیال گرایی و گریز از واقعیت

6- خودآرایی های افراطی و تقلیدی

7- گریز از خانه

8- بی اعتنایی به سنت های اصیل مذهبی و ملی

9- طغیان نفس و عدم کنترل آن.

10- جنجال آفرینی

11- قدر ناشناسی از جوانی و انرژی های جوانی

12- بی اهمیتی به خانواده و والدین

13- ضعف بنیه علمی و اعتقادی

14- کسالت و جامعه گریزی (1)

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

«دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر آنکه روز او به یکی از دو حالت آغاز گردد؛ یا عالم باشد یا متعلم و دانشجو. اگر نه عالم باشد و نه متعلم، در انجام وظیفه کوتاهی کرده و کوتاهی در انجام وظیفه تضييع جوانی است و تضييع جوانی گناه است و سوگند به خدای

1- . نیلی پور، مہدی، فرهنگ جوان، نشر: سلسبیل، سال 1386، ص 27 و 28.

موانع و آفات نهضت ها

نهضت ها مانند همه پدیده های دیگر ممکن است دچار آفت زدگی شوند، آفاتی چون:

1- نفوذ اندیشه های بیگانه: از طریق دشمنان و یادوستان نا آشنا با مکتب اسلام.

2- تجددگرایی افراطی: آراستن اسلام به آنچه از اسلام نیست و پیراستن آن از آنچه از اسلام هست به منظور رنگ زمان زدن و با طبع زمان کردن.

3- نا تمام گذاشتن: به دنبال لا اله الا الله بیاید. در هر نهضت مرحله سازندگی و اثبات از مرحله نفی و انکار دشوار تر است.

4- رخنه فرصت طلبان: نهضت را اصلاح طلب آغاز می کند نه فرصت طلب و همچنین نهضت را اصلاح طلب مؤمن به اهداف می تواند برساند نه فرصت طلب که در پی منافع خویش است.

5- ابهام طرح های آینده: خدا را سپاسگزاریم که از نظر مواد خام فرهنگی فوق العاده غنی هستیم تنها کاری که باید بکنیم استخراج و تصفیه و تبدیل این مواد خام به مواد قابل استفاده است.

6- انحراف یافتن مسیر نیت ها: همین که نهضتی به ثمر رسد و نوبت سازندگی و اثبات، که ضمناً پای تقسیم غنائم در میان است، برسد، حفظ اخلاص بسی مشکل تر است.(2)

موانع و عوامل موهوم موفقیت و پیروزی (نکته های جادویی)

اشاره

اکنون به عواملی که در حقیقت موفقیت آمیز و پیروزی آفرین نیستند ولی به واسطه خرافات و موهومات در بین عامه مردم عامل پیروزی و سعادت عنوان شده اند، را از نظر می گذرانیم:

ص: 68

1- . مرحوم مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج 1، ص 55. و مرحوم مجلسی، محمد باقر، داستان های بحارالانوار، ج 2، ترجمه ناصری، ص 109.

2- . نیلی پور، مهدی، فرهنگ جوان، ص 26 و 27، برگرفته از شهید مطهری، نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر.

1- اقبال گرایی

عده ای شانس را عامل موفقیت و پیروزی عنوان کرده و کسانی را که در زندگی شکست را پذیرا شده اند، بد شانس می نامند. آنان سعی، کوشش و تلاش را رها نموده و راه های سعادت را نشناخته، و آنها را به کار نمی گیرند.

بخت و اقبال یکی از عوامل موهوم و خرافی نیک بختی است، بنابر این اعتقاد به شانس نمی تواند ما را به پیروزی رهنمون سازد. به جای کلمه شانس باید از کلمه «شناخت و کاربرد» استفاده نماییم. در گام نخست از راه های موفقیت و سعادت شناخت پیدا نموده و در گام بعدی با سعی و کوشش به آنها جامه عمل بپوشانیم. علامه محمد تقی جعفری می گوید:

«به همین دلیل است که باید قبول کرد که موضوع تصادف، بخت و شانس موقعی که با آگاهی به معنای آنها مطرح می شود، حتماً پای انسان نادانی به میان آمده است که نمی خواهد به جهل خود اعتراف نماید.»⁽¹⁾

«بی گمان موفقیت جایزه ای است که باید ربود. عمل راهی است که منتهی به موفقیت می گردد. در پی آن بخت و اقبال وسایلی است که ممکن است در میان تاریکی ها کنار جاده پنهان باشد.»⁽²⁾

2_ اموال اجداد

عده ای از افراد جامعه که پدرشان مال و منالی داشته، تنها آن را راه گشا می دانند و بدین جهت، شناخت و روش های پیروزی و عمل به آن را رها کرده و بدان رغبتی نشان نمی دهند.

سامرست موآم می گوید:

«سعی کن به اعمال خودت افتخار کنی. افتخار به اموال و اجداد تو، مال خود آنها بوده است.»⁽³⁾

ص: 69

1- . جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، جلد چهارم، نشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ص 15 و 16.

2- . کاظمی، حکمت اله، نظری گذرا بر افکار اندیشمندان ایران و جهان، ص 69.

3- . شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟، ص 50.

این اشخاص باور نمی کنند که روزی مال و منال پدر تمام می شود. بنابر این آنها باید متکی به خود باشند و با اطمینان و اعتماد به نفس برای خویش زندگی برتر را ساخته و آن را حفظ نمایند در غیر این صورت گره ای از مشکلات چنین فرزندان باز نمی شود. راکفلر می گوید:

«پیروزی سه شرط دارد: عقل، نیرو و استفاده از موقعیت».(1)

3_ حادثه و تصادف

اشاره

بد نیست بدانید که؛ عده ای عقیده دارند، گاهی تصادف هایی در زندگی رخ می دهد که گره کار آدمی را گشوده، و موفقیت آفرین است. از سویی، آنها در انتظار چنین تصادف هایی زندگی را سپری می کنند. اکنون به یک نمونه از آن اشاره می کنیم:

*** داستان ***

«عماد الدوله دیلمی، اصفهان و فارس را متصرف شد و حاکم شهر را که نماینده خلیفه بود از شهر راند، ولی چیزی نگذشت که هزینه وی و سربازانش به آخر رسید و بیم آن داشت که سربازان وی دست به مال مردم دراز کنند.

در این گیرودار چشم عماد الدوله به سقف افتاد. و دید ماری سر از سوراخ بیرون آورد و دوباره فرو برد.

این عمل چند دفعه تکرار شد. او دستور داد سقف امارت را بردارند و مسیر مار را تعقیب کنند. کارگران در انتهای سوراخ، به خمهای مملو از اشرفی برخوردند که حاکم سابق آنها را برای روز مبادا ذخیره کرده بود».(2)

در تاریخ از چنین تصادفهایی فراوان یافت می شود. ولی ما هرگز نباید آن را عامل پیروزی بدانیم بلکه باید عوامل و راه های کامیابی را شناخته و آنها را در زندگی به کار بندیم.

«از خارج در معرض هجوم بلایا و حوادث و اتفاقات و امراض و ناخوشی ها

ص: 70

1- . سمیعی، رضا، جام اندیشه، ص 128، سخن 2746.

2- . آیت الله سبحانی، جعفر، رمز پیروزی مردان بزرگ، نشر: نسل جوان، چاپ بیست و دوم، سال 1387، ص 166.

و انواع مصائب و آلام فردی و اجتماعی هستیم و از داخل نیز دشمنانی قهار و بنیان کن چون کبر، غرور، ترس، کینه، غضب، تشویش، اضطراب، حرص و شهوات بر ما حمله و کمر به ایذاء و اذیت ما بسته اند. بنابراین آیا جای آن نیست که با این همه دشمن، قامت شجاعت راست کرده و در قلع و قمع آنها بذل همت و مجاهدت کنیم.»⁽¹⁾

4- رؤیا پردازی سرنوشت

بدون تردید عده ای عقیده دارند سرنوشت فقط به دست خداوند تبارک و تعالی است، و تنها اوست که خوشبختی یا بدبختی را برای هر شخصی تعیین می کند، و از سویی ما در موفقیت و شادکامی خویش هیچ گونه نقشی نداریم.

بنابر این تنها درخواست از او را راهگشا می دانند و فقط او را ضامن نیک بختی می دانند. آنها نمی دانند که عدم سستی و عمل آگاهانه ما همراه با کمک و یاری او ما را به سر منزل می رساند و اگر خودمان تبدلی نموده، مدیریت، برنامه ریزی و کوشش نداشته باشیم به مقصود نمی رسیم.

در روایت مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«نه جبر است و نه تقویض بلکه امری است میان این دو.»⁽²⁾

دیوانگی است، قصه تقدیر و بخت نیست از بام سرنگون شدن و گفتن این قضاست

در آس—مان علم، عمل بهترین پ—ر است در کش—ور وجود، هنر بهترین غناست

می کوش گرچه عزم تو اندیشه برتر است می پوی گرچه راه تو در ک—ام ازدهاست⁽³⁾

ص: 71

1- . ذوالفقاری، غلامحسین، رهنمون، ص 551.

2- . محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، ص 99، ح 1033.

3- . پروین اعتصامی.

«در همه کارهایی که برایت ممکن است، محتاط باش.» (1)

اگر در کارهایمان جوانب امور را نسنجیم چه اتفاقی می افتد؟! اگر سرانجام اهداف خویش را در نظر نگیریم چه می شود؟! اگر در امور زندگی دقت نکنیم چه رویدادی در انتظار ماست؟!

در این هنگام اگر شکست را پذیرا نگردیم، حداقل به موفقیت نسبی و کم ارزشی رسیده ایم به دلیل اینکه «احتیاط را که از دست دادیم به تدریج همه چیز را از دست خواهیم داد.» (2) به عبارت ساده؛ یکی از رازهای شادکامی و کامیابی احتیاط و دقت است و بهتر است بگوییم؛ «پیروزی دو بال دارد یکی اختیار و یکی احتیاط.» (3)

اگر در امور مهمی چون ازدواج، تربیت فرزندان، سیاست، اقتصاد، دانشگاه و کار عجله و شتاب داشته باشیم و با بی صبری، با واژه «شجاعت» بیگانه باشیم. (4) و دیوانه وار به اعمال متهورانه دست بزنیم، عاقبت محکوم به شکست هستیم، بر خلاف آن با حسابگری و عاقبت اندیشی در ابعاد و اصول گوناگون زندگی، و عمل گرایی به سرانجام بهروزی می رسیم.

آری!! «اگر دقت نبود، بشر به هیچ ترقی و پیشرفتی نایل نمی شد.» (5) اگر برای

ص: 74

1- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 3، ص 1331، ح 4496.

2- یعقوبی، مرضیه، گنجینه سخنان بزرگان ایران و جهان، ص 59.

3- شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟ ص 33.

4- واژه شجاعت با خردمندی در آمیخته است، و شجاعت از خردمندی انسان سرچشمه می گیرد.

5- شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟، ص 153.

رسیدن به هدفی کمی احتیاط و دقت نمودید، به طور نسبی به پیروزی می رسید، هر قدر احتیاط، و دقت شما بیشتر باشد موفقیت شما زیادتر است.

موريس مترلنگ می گوید:

«دقت هر چه بیشتر باشد، نتیجه مطلوب تر است.»(1)

بنابراین هیچ دور اندیشی نیست که موفقیتی نداشته و هیچ احتیاطی نیست که کامیابی نداشته باشد.

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

«مردی خدمت پیغمبر(صلی الله علیه وآله) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا به من سفارش کن؛ پیامبر فرمود: اگر به تو سفارش کنم به آن عمل می کنی؟ پیامبر سه بار این سخن را فرمود و آن مرد هر سه بار جواب داد: آری، ای رسول خدا.

سپس رسول خدا(صلی الله علیه وآله) به او فرمود:

به تو سفارش می کنم که هر گاه خواستی کاری کنی در عاقبت آن بیندیش، اگر درست بود آن را انجام ده و اگر نادرست و گمراه کننده بود از آن خود داری کن.»(2)

تعریف واژه

رعایت و ملاحظه دقیق همه جوانب امور برای دفع ضرر احتمالی و یا عدم انحراف در مسیر و در نظر گرفتن همه نمود و اصول اهداف کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت، تا رسیدن به کامیابی.

جایگاه و اهمیت احتیاط، دقت و دوراندیشی

نویسندگان و شعرا در نثر و نظم خویش احتیاط و دقت را یکی از عوامل بهروزی عنوان نموده و بر آن تأکید فراوان داشته اند. مشاهیری که مظهر به کارگیری آن بوده اند نیز الگویی برای آحاد جوامع گوناگون بوده، ملت ها نیز به

ص: 75

1- همان منبع.

2- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه؛ جلد سوم، نشر: دار الحدیث، چاپ: پنجم، ص 1137، ح 3693.

آنان افتخار نموده و به بزرگی یاد کرده اند. به دلیل آنکه آن عملی پرفضیلت و با ثواب فراوان عنوان گردیده است. از این روی با چهار رکن اساسی احتیاط و دقت که چشم، گوش، هوش و اندیشه هستند، می توانیم از شتاب زدگی پرهیز نموده و از ویژگی های نیکوی آن در دو عالم بهره مند گردیم.

جلوگیری از شتاب زدگی

«عشق آتشین به یک موضوع و افکار سطحی و محدود، و گاه سیطره هوی و هوس بر انسان، و خوش بینی بیش از حد به یک مطلب، عوامل عجله و شتاب زدگی در کارها است و از آنجا که بررسی های سطحی و مقدماتی غالباً برای پی بردن به حقیقت یک امر و سود و زیان آن کافی نیست، معمولاً عجله در انجام کارها، موجب ندامت و خسران و پشیمانی است. تا آنجا که گاهی عجله سبب می شود، انسان به دنبال بدی ها برود به همان سرعت که به دنبال نیکی ها می رود!

تلخ کامی ها و شکست ها و مصائبی که دامان انسان را در طول تاریخ بر اثر شتاب زدگی گرفته است، بیش از آن است که قابل شمارش باشد، و خود ما در طول زندگی نمونه های آن را آزموده ایم، و ثمرات تلخش را چشیده ایم!

نقطه مقابل عجله، تأنی و درنگ کردن، با تفکر و تأمل، بررسی همه جوانب کاری را انجام دادن است»⁽¹⁾.

رسول خدا(صلی الله علیه وآله)فرمود: مردم را عجله هلاک کند، اگر مردم با تأمل کارها را انجام می دادند کسی هلاک نمی شد.⁽²⁾

در گفتاری دیگر از امام صادق(علیه السلام) می خوانیم:

«با درنگ کردن سلامت است و با عجله ندامت».

و نیز پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله)فرمود:

تأنی و ترک شتاب زدگی از ناحیه خداست و عجله از شیطان است!⁽³⁾

ص: 76

1- . مکارم شیرازی، ناصر، یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، نشر: دارالکتب اسلامیة، سال 1384، ص 535.

2- . همان منبع، به نقل از سفینه البحار: ماده (ثبت).

3- . همان منبع.

در زمان های قدیم جوانی که شغل او سلمانی بود در بازار قدم می زد. در هنگام عبور چشمش به حجره کوچکی افتاد دید مردی در آن نشسته و هیچ کاری برای فروش ندارد. از او پرسید: شما چه می فروشید؟

پاسخ داد، من حکمت می فروشم.

جوان گفت: آن را به من بفروش.

مرد پاسخ داد، فروختن حکمت مجانی نیست صد اشرفی در مقابل آن می گیرم.

جوان پس از تفکر و غرور فراوان صد اشرفی به مرد دانشمند داد. او در مقابل آن در کاغذی نوشت، «زرنگ ترین مردم کسی است که قبل از انجام کاری بیندیشد که آیا سرانجام کاری که انجام می دهد نیک است یا بد»؟

پیر مرد آن نوشته را به جوان داد و آن را برایش معنا کرد.

جوان گفت: بقیه اش کو؟

پیر مرد گفت: حکمت همین است اگر باز خواسته باشی باید صد اشرفی بدهی.

او چون این درس را گران خریده بود با خود گفت:

باید آن را هر جا که ممکن است بنویسم.

بنابراین ذغالی به پسر خود داد و گفت:

این جمله را در هر جا که مناسب است، بنویس.

پسرک روی دیوارها، پشت سنگ ها و خشت ها و خلاصه در مکان های گوناگون می نوشت، حتی روزی سنگ مخصوص پدرش را که پدرش تیغ سلمانی خودش را روی آن تیز می کرد، دید و پشت آن جمله مذکور را نوشت.

روزی وزیر پادشاه به خانه مرد سلمانی آمد و به او گفت:

در خارج از کشور یکی از دوستانم یک تیغ طلایی خوب برایم هدیه آورده است؛ شما هر وقت برای اصلاح سر و صورت سلطان آمدید از این تیغ استفاده کنید.

سلمانی خوشحال شد و از وزیر تشکر کرد.

سپس بعد از چند روز طبق فرمان شاه نزد او رفت. تیغ طلایی را از کیف خود بیرون آورد که مشغول کار شود چشمش به نوشته پشت سنگ افتاد. با خود

گفت: خوب به خاطر آن همه پولی که در راه این سخن حکیمانه داده ایم یک بار از آن استفاده کنیم.

آن سخن را نزد خود مرور کرد: تا عاقبت و نتایج کاری را ندانی به آن اقدام نکن.

سپس با خود گفت: من که هنوز نمی دانم این تیغ چگونه می تراشد و آن را امتحان نکرده ام، پس خوب است از تیغ معمولی خودم برای اصلاح سر و صورت پادشاه استفاده کنم. شاه که عوض کردن تیغ را دیده بود علت آن را سؤال کرد. او فهمید که حتماً دسیسه ای در کار است و تیغ طلایی مسموم می باشد.

سلمانانی نیز حقیقت را بی کم و کاست برای شاه تعریف کرد.

سپس شاه مجلسی ترتیب داد و وزیر و سایر افرادی که در این دسیسه نقش داشتند را به آن مجلس دعوت کرد، آنگاه به آرایشگر دستور داد با آن تیغ سر و صورت آنها را اصلاح کند و او هم آنها را آرایش کرد.

پس از چند لحظه همه مسموم شده و به هلاکت رسیدند.

جوان آرایشگر متوجه شد که آن سخن حکیمانه خیلی بیش از صد اشرفی ارزش داشته است.

بعد از این واقعه، پادشاه جایزه هنگفتی به او داد و افتخار بزرگی نصیب او گشت. (1)

خصوصیات احتیاط و دقت

اشاره

آشنایی با ویژگی های احتیاط و دقت ما را مجاب می کند که با شناخت هر چه بیشتر، آن را در زندگی به کار گیریم. با هم آن خصلت ها را می خوانیم:

1. امنیت جانی و مالی

شناخت احتیاط و به کار گیری آن چشم انداز زیبایی دارد، و وقتی که با دور اندیشی توأم باشد نتایج امنیتی وافر داشته و از میزان خطرات جانی و مالی می زداید. از آن روی عدم تعجیل و شتاب و به اصطلاح عوام، بی گذار به آب نزدن، نقش بسیار مهمی در همه نمودها، اصول و ابعاد زندگی ایفا کرده و به طور

ص: 78

1- . عباسی، ابراهیم، کشکول عباسی، نشر: امیر العلم، سال 1382، ص 223_225.

قابل ملاحظه ای از سوانح غیر منتظره و حوادث ناگهانی می‌کاهد. مثل بعضی از افراد جوامع گوناگون که عدم دور اندیشی و احتیاط را در باب دوستی مرتکب گردیده و اعمال متحورانه ای که خلاف آداب دوست یابی بوده را مرتکب گردیده و با دونان همنشین گردیده اند بنابر این عواقب زیانبار و فراموش ناشدنی در پی داشته است.

بد نیست بدانید که؛ بالاترین درجه احتیاط در ادیان مقدس برای حفظ مال، جان، آبرو و ناموس در نظر گرفته شده است. شریعت مقدس اسلام نیز برای آن اهمیت ویژه ای قائل شده، بدین جهت ما باید طبق وظیفه و در قبال مسئولیتی که نسبت به آن داریم همه جوانب امور را برای دفع ضرر احتمالی و یا عدم انحراف در مسیر حفظ ارزش های امنیتی ملاحظه کرده و آن را به کار گیریم.

2. سالم ماندن از آسیب ها

کسانی که با احتیاط، و دور اندیش هستند، به دلیل آمادگی برای دفع عواقب زیانبار زندگی با امکانات و تجهیزات بیشتری به مقابله حوادث می‌روند. با این اوصاف آنان از دلی آرام و قلبی مطمئن بهره مندند و در صحت به سر برده و آسیب هایی که بر اثر شتاب زدگی گریبانگیر آنان گردیده و عواقب شومی در انتظارشان بوده را از خویش دور نموده اند.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«دور اندیشی و احتیاط فن است، ثمره دور اندیشی سالم ماندن (از آسیب ها) است، کسی که دور اندیشی او را پیش نبرد، ناتوانی و درماندگی او را عقب نگه می‌دارد.»⁽¹⁾

3. عدم ناسازگاری با مخالفان (مدارا)

یکی از ویژگی های افراد با احتیاط و دور اندیش؛ مدارا با دشمنان و تا حد امکان سازگاری با مخالفان است. به همین دلیل احاد جوامع گوناگون دقیق و به

ص: 79

1- . محمدی ری شهری، محمد میزان الحکمه، ج 3، ص 1137، ح 3689.

دور از هر گونه ناسازگاری حتی با مخالفان خویش؛ آشتی جوی واقعی هستند. آنان به خوبی فرا گرفته اند که کارشکنان شبیه سگ هستند بنابراین به عو عو آنها

اهمیتی نداده و به اصطلاح عوام به «سگ مرده لگد نمی زند»؛ حتی به کارشکنان و شایعه پراکنانی که بعضی از اوقات به علت اختلاف اعتقادات سیاسی و مذهبی برای جناح مخالف به فعالیت می پردازند، بهایی نداده و آنان را به حال خویش باقی می گذارند.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«صلح جویی با مخالفان و مدارا با دشمنان کمال دور اندیشی است.»⁽¹⁾

4. فرصت شناسی

با وقت شناسی اوقاتمان هدر نمی رود، چرا که در فرصت های معین به عمل می گراییم و با مدیریت زمان و شناخت دزدان اوقات و از سویی بهره برداری کامل از فرصت ها خطاهای ما به حداقل رسیده و میزان بازدهی ما نیز به حداکثر خواهد رسید. با چشم انداز فوق در می یابیم که شخص با احتیاط و دقیق می تواند با سرعت در راه هدف حرکت نموده و با سبقت از همگان، الگوی جوامع گوناگون گردد. به عبارت ساده آدم دقیق، و وقت شناس عاقبت پشیمان نمی گردد، چرا که با دور اندیشی و فرصت شناسی به اهداف بزرگ تری خواهد رسید.

5. معنویت و عبودیت

اشاره

احتیاط و دور اندیشی یکی از فضیلت های گرانقدر به شمار می رود، و چهارده معصوم (علیهم السلام) به این عمل شرعی و پر ارزش سفارش نموده، و ثواب وافر آن را در روایات فراوانی بیان نموده اند.

در میزان الحکمه سه حدیث در باب احتیاط و هفتاد حدیث درباره دور اندیشی بیان گردیده؛ و پیامبر گرامی و راهبران دین اسلام در کتب حدیثی و روایی همچون غرر الحکم و درر الکلم⁽²⁾، نهج البلاغه، نهج الفصاحه⁽³⁾،

ص: 80

1- همان منبع، ص 1143، ح 3784.

2- در کتاب های غرر الحکم و درر الکلم و نهج البلاغه سخنان حضرت امیر (علیه السلام) بیان گردیده است.

3- در کتاب نهج الفصاحه، گفتار پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) بیان گردیده است.

بحار الانوار (1)، خصال (2) و اصول کافی (3)، جایگاه ویژه و اهمیت خاص آن را به رهروان خویش گوشزد نموده اند.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

«دور اندیش ترین شما پارساترین شماست.» (4)

*** خاطره ***

محمد رضا قبادی نقل می کند: که در یکی از دبیرستان های قزوین مشغول تدریس قرآن بودم.

گاهی اوقات با همراهی دانش آموزان دقایقی را صرف جمع خوانی قرآن مجید می کردیم تا آنان آیات را بهتر فرا گیرند و به خوبی در ذهنشان باقی بماند.

روزی در حین تدریس، صدای بلند دبیر انگلیسی به همراه دانش آموزان که در کلاس کناری یک متن انگلیسی را جمع خوانی می کردند، شنیده می شد و برای کلاس ما مزاحمت ایجاد کرده بود؛ ابتدا این مزاحمت طبیعی و قابل تحمل بود ولی پس از مدتی بدون اینکه صبر و تحمل کنم یکی از دانش آموزان را به کلاس دیگر فرستادم که به دبیر کلاس بگوید: صدای جمع خوانی کلاس شما برای ما مزاحمت ایجاد کرده است.

هیچ گاه با خود نیندیشیده بودم که چرا در کلاس قرآن دقایقی را که به همراهی دانش آموزان با صدای بلند جمع خوانی را انجام می دهیم دبیر انگلیسی اعتراض نکرده است. ناگهان در ترم بعد با همان کلاس درس قرآن داشتم. در این نوبت دانش آموزان دقت بیشتری به قرآن داشتند و هنگام تلاوت قرآن سکوت پرمعنایی می کردند. پس از زنگ تفریح یکی از دانش آموزان را به آرامی صدا کردم و از او سؤال کردم، چرا کلاس شما در زمان تلاوت قرآن دقت عجیبی به آیات دارند؟

ص: 81

- 1- . کتاب بحار الانوار تألیف مرحوم محمد باقر مجلسی؛ می باشد.
- 2- . کتاب خصال دو جلدی است و تألیف شیخ صدوق؛ می باشد.
- 3- . اصول کافی تألیف مرحوم ثقه الاسلام کلینی؛ است.
- 4- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 3، ص 1143، ح 3743.

او گفت: این را از رفتار دبیر انگلیسی ترم پیش یاد گرفتیم.

گفتم: چگونه؟ مگر او چه سخنی برای شما گفته بود؟

گفت: همیشه کلاس زبان انگلیسی ما زمانی بود که شما در کلاس کناری درس قرآن داشتید. شما و دانش آموزان هر هفته وقتی به صورت جمع خوانی قرآن تلاوت می کردید و صدایتان در کلاس ما شنیده می شد معلم انگلیسی ما این آیه را می خواند:

«وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ انصِتُوا» (1)

«وقتی قرآن خوانده می شود به آن گوش فرا دهید و سکوت کنید».

خود سکوت می کرد و به قرآن گوش می داد و پس از قطع شدن صدا درسش را ادامه می داد. با خود اندیشیدم که می شود در کلاس زبان انگلیسی هم قرآن یاد داد. (2)

بی گمان در این خاطره معلم و شاگردانش به دلیل دقت به آیات قرآن و انس با کلام خدا آن را فراراه خویش قرار داده اند، که آن نیز باعث یاری و رحمت خداوند بزرگ گردید و به طور قطع آینده ای هویدا و روشن انتظار آنان را می کشید. «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»

6. نیکبختی و موفقیت

موفقیت و خوشبختی یکی از ویژگی های احتیاط، و دور اندیشی است.

حضرت امیر (علیه السلام) می فرماید:

«پیروزی با دور اندیشی و اراده پایدار به دست می آید.» (3)

ویکتور هوگو می گوید:

«دقت و احتیاط هر دو لازمند اولی برای رسیدن به پیروزی و دومی برای حفظ پیروزی.» (4)

در ضمن یاد آور می شویم که پنج خصلت و ویژگی بیان شده بالا دلیل هایی

ص: 82

1- . سورة اعراف، آیه 204.

2- . ماهنامه بشارت، شماره 13، ص 40.

3- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، نشر: دار الحدیث، چاپ پنجم، ص 1139، ح 30706.

4- . یعقوبی، مرضیه، گنجینه سخنان بزرگان ایران و جهان، چاپ اول، ص 475.

برای عوامل کامیابی و موفقیت نیز هستند، که این خود نیز دلیلی است که احتیاط و دقت عامل نیکبختی و پیروزی به شمار می رود.

شخصیت افراد با احتیاط، دقیق و دور اندیش (چشم انداز زیبایی)

اشاره

اکنون شخصیت افراد ملت های دقیق و با احتیاط را بیان می نمایم؛ امیدواریم با چشم خرد موجب گرایش هر چه بیشتر به آن گردیم. با هم می خوانیم:

1. اراده ای خلل ناپذیر و تصمیمی قاطع

اشاره

آنان در الفبای شخصیتی خویش با اراده ای محکم، خلل ناپذیر و تصمیمی قاطع در راه رسیدن به موفقیت و خوشبختی، دقت، احتیاط و دور اندیشی نموده و به همین دلیل آینده ای هویدا و روشن در پیش دارند. آنان سرنوشت خویش را با تنبلی مبهم نگذارده و با سستی به کسی نسپرد و چون بادبادک سرنخشان به دست دیگران نیست.

نیوتون می گوید:

«بی احتیاطی زمانی آغاز می شود که اختیار از دست انسان خارج می شود».(1)

افراد دقیق و با احتیاط از خرد کافی و هوش وافر برخوردار بوده و اندیشه ای شفاف و فکری سلیس دارند که با آموختن علم در ابعاد و اصول گوناگون به دور اندیشی درباره اهداف خویش می پردازند.

انیشتین می گوید:

«تهور بی جا از جهل ناشی می شود و احتیاط بجا از عقل».(2)

به عبارت دیگر «آدمی با بلوغ و رشد عقلی و فرهنگی، شخصیتی محتاط تر و ژرف اندیش تر داشته و در عین حال با سرعت از همگان سبقت می گیرد، تا سرلوحه جوامع قرار گیرد».(3)

ص: 83

1- شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟ ص 33.

2- همان منبع.

3- همان منبع.

روزی ابوذر مریض شده بود و به عصا تکیه کرده، نزد عثمان آمد، دید صد هزار درهم جلو عثمان است، و جمعیتی هم اطرافش نشسته انتظار دارند این مال را میانشان قسمت کند.

ابوذر گفت: این چه مالی است و از کجا آمده و مصرفش چیست؟

عثمان: این صد هزار درهم است که از محلی آورده اند، منتظریم مقداری هم بر آن افزوده شود تا بعد درباره اش تصمیم بگیریم.

ابوذر: صد هزار درهم بیشتر است یا چهار دینار؟

عثمان: صد هزار درهم.

ابوذر: یاد داری شبی با تو خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) شرفیاب شدیم، حضرت محزون و غمناک بود که جواب سلام درستی به ما نداد، روز بعد ما خدمت ایشان رسیدیم، او را خندان و خوشحال یافتیم، گفتیم پدر و مادرمان به قربانت دیشب شما را خیلی محزون دیدیم و امروز چنین خندان هستید؟!

فرمود: «آری دیشب چهار دینار از بیت المال مسلمین پیش من بود که تقسیم نکرده بودم، می ترسیدم اجلم فرارسد و این مال من تلف شود، اما امروز آن را به مصرف رسانیده چنین خوشحالم.» (1)

با سر لوحه قرار دادن پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و سپس با دقت و احتیاط و دور اندیشی سعادت دنیا و آخرت خویش را تضمین نماییم. برای این کار باید گرایش به اندیشه و خرد را فراراه خویش قرار دهیم.

2. به کارگیری آموخته های تجربی

اشاره

آنان در الفبای شخصیتی خویش با کسب آگاهی از صاحبان خرد و اندیشمندان به دور اندیشی پرداخته و به تجربیات خویش می افزایند. و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

«دور اندیشی، نگه داری تجربه است.» (2)

ص: 84

1- پیغمبر یاران، ج 1، ص 54، اعیان الشیعه، ص 359.

2- محمدی ری شهری، محمد میزان الحکمه، ص 1139، ح 3717.

آموخته های تجربی از صحنه های درس آموز، نیز یکی دیگر از برنامه های آنان است.

بد نیست بدانید که افرادی که به علت بی ایمانی و اعمال خلاف اعتقادات و خلاف ارزش ها عاقبت اندیش نبوده اند، در تاریخ گذشتگان مایه عبرت همگان

قرار گرفته اند؛ زیرا آموخته های تجربی و عملی به ویژه در صحنه های خاطره انگیز و حیرت انگیز تأثیرات عمیق و شگرفی دارند. بنابر این عبرت از کسانی که بدعاقبت شده اند نیز بسیار درس آموز بوده که نمونه هایی از آن را بیان می نماییم:

1- بلعم باعورا که از دانشمندان بنی اسرائیل بود، مقامش آن قدر افزون شد که هر چه از خدا درخواست می کرد به اجابت می رسید. بدین سبب حضرت موسی 7 از او به عنوان مبلغ استفاده می کرد، ولی بر اثر تمایل به فرعون و وعده و وعیدهای او از راه حق منحرف شد و همه کرامات خود را از دست داد، تا آنجا که در صف مخالفان موسی (علیه السلام) قرار گرفت.

این موضوع به زمان موسی (علیه السلام) یا سایر پیامبران اختصاص نداشته و بعد از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و تا به امروز نیز ادامه دارد که بلعم باعوراها علم و دانش و نفوذ اجتماعی خود را در برابر درهم و دینار یا مقام و یا به خاطر انگیزه حسد در اختیار گروه های منافق و دشمنان حق قرار داده و می دهند. این افراد ویژگی هایی دارند که قرآن در آیات 176 و 175 سوره اعراف آن ویژگی ها را چنین بیان می کند:

«آنها هوا پرستانی هستند که خدای خود را فراموش کرده و همت هایی پست دارند و تحت وسوسه های شدید شیطان قرار دارند و به آسانی قابل خرید و فروشند، آنها همانند سگ های بیماری هستند که هرگز سیراب نمی گردند» (1).

چون فرعون تصمیم گرفت موسی و یارانش را تعقیب کند به بلعم باعورا گفت: از خدا بخواه که موسی و اصحابش به دست ما گرفتار شوند. او پذیرفت و به طرف موسی (علیه السلام) و اصحابش به راه افتاد تا آنها را نفرین کند.

چهارپای وی از حرکت امتناع ورزید، بلعم باعورا حیوان را زد، خداوند حیوان را به زبان آورد و حیوان گفت: وای بر تو! چرا مرا می زنی؟ آیا می خواهی

ص: 85

1- . مکارم شیرازی، ناصر، گفتار معصومین، ص 193 و 194، به نقل از تفسیر نمونه، ج 7، ص 11.

همراه تو بیایم که تو پیامبر خدا و قومش را نفرین کنی؟

بلعم باعورا آن قدر حیوان را زد تا جان داد.

در این هنگام اسم اعظم از دست او رفت. (1)

2- سعد وقاص از سابقین در اسلام است که پیش از ابوبکر مسلمان شد و یکی از نامه نویسان پیامبر (صلی الله علیه وآله) بود، اما عاقبتش بد شد و با امام علی (علیه السلام) بیعت نکرد ولی پس از امام (علیه السلام) وقتی شنید که معاویه به سب و لعن علی (علیه السلام) می پردازد بر او وارد شد و گریست و در باب فضایل امیر المؤمنین (علیه السلام) سخن گفت و حدیث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» و حدیث مباحله و حدیث منزلت را به رخ معاویه کشید.

معاویه او را از شام بیرون کرد و به فرماندار مدینه نوشت تا سعد وقاص را مسموم کند، او هم عمل کرد و سعد را مسموم کرد. سعد نه با حکومت حق کنار آمد و نه با حکومت باطل و به عاقبت بد و خسران مبتلا گردید. (2)

3- حسان، شاعر پیامبر 9 هم متأسفانه با همه درخشش در آغاز زندگی ایمان قابل داشت ولی به عاقبت بد دچار شد.

او شعری که در غدیر سرود به جای کلمه مولا کلمه امام را آورد:

وَقَالَ لَهُ قُمْ يَا عَلِيُّ فَإِنِّي رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي أَمَاماً وَهَادِيّاً

«پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«یا علی برخیز که من تو را به عنوان امام و هادی مردم پس از خود برگزیدم».

او پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به انحراف گرایید و در زمان خلافت علی (علیه السلام) عثمانی از آب در آمد و در خط مخالفت قرار گرفت؛ و از اینجا سر کیفیت دعای پیامبر (صلی الله علیه وآله) در حق او معلوم می گردد که فرمود:

«لَا تَزَالُ يَا حَسَّانُ مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ مَا نَصَرْتَنَا بِإِسَانِكَ»

«تا زمانی که با زبانت ما را یاری می کنی مورد تأیید می باشی»

ص: 86

1- همان منبع، به نقل از تفسیر قمی، ج 1، ص 248.

2- همان منبع، به نقل از سفینه البحار، ماده «سعد».

4- قیس بن عمرو بن مالک کهلانی معروف به نجاشی شاعر، از اهل نجران یمن و از یاران امام علی (علیه السلام) بود در صفین به جنگ با شاعران شام رفت، پس از جنگ صفین در ماه رمضان به کوفه آمد و میهمان دوست خود ابوسماک شد. ولی در آن روز ناهار خوردند و شراب نوشیدند و مست شدند، امام (علیه السلام) هشتاد

تازیانه به خاطر شراب خواری و بیست تازیانه به خاطر بی حرمتی به ماه مبارک رمضان به عنوان حد به او زد. از حضرت جدا شد و به معاویه پیوست. (1)

همان طور که بیان کردیم یکی از راه های احتیاط و دور اندیشی آموخته های تجربی است.

بنابر این با عبرت از اعمال متهورانه، خودسرانه و دیوانه وار در هر زمینه ای خودداری نمایید. بد نیست بدانید که؛ یک دور اندیش واقعی در تمامی جوانب زندگی به ترکیه می پردازد زیرا می داند خواهش های نفسانی او را از دقت و دور اندیشی باز می دارد، او سازندگی را یک اصل مهم از زندگی خویش می داند، زیرا حضرت امیر (علیه السلام) می فرماید:

«دور اندیش کسی است که خود را به پیکار با نفس مشغول دارد و آن را اصلاح گرداند و نفس را از خواهش ها و لذت هایش باز دارد و زمام آن را در اختیار گیرد. (2)

روایتی در این زمینه را از نظر تان می گذرانیم تا آموخته ای باشد که فراراهمان قرار گیرد.

لمسی آیات

ابو بشر، عمرو بن عثمان بن قنبر معروف به «سیبویه» (متوفای 180ق) از استادان مشهور علم نحو و صاحب کتاب گران سنگ «الکتاب» است. این کتاب از بهترین کتاب های جهان در فن خود است. در کتاب سیبویه، به سیصد و چند آیه از قرآن مجید استشهاد شده است.

ص: 87

1- همان منبع، ص 195 و 196.

2- محمدی ری شهری، محمد میزان الحکمه، ج 3، ص 114، ح 3726.

مورخین می گویند: ابوعثمان مازنی _ نحوی معروف عرب _ حاضر نشده بود این کتاب را به یکی از اهل ذمه تدریس کند، تنها به خاطر این که دست غیر مسلمان آیات قرآن را لمس نکند، با اینکه پول فراوانی (یکصد دینار) به عنوان حق التدریس به وی پیشنهاد کرده بود. (1)

3. سپاسگذاری

دقت و احتیاط افراد ملت ها باعث پیشرفت جوامع آنان شده است؛ بنابراین در مواقعی که پیشرفت خویش را حس می کنند از خداوند بی همتا سپاسگذاری کرده و سجده شکر بر جای می آورند. «لئن شکرتم لازیدنکم»

حضرت امیر(علیه السلام) می فرمود:

«دور اندیش کسی است که چون نعمتی به او رو کند شکرش را به جای آورد و هر گاه نعمتی به او پشت کند شکیبایی ورزد و آن را از یاد ببرد.» (2)

شکر گذاری آثار فراوانی دارد و به علت نزدیکی انسان شاکر به معبود باعث تقویت نیروی آدمی در جهت نیل به اهداف والای انسانی است.

4. شکبیا و پایدار

اگر همه خصوصیات، ابزارها و امکانات لازم را برای دور اندیشی در اختیار داشته، ولی بردبار نباشیم نمی توانیم آفات آن را از میان برداریم.

حضرت امیر(علیه السلام) فرمود:

«شکیبایی در برابر دشواری های روزگار از برترین دور اندیشی هاست.» (3)

بنابر این برای رسیدن به مقصود، بردباری و مقاومت را پیشه خویش سازیم، و با پایداری به احتیاط خویش استحکام بخشیده و آن را قطعی نماییم. «ان الله مع الصابرين»

ص: 88

1- . استاد شهید مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص 511.

2- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 3، ح 3738.

3- . همان منبع، ص 1143، ح 3751.

5. در نور دیدن زمان و مکان

انسان با احتیاط و دقیق، زمان و مکان را در می نوردد، زیرا آن مربوط به زمان و مکان خاصی نیست، و باید همیشگی باشد. احتیاط در خانواده، اجتماع و کار یا درس باید به فرزندان آموزش داده شود و آنان تا آخر عمر به آن مقید باشند.

ژوله میشله می گوید:

«حتی در اوج قدرت و ثروت نیز نباید احتیاط را از دست داد.»⁽¹⁾

6. دوست، یاور !!

احتیاط کار واقعی در تمامی ابعاد زندگی دقیق است، او هرگز در بُعدی از ابعاد آن غافل نمی ماند. چون احتیاط در یافتن رفیق، از این روی آیین دوست یابی سر لوحه زندگی اوست.

او هرگز با دوستان فاسق نشست و برخاست نمی کند، زیرا می داند طبع دوست در وی اثر کرده؛ و مثل او می شود.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«دور اندیش کسی است که دوست خوب برگزیند؛ زیرا آدمی به دوست خود سنجیده می شود.»⁽²⁾

7. عدم بلند پروازی های خطرناک

گیل لیندن فیلد می گوید:

«رمز موفق شدن این است که هدف ما برقراری تعادل بین با اطمینان انجام دادن و بلند پروازی کردن باشد و این امر غالباً با برداشتن گام های کوچک، بهتر انجام می شود. به این ترتیب موفقیت ما بیشتر خواهد بود.»⁽³⁾

بنابر این افراد جوامع گوناگون از بلند پروازی های دیوانه وار و خطرناک دوری

ص: 89

1- . شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟، ص 33.

2- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 3، ص 1141، ح 3723.

3- . گیل لیندن فیلد، اعتماد به نفس برتر، مترجم: اسماعیل حسین هاشمی، نشر: غزل، سال 1380، ص 38.

می جویند و نام «شجاعت» بر آن نمی گذارند؛ بلکه دقت و احتیاط را شرط اول هر گفتاری و کرداری می دانند.

به دلیل آنکه این اعمال خطرآفرین یک تهدید جدی برای برنامه زندگی آنان محسوب شده؛ و ممکن است هر لحظه آنان را با حوادث جبران ناپذیری مواجه سازد.

آلفرد نوبل می گوید: «تو احتیاط کن و سالم بمان، بگذار تو را ترسو بدانند».

زیرا «گورستان ها پر از افرادی است که خیال می کردند شجاعند».

8. مشاوره و تبادل نظر

در الفبای شخصیتی انسان با احتیاط و دقت خود رأیی وجود ندارد، او هیچ گاه نمی گوید فقط حرف من درست است و نمی خواهد فقط حرف خودش را بر کرسی بنشاند؛ بلکه برای خویش مشاورانی یافته با آنها به بحث و تبادل نظر می پردازد. چرا که با رایزنی راه های بهتری را برای رسیدن به سرانجام بهروزی می یابد.

حضرت امیر(علیه السلام) می فرماید:

«دور اندیش، خود رأی نیست.» (1)

فراگیری روش های احتیاط و دقت (ملاک های کامیابی)

علمی :

1- مطالعه کتب مذهبی در این زمینه.

2- مطالعه کتب اندیشمندان و مشاهیر در این زمینه.

3- وب گردی و استفاده از سایت های معتبر دنیا.

4- شناخت ویژگی ها؛ فواید و آثار آن.

5- آگاهی از عواقب زیانبار آن.

علمی :

1- تأمل و اندیشه گرایی در زمینه های گوناگون احتیاط، دقت و دور اندیشی.

2- بحث و تبادل نظر با پیران راه و کسانی که اعمال متهورانه و دیوانه وار

1- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج3، ص 1141، ح 3724.

انجام نمی دهند.

3- عدم آشفته‌گی و تزلزل چرا که آن یکی از عوامل عدم احتیاط و عدم دقت است.

4- مقداری بد بینی جهت دور اندیشی چاشنی کنید.

5- بررسی روش های احتیاط و دقت و روشن بینی برای فردای زندگی.

کیفیت احتیاط و دقت از دیدگاه قرآن مجید

اشاره

احتیاط و دقت ملت ها مثل هر عامل دیگر از کمیّت و کیفیت ویژه ای برخوردار است، برای اینکه دیدگاه کلام خدا را درباره آن بدانیم به سراغ قرآن کریم می رویم و پس از تلاوت آیه های نورانی آن را فراراهمان قرار می دهیم:

الف) دقت در امور آخرت

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (1)

«آنان دنیا را از جنبه مادی می نگرند، به امور ظاهریش توجه دارند و از جهان آخرت غافل و بی خبرند.»

ب) دقت در محاسبه

«پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه ای از) آسمان ها وزمین قرار گیرد، خداوند آن را در قیامت برای حساب می آورد. خداوند دقیق و آگاه است.» (2)

ج) دقت در میزان

و به مال یتیم جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد! و حق و پیمانان و وزن را به عدالت ادا کنید! هیچ کس را جز به مقدار توانایش تکلیف نمی کنیم) و هنگامی که سخنی می گوئید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد

ص: 91

1- . سوره روم، آیه 7.

2- . سوره لقمان، آیه 16.

نزدیکان (شما) بوده باشد و به پیمان خدا وفا کنید، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، تا متذکر شوید! (1)

د) دقت و روابط سالم در امور زندگی

ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت) خدا بپرهیزید و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیزی از پیش فرستاده و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است! (2)

و) عاقبت اندیشی و رضای خدا

خردمندان که پیمان خدایی را نگاه می دارند... و در طلب رضای خدا بردباری پیشه می سازند، و نماز به پای می دارند، و از دارایی خویش (آشکارا و نهان) به این و آن می بخشند، و پاسخ بدی را با خوبی می دهند همانا عاقبت خوش در انتظار ایشان است. (3)

ز) عاقبت اندیشی و متقین

... عاقبت نیک از آن پرهیزپیشگان است. (4)

با دستان خویش، خویشان را به هلاک نیفکنید. (5)

ی) هشدار برای احتیاط

کافران آرزو دارند که شما از اسلحه و اسباب خود غفلت کنید (و احتیاط را از دست بدهید) که ناگهان به شما حمله آورند. (6)

ص: 92

1- . سورة انعام، آیه 152.

2- . سورة حشر، آیه 18.

3- . سورة رعد، آیه 22-19.

4- . سورة اعراف، آیه 128.

5- . سورة بقره، آیه 195.

6- . سورة نساء، آیه 102.

اشاره

با هم کیفیت و چگونگی احتیاط، دقت و دور اندیشی را از نظرگاه راهبران مذهبی می خوانیم:

الف) ارتباط احتیاط و دور اندیشی

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«احتیاط کردن، نهایت دور اندیشی است.»⁽¹⁾

حضرت امیر (علیه السلام) می فرماید:

«دور اندیش ترین مردم کسی است که از فرط احتیاط خود را ناتوان پندارد.»⁽²⁾

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«احتیاط کردن، برترین دور اندیشی است.»⁽³⁾

ب) ارتباط احتیاط و معنویت

الف) امام علی (علیه السلام) فرمود:

«برادر تو دین توست؛ پس تا جایی که می توانی مواظب دین خود باش.»⁽⁴⁾

ب) امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«در دین خود دور اندیش و محتاط باش.»⁽⁵⁾

و) ارتباط دور اندیشی و بدگمانی

حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«دور اندیشی، بدگمان بودن است.»⁽⁶⁾

ص: 93

1- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 3، ص 1143، ح 3749.

2- همان منبع، ح 3754.

- 3- . همان منبع، ح 3750.
- 4- . همان منبع، ص 1331، ح 4494.
- 5- . همان منبع، ح 4495.
- 6- . نهج الفصاحه، ص 337.

امام حسن (علیه السلام) می فرماید:

«با بدبینی خود را از مردم نگه داشتن همان دور اندیشی است.»⁽¹⁾

گاهی موارد، عینک خوش بینی همه جانبه و تمام عیار را از چشمان خویش برداشته و مقداری بدبینی ساختگی چاشنی پیش بینی های خویش نماییم تا با احتیاط، دقیق تر و آینده نگر باشیم.

۵- ارتباط دور اندیشی و زمان

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«عاقبت نگری و دور اندیشی، سرمایه است و سستی و کاهلی، از دست دادن عمر و فرصت است.»⁽²⁾

۶- ایمنی از لغزش ها

الف) امام علی (علیه السلام) فرمود:

«اندیشیدن در کار، پیش از اقدام کردن به آن، سبب ایمنی از لغزش ها است.»⁽³⁾

ب) امام علی (علیه السلام) به فرزندش حسین (علیه السلام) فرمود:

«آن کس که بدون نگرستن به عاقبت کار دست به اقدام زند، خود را گرفتار پیشامدها سازد.»⁽⁴⁾

دور اندیشی از دیدگاه بزرگان

ویلیام شکسپیر می گوید:

«هر چه صبر بیشتر دقت بیشتر و هر چه دقت بیشتر موفقیت بیشتر.»

ص: 94

1- . محمدی ری شهری، محمد میزان الحکمه، ص 1139، ح 371.

2- . تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، ص 10.

3- . حکیمی، محمد رضا و دیگران، الحیاه، ج 1، ترجمه احمد آرام، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، سال 1366، ص 181، به نقل از غرر الحکم، ص 47.

4- . همان منبع، به نقل از تحف العقول ص 66.

بنابراین عامل اصلی دقت، شکیبایی است؛ و پایه دقت بر پایداری استوار است؛ چرا که انسان آشفته به دلیل تزلزلی که وجودش را فرا گرفته؛ نمی تواند دقت کند.

موريس مترلینگ می گوید:

«دقت هر چه بیشتر باشد، نتیجه مطلوب تر است.»

همان طور که استاد در کلاس برای آموختن درس؛ شاگردان را به دقت وا می دارد، ما باید در همه زمینهای زندگی دقت و احتیاط را آویزه گوشمان قرار دهیم؛ و هرگز آن را به فراموشی نسپاریم.

ویکتور هوگو می گوید:

«دقت و احتیاط هر دو لازمند اولی برای رسیدن به پیروزی و دومی برای حفظ پیروزی.»

فرانسوا موریاک نیز می گوید:

از احتیاط هیچ کس ضرری ندیده، همان طور که از تهور نیز هیچ کس خیری ندیده است.

به عبارت ساده؛

دور اندیش کسی است که دستاوردهایش را حفظ نموده و کار امروز را به فردا نیفکند. و انسان با احتیاط و دقیق کسی است که از اهداف از پیش تعیین شده خویش منحرف نشده و با کمترین نیرو بیشترین بازدهی را به ارمغان آورد. و از سویی افراط و تفریط را در تمامی ابعاد زندگی به کناری گذارده و با اعتدال باشد. «خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا».

دور اندیشی و دقت از دیدگاه شعرا

هر چند شمع راهروانم چو آفتاب از احتیاط دست به دیوار می کشم

«صائب تبریزی»

زان راه باز گرد که از رهروان تهی دست زان آدمی بترس که با دیو آشناست «پروین اعتصامی»

عاقل به کنار آب تا پل می جست دیوانه پا برهنه از آب گذشت

«صائب تبریزی»

همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند به جایی رسیده اند

«سعدی»

آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آب از بالا و پست

«مولوی»

به دریا در منافع بی شمارست و گر خواهی سلامت، بر کنارست

«سعدی»

ندانستی که بینی بند بر پـای چو در گوشت نیامد پند مردم

وگر ره گر نداری طاقت نیش مـبـر انگشت در سوراخ کژدم

«سعدی»

دقت بسیار دارد فهم اسرار عدم چشم از عالم بیوشی تا شوی آگاه ما

«بیدل دهلوی»

به آغاز اگر کار خود ننگری به فرجام ناچار کیفی بری

«فردوسی»

به هر جایی که خواهی در شدن را نگه کن راه بیرون آمدن را

«ناصر خسرو»

ص: 96

فصل سوم: اهداف

اشاره

ص: 97

هر شخصی برای رسیدن به یکی از عوامل بهروزی آفرین باید اهداف کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدتی را برای خویش انتخاب نماید، و با کوشش به سرانجام برساند چرا که خوشبختی به «فعالیت رساندن استعدادهای انسان به طور یکنواخت و هماهنگ است، که موجب کمال انسان می شود»⁽¹⁾ فعالیت یافتن استعدادهای روحی در مراحل عبادی، سلامت نفس در مسائل اقتصادی، رام نمودن هوای نفس در بُعد اخلاقی و به دوش کشیدن وظایف اجتماعی، که شرع، عقل و وجدان بر عهده او نهاده است. خوشی زندگی، یعنی، وصول به حد اعلای این مراتب که همواره با لذت، رضایت، سرور و خوشحالی روحی همراه باشد.⁽²⁾

مشخص نمودن اهداف از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا اگر هدف با حسابگری توأم باشد، نه تنها دور از دسترس نبوده، بلکه به راحتی و بدون شکست به قلّه آن خواهیم رسید.

بدون تردید قبل از انتخاب هدف باید در مورد آن تبادل نظر کنیم و سپس با آموخته های عملی برای انتخاب هدف تصمیم بگیریم و از سویی حسابگری را فراموش ننماییم.

«لُوب دُووگا» می گوید:

«اول مشورت و دوم تصمیم و سوم انتخاب (هدف)، سه رکن موفقیت اند»⁽³⁾.

ص: 98

-
- 1- . رسایی، حمید، سیمای خوشبختی در احادیث معصومین، نشر بوستان کتاب، سال 1377، ص 26.
 - 2- . همان منبع.
 - 3- . شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟، ص 56.

به عبارت ساده؛

نایل شدن به اهداف موفقیت آمیز؛ در چارچوب مکارم اخلاقی، فضیلت های انسانی و قرب الهی راز خوشبختی است. بنابراین بهتر است بگوییم؛ «هدف بهتر، شکل بخشیدن به منشور خوشبختی است»⁽¹⁾.

بدین جهت در بین اهداف هم سطح و مثل هم، هدفی را برگزینیم که برتر، و از حیث مادی و معنوی پُرمفعت تر بوده و آسان تر و با امکانات کمتری بتوانیم به آن نایل شویم.

ابن سینا می گوید:

«در هر انتخاب باز هم انتخاب بهتری را می توان انجام داد.»⁽²⁾

تعریف واژه

* هدف در لغت به معنای نشانه و غرض است، اما در اصطلاح، چیزی است که شخص قبل از عمل، آن را در نظر می گیرد و نیروی خویش و وسایل لازم را برای وصول به آن به کار می برد و غرضش دست یابی و رسیدن به آن است.

* نهایت، غایت و منتهای آرزوی هر فردی که در راه رسیدن به مقصود گام بر می دارد، تا به پیروزی برسد.

تلاش برای آینده گریز ناپذیر

آنتونی رابینز می گوید:

«توانایی و مهارت برای انجام هر کار، موقعی مفهوم دارد که انگیزه ای وجود داشته باشد.

چه عاملی انسان را به تلاش وا می دارد؟

بی گمان ملت ها با فردای خویش روبرو هستند. افراد جوامع برای آنکه از امکانات خود برای ساختن آینده ای روشن استفاده کند باید دلیل و هدفی داشته

ص: 99

1- . سمیعی، رضا، جام اندیشه، ص 409، سخن 9065، سخن از آلبر کامواست.

2- . شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟، ص 55.

باشند. وقتی در رابطه با «توان فردی» صحبت می‌کنیم، نمی‌توانیم دلیل انجام کاری را از توانایی برای انجام آن جدا کنیم.

برای این موضوع بسیار جالب است که چرا عده‌ای با اینکه بر افکار و احساسات خود مسلط هستند و امکاناتی نیز در اختیار دارند، از آنها بهره نمی‌گیرند و ترجیح می‌دهند شرایط یکنواختی داشته باشند.

وقتی زندگی خود را با آنها مقایسه می‌کنم به این نتیجه می‌رسم که اولین قدم برای تغییر و تحوّل زندگی، روش و چگونگی آن، و دومین قدم داشتن یک هدف سرشار از انگیزه است، زیرا این تنها عاملی است که انسان را وادار می‌کند با اشتیاق از امکانات خود استفاده کند.

چندی پیش شخصی از مجله ملی بازرگانی برای انجام مصاحبه نزد من آمده بود. هدف او تهیه مقاله درباره افرادی بود که در عنفوان جوانی به سرعت در کسب و کار خود پیشرفت می‌کنند و از نظر مالی مستقل می‌شوند. این گزارشگر معتقد بود که شانس، یکی از دلایل به دست آوردن مال و ثروت در نوجوانی است.

به او گفتم دلیل اینکه بعضی افراد در شروع کار به سرعت از نظر مالی، اجتماعی و سایر جهات پیشرفت می‌کنند آن است که نه تنها توانایی انجام آن را دارند، بلکه با شور و شوق به سوی هدف مشخص در حرکتند و با دقت برنامه‌های آتی خود را تنظیم می‌کنند. هدف و برنامه ریزی مهم‌ترین ابزار انسان به شمار می‌آید، و به طور کلی ادامه زیستن را توجیه می‌کند.

انسان یک موجود هدف‌جو است. وقتی به دنبال هدفی نباشیم، دلیلی برای تلاش نمی‌یابیم و در نتیجه مثل گندابی در جای خود راکد و بی‌حرکت می‌مانیم. در صورتی که طبیعت انسان اقتضا می‌کند که در تحرک و تکاپو باشد و یا در حال مرگ باشد و چیزی بین این دو وجود ندارد. همچنین به دست آوردن هدف فقط مورد نظر نیست، بلکه آدمی هنگامی که مقصودی را پی‌گیری می‌کند، نتایج و تجارب ارزشمندی به دست می‌آورد و فرصت‌ها و امکاناتی برای خود و دیگران به وجود می‌آورد که هرگز تصور آن را هم نکرده است. هدف زنبور از نشستن روی گل استفاده از شهد آن است، اما این کار موجب گرده افشانی و تکثیر نیز می‌شود.

در حقیقت اهداف ساخته ذهن ما جهان را به گردش در آورده است. بدون هدف روح آدمی به پستی گراییده و احساس پوچی می کند و وقتی انسان هدفی

نداشته باشد و فردای خود را همانند امروز بیندارد، به تدریج دلتنگ و افسرده می شود. و برای اینکه چند لحظه ای در زندگی خود تنوعی ایجاد کند به پر خوری و کارهای زاید می پردازد»⁽¹⁾.

جایگاه و اهمیت آن

در دین مقدس اسلام، تعیین اهداف سعادت‌مندان از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و سخنان متواتر معصومین (علیهم السلام) گواه این مدعاست. نگاه ویژه از ژرفای نمایشگاه های کتاب، کلوپ ها و سمینارهایی که در ارتباط با اهداف کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت به وسیله خردمندان، مشاهیر و اندیشمندان ایران و جهان بر پا می شود نشان از جایگاه خاص و اهمیت والای اهداف موفقیت آمیز و خوشبختی آفرین دارد.

خصلت «ایمان به هدف»

«ایمان به هدف، محرک باطنی و درونی است که خواه ناخواه انسان را به سوی هدف می کشاند. از آنجا که حب ذات در انسان ریشه عمیقی دارد و ریشه آن هرگز گسستنی نیست، هر گاه انسان مطمئن باشد که سعادت و کامیابی او در گرو فلان کار است، خواه ناخواه به سوی آن می رود. فردی که به صحت و تندرستی خود علاقه دارد، روزی که بیمار می شود داروی تلخ را به آسانی می خورد و خود را زیر چاقوی جراحان قرار می دهد. چرا؟!»

زیرا می داند بهداشت و عافیت او در گرو دارو خوردن، جراحی و بریده شدن عضوهای فاسد است. غواصی که یقین دارد در دریا جواهرات گرانبهایی وجود دارد، با عشق خاصی خود را در کام امواج آن قرار می دهد، ولی اگر اعتقاد و ایمان از بیمار و غواص سلب شود، دست روی دست گذارده، نه دارو می خورد،

ص: 101

1- . آنتونی رابینز، توان بی پایان، مترجم: محمد رضا آل یاسین، نشر: هامون، سال 1388، ص 67 و 68.

و نه در امواج دریا فرومی رود. در پرتو ایمان، انسان که کامیابی و میل به هدف را در سر می پروراند سختی ها و مرارت ها را آسان می شمارد و با خار و تیر هم بستر می گردد و نمی نالد. گاهی برای عشق به هدف از هستی ساقط می شود و جان و مال خود را فدای هدف می کند یا با چهره باز به استقبال مرگ می رود و با نشاط فراوان در راه هدف جان می سپارد.

نشان مرد مؤمن با تو گویم اگر مرگش رسد خندان بمیرد

این همان عشق، اعتقاد و ایمان به هدف است که فضانوردان را تا آستانه مرگ می کشاند و برای گشودن طلسم آسمان ها و تسخیر کرات سماوی آنان را به تلاش همه جانبه وادار می کند. چهارده قرن پیش در بیابان بدر، مسلمانان که شماره آنها از سیصد و سیزده نفر تجاوز نمی کرد، و از نظر ابزار جنگی و دفاعی تجهیز کافی نداشتند، با ارتش مجهز و نیرومند قریش روبرو شدند. احتمال پیروزی مسلمانان از نظر محاسبه یک کارشناس نظامی بسیار ناچیز بود و هرگز تصور نمی شد که این گروه ناچیز سازمان یک ارتش نیرومند را در هم کوبند. ولی بر خلاف پندارهای مردم مادی و کارشناسان ماده پرست، یک اقلیت دارای نیروی ایمان به هدف، در ظرف چند ساعت بر یک ارتش مجهز پیروز گردید.

علت کامیابی و پیروزی این اقلیت همان ایمان به هدف بود که مرگ و شهادت را برای آنها آسان کرد. این حقیقتی است که خود دشمن به آن اعتراف کرده بود، زیرا پیش از نبرد قهرمانی از سپاه دشمن مأمور شد که قدرت مادی و روحی سپاه مسلمانان را ارزیابی کند و گزارش صحیحی در این باره به فرماندهی کل قوا تسلیم نماید. او پس از یک بررسی صحیح چنین گزارش داد:

مسلمانان اگر چه از نظر شماره در اقلیت هستند ولی از نظر توانایی روحی و استقامت در راه عقیده خود بسیار ممتازند. آنان جمعیتی هستند که جز شمشیرهای خود پناهگاهی ندارند. تا هر نفر از آنها یک نفر از شما را بکشد کشته نخواهد شد. هر گاه به تعداد خودشان از شما کشتند دیگر زندگی چه سودی خواهد داشت. (1)

ص: 102

1. اصل اخلاق

اهداف اخلاقی که با سازندگی آدمی انجام می گیرد، علاوه بر محسّنات آن به وی عزت نفس نیز عطا کرده و باعث بزرگی او شده و بدین طریق مردم نیز به او یاری رسانیده، و موجب سربلندی است.

2. اصل روابط سالم در خانواده

هر گونه هدفی که ما را در روابط سالم در خانواده یاری رسانیده و در دارا بودن خانواده ای موفق کمک نموده و از فروپاشی آن جلوگیری می کند.

این اهداف اعم از شناخت و شکوفایی استعدادهای فرزندان و شناخت حقوق زن و مرد و عمل به آنها از اهمیت خاصی برخوردار است.

3. امور مادی

هر گونه هدف سعادت‌مندانه ای که ما را در امور معیشتی پیروز می گرداند، این گونه اهداف، نوید بخش زندگی برتر است. به شرطی که با ایمان به خدا و عمل صالح همراه باشد. ما به خوبی می دانیم که: «تنها گنجی که جستجو کردن آن به زحمتش می ارزد هدف است»⁽¹⁾.

4. تحصیل و تخصص

هر گونه هدفی که ما را در آموختن دانش مهیّا نموده، سپس متخصص ساخته؛ که پس از کارایی آن در صحنه زندگی موجبات زندگی مترقی را فراهم می نماید.

5. شغل پر درآمد و بدون حاشیه

اهدافی که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم ما را برای یک حرفه شرافتمندانه مهیّا می سازد. و شغلی پر درآمد و بدون دردسر را عاید ما می نماید، که به دور از جاروجنجال و حاشیه سازی باشد.

ص: 103

6. فضیلت و برتری

تعیین اهداف سعادت‌مندانۀ دنیوی و اخروی که در چارچوب دستورات دین مقدس اسلام باشد، از فضیلت و افری برخوردار بوده، و از معنویت خاصی

بهره‌مند است. که گرایش به آن اهداف باعث تقویت ایمان به خداوند متعال و عمل صالح است چرا که این دو ویژگی ممتاز موجب حصول توفیق بوده و باعث فلاح است. «و ما توفیقی الا بالله».

7. ملاک شادکامی و بهروزی

اهداف کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت که انسان را به سوی پیشرفت سوق داده، موجب خوشحالی، نشاط و لذت ناشی از آن است. از این روی «هدفی که تمام نوع بشر به دنبال آن است، رسیدن به خوشبختی است».⁽¹⁾

رعایت اصول تنظیم هدف

اشاره

درباره هدف هایتان چگونه فکر می‌کنید؟

آیا همیشه به اهداف خود رسیده‌اید؟

شاید!!

آیا همواره در راه رسیدن به هدف، نتایجی به دست آورده‌اید؟

امکان دارد!!....

زیرا در هر وضعیتی که باشید با نتایج کارتان رو به رو هستید و کسب تجربه و بهره‌برداری از این نتایج است که راه را برای دسترسی به اهداف نهایی هموار می‌کند.

به علاوه وقتی در راه هدف، به نتایجی می‌رسید یک اطمینان ناشی از رسیدن به آن هدف را به دستگاه اعصاب خود مخابره می‌کنید و در نتیجه، از قبل امکانات وقوع آن را فراهم کرده‌اید.⁽²⁾

ص: 104

1- . سمیعی، رضا، جام اندیشه، ص 410، سخن 9088.

2- . آنتونی رابینز، توان بی پایان، مترجم محمد رضا آل یاسین، ص 73.

به طور کلی برای تنظیم اهداف نهایی و بهره برداری از نتایج اولیه؛ اصول زیر باید رعایت شود:

الف) اهدافتان را به طور قاطع به زبان آورید.

مطلبی را به زبان آورید که میل دارید تحقق پیدا کند. بسیاری از افراد همیشه از وقایعی صحبت می کنند که به هیچ وجه میل ندارند به وقوع بپیوندند.

مثلاً وقتی می گوئید «می خواهم سیگار را ترک کنم» مغز و دستگاه اعصاب شما چنین برداشت می کند که فقط در فکر ترک سیگار هستید و هنوز برای ترک آن تصمیم قاطعانه ای اتخاذ نکرده اید.

بنابر این باید با لحنی مثبت و مصمم بگوئید «من سیگاری نیستم» تا پیامی قطعی به دستگاه اعصاب خود مخابره کرده باشید. (1)

ب) اهداف را دقیق و با احساس مطرح کنید

همان طوری که پیش از این گفته شد باید بدانید که نتیجه کارتان چطور به نظر می رسد، چه احساسی را موجب می شود. بنابراین برای توصیف آنچه می خواهید از حواس پنج گانه خود استفاده کنید تا با اهدافتان هماهنگ شوند و زمینه را برای به تحقق پیوستن هدف مورد نظر فراهم کنند، تعیین هدف و بررسی آن در حد حرف نباشد بلکه با استفاده از حواس پنج گانه و با تمام وجود باشد. با اجرای چنین روشی مغز و دستگاه اعصاب خود را آماده کرده اید تا هر کاری را برای به دست آوردن نتایج مورد نیاز انجام دهد. (2)

و) نتایج به دست آمده را همواره ارزیابی کنید

باید بدانید که پس از به دست آوردن اهداف و نتایج، موفقیت شما چگونه خواهد بود و چه احساسی خواهید داشت، چه خواهید شنید و چگونه به نظر

ص: 105

1- همان منبع.

2- همان منبع، با تصرف.

خواهید رسید. اگر روشی برای دانستن اینکه به هدف رسیده اید یا نه، نداشته باشید چگونه می دانید که پیش از آن به آن هدف رسیده اید؟ بعضی افراد، در بعضی مواقع برنده اند، اما احساس می کنند که بازنده می باشند زیرا ملاکی برای سنجش خود نداشته و کارهای خود را پی گیری نمی کنند. بعضی ها در زندگی به اهداف خوبی رسیده اند اما چون نسبت به آن بی توجه بودند آن را موفقیت به حساب نیاورده اند.

وقتی از اشخاصی پرسیده می شود که چه هدفی برای آینده خود دارند، جواب کلی می دهند.

مثلاً می گویند: «پول بیشتری می خواهیم». این افراد احتمالاً، پول زیادی دارند و به هدف خود رسیده اند اما چون ملاکی برای بررسی وضع خود ندارند و با دقت موقعیتشان را ارزیابی نمی کنند، از موفقیت خود بی اطلاعند. کسانی مراجعه کرده و می گویند میل دارند، در زندگی پیوسته خوشحال و شاد باشند، عنوان چنین مطالبی بسیار کلی است قابل ارزیابی نیست شما باید در مورد برنامه های خود دقیق و روشن صحبت کنید تا جای هیچ گونه تردیدی وجود نداشته باشد. (1)

هـ) نتایج مورد نظر باید تحت کنترل شما باشد

باید مطمئن باشید که نتایج مورد نظرتان را در اختیار دارید و به دیگران متکی نیستید. نباید تردید داشته باشید که نتایج کار شما همه آنچه را که مستقیماً از شما تأثیر می پذیرند، منعکس می کنند. نحوه احساس و رفتارشان چگونگی تأثیر بر دیگران را تعیین می کند اما مطمئن باشید که برای رسیدن به هدف، ملزم به تغییر دادن دیگران نیستید بر خلاف آن فقط باید بر احساسات و رفتار خود حاکم باشید. (2)

ی) نتایج و عاقبت کار را در نظر بگیرید!!

هنگامی که هدفی را برنامه ریزی می کنید، باید به نتایج آن در دراز مدت

ص: 106

1- . همان.

2- . همان.

بیندیشید. اگر می خواهید از نظر مالی به سرعت پیشرفت کنید باید مشکلات آن را هم بپذیرید و یا اگر می خواهید بهترین پدر و مادر دنیا باشید باید زحمات زیادی را متحمل شوید. هنگام برنامه ریزی به دشواری های آن فکر کنید و بدون احساسات آن را تنظیم کنید تا قابل اجرا باشد و موجب خوشحالی شما شود.

برای اینکه از عاقبت اهداف و نتایج کار خود با خبر شوید، بهترین روش آن است که فرض کنید قبلاً آن را به دست آورده اید و تأثیرات آن را بر خود، دوستان و خانواده خود به هنگام پیگیری و بعد از به دست آوردن آن ملاحظه و مجسم کنید. پس از آن که به نتایج دلخواه خود رسیدید، چگونه فردی خواهید شد؟ آیا هم اکنون در جهت اهداف اجتماعی و مالی و معنوی خود در حرکت هستید؟ آیا آنچه در ضمیر خود به دنبال آن بودید به دست آورده اید؟ اگر چنین است هدف شما مشخص و قابل اجرا است. (1)

شخصیت هدف داران (عوامل ترقی)

اشاره

با هم به بررسی شخصیت هدف داران می پردازیم، امیدواریم پس از شناخت آن با گرایش به عمل به اهداف خویش نایل شویم:

1- انتخاب گری

آنان انسان های دور اندیشی هستند که به انتخاب اهداف متمایز پرداخته و در مورد آن به دور اندیشی، حسابگری و برنامه ریزی می پردازند.

2- بهره برداری از آموخته ها

هدف داران واقعی آموخته های تجربی خود را یک عمل پسندیده دانسته و از شکست خوردگان نکته ها می آموزند و با روشی نوین به حرکت خویش ادامه می دهند.

3- بهره گیری از تحصیلات عالی

انتخاب اهداف و رسیدن به آن ارتباط تنگاتنگ با تعلیم و تعلم و راه های بهره برداری از آن دارد. از پرورش اراده و سلامت تن و روان نیز در این راه نباید غافل شویم. از این روی باید به دانش و فرهنگ نگاه ویژه ای داشته باشیم، تا

ص: 107

امکان بررسی دقیق هدف و مسائل مرتبط با آن را برای ما فراهم نماید.

4- خود رأیی

یک انسان هدف دار پس از انتخاب هدف خویش به تبادل نظر پرداخته و از پندها و اندرزهای مشاهیر و خردمندان استفاده نموده و در برنامه های خویش برای رسیدن به آن کمال استفاده را می کند.

5- راز شکوفایی

بهره برداری از راه های رسیدن به موفقیت و خوشبختی که راهکارهایی برای رسیدن به اهداف گوناگون است، به هدف داران یاری و مساعدت رسانیده و راز شکوفایی افراد هر جامعه ای است.

6- مساعدت و مطابقت با الگو

وقتی که پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) دعوتش را از مکه آشکار کرد. گروهی از سران قریش نزد عموی پیامبر آمدند و گفتند:

ای ابوطالب! برادرزاده تو ما را سبک مغز می خواند، خدایان ما را ناسزا می گوید، عقاید جوانان ما را فاسد کرده در میان ما اختلاف افکنده است.

اگر کمبود مالی دارد ما آن قدر ثروت در اختیارش می گذاریم که ثروتمند ترین مرد قریش گردد.

ابوطالب پیشنهاد مشرکان را به پیامبر (صلی الله علیه وآله) رساند.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود:

اگر آنها خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپ من بگذارند و بگویند دست از هدف خود بردار، هرگز نمی پذیرم.

ولی به جای این همه وعده ها یک جمله مرا عمل کنند تا در پرتو آن، بر عرب حکومت کنند و غیر عرب نیز آیین آن ها را بپذیرد، و در آخرت فرمانروای بهشت باشند.

ابوطالب پیام حضرت را به مشرکان ابلاغ نمود.

گفتند: یک جمله سهل است ما حاضریم ده جمله بپذیریم، بگو آن جمله چیست؟ پیامبر توسط حضرت ابوطالب به آنها پیام داد آن جمله این است:

«تَشْهَدُونَ أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاتَّبَعُوا رِسْمَ اللَّهِ»

«گواهی دهید که معبودی جز خداوند یکتا نیست و من پیامبر خدا هستم».

مشرکان از این پیام سخت به وحشت افتادند، گفتند:

ما سیصد و شصت خدا را ترک کنیم و یک خدا را بپذیریم، به راستی این سخن تعجب آور است!

در این وقت این آیات از سوره ص نازل شد. (1)

«مشرکان مکه تعجب کردند که پیامبری از همان نژاد عرب برای پند آنان آمده سپس گفتند:

او ساحر دروغگو است... و این ادعای محمد در توحید و یگانگی جز بافندگی چیز دیگری نیست».

به این ترتیب پیامبر بزرگ اسلام، با هیچ وعده ای دست از هدف خود برنداشت تا پیروز گشت و به ما نیز این درس را داد که در راه هدف،

استقامت داشته باشیم. (2)

فراگیری روش های رسیدن به اهداف (راهکارها)

عملی:

1- شناخت کامل اهداف و ابعاد گوناگون آن.

2- شناخت ویژگی ها، فواید و آثار آن.

3- شناخت کامل از هدف داران و سرلوحه قرار دادن آنها و مقایسه تدریجی خود با هدف داران واقعی.

عملی:

1- اندیشه گرایی و انتخاب هدف.

2- سیاست و تدبیر در چگونگی انتخاب.

3- برنامه ریزی مدون و منظم.

ص: 109

1- . مرحوم مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 18، ص 182.

2- . مرحوم مجلسی، محمد باقر، داستان های بحار الانوار، ج 7، مترجم، محمود ناصری، نشر دارالهدی، سال 1386، ص 34 و 35.

4- اراده ای خلل ناپذیر و تصمیمی قاطع.

5- دور اندیشی و حسابرسی.

6- توفیق خواهی از او.

7- حرکت به سوی مقصد.

8- بدون شتاب و عجله و در عین حال سرعت و سبقت برای الگو شدن.

9- مقاومت، پایداری و استقامت.

10- تفریح و استراحت جهت عدم کسالت یا عدم انصراف در جهت حرکت بدون وقفه یا بدون سکون.

11- اطمینان و اعتماد.

چرا که؛ «پیروزی و رسیدن به غایت اهداف دو شرط اساسی دارد: نخست توانایی برای انجام آن. و دیگر تعهد و پشتکار برای پی گیری آن. توانایی، حاصل معلومات و تجربه است در حالی که تعهد و پشتکار، از انگیزه و اعتماد به نفس سرچشمه می گیرد» (1).

12- کاربرد آموخته های مرتبط با هدف.

هدف را به واقعیت تبدیل کنید. (تمرین عملی)

اگر در کاری موفقیت خود را حتمی می دانستید چه می کردید؟ بسیاری از مردم به هدف هایی کلی می اندیشند مثلاً می گویند: که هدفشان در زندگی به دست آوردن پول بیشتری است به طوری که پیش از این گفته شد انسان در تعیین هدف های خود، باید به طور دقیق و مشخص عمل کند زیرا سیستم کامپیوتر بدن نسبت به هدف های کلی واکنشی نشان نمی دهد. اکنون یک قلم و کاغذ بردارید و با توجه به مراحل یازده گانه زیر فهرستی از اهداف خود را تنظیم کنید. توجه داشته باشید وقتی اهداف خود را با قلم و کاغذ از درون خود، به دنیای خارج منتقل می کنید کار مهمی انجام داده اید. (2).

رؤیاهای و آرزوهای خود را از اینکه چه می خواهید باشید، چه کار می خواهید

ص: 110

1- . رضوی، حائری، مصطفی، کلیدهای کامیابی در زندگی، نشر: کرانه عشق، چاپ پنجم، ص 12.

2- . آنتونی رابینز، توان بی پایان، مترجم: محمد رضا آل یاسین، ص 76.

بکنید و آن چه را که می خواهید داشته باشید مشخص کنید و به روی کاغذ بیاورید.

هیچ محدودیتی برای آن قایل نشوید و به این فکر نباشید که چطور آن را به دست خواهید آورد. حدود ده تا پانزده دقیقه بدون آنکه قلم را از روی کاغذ بردارید، به هر کجا که میل دارید سفر کنید و هر کسی را که دوست دارید ببینید و هر چه علاقه دارید به دست آورید. شما می توانید یک صفحه را به هدف های مالی

و صفحات دیگر را به هدف های اجتماعی، مذهبی، خانوادگی و غیره اختصاص دهید و به خاطر داشته باشید که همه چیز در دسترس شماست. زیرا شناخت هدف اولین قدم برای به دست آوردن آن است. اجازه دهید ذهنتان آزادانه به هر سو حرکت کند. زیرا محدودیت های زندگی ساخته و پرداخته ذهن و تصورات شماست. اکنون بدون در نظر گرفتن این محدودیت ها، تصورات خود را نسبت به توانایی ها و در نتیجه آینده تان تغییر دهید. لیستی را که تهیه کرده اید بدون در نظر گرفتن هیچ محدودیتی، باید شامل هدف های شما در دو- پنج و ده، بیست سال آینده باشد، مثلاً میل دارید کجا زندگی کنید، چقدر پول داشته باشید، چکاره باشید و بچه های شما در چه شرایطی باشند، کجا بروید، چه کسی را ملاقات کنید. (1)

اکنون کتاب را کنار بگذارید و لیست خود را کامل کنید.

پس از تهیه این لیست ببینید که آیا هدف هایتان را زمینه های اجتماعی، مالی، معنوی، خانوادگی، در نظر گرفته اید؟

بعضی ها ممکن است بگویند نمی دانند چه می خواهند و هدف مشخص را فعلاً در نظر ندارند. اگر شما هم این چنین هستید، به اطراف خود و به افراد موفق بنگرید و آماده باشید که شور و شوقی در دلتان به وجود آید. به علاوه با بررسی ایده های نو می توانید هدف های خود را تعیین کنید. (2)

2- اکنون لیست بزرگی از هدف های خود را در دست دارید، نگاهی به آن بیندازید و بر آورد کنید چه وقت امکان دسترسی به آنها را پیدا خواهید کرد و تاریخ هر یک را در جلوی هدف مورد نظر یادداشت کنید. زیرا این مهم است که

ص: 111

1- . همان منبع.

2- . همان منبع، ص 76-77.

چه مقدار وقت، برای آنها در نظر گرفته اید. با نگاهی دوباره بررسی کنید که به طور کلی چگونه برنامه ای برای خود تدارک دیده اید.

بعضی افراد، بیشتر برنامه هایشان کوتاه مدت است و در رابطه با امروز، هفته آینده و یا حداکثر ماه و یا سال آینده است و برخی دیگر هدف های بسیار بلند مدتی دارند. اگر هدف هایتان کوتاه مدت است در مورد توانایی ها و امکانات خود در آینده فکر کنید و آنها را هم به حساب آورید، اما اگر بیشتر برنامه هایتان دراز مدت است، بهتر است آنها را به یک سلسله کارهای جداگانه و قابل اجرا تقسیم کنید به طوری که آسان ترین بخش آن، در مرحله اول قرار گیرد. با حیرت متوجه خواهید شد که تغییرات، انجام شدنی تر از آن است که به نظرتان می آمد. به خاطر داشته باشید که یک سفر طولانی با اولین قدم ها شروع می شود و این مهم است که از اولین و آخرین قدم با اطلاع باشیم. بار دیگر به لیست خود نگاه کنید.

آیا بیشتر هدف های شما بلند مدت و یا کوتاه مدت است. سعی کنید در این مرحله بین هدف های بلند مدت و کوتاه مدت توازن برقرار کنید. (1)

3- در این مرحله سه هدف مهم خود را در سال جاری مشخص کرده، یادداشت کنید.

اینها باید ایده آل ترین و پراهمیت ترین امیال و آرزوهای شما باشند تا در شروع کار، آن انگیزه لازم را در شما به وجود آورد، موجب شود تا تمام توانایی های خود را برای رسیدن به هدف، به کار برید و سپس در چند جمله اهمیت این هدف ها را در زندگی خود مشخص کنید. پنج هدف خود را در سال جاری، تعیین کنید در چند جمله شرح دهید که چرا به هر قیمتی حاضرید به این هدف ها برسید.

4- اکنون که پنج هدف خود را مشخص کرده اید، آن را با اصول تنظیم هدف، ارزیابی کنید.

الف- آیا اهداف شما به طریقه مثبتی مطرح شده اند.

ب- آیا ارتباط آنها با حواس پنج گانه مشخص شده است.

ص: 112

1- . همان منبع.

ج- آیا برای سنجش این اهداف، ملاک مشخصی در ذهن خود دارید.

د- احساسات خود را درباره این اهداف بیان کنید، چه می بینید، چه می شنوید و چه حالی و هوایی احساس می کنید، آیا پس از رسیدن به این هدف ها، می توانید آن را حفظ کرده، تحت کنترل داشته باشید. آیا آنها مورد پسند شما و دیگران هستند؟ اگر هدف های شما با شرایط یاد شده تناقض دارد، باید آنها را آن قدر تغییر دهید تا تناسب لازم به دست آید. (1)

5- امکانات و وسایلی را که برای رسیدن به هدف فوق در دسترس دارید و می تواند به شما کمک کند، را در یک لیست یادداشت کنید. وقتی یک پروژه ساختمانی را شروع می کنید، ابتدا باید بدانید که چه ابزاری در دست دارید. برای ساخت یک دیدگاه با قدرت و روشن نسبت به آینده، نیز نیاز به امکانات و وسایل دارید. بنابراین قبل از هرچیز، امکانات و منابعی را که در اختیارتان است از قبیل، تحصیلات، منابع مالی، دوستان، وقت، انرژی و غیره را در یک لیست مشخص کنید. اکنون با شناخت امکانات و منابع، مهارت های جسمی و روحی خود را مجهز کنید تا به سوی هدفتان گام بردارید. لیست منابع و امکانات شما چگونه به نظر می رسند؟ آیا بیش از آنچه تصویر می کردید، امکانات در اختیار دارید؟

بیشتر مردم از توانایی ها و امکانات خود ناآگاهند و در نتیجه از آن در جهت بهتر کردن زندگی خود بهره نمی گیرند. (2)

6- اکنون از شما می خواهم که سه تا پنج نمونه از کارهایی که در انجام آنها موفق بوده اید، را یادداشت کنید. این کارها می تواند در زمینه ورزش، کسب و کار، شرایط مالی و یا حتی رابطه شخصی و خانوادگی باشد. سپس در چند جمله شرح دهید که چه کرده اید تا در کار خود این چنین موفق شده اید و از چه امکانات و منابعی به چه صورت بهره گرفته اید. سپس بررسی کنید که برای رسیدن به هدف های مورد نظرتان چه خصایص و مشخصاتی باید داشته باشید و خلاصه چگونه شخصی باید باشید، آیا تحصیلات زیاد، و یا انضباط فراوان نیاز

ص: 113

1- . همان منبع.

2- . همان منبع، ص 78-80.

داشته و یا باید از وقت خود بیشتر استفاده کنید. مثلاً اگر میل دارید رئیس شورای شهر شوید، در چند جمله شرح دهید که چه نوع شخصی با چه خصوصیتی می تواند با جلب نظر مردم انتخاب شود.

تاکنون در باره موفقیت چیزهای زیاد شنیده ایم اما درباره اجزای به وجود آورنده آن از قبیل عقاید، رفتار و نگرش ها اطلاعات زیادی نداریم. اگر شما عناصر تشکیل دهنده چیزی را در اختیار نداشته باشید چطور می خواهید از ترکیب آن چیز مورد نظر را به دست آورید.

بنابر این قلم را بردارید و چند پاراگراف و یا صفحه در مورد عقاید، شور و شوق، روش ها، استراتژی، انضباط، نگرش ها و مهارت ها و به طور کلی حالات و خصوصیتی که برای رسیدن به هدف خود باید داشته باشید، بنویسید. (1)

7- یکی از روش های مقابله با عواملی که در گذشته موجب محدودیت شما شده، شناخت آنهاست، بنابراین آنچه را که در حال حاضر مانع رسیدن شما به هدفتان می شود در چند پاراگراف شرح دهید. شخصیت خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و بررسی کنید چه عواملی در گذشته مانع پیشرفت شما بوده است. آیا برنامه ریزی نداشته اید، یا در اجرای آن موفق نبوده اید؟ و یا سعی کرده اید چند کار را هم زمان انجام دهید؟ همچنین بدترین رویدادی را که تجسمات روحی شما را تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه مانع حرکت و اقدام شما شده است را به یاد آورید. اینک کتاب را کنار بگذارید و تمام عواملی را که مانع پیشرفت شما در گذشته شده است بر روی کاغذ شرح دهید، تا بتوانید از تکرار آن در حال حاضر و در آینده جلوگیری کنید.

به طوری که پیش از این گفته شد عامل تضمین کننده موفقیت، کار و عمل است و در این مرحله به یک برنامه قدم به قدم نیاز داریم تا راهنمای ما باشد. برای احداث یک خانه به جز مصالح ساختمانی به طرح و نقشه نیازمندیم تا جایگاه هر کاری را نشان داده و ضمناً مشخص کنید چه کاری مکمل و تقویت کننده بخش دیگر است، به همین ترتیب برای دست یافتن به یک هدف به برنامه هایی نیاز

داریم که مراحل مختلف را قدم به قدم و به ترتیب به ما نشان دهد.

اگر برای رسیدن به هدف های خود نمی توانید برنامه مناسبی تنظیم کنید کسی را که قبلاً به آرزوهای شما رسیده باشد مدل و الگوی خود قرار دهید و پس از آنکه هدف نهایی خود را دقیقاً مشخص کردید، قدم به قدم به عقب برگشته و مراحل مختلف آن را مشخص کنید. مثلاً اگر می خواهید از نظر مالی وضعیت بسیار خوبی داشته باشید می توانید مدیر شرکتی شوید که در آن مشغول کار هستید و برای آنکه مدیر شرکت شوید، ابتدا باید معاون شرکت باشید و برای آن که پست معاونت را به دست آورید، باید مشاور سرمایه گذاری شرکت باشید و به همین ترتیب پایین بیایید تا به کاری که همین امروز مشغول آن هستید برسید. ممکن است همین امروز لازم باشد کتابی را درباره روش های استقلال مالی، تهیه کرده، بخوانید تا دلایل موفقیت افراد را در کسب مال و ثروت بشناسید. و یا شاید امروز لازم باشد حساب پس اندازی افتتاح کنید و یا اگر می خواهید یک بازیگر تأثر شوید؛ امروز، فردا، هفته آینده، ماه آینده کارهایی را به ترتیب باید انجام دهید. اگر قدم به قدم از هدف نهایی به عقب برگردید می توانید مسیر دقیقی از هدف خود را تا آنچه امروز انجام دهید ترسیم کنید. و همواره برای طراحی و برنامه ریزی کارهای خود عواملی را که تاکنون مانع پیشرفت شما شده است به خاطر داشته باشید. و در شروع کار، رفع آنها را به عنوان سکوی پرشی برای دست یابی به تمایلات خود به حساب آورید. (1)

8- اولین پیش نویس برنامه ریزی را با حوصله و قدم به قدم برای دست یابی به هدف خود طراحی کنید و به خاطر داشته باشید که برای شروع کار باید از خود سؤال کنید که چه کارهایی را باید به ترتیب انجام دهید تا به هدف خود برسید و یا چه عواملی تاکنون مانع از دسترسی به خواسته هایتان بوده و همین طور می توانید آن را برطرف کنید و مطمئن باشید که این برنامه همان چیزی است که می توانید همین امروز انجام دهید. بنابراین اولین قسمت فرمول «موفقیت نهایی» خود را تکمیل کرده اید.

ص: 115

زیرا نتایج کار در دراز مدت و کوتاه مدت کاملاً مشخص شده است. همچنین می دانید که کدام یک از خصوصیات اخلاقی موجب تقویت و کدامیک موجب محدودیت شما شده اند. اکنون باید کوتاه ترین راه را برای رسیدن به هدف خود انتخاب کنید و آن الگو قرار دادن کسی است که آنچه شما می خواهید انجام دهید، قبلاً انجام داده است.

9- افرادی را که مدل و الگوی خود قرار می دهید، می توانند از دوستان، آشنایان و یا چهره های معروف جامعه باشند که شما شاهد موفقیت های بزرگ آنان بوده اید. همین حالا، نام سه نفر از کسانی را یادداشت کنید که آنچه می خواهید به دست آورید، آنها قبلاً به دست آورده اند و همچنین در چند کلمه شخصیت و رفتاری که موجب چنین موفقیتی شده است، را نیز بنویسید.

اکنون چشمتان را ببندید و مجسم کنید که هر کدام از این افراد می خواهند شما را برای رسیدن به هدفتان راهنمایی کنند.

توصیه هایشان را طوری یادداشت کنید که گویی شخصاً با شما صحبت می کنند و نام هر کدام را در مقابل توصیه ها یادداشت کنید، این روش می تواند بهترین کمیته مشاور را برای آینده شما تشکیل دهد. حتی المقدور از الگوهایی پیروی نمایید که بیشتر به آنان علاقه مند هستید و به آنان عشق می ورزید.

10 - تمام اهداف خود را به هم ربط دهید تا موجب تقویت یکدیگر شوند. بهترین روش آن است که یک روز ایده آل را در ذهنتان مجسم کرده، دقت کنید آن را چگونه شروع کرده اید، با چه اشخاصی برخورد داشته اید و کجا بوده اید. و در آخر آن روز ایده آل، احساس خود را هنگام رفتن به بستر مشخص کنید.

سپس یک قلم و کاغذ بردارید و آن را دقیقاً شرح دهید. به خاطر داشته باشید تمام نتایج، اعمال و حقایقی را که تجربه می کنیم از ذهن تراوش می کند.

11- برای اینکه محیطی کاملاً ایده آل برای خود به وجود آورید، اجازه دهید ذهنتان بدون هیچ محدودیتی به هر سو حرکت کند و مانند سلطانی که بر همه چیز حاکم است، هر چه می خواهید برای خود فراهم کنید.

مثلاً در چنین شرایطی، در کجا میل دارید باشید، در کنار دریا، در جنگل یا در دفتر کار؟ چه ابزاری را دوست دارید در اختیار داشته باشید قلم، کامپیوتر، تلفن،

ضبط صوت؟ چه افرادی را میل دارید در کنارشان باشند تا در به دست آوردن آرزوها کمکشان کنند. اگر شما تصویر روشنی از یک روز ایده آل را در ذهن ندارید، چگونه می خواهید آن را به وجود آورید و یا اگر محیط دلخواهتان را نمی توانید در ذهن مجسم کنید، چگونه در جستجوی آن هستید زیرا آنچه در دنیا با آن روبه رو هستید ناشی از تغییرات دنیای درون شماست. به خاطر داشته باشید که مغز برای فرمان دادن به دستگاه اعصاب به یک رشته علایم روشن و مشخص نیاز دارد. در پایان این بخش یادآوری مطالبی، ضروری به نظر می رسد.

آدمی در زندگی آینده خود در هر صورت با نتایجی روبه روست و اگر هدف ها و نتایج مشخصی در ذهن نداشته باشد، شخص دیگری این برنامه را به ذهن او می دهد و یا به عبارت ساده اگر شما برنامه ای برای زندگی خود ندارید، فرد دیگری برنامه خود را به شما تحمیل می کند. انجام دادن این تمرینات ممکن است به ظاهر مشکل باشد، اما باور کنید که ارزش انجام آن را دارد به علاوه هر چه پیش روید ساده تر می شود. یکی از دلایل اینکه همه در زندگی به موفقیت های بزرگ نمی رسند آن است که موفقیت معمولاً چهره خود را در پشت کار سخت پنهان می کند. بنابر این «توان فردی» خود را به کار گیرید و با حوصله خود را موظف به انجام این تمرینات کنید. (1)

هدف از دیدگاه بزرگان

بانو استاهل می گوید:

«یگانه عملی که در زندگانی انسان را به هدفش می رساند، انجام وظیفه است.»

باید در قبال هدف، مسؤولیت حس کنیم و هر گونه وظیفه ای را که در قبال آن متعهدیم، انجام دهیم.

ارنست همینگوی می گوید:

«مبارزه با مشکلات انسان را به هدف نزدیک می سازد و نمی گذارد که افراد سرسری و سطحی باشند.»

ص: 117

1- . همان منبع، ص 82-85، با تلخیص.

نکته ای را که نباید از نظر دور داشت این است که؛ هدف را سطحی و سرسری نپنداریم بلکه با بینش عمیق و از ژرفای نگرش به آن نگاه کرده و به مبارزه با مشکلات آن پردازیم.

امرسون می گوید:

«هدف خود را باید روی واقعیات بنا سازیم».

اگر با سطحی نگری برای هدفمان به سفسطه پردازیم فقط درجا زده ایم؛ بدین جهت باید هدف خویش را با واقعیات وفق دهیم.

«معنی حیات را در زیبایی و در قدرت باید جستجو کرد هر لحظه از زندگی باید هدف عالی تری داشته باشیم».

بی گمان هر قدر هدف عالی تر و برتر باشد، امکانات وسیع تری را می طلبد بنابر این برای رسیدن به آن باید بیشتر حس مسؤولیت نموده و نسبت به آن به انجام وظیفه پردازیم.

هدف از دیدگاه شعرا

حاصل ز هر چه هست به گیتی شرافت است

غیر از شرافت آنچه بود شر و آفت است (1)

رسیدن به اهداف عالی و برتر در هر زمینه ای به انسان اعتبار داده و زندگی بی هدف که فقط خوردن، خوابیدن و کار کردن است، بدون ارزش است.

گوهر بی صدف در درون دل است صدف بی گهر درون گل است

قیمت در نه از صدف باشد تیر را قیمت از هدف باشد (2)

اهداف سعادت‌مندان به بسی ارزشمند است که از ارزش های فرهنگی، ملی و مذهبی ملت ها به شمار می رود. بنابر این با رسیدن به سرانجام آن کامیاب می گردیم.

ص: 118

1- . حکیمی.

2- . غزنوی

آیا اهداف بدون برنامه ریزی به نتیجه دلخواه خواهند رسید؟! آیا امکان دارد بدون تدبیر به پیروزی برسیم؟! با چه برنامه ای می توانیم، شاهد موفقیت را در آغوش بکشیم?!!

برنامه ریزی حساب شده و مدون، رکن رسیدن به اهداف گوناگون است، در یک کلاس درس برای آموختن دانش در ابتدای سال تحصیلی برنامه ریزی کرده و استادان و دانشجویان از آن به دقت پیروی می نمایند. کارمندان دولت نیز با برنامه ریزی به کار خویش می پردازند و همه کارکنان طبق برنامه رأس ساعت مقرر در محل کار حاضر می شوند. حتی در بعضی از منازل توسط کدبانوی خانه برنامه غذایی هفتگی در آشپزخانه نصب شده است.

پس چگونه می توان برای رسیدن به اهداف کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت، برنامه ریزی و تدبیر نمود?!!

بدون تردید در صورت عدم برنامه ریزی شکست را پذیرا شده ایم و یا حداقل به درصد کمتری از هدف خویش نائل گشته ایم. بنابراین پس از انتخاب اهداف به تدبیر، محاسبه و برنامه ریزی نیاز داریم تا از ویژگی های شایان آن بهره مند گردیم.

تعریف واژه

* اندیشیدن، محاسبه، دقت در جوانب و نتایج اهداف و حرکت به سوی آن با رعایت اولویت ها.

* برنامه ریزی و محاسبه فرآیندهایی برای رسیدن به اهداف است که بسته به فعالیت انسان بوده و به آینده می نگرد.

چنان که از سخنان معصومین (علیهم السلام) مشاهیر و بزرگان بر می آید محاسبه، و برنامه ریزی ویژگی ها و فواید شایانی در پی داشته و پلی به سوی پیروزی است.

و از سویی آن کلیدی ترین فرایند برای رشد است؛ و می تواند نقش مهمی در تشخیص فرصت های پنهان بازی کند.

برنامه ریزی به پیش بینی برای آینده سازی کمک فراوانی می نماید و می توان گفت، پلی است بین آن جایی که هستیم و آن جایی که می خواهیم برویم.

یک برنامه مدون و منسجم همراه با سیاست و تدبیر در نمودها و اصول اهداف به قدری کارگشاست که به صراحت می توانیم بگوییم. 60% راه را به سوی مقصود طی نموده ایم. به همین دلیل به تفاوت فاحش برنامه ریزی همراه با تدبیر و محاسبه و بی برنامه گی و عدم سیاست و تدبیر یقین حاصل می نمایم.

چرا برنامه ریزی در سرنوشت انسان تأثیر بسزایی دارد!!!

آنتونی رابینز می گوید:

تنها راه به وجود آوردن تغییرات مستمر در زندگی، داشتن یک هدف دراز مدت است. در سال 1953، گروهی از متخصصین دانشگاه ییل دربارهٔ تأثیر هدف در سرنوشت انسان به تحقیق و بررسی پرداختند.

برای این منظور از دانشجویان فارغ التحصیل در یک کلاس مصاحبه ای به عمل آوردند و از آنان خواستند پرسش نامه ای را در زمینهٔ اهداف آینده خود تکمیل کنند. فقط سه درصد از دانشجویان اهداف مشخصی داشتند و پرسش نامه را تکمیل کردند.

این متخصصین بیست سال بعد در سال 1973 شرایط زندگی آن دانشجویان را بررسی کردند و از نظر اجتماعی، روحی و شرایط خانوادگی نسبت به نود و هفت درصد بقیهٔ دانشجویان در شرایط بهتری قرار داشتند. چنین تفاوت فاحشی فقط در اثر تنظیم برنامه و مشخص کردن مسیر زندگی به وجود آمده است. اما چگونه می توان این تفاوت بزرگ را توجیه کرد؟

شما وقتی هدفتان را مشخص می کنید. سیستم کسب موفقیت درون خود را

فعال می‌کنید، بنابراین آنچه در جامعه می‌شنوید و می‌خوانید و مشاهده می‌کنید به هدف خود ربط می‌دهید. در حقیقت با برنامه دادن به دستگاه اعصاب به استقبال آن می‌روید و در نتیجه آن را ممکن می‌سازید.

او ادامه می‌دهد:

تمرین عملی: با انجام این تمرین متوجه خواهید شد که اگر ذهنتان را با هدف مورد نظرتان پیوند دهید عملاً آن را به واقعیت تبدیل خواهید کرد.

برخیزید و بایستید. پاهایتان را جفت کنید، دست راستتان را به طرف جلو راست و کشیده نگه دارید. یکی از انگشتانتان را به طرف جلو نشانه روید. به تدریج و بدون آنکه پای خود را خم کنید به طرف راست بچرخید و این چرخش را تا آنجا که می‌توانید ادامه دهید.

در نهایت حرکت خود را متوقف کنید که انگشت شما به کدام سوی دیوار اشاره می‌کند و دوباره به حالت اولیه برگردید.

اکنون چشمتان را ببندید و در عالم رؤیا مجسم کنید که دستتان را در مقابل نگاه داشته و انگشت دست راست را به طرف جلو نشانه می‌روید، سپس تصور کنید که در حال چرخیدن هستید و از مقداری که واقعاً چرخیدید بیشتر بچرخید بعد چشمتان را باز کنید و این عمل را بار دیگر به طور واقعی انجام دهید.

با کمال تعجب متوجه خواهید شد که حدود 25 تا 50 درصد بیشتر از بار اول چرخیده اید.

زیرا، با تمرینات ذهنی که بار دوم انجام داده اید، به تدریج با دادن پیام به دستگاه اعصاب، بدن خود را برای چرخش بیشتری آماده کرده اید.

وقتی هدفتان را مشخص کنید، واکنش‌هایی در ذهن و دستگاه اعصاب شما به وجود می‌آید که امکانات دسترسی به آن هدف را برایتان فراهم می‌کند.

پس، کافی نیست که فقط طریقه هدایت دستگاه اعصاب خود را بدانیم، بلکه برای حرکت به سوی هدفی خاص ایجاد انگیزه و اشتیاق ضرورت دارد. (1)

ص: 122

اشاره

با هم کیفیت و چگونگی برنامه ریزی برای فردایی برتر را می خوانیم:

الف) تحقیق و پرسش

برای برنامه ریزی و تعیین هدف، ابتدا باید به پرسش و تحقیق پردازید و برای اینکه این عمل به نحو مؤثری انجام یابد رعایت نکات زیر ضروری است.

ب) زیرکی

سؤالات شما باید همه جوانب را در بر داشته باشد تا پاسخ به آن ها موضوع را برای شما روشن کند. مثلاً پرسید، چه کسی، کجا، چه موقع، چطور، چه چیزی هر چه دقیق تر سؤال کنید و اطلاعات بیشتری به دست آورید مغزتان دقیق تر عمل می کند و برای به دست آوردن نتایج دلخواه نیازتان برطرف می شود. به علاوه در خواست خود را بهتر می توانید شروع کنید و آنها نیز بهتر می توانند به شما کمک کنند. (1)

ج) سؤال

لحن و نحوه سؤال کردن نشان می دهد که شما از مخاطب خود چگونه پاسخی را انتظار دارید. مثلاً اگر برای تقاضای کمک بگویید: «تو اصلاً نمی توانی به من کمک کنی؟» از لحن و طرز سؤال شما می فهمد که شنیدن جواب منفی برایتان غیر منتظره نیست. به عبارت ساده، اعتقاد شما بر رفتار و اعتقاد او تأثیر می گذارد، سؤال خود را چنان محکم و با لحنی مثبت مطرح کنید که مخاطب ناگزیر به پاسخ مثبت باشد.

و) کمک استاد

استاد شخصی است که توانایی چنین کاری را دارا باشد، بسیاری افراد میل دارند کمک کنند، اما قادر به این کار نیستند. مثلاً اگر شما با آداب معاشرت آشنا

ص: 123

نباشید و نزد کسی بروید که روابط اجتماعی مطلوبی ندارد، طبعاً نتیجه ای نخواهید گرفت. آیا می توان از کسی که بیش از سی هزار تومان در سال در آمد ندارد، تقاضای سه میلیون تومان قرض کرد؟ بنابراین، باید از کسانی کمک بگیرید و سؤالتان را مطرح کنید که استطاعت به پاسخ آن را داشته باشند. (1)

ه- منافع مشروط

اگر فقط سؤال کنید و منتظر پاسخی مناسب باشید، هوشیارانه سؤال نکرده اید. وقتی چیزی را از کسی طلب می کنید، سعی کنید در درجه اول به تأمین نیازهای او بیندیشید. به عبارت ساده، باید اهل معامله باشید، زیرا منافع طرفین شرط است.

ی- نیاز به پافشاری

از افراد مختلف و به اشکال مختلف تحقیق کنید و در این کار پشتکار داشته باشید، به شرکت ها و سازمان های گوناگون بروید و این کار را آن قدر ادامه دهید تا به نتیجه برسید. (2)

چگونگی اصول حاکم بر برنامه ریزی پیشرفته

اشاره

در یک برنامه ریزی پیشرفته و با اسلوب باید اصولی را رعایت نموده و مواردی را فراراه خویش قرار دهیم:

1- اصل تدریج

برای برنامه ریزی اصل تدریج را رعایت نموده و کوشش نماییم برنامه ریزی ما به آهستگی، بهتر و بهتر شود.

2- اندیشه و ابتکار

گرایش به اندیشه و ابتکار در برنامه ریزی از اولویت خاصی برخوردار بوده و

ص: 124

1- . همان.

2- . همان منبع، ص 71 و 72، با تصرف.

به عبارت دیگر برنامه ریزی منظم همراه با تدبیر به ما یاری شایانی می رساند.

بنابراین بدون اغراق می توانیم بگوییم که بین اهداف برنامه ریزی شده با غایت بدون برنامه تفاوت فاحشی وجود دارد. چرا که؛ دور اندیشی شرط اساسی آن است.

3- اولویت بندی

برنامه ریزی ما باید بر اساس اهم و مهم اولویت بندی شود، از آن روی ابتدا با اهمیت ترین مسائل در برنامه گنجانیده شده، بعد از آن به مسائل مهم پرداخته و در آخر مسائل مرتبط با آن را بررسی نماییم.

4- بازنگری

شب ها برنامه ریزی خویش را مرور نموده و خویش را برای فردا آماده نماییم. بدین جهت با بازنگری اگر اشکالی در برنامه مشاهده شد، برطرف نماییم.

5- بلندنظری

در عین حالی که واقع بین و با اعتماد به نفس بوده به اهداف بلندمدت نیز نظر داشته و در برنامه ریزی خویش از کوتاه فکری بر حذر باشیم و بدانیم که «خوب ترین همت ها و کارها برترین آن است».

6- تجارب فردی و غیره

از آموخته های عملی خود به ویژه از معلمان خویش استفاده نماییم. و بدانیم که هر آموخته تجربی می تواند در یک موقعیت مشابه فرا راه ما قرار گرفته و به ما در راه رسیدن به مقصود یاری رساند.

7- توکل و استمداد از او

توکل به حق تعالی در این عمل پسندیده به ما یاری می رساند و کارها بر وفق مراد خواهد شد. «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»

استمداد از ائمه معصومین (علیهم السلام) به واسطه زیارات، ختومات، نذورات، دعاها و

توسل به آنان، راه گشای ما در این راه است. بنابراین با توکل به او و درخواست کمک و توسل به آنان به اصول حاکم بر برنامه ریزی پیشرفته و با اسلوب دست یابیم.

8- زمان بندی

وقت شناسی در برنامه ما یک شرط اساسی است و زمان بندی ما باید دقیق و مشخص بوده و برای هر عملی به همان اندازه که وقت لازم دارد، زمان تنظیم گردد.

نکته ای را که نباید از نظر دور داشت این است که زمان کافی برای استراحت، مسافرت و تفریح برای تجدید قوا در نظر گرفته شود، تا اینکه با روحی سالم در بدنی سالم به سرانجام موفقیت نایل شویم.

9- سرعت در کنار دقت

باید در برنامه خویش سرعت و سبقت داشته باشیم؛ ولی در کنار سرعت احتیاط را فراموش ننموده و دقت را نیز سرسری نگیریم. سرعت بدون احتیاط در هر عملی مخرب است بنابراین با سرعت و سبقت سرلوحه دیگران شویم و در جای خود از احتیاط یاری جویم.

10- عدم تأخیر

کار امروز را به فردا موکول نکنید. هر کاری در وقت خودش انجام گیرد، سستی و کاهلی مذمت شده است، بنابراین با اراده ای خلل ناپذیر حرکت کرده و به عمل بگرایید؛ زیرا به قول عوام از حرّافی کاری ساخته نیست، «ز عمل کار برآید به سخنرانی نیست».

11- علمی بودن

از آموخته های علمی و مطالعاتی خویش در جهت هر چه بهتر تنظیم شدن برنامه خویش بهره برداری کنیم.

12- مثبت اندیشی و اعتقاد به وفور نعمت

همیشه نیمهٔ پر لیوان را ببینید و به داشته های خویش تکیه نمایید. بنابراین از نعمت های الهی که اطراف شماست نهایت استفاده را برده و شاکر خداوند بزرگ باشید. و در هر شرایطی توقع را کنار گذاشته؛ و کفران نعمت های او را ننمایید. «شکر نعمت، نعمت افزون کند».

13- مداومت و استمرار

اگر برنامهٔ ما ساده تر، کم حجم تر، متداوم و مستمر باشد، پرتیر و با اسلوب تر است.

14- مشاوره و بررسی با اهل فن

از تبادل نظر برای برنامه ریزی با اسلوب غافل نمانیم. بهتر است این مشاوره با اهل فن آن صورت گرفته و از افراد آگاه و متخصص استمداد و یاری گرفته شود.

15- نهراسیدن از اشتباه

از خطا و شکست هراسی به خود راه نداده و برنامه ریزی اصولی را از نو شروع نمایید. بد نیست بدانید ما معصوم نیستیم که هیچ خطایی از ما سر نزنند، بالاخره هر فردی اشتباه دارد و گاهی آن خطا به شکست منتهی می شود. بدین جهت، از شکست باکی نداشته باشید، نترسید، هنوز دیر نشده است، از نو برنامه ریزی کنید. مثل کودک هر گاه زمین خوردید، دوباره ایستاده و شروع به راه رفتن کنید.

16- هماهنگی و جامع نگری

یک برنامه ریزی پیشرفته از هماهنگی خاصی برخوردار است. از آن روی باید کامل و جامع بوده و از هر گونه عیب و نقصی مبرا باشد.

خصوصیات محاسبه، تدبیر و برنامه ریزی

اشاره

محاسبه، تدبیر و برنامه ریزی ویژگی ها و خصوصیتی دارد که ما را در راه هدف یاری می رساند آن ویژگی ها عبارتند از:

1- آسان شدن مشکلات

همان گونه که بی برنامه گی مشکلاتی در پی دارد، تدبیر و برنامه ریزی نیز مشکلات را هموار نموده و نابسامانی ها، را سامان می دهد. از سویی برنامه منظم و مدون ویژگی های فراوانی به دنبال دارد که در اینجا مجال بحث آن نیست.

2- اسلوب خاص

با برنامه ریزی با اسلوب خاص از دزدان فرصت ها در امان بوده و به وسیله صرفه جویی در وقت جهت رسیدن به اهداف از تمامی لحظات عمر خویش حداکثر استفاده را می نماییم.

3- الگو و سر لوحه

همان گونه که انسان بدون برنامه ای مدون مایه عبرت همگان قرار می گیرد با برنامه ای حساب شده و مرتب الگوی دیگران شده و در بین مردم به بزرگی می رسد.

4- انجام هماهنگ مسئولیت ها

برنامه ریزی پیشرفته اسلوب صحیح و عمل هماهنگ به دنبال دارد؛ بنابراین با انجام آن از نا هماهنگی بین مسئولیت های مختلف در امانیم.

5- حاکمیت نظم

اگر برنامه ریزی طبق اصول علمی بوده و منظم باشد، ویژگی ها و نقش آن در برنامه ریزی موجب بهروزی است.

6- رسیدن به اهداف مترقی

آدمی به وسیله تدابیر اتخاذ شده در برنامه ریزی و با آسودگی ناشی از عدم مشکلاتی که در راه مقصود گریبانگیر وی می شود، به اهداف والای خویش نایل می گردد.

7- رفع آشفتگی

یکی از آثار برنامه ریزی مدون عدم آشفتگی است. بر خلاف آن یکی از علّت های تزلزل در این راه ناشی از عدم برنامه ریزی است.

8- شکوفایی استعداد

اعمالی که از برنامه ریزی عالمانه و آگاهانه سرچشمه میگیرد به دلیل صرفه جویی در وقت و لذت و نشاط ناشی از آن است که باعث شکوفایی استعدادها می گردد.

استعداد یابی و به دنبال آن شکوفا نمودن استعدادها با برنامه ای پیشرفته و بدون دغدغه خاطر انجام می گیرد.

9- قدرت آینده نگری

با تدبیر در برنامه ریزی به استقبال آینده رفته چنان که گویی قدرت دور اندیشی دو چندان می گردد بدین جهت به مشکلات آینده لبخند می زنیم، همان گونه که بی نظمی و در نهایت آشفتگی و تزلزل از قدرت نگرش به آینده می کاهد.

فراگیری روش های برنامه ریزی مدون (راهکارها)

علمی :

- 1- شناخت هر چه بیشتر نسبت به برنامه ریزی منظم، مدون و مرتب به طرق گوناگون.
- 2- شناخت اصول حاکم بر برنامه ریزی پیشرفته.
- 3- شناخت و بهره برداری صحیح از فردای زندگی یعنی، در زمان حال زیستن در عین حالی که نگرشی مفید و پیشرفته به آینده داشتن.

عملی:

- 1- تدبیر در ویژگی های آن.
- 2- تغییر و تحول پس از به کارگیری برنامه جهت کاربرد در محیط های سه گانه خانواده، اجتماع و دانشگاه.

3- تبادل نظر با خردمندان و مشاهیر در این زمینه و عدم خودرأیی.

4- فراگیری آموخته های عملی ناشی از بی برنامه گی.

5- اختصاص دفترچه مخصوص آن و یاد داشت موفقیت هایی با چشم انداز زیبایی.

6- رعایت اهم و مهم در برنامه ریزی؛ (ترتیب اثر دادن به اموری که از اهمیت زیادتری برخوردارند و سپس رعایت اموری که جایگاه دوم را داشته و مهم هستند).

فراگیری هفت مرحله برنامه ریزی (نکته های ثمربخش)

اشاره

به کار بستن مراحل هفت گانه زیر شما را در تنظیم برنامه برای رسیدن به اهداف موفقیت آمیز یاری می رساند:

الف) ارزیابی از نحوه گذراندن اوقات:

پیش از این که وقت خود را تنظیم کنید، باید بدانید که چطور آن را می گذرانید. برای این کار لازم است گزارشی از کارهای روزانه خود، طبق برنامه پیشنهادی زیر، تهیه کنید:

1/ الف * دفترچه یادداشتی تهیه کنید و همیشه همراه داشته باشید.

2/ الف * هر مورد از کارهای روزانه را بلافاصله بنویسید و به تأخیر نیندازید.

3/ الف * گزارش کار را به مدت یک هفته ادامه دهید.

4/ الف * هر روز گزارش کار خود را مرور کنید، مورد ارزیابی قرار دهید و از خود بپرسید:

* آیا کاری را که می بایست انجام می دادم، انجام داده ام؟!!

* آیا همه امور را در مدت تعیین شده انجام داده ام؟!!

* چه عادت هایی مرا از رسیدن به هدف هایم باز می دارد؟!!

* در چه ساعتی از روز، خلأ ق تر و شاداب تر بوده ام و در چه ساعتی بی حوصله و کسل؟! اکنون پس از یک هفته که کارهای خود را ارزیابی کرده اید، باید فهرستی از کارهایی که قصد انجام آن را دارید به روش زیر، تهیه کنید:

ب) بررسی کارهایی که باید انجام شود

* کارهای ثابت: کارهای ثابت به کارهایی گفته می شود که شما باید هر روز در ساعتی معین آنها را انجام دهید، چون:

* جلسات درس * وعده های غذا

* خواب * ملاقات ها

* نماز و دعا * وظایف شغلی

* کارهای متغیر: کارهای متغیر اموری است که شما می توانید در هر ساعتی که مایلید، آنها را انجام دهید، چون:

* مطالعه * تفریح

* اوقات استراحت * امور اجتماعی

* تکالیف درسی * کمک به اعضای خانواده

در تهیه این فهرست دو نکته را رعایت کنید:

1- هر چه باید انجام دهید، روی کاغذ بنویسید؛ در غیر این صورت ممکن است بعضی از کارها انجام نشود.

2- هر روز کارهایی را که انجام می دهید، از فهرست خود حذف و موارد جدید و لازم را به آن اضافه کنید.

ج) تعیین کارهای مهم

*** برای پیشگیری از احساس شکست و پشیمانی، باید بدانید که چه کارهایی مهم است و چه کارهایی اهمیت و ارزش کم تری دارد.

*** برای این کار، باید اولویت ها را مشخص کنید بدین منظور اولویت ها را در «فهرست کارهایی که باید انجام شود» قرار دهید و در

کنار هر اولویت شماره هایی بنویسید که نشان دهنده درجه اهمیت آن باشد.

دقت کنید:

* اولویت های درجه یک، وظایفی است که باید در حال حاضر مشغول انجام دادن آن باشید.

* اولویت های درجه دو، وظایفی است که می توان آن را به تأخیر انداخت تا

اولویت های درجه یک انجام شوند.

*اولویت های درجه سه وظایفی است که خیلی مهم نیست و می توان آن را دیر انجام داد.

*** برای انجام دادن اولویت های درجه یک، وقت کافی در نظر بگیرید و در برنامه خود نیز بگنجانید.

(د) شناخت اوقات حداکثر و حداقل کارایی

اوقات حداکثر کارایی و حداقل کارایی خود را بشناسید و برنامه کار خود را طوری تنظیم کنید که اولویت های درجه یک را در اوقاتی که حداکثر کارایی و نشاط را دارید، انجام دهید و وظایف کم اهمیت و درجه دو و سه را به ساعتی از روز که انرژی و کارایی کم تری دارید، اختصاص دهید.

(و) شناخت هدر دهنده های وقت

هدر دهنده های وقت را بشناسید و بر آنها نظارت و تسلط داشته باشید. رایج ترین هدر دهنده های وقت، عبارت است: مهمان های ناخوانده، سروصدا، تلفن ها و هدر دهنده هایی که شما خود برای استراحت یا زنگ تفریح می آفرینید.

برای کنترل و نظارت بر هدر دهنده های وقت، توصیه های زیر را به خاطر داشته باشید:

*** محل خاصی برای مطالعه داشته باشید که از آرامش و نور کافی برخوردار باشد. در این صورت، ذهن شما به زودی به تمرکز بر کار عادت می کند. معمولاً کتابخانه بهترین مکان برای این مهم است.

*** «نه گفتن» را بیاموزید و به گونه ای قاطع، اما با خوش رویی، به مهمانان و تلفن کنندگان بفهمانید که گرفتارید.

*** تفریحات سالم خود را تحت کنترل در آورید. تلویزیون و ضبط صوت را خاموش کنید و اجازه ندهید وقت تان را تلف کند.

*** شما باید تا جایی که ممکن است پیرامون خود را برای مطالعه مناسب آماده نگه دارید.

حال جدول برنامه هفتگی را با توجه به دستور العمل های پیش تنظیم کنید.

ی) نظارت بر حسن اجرای برنامه ها

نظارت بر حسن اجرای برنامه ها که باید به نقش اراده و تقویت آن و تغییرات احتمالی برنامه در صورت لزوم دقت شود. (1)

کیفیت محاسبه نفس (تغذیه روح)

مخفی نماند که کیفیت محاسبه نفس، آن است که در وقتی که آخر روز معین کرده بنشیند و نفس خود را مصور سازد و ابتدا محاسبه واجبات را از آن بجوید. پس اگر همه آنها را درست بجا آورده باشد او را دعا کند و شکر خدا به جا آورد و او را ترغیب بر مثل آن نماید. و اگر چیزی از آنها را ترک نموده باشد آن را مطالبه کند و به وعده او فریب نخورد که بسیار بد حساب است.

و باید دفعت او را بر قضا بدارد. و اگر نقصانی در آداب و شرایط آنها باشد تدارک آن را به نافله و امثال آن بکند. و بعد از آن، حساب معاصی آن را برسد که اگر معصیتی مرتکب نشده باشد شکر خدا را کند و اگر مرتکب شده باشد در مقام نکوهش و عتاب نفس برآید و آن را به عذاب افکند و زجر کند و تلافی آن را از آن مطالبه کند و همچنان که در حساب دنیا دقت می کند و از حبه، دینار، قیراط (2)

و قطمیر (3)،

تفتیش می نماید و باریک می شود که مغبون نگردد. همچنین باید دقت و تفتیش کند از افعال نفس، و بر آن تنگ بگیرد و از حيله و مکر آن احتیاط کند، زیرا آن مکاره ای است که خدعه می کند و مشتبه می نماید. پس باید جواب صحیح از جمیع کردار و گفتار آن مطالبه کند و خود به حساب خود برسد پیش از آنکه در صحرای قیامت دیگری به حساب او برسد. و باید هیچ

ص: 133

1- . نیلی پور، مهدی، فرهنگ جوان، ص 596-598، با تصرف.

2- . نیم دانگ معادل وزن چهار جو می باشد، که تقریباً معادل 2 گرم است.

3- . نقیر به شیار پشت هسته خرما گفته می شود و قطمیر غلاف نازکی است که روی هسته خرما قرار دارد. معراج السعاده ص 570 و

چیز را مهمل نگذارد. و حساب جمیع آنچه گفته، کرده، دیده و شنیده از نگاه

کردن، نشستن و برخاستن، خوردن و خوابیدن و آشامیدن، حتی از سکوت آن سؤال کند، که چرا ساکت شد، و از افکار و خواطر قلبیه و صفات و اخلاق پس اگر از عهده جواب جمیع بر آمد به نحوی که از حق تجاوز نکرده باشد و چیزی از واجبات را ترک نکرده باشد و مرتکب معصیتی نشده باشد؛ از حساب آن روز فارغ است و هیچ چیز باقی ندارد.

و اگر در چیزی کوتاهی کرد و از جواب صحیح آن عاجز ماند، آن را در دل خود ثبت نماید همچنان که تاجر باقی شریک را در دفتر حساب خود ثبت می کند و بعد از ثبت آن، در مقام معاتبه و مطالبه غرامت آن بر آید. (1)

محاسبه ایام

هر شب که روی به بستر خواب ک____ن نیک تأمل اندر این باب

کان روز به علم تو چه افزود؟ وز کرده خود چه کرده ای سود؟

روزی که در آن نکرده ای کار آن روز ز عمر خویش مشمار (2)

مراقبت از خود با برنامه پیشنهادی 24 ساعته

اشاره

عمل نمودن به برنامه پیشنهادی 24 ساعته زیر در کنار برنامه ریزی برای اهداف از اهمیت خاصی برخوردار است. اما این مراقبت نسبی و در حد توان می باشد.

1- اهمیت صبح خیزی

امام محمد باقر (علیه السلام) می فرماید:

« خواب در صبح مکروه است و روزی را منع می کند و رنگ چهره را زرد می نماید؛ به درستی که حق تعالی روزی را ما بین طلوع فجر و طلوع آفتاب تقسیم می کند.» (3)

ص: 134

1- . نراقی، احمد، معراج السعاده، نشر: قائم آل محمد، سال 1387، ص 570 و 571.

2- . ایرج میرزا.

3- . نیلی پور، مهدی، فرهنگ جوان، ص 147-157، محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ح 7180.

2- با اذان آماده نماز شویم

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله):

«مَنْ أَدَانَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاحِدَةً أَيْمَانًا وَاحْتِسَابًا وَتَقَرُّبًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِهِ وَمَنْ عَلَيْهِ بِالْعِصْمَةِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ وَجَمَعَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الشُّهَدَاءِ فِي الْجَنَّةِ»

«هر کس در راه خدا، از روی ایمان و به حساب خدا و به منظور نزدیک شدن به حضرت کبریاء (حتی) برای یک نماز اذان بگوید، خداوند همه گناهان گذشته او را می آمرزد و در باقی مانده عمرش او را منت نهاده و نیروی خویشتن دار (تقوا) از گناه به او مرحمت می فرماید و او را با شهیدان و فداکاران راه حق در بهشت محشور می گرداند».

3- بر پای داشتن نافله صبح

قبل از نماز صبح دو رکعت نماز نافله خوانده می شود. (1)

پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمودند:

«هر کس نافله صبح را بخواند خداوند گناهان گذشته او را می بخشد و برای او ثواب گذاردن حج خانه خداست».

4- بر پای داشتن نماز صبح و تعقیبات آن

یک مسلمان متعهد نماز صبح را برپای می دارد و سپس مستحب است انسان بعد از نماز، مقداری مشغول تعقیب، یعنی خواندن ذکر دعا و قرآن شود و بهتر است پیش از آنکه از جای خود حرکت کند و وضو و غسل و تیمم او باطل شود رو به قبله تعقیب را بخواند و لازم نیست تعقیب نماز به عربی باشد، ولی بهتر است کتاب دعا را قرائت کند و از تعقیب هایی که خیلی سفارش شده تسبیح حضرت زهرا⁷ است که باید به این ترتیب باشد:

ص: 135

1- . همان مسأله 773، رساله امام خمینی (ره).

*34 مرتبه «الله اکبر» *33 مرتبه «الحمد لله» *33 مرتبه «سبحان الله»

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«هرکس بر تسبیحات حضرت زهرا (علیه السلام) مداومت نماید، شقی و بدبخت نمی شود و نقل است ثواب هزار رکعت نماز مستحبی دارد.» (1)

مستحب است بعد از نماز، شکر نماید و همین قدر که پیشانی را به قصد شکر بر زمین بگذارد کافیهست، ولی بهتر است؛ صد مرتبه یا سه مرتبه «شکراً لله» یا «شکراً» یا «عفواً» بگوید.

5- تلاوت قرآن، ورزش، شنیدن اخبار

اشاره

او در برنامه روزانه به سه اصل نگاه ویژه دارد که عبارت است از:

الف) تلاوت قرآن:

امام حسین (علیه السلام) می فرمایند:

« هر کس یک آیه از قرآن را در نمازش در حال ایستاده بخواند در برابر هر حرفی، خداوند صد حسنه برایش می نویسد و اگر در غیر از نماز بخواند به هر حرفی ده حسنه بنویسد.»

همچنین خود قرآن می فرماید:

«فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (2)

«آنچه می توانید قرآن بخوانید.»

ب) ورزش

قال رسول الله (صلی الله علیه وآله):

«ارْكَبُوا وَاِرْمُوا وَإِنْ تَرَمُوا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَرْكَبُوا.» (3)

«اسب سواری کنید و تیر اندازی کنید، من تیر اندازی را از اسب سواری بیشتر دوست دارم.»

1- . وسائل الشيعة، ج 4، ح 8400.

2- . مزمل، آيه 20.

3- . همان الكافر، 5/50/13.

و همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) تأکید فراوان بر آموزش شنا نموده اند.

ج) شنیدن اخبار

یک مسلمان متعهد در هر شرایطی اخبار روزانه را گوش فرا داده و آن را بررسی می کند.

6- آمادگی برای کار روزانه

اشاره

او همیشه برای کار روزانه آماده است و برای آن سه نکته اساسی را مد نظر قرار می دهد که عبارتند از:

الف) بهره مندی از ویژگی های وضو

مستحب است انسان همواره با وضو باشد. چنانچه امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«الْوُضُوءُ عَلَى الْوُضُوءِ نُورٌ عَلَى نُورٍ»⁽¹⁾

«وضو روی وضو، روشنایی روی روشنایی است».

ب) به نام خدا شروع کنیم

آنگاه با نام خدا «بسم الله الرحمن الرحيم» از خانه خارج شود.

ج) راه رفتن و خروج از منزل

از ابن عباس روایت شده:

«إِذَا مَشَى مَشِيًّا يُعْرِفُ أَنَّهُ لَيْسَ بِمَشِيٍّ عَاجِزٍ وَلَا بِكَسْلَانٍ»⁽²⁾

«رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در موقع راه رفتن چنان راه می رفت که معلوم بود راه رفتن شخص ناتوان یا تنبل نیست».

و همچنین هنگام خروج از منزل مستحب است گفته شود:

ص: 137

1- . همان وسائل الشیعه، 1/265/8.

2- . همان مکارم الاخلاق 1/60/52.

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ - لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»

(د) شخصیت عادی اجتماع

خواندن آیت الکرسی، (آیات 255 و 256 سوره بقره) و همچنین رعایت نظافت شخصی برای رفتن به سر کار، منظم بودن لباس، شانه کردن موها، استعمال عطر و مسواک زدن، بسیار حائز اهمیت است.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«ثَلَاثٌ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ: الْغُسْلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالسَّوَاكُ وَالطَّيْبُ»

«سه چیز بر هر مسلمانی لازم است: غسل جمعه، مسواک زدن و استعمال بوی خوش».

همچنین در مورد اهمیت مسواک از رسول اکرم 9 رسیده که فرمود:

«أُمِرْتُ بِالسَّوَاكِ حَتَّى خَشِيتُ أَنْ يُكْتَبَ عَلَيَّ»⁽¹⁾

«آن قدر به مسواک زدن فرمان داده شدم که ترسیدم مسواک زدن بر من واجب شود.»

امام صادق (علیه السلام) نیز فرمود:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «يُنْفِقُ فِي الطَّيْبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ فِي الطَّعَامِ»⁽²⁾

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پیش از آن مقدار که برای خوراک خرج می کردند؛ برای عطر پول می دادند.»

7- در محل کار

اشاره

در محل کار باید دو نمود و اصل را سرلوحه قرار دهد، آن دو نمود و اصل از این قرار است:

الف) اهداف روزانه

هدف و قصد در کار، خدمت به اسلام و مسلمین و کسب معیشت حلال برای خود و خانواده باشد.

ص: 138

1- . همان نهج الفصاحه، حدیث 542.

2- . همان الکافر 6/512/18.

چنانچه نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«الكَادُ لِعِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (1)

«آن کس که برای امرار معاش خانواده اش زحمت می کشد، مانند سرباز فداکاری است که در راه خدا، کارزار می کند».

همچنین مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرَّجُلَ الْمَحْتَرِفَ الْأَمِينِ» (2)

«خداوند کارگر امین صاحب حرفه را دوست می دارد.»

ب) عدم سهل انگاری در کار

همچنین از کم کاری، سهل انگاری، اتلاف وقت، دروغ و هر گونه عمل خلاف شرع مقدس، پرهیز نموده و توکل و اعتماد به خدای تبارک و تعالی داشته باشد.

8- در حد توان خویش مردم را یاری کنیم

اشاره

او همکاری با مردم و نیکوکاری را فراموش نمی کند چرا که از فضیلت آن آگاه است، با هم می خوانیم:

الف) قضای حاجات

در طول روز سعی شود در حد امکان و توان، با برادران مسلمان همکاری و مساعدت نموده و در حل مشکلات و قضای حاجات آنها بکوشد.

ب) فضیلت و حل مشکلات مردم

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ الْمُسْلِمِ فَاجْتَهَدَ فِيهَا فَأَجْرِي اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ فَضَاهَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَجَّةً وَ عُمْرَةً وَ اِعْتِكَافَ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ

ص: 139

الْحَرَامِ وَصِيَامَ فِيهِمَا وَإِنْ اجْتَهَدَ وَلَمْ يَجِرِ اللَّهُ قَضَاهَا عَلَى يَدَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَجَّةً وَ عُمْرَةً» (1)

کسی که در بر آوردن حاجت برادر مؤمن خود بکوشد، تا اینکه خدای تعالی حاجت وی را به دست او برآورد، خداوند ثواب حج و عمره و روزه و اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام را برایش می نویسد و اگر آن حاجت به دست او برآورد نشود (کوشش وی بدون نتیجه باشد) یک حج و عمره برایش مقرر می دارد».

9- در هنگام ظهر

به هنگام فرا رسیدن ظهر شرعی، اذان گفتن و مهیای نماز شدن بسیار مهم است.

باید سعی شود نمازها به جماعت و در مساجد برگزار گردد.

10- در هنگام استراحت

در هنگام غذا خوردن سعی شود آداب آن مراعات شود، آدابی از قبیل:

شستن دست ها، آغاز کردن با نام خدا و در وقت گرسنگی غذا خوردن، قبل از سیر شدن دست کشیدن و شکر نعمات خدای را بجا آوردن و سایر اموری که در رساله های عملی آمده است.

11- رازونیا و نماز مغرب و عشاء

سعی شود همان گونه که گفته شد نمازها به جماعت و در مسجد اقامه شود و بین دو نماز مغرب و عشاء نماز غفیله بجا آورده شود که نحوه انجام در رساله های عملی مذکور است. همچنین نماز نافله عشاء (وُتیره) دو رکعت است که به صورت نشسته خوانده می شود و بعد از نماز عشاء تا نصف شب وقت اداء آن است.

ص: 140

1- . همان وسائل الشیعه، ج 10، ص 555.

الف) ارتباطات خانوادگی:

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله):

«خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي» (1).

«بهترین مردان شما کسانی هستند که نسبت به همسرانشان بهتر رفتار می کنند و من بهتر از همه شما نسبت به اهل و عیالم رفتار می کنم».

بعضی از حقوق فرزند بر پدر که در روایات به آنها اشاره شده را با هم می خوانیم: «نام نیکو گذاشتن، قرآن آموختن، نویسندگی آموختن، آموختن تیر اندازی و شنا، رزق حلال به او دادن، حرفه نیکو آموختن و آنگاه که موقع ازدواج شد همسر به او دادن» (2).

همچنین پیامبر فرمودند:

«نِعْمَ اللَّهُو الْمِعْرُزُ لِلْمَرْئَةِ الصَّالِحَةِ».

«اسباب ریسندگی، خیاطی، بافندگی، گلدوزی برای زن شایسته، سرگرمی خوبی است» (3).

ب) مطالعه

قال النبي (صلى الله عليه وآله):

يَا عَلِيُّ سَاعَهُ الْعَالِمِ يَتَكَيُّ عَلَى فِرَاشِهِ يَنْظُرُ فِي الْعِلْمِ [عِلْمٍ] خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.

«یا علی! ساعتی که عالم بر فراش خود تکیه دهد و نظر در علم خود نماید (تفکر در علم) بهتر از عبادت هفتاد سال است».

13- رسیدگی

الف) با وضو خوابیدن

حضرت سلمان فارسی از قول پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) فرمود:

ص: 141

1- . همان وسائل، ج 14، ص 122.

2- . همان میزان الحکمه، باب حق الولد علی الوالد.

3- . همان مکارم الاخلاق.

«هر کس با وضو بخوابد، همانند روزه دار شب زنده دار است».(1)

ب) محاسبه اعمال روز

حضرت امیر (علیه السلام) فرمود:

لَيْسَ مِثْلًا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنَّ عَمَلَهُ حَسَنًا أَوْ ذَاكَ اللَّهُ شُكْرًا وَإِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ. (2)

«از ما نیست کسی که هر روز حساب کار خود را نکند، پس اگر کار نیکی کرده است از خدا زیادی آن را بخواهد و اگر گناه و کار بدی کرده و در آن گناه از خدا آمرزش خواهد و به سوی او بازگشت کند.»

همچنین این اعمال را قبل از خوابیدن باید انجام داد:

خوابیدن به پهلو راست (خواب صالحین) یا بر روی پشت (خواب پیامبران)

* قرائت سوره توحید سه مرتبه که در حکم یک ختم قرآن است.

* خواندن ذکر: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ». که مداومت بر این ذکر قبل از خواب، شفاعت پیامبران در قیامت را در پی دارد.

* خواندن سه مرتبه ذکر: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر». که ثواب یک حج و عمره دارد.

14- نماز شب

خداوند می فرماید:

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَجَهَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا».(3)

«پس پاسی از شب را به نافلة (نماز مستحبی) مشغول شو، امید که خداوند تو را مقام محمود (شفاعت) عنایت فرماید.»

ص: 142

1- . همان میزان الحکمه، ح 21921.

2- . همان اصول کافی، ج 4، ص 190.

3- . سوره اسراء، آیه 79.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«لَرَكْعَتَانِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا» (1)

«دو رکعت نماز در دل شب نزد من بهتر است از دنیا و آنچه در آن است.»

علی (علیه السلام) در وصف متقین می فرماید:

«أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ...» (2)

«چون شب شود برای نماز به پا ایستاده و آیات قرآن را با اندیشه و تأمل می خوانند.»

15- نیکی به والدین

اشاره

به خاطر اهمیت این موضوع و تأکید آن در شرع مقدس اسلام؛ احسان به والدین را به عنوان یک قسمت جداگانه یاد آور می شویم:

الف) اهمیت آن:

خداوند بزرگ در قرآن کریم می فرماید:

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا» (3)

سفارش نمودیم انسان را که به والدین خود نیکی کند.»

حضرت امیر (علیه السلام) فرمود:

«بِرُّ الْوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ» (4)

«نیکی به پدر و مادر بزرگ ترین واجب، از واجبات الهی است.»

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز فرمودند:

«رِضَى اللَّهِ مَعَ رِضَى الْوَالِدَيْنِ وَ سَخَطُ اللَّهِ مَعَ سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ» (5)

«خشنودی خدا با خشنودی والدین است و خشم او با خشم ایشان است.»

- 1- . همان سنن النبی، حدیث 332.
- 2- . همان نهج البلاغه، خطبه 193.
- 3- . عنكبوت، آیه 7.
- 4- . میزان الحکمه، همان، ح 22673.
- 5- . بحار الانوار، همان، ج 16، ص 24.

از حضرت صادق (علیه السلام) مرویست که چون یعقوب برای ملاقات فرزندش یوسف وارد مصر گردید، یوسف هنگام ملاقات، رعایت مقام سلطنت ظاهری را کرد و برای احترام پدر از مرکب پیاده نشد.

جبرئیل نازل شد به یوسف فرمود: دست خود را باز کن! نور روشنی از دستش بیرون شده به آسمان رفت. یوسف پرسید: این نور چه بود که از کف من خارج شد؟ جبرئیل فرمود: نور نبوت از صلب تو بیرون رفت، سبب آنکه رعایت احترام پدر پیرت را نکردی! پس از فرزندان کسی پیغمبر نخواهد شد. (1)

(ب) شناخت احادیث متواتر در مورد آن:

1- هر گاه والدین را صدا می زند آنها را با نام نخواند بلکه با لقب ذکر کند.

2- جلوتر از آنها راه نرود و پیش از آنها ننشیند.

3- قبل از آنها شروع به خوردن طعام نکند.

4- در مجلس، روی خود را از ایشان برنگرداند.

5- در سخن گفتن، صدای خود را بلند تر از ایشان نکند.

6- دست خود را بالای دست آنها قرار ندهد.

7- کاری نکند که مردم به پدر یا مادر او بد بگویند یا لعن کنند. (2)

16 _ یاری مبارزان راه خدا

حضرت امیر (علیه السلام) فرمود:

«إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ» (3).

«همانا جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند این در را بر روی همه کس نگشوده است، هر فردی لیاقت ندارد که آن به رویش گشوده شود، هر فردی شایستگی مجاهد شدن را ندارد. خداوند آن را به روی دوستان خاص

ص: 144

1- . همان گناهان کبیره، ج 1، ص 135.

2- . همان گناهان کبیره، جلد اول.

3- . همان میزان الحکمه، ج 2665.

خویش گشوده؛ مجاهدان بالاترند از اینکه بگوئیم مساوی با دوستان خدا هستند، مجاهدان مساوی با خاصان از اولیاء خدا هستند» (1).

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَغْزُ وَ لَمْ يُحِدْ بِهٖ نَفْسَهُ مَاتَ عَلٰی شُعْبَةٍ مِّنْ نَّفَاقٍ» (2)

«آنان که جهاد نکرده و لااقل اندیشه جهاد را در دل خود نپرورده باشند با نوعی از نفاق خواهند مرد.»

حضرت علی (علیه السلام) نیز می فرماید:

«کسی که به جهاد بی میلی کرده، آن را فرو گذارد، خداوند جامهٔ خواری و ردای بلا- و گرفتاری بر او بپوشاند و به خواری و فرومایگی درافتد و بر دلش پرده های گمراهی زده شود و به سبب جهاد نکردن، حق از او روی گردان شود و به باطل در افتد» (3).

17- یاری ایزد متعال به مؤمنان

با اعمال مستحبی خویش یاری ایزد متعال را در پیش داریم، با هم می خوانیم:

الف) اعمال مستحب در شبانه روز بسیار است که هر کس می تواند به حد طاقت خود انجام دهد، از قبیل نافله نمازهای یومیه، نماز شب و ادعیه وارد شده در کتب دعا، اما باید توجه داشت که در این گونه امور توجه داشتن و کیفیت مقدم بر کمیّت است و اگر یک فعل همواره استمرار داشته باشد بهتر از همه افعال است که به طور موقت انجام گیرد.

ب) بعضی از امور هستند که همه روزه وقت انجام آن نیست.

همچنین غسل جمعه که وقت آن تا قبل از ظهر جمعه است. شرکت در نماز جمعه، زیارت جامعه (امام 15 سال در نجف به طور مرتب هر شب زیارت جامعه را می خواندند و در حقیقت، آن، یک دوره درس امام شناسی است)، زیارت اهل قبور به ویژه شهدای اسلام.

ص: 145

1- . همان شهید آیت اله مطهری.

2- . همان میزان الحکمه، ج 2669.

3- . همان منبع، ح 2710.

ج) امور دیگری هستند که نمی توان وقت معینی برای آن در نظر گرفت از قبیل:

صله رحم (دیدار از اقوام و خویشاوندان)، عیادت بیماران به ویژه مجروحین و معلولین.

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) روایت شده که فرمودند:

«خداوند روز رستاخیز گوید:

آدمیزاد! بیمار شدم، مرا عیادت نکردی!

گوید: خدایا! چگونه تو را که پروردگار جهانیان هستی عیادت کنم؟

گوید: مگر ندانی که فلان بنده من بیمار بود و او را عیادت نکردی مگر نمی دانی که اگر او را عیادت می کردی مرا پیش او می یافتی؟! (1)

اقدام به ارشاد و راهنمایی جامعه، دادن صدقه که دادن آن مایه طولانی شدن عمر و رفع بلاها می باشد.

همچنین روزهایی مانند جمعه را که ایام تعطیل به حساب می آید مفید است انسان به سیر و سیاحت و تفریح سالم بپردازد.

حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) می فرمایند:

«سافروا فَإِنَّكُمْ إِنْ لَمْ تَعْنَمُوا مَالاً أَفَدْتُمْ عَقْلًا» (2)

«مسافرت کنید چه اگر در سفر نفع مالی عایدتان نشود، از فواید عقلی بهره مند خواهید شد».

د) آنچه بر هر کاری مقدم است و باید همواره مد نظر قرار گیرد مراقبت از اعمال است، تا مبدا انسان خدای ناخواسته به گناه آلوده گردد و یا به ترک واجبی گرفتار شود و حقیقت نقوا همین است و بیشتر تأکید شده که اعمال حرام ترک شود، چنانچه رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) می فرمایند:

«تَرَكَ لُقْمَهُ حَرَامٌ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ صَلَوةِ أَلْفِي رَكَعَةٍ تَطَوُّعًا» (3)

ص: 146

1- . همان نهج الفصاحه، ص 271.

2- . همان مکارم الاخلاق، ص 240.

3- . تنبيه الخواطر، 2/120.

«نخوردن لقمه حرامی نزد خداوند از دو هزار رکعت نماز مستحبی بهتر است».

بنابراین لازم است ابتدا به ترک محرمات اهتمام کرد و به انجام واجبات مراقبت نمود، و آنگاه به سایر اعمال (1).

معنویت محاسبه در برنامه ریزی

اشاره

با هم بعد معنوی محاسبه در برنامه ریزی را بررسی می نمایم:

الف) ضرورت محاسبه نفس

محاسبه و تزکیه هر روز باید انجام گیرد و اگر برنامه ای مدّون برای آن تدارک ببینیم بهتر است که سخنان راهبران مذهبی گواه این مدعاست.

1- امام کاظم (علیه السلام) فرمود:

«از ما نیست کسی که هر روز حساب خود را نکشد و اگر کار خوب کرده است از خدا فزونی آن را خواهد و اگر کار بد کرده است، از خدا آمرزش آن را خواهد و از آن توبه کند» (2).

آری!! یکی از مراحل خودسازی محاسبه از نفس خویش است.

بنابراین هر شب، ماه و سال محاسبه و دور اندیشی برای خودسازی را به فراموشی نسپاریم. زیرا محاسبه نفس، نقش بزرگی در زندگی افراد ایفا می نماید، و سرنوشت ساز است.

2- امام علی (علیه السلام) فرمود:

«پس اکنون به خاطر خودت، حساب خویش را بررسی کن، زیرا دیگران حسابرسی غیر از تو دارند» (3).

3- امام علی (علیه السلام) در خطبه 90 نهج البلاغه فرمود:

ص: 147

1- نیلی پور، مهدی، فرهنگ جوان، ص 147-157، با تصرف.

2- ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ج 5، نشر: اسوه، سال 1386، ص 559.

3- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر: مشهور، چاپ شانزدهم، خطبه 222، شماره (16).

«بندگان خدا! خود را بسنجید قبل از آن که مورد سنجش قرار گیرید، پیش از آن که حسابتان را برسند، حساب خود را برسید».(1)

4- امام علی(علیه السلام) می فرماید:

«چه سزاوار است که انسان ساعتی از روز را فقط به حسابرسی نفس خود اختصاص دهد و ببیند که در شبانه روز چه کارهایی به سود یا زیان خود انجام داده است.»(2)

ب) عدم سخت گیری در آن

حضرت علی(علیه السلام) می فرماید:

«بخشنده باش اما زیاده روی نکن، در زندگی محاسبه کن اما سخت گیر مباش»(3)

ص: 148

1- . همان منبع، ص 109، خطبه 90

2- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 3، ص 1165، ح 3843.

3- . نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، ص 449، حکمت 33.

فصل پنجم: بهره برداری صحیح از سرمایه های حیات

اشاره

ص: 149

نگهداری و بهره برداری صحیح از وسائل و سرمایه های حیات یکی از راه های پیشرفت، ترقی و تکامل بوده و از نشانه های قابلیت قابل است. بنابراین انسان رشد یافته، از حماقت دوری گزیده و روش های خردمندانه را برای بهره برداری صحیح از سرمایه های حیات انتخاب می نماید. به عبارت ساده، هر شخصی که از گناه به ویژه گناهان بزرگ دوری گزیده و از خداوند بزرگ و پیامبر او حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) اطاعت نماید و در راه فضیلت های انسانی، مکارم اخلاقی و قرب الهی گام بردارد، رشد یافته است و هر کس در گناه غوطه ور شود و در جا بزند، در چاه جهالت سقوط کرده است.

آری!! انسانی خردمند است که پله های ترقی، تکامل و پیشرفت را طی نموده و به پیروزی می رسد، زیرا حفظ سرمایه های حیات و استفاده از آن او را در این راه یاری می کند. مثل: کنار زدن دزدان فرصت ها و استفاده بهینه از وقت، بهره برداری صحیح از این سرمایه حیات است.

تعریف واژه

* مفهوم رشد در ارتباط با نعمت ها و سرمایه ای که در اختیار فرد است، مطرح می گردد. به این ترتیب که اگر نعمت ها و سرمایه های حیات توسط صاحبان آنها در مسیر درست و به نحو صحیح به کار گرفته شوند، نشانگر رشد صاحب آنهاست.

ص: 150

رشد راه ترقی، تکامل، پیشرفت، پیروزی و نیک بختی است. بهره برداری صحیح از سرمایه های حیات فرمان خداوند متعال و ائمه معصومین (علیهم السلام) بوده و منکر آن به طور صحیح از سرمایه های حیات بهره برداری نکرده و از مسیر سعادت و نیکبختی منحرف می گردد. از این روی عمل به آن یکی از پندها و اندرزهای پندداناان و اندیشمندان جهان است.

خصوصیات رشد

اشاره

خصوصیات متعالی رشد نشان از اهمیت والای آن دارد. با هم آن ویژگی ها را می خوانیم:

1- اصلاح عملکردها

انسان در حال رشد با بلوغ کامل و شخصیت ارزشی خویش به واسطه عدم حماقت عملکردهایش را اصلاح می نماید. بد نیست بدانید که در این راه از انتقاد دوستان کمال استفاده را نموده و هر چه بیشتر به طور صحیح از سرمایه های حیات بهره برداری می کند.

2- برطرف نمودن عیب های جزئی

انسان رشد یافته که به بلوغ کامل عقلی و فرهنگی رسیده است به علت عدم حماقت، و با خرد، اندیشه کافی و استفاده صحیح از وسائل و سرمایه های حیات هر چه بیشتر به عیوب و نواقص خویش پی برده و در صدد رفع آن بر می آید.

3- پیشرفت

حفظ و نگهداری و کاربرد صحیح از سرمایه های حیات موجب پیشرفت و تکامل است، به همین دلیل سرمایه های حیات همچون نیروی محرکه ای است که آدمی را به حرکت به سوی ترقی سوق می دهد.

4- حفظ احترام

رشد هر انسانی یکی از عوامل عزت وی به شمار رفته و موجب سربلندی و بزرگی وی در بین مردم است. بر خلاف آن، انسان احمق و نادان، بی آبرو بوده و یا از آبروی کمتری برخوردار است. چرا که به طور صحیح از سرمایه های حیات استفاده نکرده و نفس او مانع گناه و نافرمانی خداوند بزرگ نبوده و موجب نزدیکی او به ایزد متعال نیست. بدین جهت مردم نیز نه تنها به انسان رشد یافته به دیده حقارت ننگریسته بلکه او را محترم می شمارند.

5- حفظ سرمایه ها

انسان رشد یافته سرمایه های حیات را که خداوند بزرگ برای همگان به ودیعه گذاشته، هدر نمی دهد، بلکه به استفاده صحیح از آنها در صحنه زندگی پرداخته و بهره برداری می کند که موجب تعالی وی نیز می گردد.

6- شخصیت متمایز

شناخت و کاربرد صحیح سرمایه های حیات از ارزشها به شمار رفته و انسان رشد یافته به علت ارزشی بودن و عزت نفس شخصیت متمایزی می یابد زیرا او به علت رشدی که دارد، از شخصیت تکامل یافته تری برخوردار است.

7- فضیلت و ثواب

او به علت عدم گناه و نیز اطاعت از فرمان خداوند بزرگ به او تقرب جسته و از اجر، ثواب و فضیلت بی پایانی برخوردار بوده و در دنیا و آخرت از جمله سعادت‌مندان خواهد بود؛ زیرا انسانی که در مسیر رشد و تکامل قرار گرفته از نافرمانی خداوند بزرگ فاصله می گیرد.

8- منافع اجتماعی

شناخت و کاربرد صحیح از سرمایه های حیات برای انسان ثمربخش و مؤثر

بوده و برای مردم نیز منافع شایانی در بر دارد. از این روی هر چه این گونه انسان های تکامل یافته در بین جوامع بیشتر یافت شوند، آن ملت ها پیشرفت محسوس تری خواهند داشت. بر خلاف آن چنانکه ملتی از رشد کافی برخوردار نباشد عواقب ناگواری برای آن در پی خواهد داشت.

***** خاطره *****

مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم درصدد بودند که برخی از طلاب را به زبان خارجی و بعضی علوم مقدماتی مجهز کنند تا بتوانند اسلام را در کشورهای غیر اسلامی تبلیغ نمایند. وقتی که این خبر بین مردم منتشر شد گروهی از عوام و شبه عوام تهران به قم رفتند و اخطاریه دادند که پولی که مردم به عنوان سهم امام می دهند، برای این نیست که طلاب زبان کفار را یاد بگیرند، اگر این وضع ادامه پیدا کند ما چنین و چنان خواهیم کرد. آن مرحوم که دید، ادامه کار موجب انحلال حوزه علمیه و ویران شدن اساس کار است. به طور موقت از مقصد والای خود صرف نظر کرد. (1)

آری!! این عمل از عدم آگاهی و بی رشدی عده ای از عوام ساده لوح سرچشمه گرفته بود. بدین جهت به مرور زمان هر قدر مردم در مسیر تکامل قرار گیرند از سرمایه های حیات بهره برداری افزون تری می نمایند.

رشد، تکامل و شایستگی

اشاره

شهید مطهری در مقاله رشد اسلامی، علائم بی رشدی را به دو دسته علائم منفی (بی ها) و علائم مثبت (باها) تقسیم می کند و سپس هر یک را مختصراً توضیح می دهد، که عبارتند از:

الف) باهای بی رشدی

1- ضعف مطبوعات و عدم غنای علمی کتب.

ص: 153

1- . کتابچی، محسن، کشکول جاویدان، نشر الف، سال 1382، ص 452.

2- صرف نیروها و استعدادهای فکری و اندیشه‌ها در امور غیر لازم.

3- وجود حساسیت‌های اجتماعی و یا تعصب‌های نابجا نسبت به موضوعات پیش پا افتاده.

4- صرف انفاقات و صدقات در امور غیر مفید و غیر لازم.

5- صرف اوقات و فرصت‌ها و از دست دادن فرصت‌های طلایی.

(ب) بی‌های بی‌رشدی

1- عدم شناخت سرمایه‌های اسلامی و ملی مانند قرآن‌های خطّی و ابنیه تاریخی

2- عدم شناخت ذخائر انسانی و دانشمندان و مفاخر گذشته.

3- عدم شناخت قوانین مترقی اسلامی در همه ابعاد و بی‌اعتنایی به آن.

5- عدم توجه به آموزش و پرورش.

6- عدم پیش‌بینی و برنامه‌ریزی آینده و آیندگان.

(ج) رشد اکتسابی است

شهید مطهری در کتاب امدادهای غیبی در مبحث رشد می‌گوید: «یک تفاوت انسان و حیوان در همین مسأله رشد است که رشد حیوان، رشد غریزی و رشد طبیعی است. ولی رشد انسان رشد اکتسابی است یعنی حیوان به طور غریزی نسبت به سرمایه‌هایی که خداوند برای زندگی‌اش قرار داده است آگاه است، سرمایه‌های خودش را می‌شناسد. حیوان نه تنها آگاهی غریزی و شناخت غریزی نسبت به سرمایه‌ها و امکانات خود دارد بلکه لیاقت نگه‌داری و بهره‌برداری هم به نحو غریزی دارد، به حکم غریزه می‌داند که چگونه از سرمایه خودش بهره‌برداری کند و چگونه این سرمایه خودش را حفظ و نگه‌داری کند. مثلاً زنبور عسل امکانات خود را می‌شناسد، به سرمایه‌های خود آگاه است، و به حکم غریزه می‌داند که از سرمایه‌هایی که دارد چگونه بهره‌برداری نماید. ولی این انسان است، این خلیفه خدا در زمین است که همه راه‌هایی که حیوانات دیگر به

حکم غریزه و تحت قیمومیت قانون خلقت و سرپرستی طبیعت انجام می دهند این موجود با پای خودش باید اینها را برای خودش به دست آورد.

آری رشد برای انسان یک امر اکتسابی است، انسان باید انواع رشدها را برای خودش کسب کند و به دست آورد. (1)

شخصیت انسان رشید (عوامل رشد)

اشاره

برای انسان رشد یافته شش نمود و اصل قابل اجرا است که هر کدام از آنها باعث رشد کامل و سریع آدمی می گردد، این نمود و اصل ها پیوسته و لازم و ملزوم یکدیگرند، با هم می خوانیم:

1- اصل گرایش به قرآن

انسان رشد یافته گرایش به کلام خدا داشته و حتی بعضی از تفسیرهای قرآن را مطالعه می کند. بنابراین ایمان به خداوند بزرگ و عمل صالح از برنامه های عملی اوست؛ تا به پیشرفت و موفقیت های بیشتری رهنمون گردد.

2- انس با کلام راهبران

از آنجا که انس با کلام معصومین: موجب رشد و تعالی هر شخصی می شود، بنابراین او با شناخت نسبت به گفتار راهبران مذهبی، با آنان ارتباط پرفضیلتی برقرار کرده که موجب تغذیه روح وی بوده و در صحنه زندگی آن را به کار می گیرد.

3- انس و ارتباط با گفتار مشاهیر

انسان متعالی از سخنان نغز مشاهیر ایران و جهان درس زندگی آموخته و به آن جامه عمل می پوشاند تا از گمراهی و نادانی برحذر باشد.

ص: 155

1- نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ج 1، ص 182.

4- تقویت آگاهی ها

او آگاهی خویش را در هر زمینه ای که موجب رشد و ترقی اوست افزایش داده و به تقویت آن همّت می گمارد. از آن روی از درک محضر استاد که موجب پیشرفت او است، غافل نمانده و در اوقات فراغت نیز به مطالعه کتاب های مفید مشغول است تا به مراد برسد.

5 - سنجش و نتیجه گیری

انسان متعالی به دلیل ضریب هوشی تقویت شده از نیروی سنجش و نتیجه گیری شایانی بهره مند است و در بهره گیری از سرمایه های حیات برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده غافل نمی ماند و اعمال او در هر شرایطی و موقعیتی احمقانه نخواهد بود. بنابراین نه تنها سفیه و احمق نبوده بلکه از جمله دانایان به شمار می رود.

6 - مطالعه درس های تاریخی

اشاره

جهت تعالی و تکامل آموختن درس های تاریخی انبیاء الهی به ویژه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و راهبران مذهبی را مقدم می شمارد، زیرا او دریافته است که درس ها و آموخته های عملی نشأت گرفته از تاریخ در مسیر پیشرفت به او یاری شایانی می نماید.

فراگیری موانع رشد انسان

«خرد کردن صدف و گوهر وجود زیر پتک های نافرمانی و معاصی به خاطر یکی از سه چیز است:

1_ جهل؛

2_ غفلت؛

3_ سستی و تنبلی؛

ص: 156

1- جاهلان

بعضی نمی دانند و از وظیفه خویش آگاه نیستند، و همین جهل و نادانی باعث می گردد که در مقام عمل خطا کنند و یا مسؤولیت خویش را انجام ندهند.

پس جاهل یا عبادات را ترک می کند و یا صحیح انجام نمی دهد، در معاملات ضوابط صحت و احکام شرعیه آن را نمی داند و رعایت نمی کند، در معاشرت با پدر و مادر، همسر و فرزند، رفیق و همنشین، دوست و دشمن، نمی داند که چگونه باید رفتار کند، پس در برخورد اشتباه زیاد دارد (2) و گاه به خاطر جهل مرکب، جاهل به جهل خویش هم هست و نمی داند که نمی داند پس فکر می کند که می داند و عمل را صحیح انجام می دهد و همین نادانی جهل است که مانع از تعلّم انسان می شود چون خود را عالم می داند و نیازی به یادگیری نمی داند بلکه دیگران را تخطئه می کند و نسبت اشتباه به آنها می دهد، اینها بیشترین ضرر و زیان را در آخرت می بینند چرا که زحمت بسیار در دنیا کشیده اند و با تبت سعادت، فوز و رستگاری از این عالم رخت بریسته اند و ناگهان مواجه با جهل خویش در سرای باقی می شوند، جایی که نه امکان تدارک و جبران عمل است و نه فایده ای برای حسرت خوردن و پشیمان شدن.

خداوند بزرگ در قرآن کریم می فرماید:

«قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (3)

ص: 157

- 1- . مهدوی، سید ابوالحسن، هدف خلقت، نشر: محبّان، سال 1387، ص 16-25 (مقدمه).
- 2- . یک نمونه از برخورد اشتباه با دیگران را قرآن کریم در سوره حجرات آیه 6 فرموده و دستور تبیین در خبر فاسق را می دهد تا مبادا با گروهی برخورد جاهلانه شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَانِكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ». به همین مناسبت است آیات اعراف /138- هود/29- نحل/55- احقاف/23- انعام/35- اعراف/199- هود/46- یوسف/33- قصص/55- احزاب/72- نساء/17- انعام/54- نحل/119 (همان منبع).
- 3- . كهف، 103-104.

«بگو آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟ آنها که تلاش هایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده، با این حال، می پندارند، کار نیک انجام می دهند».

2- غافلان

اشاره

در مقابل این دسته جاهل، انسان هایی هستند که عالمند ولی غافل، فراموش می کنند که دُرْدانهٔ آفرینش اند و استعداد لقای پروردگار در وجود آنها نهفته است. (1)

این عده از انسان ها گرچه به خاطر عملشان یک درجه از دستة قبلی جلوتر هستند، ولی غفلت آنها باعث می شود که در مقام عمل، همان خطا و اشتباه گروه اول را انجام دهند و به همان نتیجهٔ اخروی (پشیمانی و عذاب) برسند. (2)

آنچه که مُثمر ثمر و مُنتج نتیجه هست آن است که انسان عالم به رفتار خود و ذاکر به احوال خود باشد.

متأسفانه ضرر غفلت کمتر از جهل انسان نیست، با عنایت به اینکه شخص غافل همیشه دچار غفلت است؛ و از این جهت است که راه معالجه غفلت و مبارزه با آن در حین غفلت برای انسان میسر و ممکن نیست و آنچه در اینجا می توانیم برای مبارزه با آن دو اصل را در نظر بگیریم:

الف) استمرار حالت ذکر و ادامه آن

این راه گرچه در واقع معالجه و رفع حالت غفلت نیست بلکه دفع و جلوگیری از آن می باشد؛ اما نظیر واکسینی است که انسان برای پیشگیری از وقوع بیماری می زند و از این جهت مهم تر از معالجه بیماری است، زیرا اگر انسان به

ص: 158

1- «الهی ان انا متنی الغفلة عن الاستعداد للقاءك فقد تبهتني المعرفة بكرم الایك»؛ خدایا اگر غفلت مرا از استعداد ملاقات تو، خواب کرده است پس شناخت من از بخشش نعمت هایت مرا بیدار کرده است. (مناجات شعبانیه) (همان).

2- قال تعالی: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ» (یونس 7) _ «يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ» (انبیاء 97) و به همین مناسبت است آیات: یونس 92، نحل 108، روم 7، یس 6، اعراف 136 و 146، مریم 39، انبیاء 1، ق 21 و 22.

وسیلهٔ واکسن دچار بیماری نگردد و همیشه سالم و تندرست باشد بهتر از آن است که مریض گردد و به فکر معالجه و رفع آن بیفتد و در بحث ما هم مقصد اصلی همان داشتن حالت توجه و ذکر است که برای ما مهم و دارای نتیجه است حال اگر بتوانیم این حالت را ادامه و استمرار ببخشیم بهتر از آن است که غافل شویم و پس از مدتی متوجه غفلت خویش گردیم. (1)

ب) یقظه

انسانی که از غفلت خویش در می آید و به مبداء، معاد و عمل به وظیفه خود پی می برد دارای حالت بیداری و یقظه است. تا وقتی کسی از خواب غفلت بیدار نگردد حرکت به سوی کمال خویش را آغاز نمی کند.

انسانی که در خواب ظاهری است حرکتی از اعضا و جوارح او دیده نمی شود و اگر حرکتی هم بکند، حرکت تحت فرمان عقل و اراده و دارای میزان و دقت نیست، و تنها وقتی می تواند حرکت کند و به مکانی که باید برود، می رود که از خواب بیدار شود یا او را بیدار کنند، آن وقت است که می توان به او تذکر داد که چرا اینجا نشسته ای الان باید در فلان مکان باشی. همچنین کسی که در حالت غفلت به سر می برد حرکتی به سمت کمال خویش ندارد، پس باید بیدار و متذکر گردد و به استعداد های نهفته خویش و امکانات بسیار زیاد درونی خود پی ببرد تا از آنها استفاده کرده و خود را به مقصد و هدف خلقت خویش برساند. (2)

ج) راه دوم برای رهایی از بیماری غفلت

استمداد و استعانت از پروردگار و اهل بیت: است. خدایی که هرگز چرت و خواب او را فراموش نمی گیرد:

«لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ»

و هیچ گاه توجه به مطلبی او را غافل از مطالب دیگر نمی کند:

ص: 159

1- . همان منبع.

2- . همان منبع.

«لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنِ شَأْنٍ»

و اهل بیته که مظهر و مظهر این صفت پروردگار هستند و هیچ موقع توجه به کاری آنها را غافل از یاد و ذکر خدا نمی کند و به طور حتم می توانند این حالت را به انسان عطا و یا در او تقویت و حفظ کنند. اگر کسی مایل است که از حالت غفلت بیرون بیاید، و به کمک پروردگار و اهل بیت: غافل نشود _ و در

عین غفلت خطا و اشتباهی انجام دهد _ لازمه اش این است که سعی کند اکثر اوقات خویش را با یاد خدای متعال و معصومین: سپری کند، و این امر باعث می شود تا هر گاه انسان بخواهد سهو یا خطایی انجام دهد، خود پروردگار مستقیماً او را مانع گردد و نگذارد که اشتباه کند. (1)

3) کاهلان

دسته سوم کسانی هستند که عالم و ذاکر هستند؛ هم می دانند و هم به وظیفه خویش آگاهی دارند اما کاهلان و تنبل، تنبلی همان سستی در اراده و ضعف در تصمیم گیری است.

می گوید حالش را ندارم، دلم گرفته و روحم خسته است.

در آخر دعای ابوحمزه ثمالی به خدا پناه می بریم از چنین روحیه ای:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسَلِ» (2)

و این حالت کسالت حالت بدی است، و در واقع روحیه منافقینی است که تظاهر به عبادت و دعا می کنند و چون قلباً مایل نیستند با حالت کسالت به نماز و عبادت می ایستند:

قرآن کریم می فرماید:

«وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَأُونَ النَّاسَ» (3)

و بالاخره کسی که تنبلی می کند حتی اگر عالم هم باشد، به نتیجه نمی رسد و

ص: 160

1- . همان منبع.

2- . همچنین آیات: آل عمران / 152 و انفال / 43 و 46.

3- . سوره نساء آیه 142 و نظیر آن آیه 54 سوره توبه است: «وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ وَهُمْ كَارِهُونَ».

کاهلی و سستی نیز چون جهل و غفلت مانع از عمل انسان می شود. (1)

کیفیت روش های رشد و تکامل (راهکارها)

علمی :

1- شناخت کلی و همه جانبه در زمینه رشد و پیشرفت.

2- شناخت مفاسد نشأت گرفته از حماقت و نادانی.

3- شناخت آثار رشد.

4- استفاده از نیروی خرد و اندیشه در این زمینه.

عملی:

1- تبادل نظر و تبادل آگاهی در این زمینه.

2- درخواست توفیق و کسب لیاقت از خداوند بزرگ.

3- یادداشت برداری هر چه بیشتر در این زمینه برای تقویت نقاط قوت و از بین بردن نقاط ضعف.

4- رسیدن به شایستگی به روش های گوناگون جهت رشد و تعالی چون بلوغ فرهنگی، بلوغ اجتماعی، بلوغ اخلاقی و...

مراقبت و بهره برداری از سرمایه های حیات از دیدگاه روان شناسی

اشاره

رشد و تکامل نوجوان و جوان از دیدگاه روان شناسی نیز کمک های شایانی در جهت استفاده صحیح از سرمایه های حیات می نماید، با هم می خوانیم:

الف) در دوره نوجوانی

اشاره

در دوران نوجوانی کودک به تدریج به صورت یک پسر یا دختر بزرگسال در می آید و دامنه روابط اجتماعی وی گسترش پیدا می کند. فرد در این دوره برای سازگاری های شخصی اجتماعی با مسائلی مواجه می شود که به اعمالی دست می زند.

1- . مهدوی، سید ابوالحسن، هدف خلقت، مقدمه، با تلخیص.

- 1- به دست آوردن یک حالت آرام بخش از رشد بدنی سریع خود.
 - 2- مطمئن و خوشحال شدن در روابط اجتماعی تازه با همسالان خویش.
 - 3- به دست آوردن استقلال از والدین و اداره خود بدون از دست دادن محبت و احترام متقابل.
- 1- طرح ریزی ها و آماده شدن برای وضع اقتصادی و اجتماعی مستقل.
 - 2- به دست آوردن اطمینان از اینکه می تواند نقش های خود را بشناسد و خوب ایفا کند.
 - 3- ساختن نظام یا سیستمی از ارزش هایی که از صمیم قلب آنها را پذیرفته و تسلیم آنها شده است.

ب) مهارت های اجتماعی

رشد مهارت های اجتماعی یکی از لوازم رشد همه جانبه شخصیت است.

در رشد اجتماعی نوجوانان سه گروه تأثیرگذارند:

اول) اشخاص صاحب قدرت و صاحب نفوذی که قواعد و رسومی را به فرد تحمیل می کنند و اگر فرد به این قواعد و رسوم گردن نهاد به او پاداش می دهند.

دوم) اشخاصی که سرمشق رفتار و کردار فرد واقع می شوند و می تواند از رفتار آنان تقلید کند.

سوم) مصاحبانی که واکنش مساعد یا نامساعدشان در حکم پاداش و کیفر است.

این مصاحبان منبعی برای پاداش یا کیفر او می شوند و پذیرفتن یا نپذیرفتن آنان، موجب اجتماعی شدن یا طرد گروهی می گردد و به سازگاری یا کناره گیری نوجوان می انجامد. سرمشق ها و مدل های رفتاری نوجوان نیز باید مناسب باشند.

در قرن اخیر وجود سرمشق های نامناسب که بیشتر به وسیله فیلم های نامناسب ارائه می گردند و همچنین دسته های منحرف که نوجوانان را به سمت خود می کشانند، باعث مشکلات فراوانی برای آنان شده است. گروه هم سن

قدرت زیادی دارد و دارای عملکرد متنوعی است.

همچک عملکرد گروه هم سن را به صورت زیر می داند:

1- جانشین شدن برای خانواده.

2- منبع احترام شخصی.

3- منبع ثبات و استواری در زمانی که دوره تحول و انتقال است.

4- حفاظی در مقابل فشار بزرگسالان.

1- منبع قدرتی که فرد، طرز رفتار خود را از آنان می گیرد.

2- وسیله ای برای انجام امور اعضا.

3- سرمشقی برای رشد اخلاقی و عقلانی. (1)

گروه هم سن به دو صورت به نوجوان در برابر خانواده کمک می کند، اول، جای پدر و یا مادر را می گیرد و قواعد و رسوم را به نوجوان دیکته می کند و دوم، در مقابل پدر و مادر از جوان حمایت می کند. تأثیر گروه هم سن تا حدی است که گاهی طرز رفتار، نحوه تکلم و حتی شیوه لباس اعضا را تعیین می نماید. (2)

ج) مدیریت بازتاب

اشاره

در ارتباط با مسأله رشد روانی و یا بلوغ روانی باید گفت: که این تحول، بسیار زودتر از تحول جسمانی در نوجوان شروع شده و همراه با اضطراب بوده و موجب بروز بازتاب های مختلفی از سوی نوجوان در برخورد با مسائل بلوغ می شود.

این بازتاب ها می تواند به سه صورت بروز کند:

1_ حالت درون گرایی

2_ حالت برون گرایی

3_ حالت دوگانگی

1- . نیلی پور، مهدی، فرهنگ جوان، ص 369 و 370 به نقل از روان شناسی رشد، ص 342.

2- . همان منبع، ص 369؛ به نقل از روان شناسی جوانان، ص 47.

1_ حالت درون گرایی

اولین بازتابی که احتمالاً نوجوان در برخورد با مسائل بلوغ از خود نشان می دهد حالت درون گرایی می باشد، در این حالت نوجوان در خودش فرو رفته و حالت بیزاری از جامعه پیدا می کند. مثال بارز آن، بیزاری نوجوانان از مدرسه است.

این حالت در دخترها بیشتر به چشم می خورد که می تواند به علت محدودیت هایی باشد که جامعه برای دخترها به وجود می آورد. در این حالت رفتار نوجوان تمام ابعاد وجود او را تحت تأثیر قرار می دهد و این افراد دچار ضعف حافظه و عدم تمرکز حواس می گردند.

2_ حالت برون گرایی

دومین واکنشی که نوجوانان در مقابل تغییرات بلوغ به آن روی می آورند «برون گرایی» است. افرادی که به این مکانیسم روی می آورند درصدد برتری جویی بر دیگران بوده و می خواهند به هر ترتیب که شده خودشان را به دیگران بشناسانند. این افراد در جنبه های مختلف رفتاری با دیگران تفاوت دارند که البته فعالیت های همگی در جهت ارضاء حسّ خودنمایی خود می باشد.

3_ حالت دوگانگی روانی

علاوه بر دو حالت ذکر شده در آغاز بلوغ حالتی در نوجوان ظاهر می شود که به صورت تضادهای روانی می باشد. به این ترتیب که نوجوان از طرفی خود را بزرگ و بالغ می داند و از طرف دیگر فکر می کند هنوز به آن درجه از رشد فکری و استقلال نرسیده که بی نیاز از خانواده باشد. به همین جهت در برابر مسائل، خود را حیران و سرگردان می بیند. ممکن است در یک زمان واحد، از فردی خوشش بیاید، در حالی که از همان شخص کینه ای به دل دارد. این حالت دوگانگی روانی، بسیاری از والدین را نگران می کند که این نگرانی بدین علت است که آنها از بحران های درونی فرزندانشان ناآگاهند. در هر حال نوجوانان با

مسائل بلوغ، هر کدام یکی از این حالات را در پیش می‌گیرند و البته هیچ‌گاه نمی‌توان فردی را یافت که در عین حالی که مثلاً به مکانیسم برون‌گرایی روی آورده، درون‌گرا هم باشد. (1)

د) مدیریت رشد اجتماعی

در دوران جوانی، رفته رفته شتاب زندگی کودکانه قبل از بین رفته، جای خود را به نوعی آرامش و تفکر منطقی می‌دهد. متعاقب آن قبول افراد جامعه آنسان که هستند ممکن می‌گردد. و به همین لحاظ است که معاشرت، مراوده و همکاری جانشین تک روی های دوران نوجوانی می‌شود، بی‌ثباتی عاطفی جای خود را به رفتار متعادل همراه با تفکر می‌دهد و بالاخره فرد می‌تواند از جهان واقع و اشیاء و اشخاص به تصویری نزدیک به واقعیت برسد.

از این مرحله به بعد سازش فرد با محیط به وضع مطمئن تری انجام می‌گیرد و چون قوای ذهنی او تکامل بیشتری یافته‌اند، قدرت درک مفاهیم اجتماعی در وی افزایش می‌یابد.

در چنین شرایطی، وظیفه محیط اجتماعی وظیفه ای سنگین و ظریف است چرا که از یک سو باید با ارائه مدل‌ها و الگوهای رفتاری ارزش‌های معنوی و عالی را مورد حمایت قرار دهد و از سوی دیگر وسیله تشویق جوانان را به گرایش به این ارزش‌ها فراهم سازد.

بدیهی است اگر جامعه ای نتواند از مرحله زندگی دسته جمعی عادی پافراتر نهد و به نظام ارزش‌های معنوی و اجتماعی برسد، موجب رکود نیروی ذهنی افراد و به خصوص جوانان خواهد شد و این رشد اجتماعی به تدریج ایجاد می‌شود و در دوره جوانی می‌تواند به کمال نسبی برسد. یک جوان که از نظر اجتماعی رشد یافته است دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی است که در ذیل به اختصار بیان می‌شود:

1- خودکفا و مستقل است و توانایی هدایت اعمالش را دارد، در انتخاب

ص: 165

1- . همان منبع، ص 111.

عملش آزاد است و ضمن مشورت با افراد مجرب و بزرگتران خود اتخاذ تصمیم می کند و مسؤولیت اعمال و تصمیمات خویش را نیز می پذیرد.

2- مسؤولیت پذیر است و از زیر بار مسؤولیت شانه خالی نمی کند؛ با قبول مسؤولیت در شرایط بحرانی (مطابق توان و ظرفیتش) با مشکلات درگیر می شود؛ استعداد های نهفته جوان نیز در همین مبارزه با مشکلات شکوفا می شود و اعتماد به نفس بیشتری کسب می کند.

3- میانه رو و معتدل است، چپ روی و راست روی ندارد و در برخوردهای اجتماعی از اعتدال خارج نمی شود.

4- با گذشت و عفوکننده است و عذرخواهان را می پذیرد. به خصوص اینکه عفو و گذشت به هنگام قدرت روحیه فرد را متعالی می گرداند.

5- آینده نگر، امیدوار و خوش بین است و اگر وضعیت و موقعیت نا امید کننده ای پیش بیاید روحیه خود را نمی بازد؛ و در صورت تکرار شکست، دوباره فعالیت را از سر می گیرد، زیرا که پذیرش شکست و ایجاد یأس فرد را بیشتر در ورطه خمودگی و نا امیدی فرو می برد.

6- جوان رشد یافته در زندگی خود معنایی حقیقی یافته است و به خاطر چیز با ارزشی زندگی می کند که او را به کمال می رساند.

گاهی وضعی پیش می آید که انسان از انجام کارهایش محروم می ماند یا آنکه نمی تواند از زندگی لذت برد، اما آنچه اجتناب نکردنی است، رنج است.

با قبول آن که باید رنج را با شهامت پذیرفت، زندگی تا دم آخر پر معنا می گردد. به عبارت دیگر، معنای زندگی معنایی بدون شرط است، زیرا معنای رنج را نیز در بردارد.

7- نسبت به انسان ها احساس تکلیف و وظیفه می کند، و احساس تکلیف در روابط انسانی چیزی بالاتر از معادلات سیاسی و اقتصادی است! محبت جوان، رشد یافته بی قید و شرط است.

8- جوان رشد یافته همه جنبه های وجودی خود را قبول دارد، هم نقاط ضعف و هم نقاط قوت، و خودش را نیز می شناسد.

همچنین واقعیت های وجودی دیگران را هم قبول دارد، همان طوری که

هستند نه آن طوری که خودش می خواهد باشند، و قضاوت او درباره آنها صرفاً بر اساس خصوصیات شخصی خود آنهاست.

9- هدف هایی دراز مدت و جهت دار دارد که همیشه او را به جلو می برد.

10- اهل تعاون و همکاری است و در فعالیت های گروهی شرکت می کند و برای آنها نیز سودمند و مفید است و از رقابت های مخرب پرهیز می نماید.

11- تأیید دیگران را از طریق صحیح و اصول تعالی و ارتقای شخصیت خویش به دست می آورد نه با اعمال و رفتارهای غیرعادی و نامعقول.

12- انتقاد به دیگران را به صورت سازنده، ملایم و ساده مطرح می نماید و از انتقاد آنها نسبت به خود عصبانی نمی شود.

13- روحیه قدردانی و تشکر در همه زمینه ها در او وجود دارد، حتی نسبت به کارهای کوچک دیگران از آنها سپاس گذاری می نماید، نه اینکه انجام خدمات توسط دیگران را وظیفه آنها تلقی کند.

14- ارشاد و راهنمایی دیگران را می پذیرد و خود نیز از راهنمایی دیگران در مواقع لزوم دریغ نمی ورزد، و در بیان و توضیح ارزش های انسانی همیشه نقشی به عهده می گیرد.

15- زندگی را آسان می گیرد و با روحیه بذله گویی و شوخی در مواردی مسائلی را نادیده می گیرد.

16- صبر و شکیبایی دارد، بردبار و حلیم است و در برخورد با نامالایمات پیمانانه صبرش لبریز نمی شود.

به دست آوردن هر نوع موفقیت علمی، اجتماعی، و معنوی، همه نیازمند روحیه شکیبایی و تحمل است. وقتی دانه ای کاشته می شود با صبر و تحمل می توان از میوه آن استفاده نمود.

17- گشاده رو، متواضع و خوش خلق است، زیرا که تندی خُلق و خشن بودن، افراد را از دور انسان پراکنده می کند. (1)

ص: 167

1- . همان منبع ص 366-368، به نقل از مسائل نوجوانان و جوانان، ص 18/20.

معنویت سرمایه های حیات از دیدگاه قرآن کریم

برای استفاده صحیح از سرمایه های حیات به کلام وحی مراجعه نموده و چشم خرد به تلاوتی از آیات سراسر معنوی آن می سپاریم:

1- «لَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ» (1)

«و در حقیقت پیش از آن به ابراهیم رشد فکری اش را دادیم و ما به شایستگی او دانا بودیم».

2- «فَاتَّبِعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ» (2)

«پس از فرمان فرعون اطاعت کردند در حالی که فرمان فرعون ثواب نبود».

3- «إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ» (3)

«جنیان گفتند: راستی ما قرآنی شگفت آور شنیدیم که به راه راست هدایت می کند، پس به آن ایمان آوردیم».

4- «فَإِنْ أَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (4)

«پس اگر در ایشان رشد فکری یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید».

معنویت سرمایه های حیات از دیدگاه معصومین (علیهم السلام)

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«طَرِيقُنَا الْقَصْدُ وَ سُنَّتُنَا الرُّشْدُ» (5)

«راه و روش ما میانه روی و سیرت ما رشد است».

سیرت ائمه اطهار: حرکت در راه حق و رشد است. بنابراین معنویت رشد ایجاب می کند که از آن رادمردان واقعی و امامان معصوم پیروی نماییم و در راه حق و حقیقت پایداری و استقامت نماییم، تا از پیشرفت بی نصیب نمانده و از عافیت دو دنیا بهره مند گردیم.

ص: 168

1- . سوره انبیاء، آیه 51.

2- . سوره هود، آیه 97.

3- . سوره جن، آیه 1 و 2.

4- . سوره نساء، آیه 6.

5- . تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، ص 552.

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ»

«هر سخنی که در باره دین و یا دنیا از شما (ائمه هدی) صادر شده، نوری است که مردم را به راه سودمند راهنمایی می کند و مها لک دینی و دنیوی را آشکار می سازد».

«مراد از «رشد» استقامت در راه حق و استواری در آن است و مراد از آن در اینجا معنای «آلی» رشد است، یعنی آنچه شما بدان فرمان دادید. علاوه بر این که باعث استقامت در مسیر حق می شود، باعث هدایت به مرتبه بالاتر نیز می گردد و لذا آدمی در آن استوار و محکم می گردد. و از آن عدول نمی کند، آنگاه بعد از استقامت (در مرتبه دوم) بالاتر از آن نیز می رود و پس از تداوم آن به همه مراتب ایمان می رسد.»⁽¹⁾

هماهنگی با مدیریت سرمایه های حیات از دیدگاه مشاهیر

وین دایر می گوید:

«قبل از انجام هر کار، چند لحظه تأمل کنید و از خود بپرسید که آیا گفتار و کردارتان موجب ترس، نفرت و تحسین می شود و یا به خود آگاهی می انجامد، آنگاه رشد و پرورش خود آگاهی را برگزینید.»⁽²⁾

آری!! اندیشه باعث رشد و بهره برداری از سرمایه های حیات است. بنابراین باید در هر سخن و عملی تأمل نماییم و با تعقل و تفکر برترین راه را برای رسیدن اهداف خویش انتخاب نماییم. تا بتوانیم بهره برداری کامل تری از آن بنماییم.

کاترین پاندر می گوید:

«تا می توانید خودتان را در فضای ثروت و وفور نعمت قرار دهید و وقتتان را در کنار اشخاص موفق بگذرانید؛ با افراد متکبر و خلاق که استعدادی غنی و درخشان دارند. مانند هنرمندان و روشنفکران،

ص: 169

1- . همدانی درود آبادی، سید حسین، الشموس الطالعه، مترجم محمد حسینی نائیجی، نشر: مسجد جمکران، چاپ سوم، ص 603.

2- . وین دایر، اندیشه های ماندگار.

همنشینی کنید. البته مجالست با آنها در شما احساسی غنی و دلنشین پدید می آورد». (1)

برای کسانی که گرایش به رشد دارند همنشینی با اهل پیشرفت امتیاز مهمی است.

اُشو می گوید:

«زندگی فقط وقتی می تواند موجود باشد که هنوز چیزی ناقص است و باید کامل گردد. زندگی تلاش برای کامل کردن نقص است. زندگی فزون طلبی برای زیبا ساختن زشتی هاست، وجود چیزی ناقص دار تداوم زندگی الزامی است. برای یکی از بزرگان در قرون وسطا می گویند از پیر شدن نترس، از رشد نکردن بترس». (2)

وجی میترا می گوید:

«ذهن شما به یک جریب زمین شباهت دارد

باید آن را بکارید (با ایده)

آبیاری کنید (با مطالعه کردن)

به آن کود بدهید (با مراجعه به همکاران)

و از مواد ضد آفات استفاده کنید (با پذیرش انتقاد)

تا بهترین محصول را برداشت نمایید». (3)

عوامل مذکور نیز موجب پیشرفت آدمی است و کسی که گرایش به رشد دارد با عمل به آن عوامل به تکامل خویش ادامه می دهد.

«شما در خود ظرفیت واستعداد انجام کارهای بزرگ و شهامت ایجاد دگرگونی را دارید.

مسأله این است کی زمان آن فرا می رسد که در یابید قهرمان هستید؟» (4)

و از سرمایه های حیات بهره برداری کنید.

ص: 170

1- . فلاحی، منصور، کتاب هدیه، ص 359.

2- . باتلریاتس، کتاب کوچک نکته های زندگی 2، مترجم زهره زاهدی، نشر جیحون، سال 1383، سخن 7.

3- . همان منبع.

4- . همان منبع، ص 364.

فصل ششم: توفیق (درخواست امداد و یاری از او)

اشاره

ص: 171

آسان سازی کارها به یاری خداوند بزرگ راه سعادت است. به دلیل آنکه در هنگام توکل و درخواست یاری از او توفیق با ما یار شده و با سرعت زیادت و با آرامش معنوی در گرایش به عمل به سرانجام کامیابی می‌رسیم. همه ما می‌دانیم که اگر توفیق حاصل نشود، کارها به خوبی سامان نمی‌یابد. از این روی «دست خداوند بالاترین دست هاست»، و یاری او ضامن موفقیت ما است.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«توفیق سرآغاز خوشبختی است». (1)

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«این چنین نیست که هر کس نیت کاری کند، بر آن توانایی یابد و هر کس که بر آن توانایی یابد، توفیق انجام را پیدا کند و هر کس که توفیق انجام آن را پیدا کند، به هدف نایل گردد، پس اگر نیت، قدرت، توفیق و رسیدن به هدف با هم جمع گردد، سعادت کامل گردد». (2)

آری!! سهولت در کارها در راه هدف به حرکت سرعت بخشیده و موانع را برطرف نموده و شکست را بدل به بهروزی و ناکامی را مبدل به کامیابی خواهد نمود.

تعریف واژه

امداد و یاری ایزد متعال به انسان قابل؛ برای سهولت در نیت، سخن و عمل.

ص: 172

1- . محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، ص 603، ح 6621.

2- . امینیان، مختار، مبانی اخلاق اسلامی، نشر: بوستان کتاب، سال 1381، ص 145، به نقل از الارشاد، ج 2، ص 204.

جایگاه و اهمیت توفیق

یکی از اقسام امدادهای غیبی خدا نسبت به بندگان، روان سازی کارهای آنان و ایجاد شرایط (بیرونی) و لوازم انجام کار برای آنهاست. این قسم از امداد غیبی که توفیق نام دارد، ویژه اولیاء، انبیاء و بندگان محبوب خداست. (1)

خصوصیات توفیق خواهی

درخواست یاری و مدد از درگاه حق تعالی علاوه بر آثار آن به ما امکان دسترسی به فضیلت ها و ثواب های فراوانی را می دهد که در دنیا و آخرت موجب سعادت آدمی و پسندیده است. با هم ویژگی ها و آثار آن را می خوانیم:

1- آسودگی خاطر

یاری و مدد الهی به انسان آسودگی خاطر عطا کرده بر خلاف آن نافرمانی و دوری از او نگرانی در پی دارد. به دلیل آنکه با ارتکاب گناهی چون عدم راز داری، دزدی و خیانت، آسفتگی بر آدمی مستولی می شود؛ از این روی در مسیر الهی قرار گرفتن و نزدیک شدن به خدا آرام بخش دل هاست؛ «الا بذكر الله تطمئن القلوب».

2- حرکت در پرتو لطف الهی

خداشناسی نیرویی در بر دارد که از ایمان آدمی نشأت گرفته و در جهت حرکت به سوی قرب الهی می باشد که حرکت را در پرتو لطف الهی هدایت نموده و از امیال شیطانی مصون نگاه می دارد. از این روی عافیت آدمی را در دو سرا تأمین می نماید.

امام جواد (علیه السلام) فرمود:

«أَرْبَعُ خِصَالٍ تَعَيَّنَ الْمَرْءُ عَلَى الْعَمَلِ: الصَّحَّةُ وَالْغِنَى وَالْعِلْمُ وَالتَّوْفِيقُ»

ص: 173

1- نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ج 3.

«چهار چیز است که شخص را به کار وادار می سازد: سلامت؛ بی نیازی؛ دانش و توفیق».

3- سرعت در امور زندگی

بی گمان توفیق و یاری خداوند جهانیان سبب سرعت و سبقت در امور زندگی شده، بر خلاف آن با اتلاف چنین نیرویی، حرکت کند شده و یا سکون جایگزین آن می گردد، زیرا اگر تصمیم گیری صحیح نباشد و شک و وسواس حاکم باشد سرعت در کارها کمتر است. به عبارت ساده تر؛ عدم یاری باری تعالی در سختی ها و مشکلات باعث توقف و شکست است.

4- سیر و سلوک

انسانی که از خداوند بزرگ توفیق در خواست می کند باید به او تقرّب جست و با سیر و سلوک و عبودیت از او مدد گیرد.

5- لذت های مشروع

آدمی به دلیل کسب فضیلت و سیر در آفاق و انفس، با توکل به او و درخواست امداد از او و کسب لذت معنوی حاصل از عنایت او، به سهولت به عبادت پرداخته و شاکر نعمت های اوست.

شخصیت توفیق خواهان (عوامل حصول توفیق)

کسانی که توفیق الهی یارشان شده و خداوند بزرگ به کمک آنان شتافته و حتی امدادهای غیبی نصیبشان گردیده فراوانند که علت حصول توفیق آنان را باید در شناخت و کاربرد عوامل توفیقشان جستجو کرد. در اینجا در الفبای شخصیتی توفیق خواهان ویژگی های فراوانی وجود دارد که امیدواریم با به کار گیری آن در زندگی توفیق حاصل شود. ما به هفت نمود و اصل آن اشاره ای مختصر می نماییم:

1_ اصل احترام به والدین

توفیق خواهان به والدین خویش نیکی کرده و هرگز موجبات آزار آنها را فراهم نمی نمایند، زیرا یکی از عوامل اصلی توفیق در عبودیت، محبت به والدین است.

2_ اصل اخلاص

یکی از عوامل توفیق الهی خلوص نیت می باشد. از آن روی اعمال این گونه افراد فقط برای خداوند بزرگ است و هرگز خوشامد مردم را در نظر نمی گیرند.

3_ اصل تجربه آموزی

آموخته های عملی یکی از عوامل کسب توفیق از خداوند بزرگ است. بنابر این آنها به حفظ آن برای پیشرفت خود می پردازند. آدمی که با کسب تجربه از کسانی که بر اثر توفیق الهی به مدارج بلند مرتبه سعادت و خوشبختی رسیده اند، در این راه پر برکت گام بر می دارد به وسیله تقرب به خدا در دو عالم بی نیاز می گردد.

4_ ترحم به مردم

آنها به دلیل توفیقی که حاصل کرده اند با مرّوت و جوانمردی به مردم ترحم نموده و از بذل نیکی دریغ نمی نمایند و اصل مرّوت حصول توفیق آنان را دو چندان می سازد.

5_ توکل و رضا

آنان به خداوند بزرگ توکل داشته و موجبات خشنودی او را فراهم کرده، و راضی به رضای او هستند. هرگز برای خوشامد مردم کاری را انجام نمی دهند. زیرا خویش را در محضر حضرت حق می بینند، و از او یاری می طلبند. «ألم یعلم بانّ الله یری».

6_ حفظ دین داری

آنان به تقویت ایمان خویش پرداخته و به عمل صالح می پردازند. بنابر این هرگز گناه نکرده و اگر لغزشی داشته اند، بازگشت نموده و در مسیر الهی گام بر می دارند.

قرظه بن کعب انصاری از صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و از یاران امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بود و در جنگ های امیر مؤمنان (علیه السلام) حضور داشت، آن حضرت ولایت فارس را به او واگذار کرد و در سال 51 در گذشت. «عمر بن قرظه» یکی از فرزندان اوست که قبل از آغاز جنگ در کربلا به امام حسین (علیه السلام) پیوست و حضرت گاهی او را برای ارشاد نزد عمر بن سعد می فرستاد. هنگامی که شمر به کربلا آمد این ارتباط قطع شد. او در روز عاشورا از امام حسی (علیه السلام) اجازه گرفته، به میدان آمد و رجز خوانی کرد، آنگاه به مبارزه پرداخت. سپس برای دفاع از امام حسین (علیه السلام) نزد آن حضرت شتافت.

«این نما» نقل می کند که: او صورت و سینه خود را سپر تیرها قرار داده بود و نمی گذاشت به امام حسین (علیه السلام) اصابت کند، ولی در حالی که جراحت زیادی برداشته بود رو به امام کرد و گفت: آیا به عهد خود وفا کردم؟

حضرت فرمود: آری تو. زودتر از من به بهشت خواهی رفت، سلام مرا به رسول خدا برسان و بگو که من هم به دنبال تو خواهم آمد.

عمر پس از شنیدن این سخنان بشارت آمیز بر روی زمین افتاد و به ریاض جنت پر کشید. اما برادرش «علی» که با عمر سعد به کربلا آمده بود، چون برادرش را کشته دید، از میان سپاه کوفه بیرون آمد و صدا زد: ای حسین! برادر مرا فریفتی و او را کشتی. امام حسین (علیه السلام) فرمود: من او را نفریتم، خدا او را هدایت کرد و تو به گمراهی کشیده شدی. گفت: خدا مرا بکشد اگر تو را نکشم و به طرف امام حمله کرد. «نافع بن هلال» او را با ضربت نیزه از پا در آورد و روی زمین انداخت، یاران او آمدند و او را از معرکه بیرون بردند و زخم هایش را مداوا کردند تا بهبودی یافت. (1)

حضرت جواد الائمه (علیه السلام) نیز فرمود: نشانه اول مؤمن این است که توفیق از خدا حاصل کند. (2) از این روی درمی یابیم دو برادر مذکور، یکی بر اثر توفیق در سپاه امام

ص: 176

1- . نفس الهموم: 262.

2- . رحمتی، محمد، گنجینه معارف، جلد 3، ص 269.

حسین به شهادت رسید، و دیگری به علت سلب توفیق به درک واصل شد.

7- درخواست و توسل به او

امین الدین ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (متوفای 548 ق) از علمای بزرگ اسلامی است. گویند: سگته ای بر ایشان عارض شده بود و کسانی که بر بالینش حاضر بودند گمان کردند وفات کرده است. او را غسل دادند، کفن نموده و به خاک سپردند و از مزارش مراجعت نمودند. پس از مدتی کوتاه به هوش آمد و احساس کرد که در قبر دفن شده است. در همان حال نذر کرد که اگر خداوند او را نجات دهد، تفسیری درباره قرآن تألیف نماید. اتفاقاً یکی از کفن دزدها به دنبال نبش قبر او بود تا کفنش را به سرقت ببرد. در همان حال قبر او را شکافت و شروع به باز کردن کفن هایش نمود که ایشان دست دزد را گرفت، دزد بسیار ترسید. علامه طبرسی با او سخن گفت در این اثنا کفن دزد بیشتر ترسید، اما علامه به او گفت: نترس، سپس قصه کار خود را برای او بیان کرد. کفن دزد او را بر پشت خود حمل کرده و به منزلش رسانید او نیز تمامی کفن ها را به او داد و مال فراوانی به او بخشید کفن دزد هم به دست علامه طبرسی توبه کرد. آنگاه علامه به نذرش وفا کرد و تفسیر شریف و گران سنگ مجمع البیان را تألیف نمود.

عوامل سلب توفیق

معصیتی که بر اثر خطا و اشتباه انجام می گیرد، موجبات سلب توفیق را فراهم کرده و قابلیت را در معرض خطر قرار می دهد، بدین جهت آدمی را نزول داده تا آنکه در مسیر ضلالت و یا رذالت طی طریق کند؛ با هم یک خاطره و یک روایت درباره سلب توفیق که بر اثر خطا و اشتباه حاصل شده است را می خوانیم:

الف) سلب توفیق قرائت قرآن

بزرگان نقل کرده اند که؛ آخوند همدانی در مکه به مسجد الحرام مشرف شده او یک قرآن خوش خطی، داشته و مشغول خواندن آن بوده است. ناگهان عربی

نگاهش به آن می افتد می گوید: این قرآن را به من می دهی؟ آخوند همدانی می گوید: نه. می بیند چیزی زیر بغلش است می گوید: این چیست؟ عرب می گوید: دیوان یزید است، آخوند همدانی می گوید: من بالاخره راضی شدم آن دیوان را با قرآن عوض کنم، به دلیل آنکه خیلی دلم می خواست اشعار یزید را بخوانم، از آن به بعد، توفیق تلاوت قرآن از من سلب شد. هر چه خودم را مهیای تلاوت قرآن می کردم، اسباب آن فراهم نمی شد. (1)

(ب) مردی که توفیق نداشت

«سمره بن جندب» درخت خرمایی در باغ یکی از انصار داشت، خانه مسکونی مرد انصاری هم در همان باغ بود، سمره هر گاه برای رسیدگی به درختش می آمد، بدون اعتنا و سرزده داخل خانه شده و دید می زد. صاحب منزل از او خواهش کرد هر وقت خواستی وارد منزل ما شوی سرزده وارد نشو، اما او قبول نکرد. ناچار صاحب خانه به رسول خدا شکایت کرد و گفت: این مرد سرزده وارد خانه من می شود، شما به او بگویید بدون اطلاع و اجازه وارد نشود، تا خانواده من خود را بپوشانند. حضرت سمره را خواست و به او فرمود: فلانی شکایت دارد و می گوید تو بدون اطلاع و اجازه وارد خانه او می شوی، از این پس هر گاه خواستی وارد منزل او شوی اجازه بگیر. سمره قبول نکرد و گفت: من برای سرکشی از درخت خرمایی که در خانه او دارم می روم و نیازی به اجازه ندارم. حضرت فرمود: پس درخت را بفروش، گفت: نه می فروشم و نه می بخشم.

رسول خدا در این وقت از حکم ولایی خود استفاده کرد و به آن مرد فرمود: هم اکنون می روی و درختش را از ریشه قطع می کنی و نزد او می اندازی، چرا که در اسلام ضرر و زیان نیست. (2)

افرادی مثل سمره توفیق یارشان نشد و با آنکه شخص اول خلقت، رسول

ص: 178

1- ر.ک: کلید قرآن 19 و 20 به نقل از: یاد نام آیت الله العظمی اراکی: 352، رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج 3، قسمت توفیق.

2- شهید دستغیب، داستان های شگفت، نشر: دفتر انتشارات اسلامی، سال 1385، ص 237.

خدا (صلی الله علیه وآله) ضمانت کرد که در بهشت مددکار او می شود، اما او بر اثر نداشتن توفیق

از یک درخت دنیایی نگذشت.

بنابر این مؤمن هر گاه توفیق کار خیری نصیبش شد، باید نعمت مزبور را بزرگ بداند و او را سپاس گوید و در راه استفاده از آن کوشا و از زوالش ترسناک و به ایزد متعال پناهنده باشد. مثلاً اگر توفیق سحرخیزی پیدا کرد آن را از دست ندهد و اگر شبی خوابش برد تا اذان صبح، پس از ادای نماز واجب، آن را قضا نماید یا توفیق قرائت قرآن مجید یا دعایی روزانه، هفتگی یا ماهانه دارد مراقبت نماید.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود:

«کمی که با دوام است بهتر از زیادی است که دوام ندارد».

فراگیری روش های کسب توفیق (راهکارها)

علمی:

1_ مطالعه زندگی ائمه هدی (علیهم السلام)

2_ شناخت اهمیت و آثار کسب توفیق.

3_ شناخت دین مقدس اسلام و انجام فرامین آن که موجب قرب الهی است.

4_ حضور در مجالس وعظ، خطابه و استماع سخنرانی ها در اعیاد مذهبی و عزاداری ها.

عملی:

1_ درخواست یاری از خداوند بزرگ و راهبران مذهبی

2_ درخواست دعا از والدین، علما، مؤمنین و مؤمنات

3_ همزیستی و نیکوکاری

4_ توسل، نذورات و صدقه برای ایمان

5_ پرهیز از خطا و اشتباه چرا که معصیت از میزان توفیق الهی می کاهد.

6_ بازگشت چرا که توبه و بازگشت از گناه بر میزان توفیق می افزاید.

7_ تشرف به حرم امامان، امامزاده ها، قبور علما و شهدا.

8_ کسب قابلیت به انحاء گوناگون علمی، دینی، اخلاقی و...

9_ الگوپذیری از سرلوحه هایی که به آسانی در مسیر عبودیت گام بر می دارند

و امدادهای غیبی نصیبتان گردیده است.

کسب توفیق با توسل

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (1)

وسيله قرار دادن شخص و يا چیزی بر اساس نیاز آدمی برای رسیدن آسان تر به مطلوب ها و اهداف را توسل می گویند.

«وَسَلِّ إِلَى اللَّهِ تَوْسِيلاً وَتَوَسَّلْ أَيُّ عَمَلٍ عَمَلًا تَقَرَّبَ بِهِ إِلَى اللَّهِ» (2)

توسل به سوی خدا یعنی انجام دادن عملی که به واسطه آن عمل انسان مقرب درگاه الهی گردد و به واسطه آن توفیق حاصل نماید.

با تعریف بالا و با دقت و تدبیر در خطبه حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه (با نام خطبه الوسائل) معلوم می گردد هر عمل ارزشمندی که زمینه ساز تقرب به خداوند باشد، را توسل می نامیم.

حضرت علی (علیه السلام) در خطبه الوسائل می فرماید:

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ أَلَيْمَانُ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَ مَا جَاءَتْ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ...» (3)

در این خطبه ایمان به خدا، و به رسولان الهی و کتب آسمانی و تمسک به جهاد در راه خدا از جمله وسائل و وسائط ارتباط با خداوند متعال معرفی شده است. همچنین در روایات علی بن ابیطالب (علیه السلام)، به مصادیق دیگری از توسل اشاره شده است که با هم می خوانیم:

1- توبه و استغفار

حضرت امیر (علیه السلام) فرمود:

ص: 180

1- . سوره مائده، آیه 35.

2- . نیلی پور، مهدی، فرهنگ فاطمیه، ص 213 _ 215؛ عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، 57، ص 138.

3- . همان بحار 1/ج 77، ص 291، خطبه الوسائل، نهج البلاغه.

«أَفْضَلُ الْوَسَائِلِ الْإِسْتِغْفَارُ» (1)

«برترین وسیله ها طلب مغفرت از گناهان است».

2- اصل زندگی در پرتو اخلاق

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«أَقْوَى الْوَسَائِلِ حُسْنُ الْفَضَائِلِ» (2)

قوی ترین وسیله ها اخلاقیات و فضائل اخلاقی است.

3- اصل عبادت خدا

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود:

«نِعْمَ الْوَسِيلَةُ الطَّاعَةُ» (3)

«چه خوب وسیله ای است اطاعت خدا».

4- قرآن

حضرت امیر (علیه السلام) فرمود:

«فَأِنَّهُ (القرآن) أَفْضَلُ مَا بِهِ تَوَسَّلْتُمْ» (4)

«همانا قرآن بهترین وسیله برای تمسک جویی است».

5- محبت و دوستی اهل بیت

«فی تفسیر القمی وَ ابْتَعُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ قَالَ أَيْ تَقَرَّبُوا إِلَيْهِ بِالْإِمَامِ» (5)

«در تفسیر قمی این آیه را چنین تفسیر کرده است، که جستجو و تمسک به وسیله یعنی نزدیک شدن به خدا توسط امام زمان».

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«يَا عَلِيُّ مَنْ تَوَسَّلَ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ فَحَقَّ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَرُدَّهُ» (6)

ص: 181

- 2- . همان غرراالحكم.
- 3- . همان غرراالحكم.
- 4- . همان غرراالحكم.
- 5- . همان بحار الانوار، ص 214، اج 70/271.
- 6- . همان بحار اج 36/ص 301.

«ای علی هر کس به واسطه محبت ما به خدا متوسل شد واجب است که او را ناامید ننماید».

پس از دقت در این مقدمه و ضرورت توسل به چهارده معصوم با استناد به روایات دینی و با توجه به تجارب اولیای خدا می توان گفت: یکی از مؤثرترین و

زیباترین وسیله های معنوی، تمسک به شخصیت آسمانی معصومین و الامقام به ویژه حضرت زهرا(علیها السلام) و استمداد از روح بلند و ملکوتی آنان است. پیروی از آن بزرگواران، بزرگداشت نام و یاد آنان و گریه و عزاداری بر آن حضرات از مصادیق توسل است و این راهی است که همگان حتی حضرت آدم و ابراهیم از آن نیز بهره مند شده اند.

پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله) فرمود:

... وَاللّٰهُ لَوْ اَقْسَمَ اَهْلُ الْاَرْضِ بِهٰذِهِ الْاَسْمَاءِ (محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین) لَا جَابَهُمْ. (1)

«به خدا قسم اگر اهل زمین به این نام ها (محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین) سوگند یاد کند به راستی که خداوند جوابشان خواهد داد».

از ابن عباس روایت شده که:

سالت النبی(صلی الله علیه و آله) عَنِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَلَقَّاهَا اٰدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ؟

«قَالَ: سَأَلَهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ اِلَّا تُبَّتْ عَلَيَّ فَتَابَ اللهُ عَلَيْهِ» (2)

ابن عباس می گوید از پیامبر(صلی الله علیه و آله) درباره آن کلماتی که حضرت آدم از پروردگار خویش فرا گرفت تا توبه اش مورد قبول واقع شد پرسیدم؟

حضرت فرمودند: از خدا درخواست کرد که به حق محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین توبه او را بپذیرد و خداوند توبه اش را پذیرفت.

مرحوم آیت الله ملا علی معصومی (آخوند همدانی) می گوید:

به هنگام توسل به حضرت زهرا(علیها السلام) 530 مرتبه بگوئید:

ص: 182

1- . همان کوثر ولایت، ج 91، ص 53.

2- . همان کوثر ولایت، عبدالرحیم موگهی، ح 92، ص 53.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَآبِهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ»

«خداوندا بر فاطمه و پدرش و همسر و پسرانش به تعداد آنچه داشت بر آن احاطه دارد درود فرست!»

و نیز از آن بزرگوار شنیدم که می گفت:

«الهِى بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَآبِهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا وَالسِّرِّ الْمَسْتَوْدَعِ فِيهَا»

«خداوندا به حق فاطمه و پدرش و همسرش و پسرانش و به آن سرّ و رازی

که در وی به امانت ودیعه گذاشته است».

که اگر این دعا را خواندی حاجت بر آورده می شود. (1)

کسب توفیق از نظرگاه آیات الهی

با تلاوت آیاتی چند از کلام خدا با چشم بصیرت فضیلت والای توفیق را بررسی می نماییم:

الف) توفیق

«إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (2)

«به خاطر بیاورید هنگامی را که کافران در دل های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند و (در مقابل) خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آنها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هر کس شایسته تر و اهل آن بودند و خداوند به همه چیز دانا است.»

ب) توفیق ایمان

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّصِرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (3)

«ای کسانی که ایمان آورده اید!! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را

ص: 183

1- . همان، ص 215.

2- . سوره مبارکه فتح، آیه 26.

3- . سوره مبارکه محمد، آیه 7.

یاری می کند و گام هایتان را استوار می دارد».

پ) توفیق الهی در انجام تکالیف

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (1)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما، از آیین خود باز گردد، (به خدا زبانی نمی رساند) خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند آنها در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست».

ج) توفیق الهی و توبه

«فَتَلَقَىٰ ءَادَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (2)

«سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت (و با آنها توبه کرد). و خداوند توبه او را پذیرفت چرا که خداوند توبه پذیر و مهربان است».

د) توفیق الهی و رحمت الهی

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ وَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (3)

«به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند. پس آنها را

ص: 184

1- . سوره مبارکه مائده، آیه 54.

2- . سوره مبارکه بقره، آیه 37.

3- . سوره آل عمران، آیه 159

ببخش و برای آنها آموزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد».

(و) توفیقات الهی و حسن نیت

«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (1)

و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می کند زیرا خداوند، دانا و آگاه است (و از نیت همه باخبر است)».

(ی) توفیقات در انفاق نعم الهی

صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَ مِّن رَّزْقِنَا مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (2)

«خداوند مثالی زده؛ برده مملوکی را که قادر بر هیچ چیز نیست و انسان (با ایمانی) را که از جانب خود، رزقی نیکو به او بخشیده ایم، و او پنهان و آشکار از آنچه خدا به او داده، انفاق می کند آیا این دو نفر یکسانند؟! شکر خداست، ولی اکثر آنها نمی دانند!»

توفیق از نظرگاه معصومین (علیهم السلام)

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

توفیق، عنایت (الهی) است.

توفیق، رحمت (الهی) است.

توفیق، از جذبه های پروردگار است.

توفیق، سرآغاز نعمت است.

ص: 185

1- . سورة نساء آیه 35.

2- . سورة نحل، آیه 75.

هیچ کوششی بدون توفیق سود نمی بخشد.

هیچ جلوه داری چون توفیق نیست. (1)

بنابراین توفیق، عنایت، رحمت الهی، جذبه و نعمت خداوند است که بدون آن کوشش و تلاش سودی نداشته و به پیروزی نمی رسد.

امام صادق (علیه السلام) در باره آیه «و ما توفیقی الا باللّه» و آیه «ان ینصرکم الله فلا غالب لکم و ان ینخذلکم...» می فرماید: هرگاه بنده طاعتی را که خداوند (عزوجل)

بدان فرمان داده است انجام دهد، عمل او موافق فرمان خداوند (عزوجل) می باشد و بدین سبب بنده را موفق نامیده اند و هرگاه بنده بخواهد در موردی نافرمانی خداوند کند و خداوند تبارک و تعالی میان او و آن معصیت حایل شود و در نتیجه بنده آن را مرتکب نشود این ترک گناه او، به وسیله توفیق معصیت نگیرد و اگر به حال خود رهاش کند تا مرتکب آن گناه شود، خداوند او را واگذارده و باریش نرسانده و توفیقش نداده است. (2)

کسب قابلیت از نگاه شعرا

به توفیق و به تأیید الهی

مراد بندگان گردد میسر (3)

مرا توفیق نیکو بندگی ده دلم را زنده دار و زندگی ده (4)

توفیق رفیق اهل تصدیق زندیق، در این طریق صدیق شود (5)

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود (6)

ص: 186

1- . محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، ص 603.

2- . محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، ص 603.

3- . امیر معزی

4- . اوحدی مراغه ای

5- . خاقانی شروانی

هنر زیبایی است و هنرمند با پرورش حس زیباگرایی و حضور در صحنه زندگی ساز است، در این راستا همگان به هنر عشق ورزیده و به هنرمند به دیده احترام می نگرند و در مشکلات و گرفتاری ها به یاری او می شتابند زیرا او با هنرمندی هنردوستان را شاد و خوشحال می نماید و با فهمانیدن واقعیت های زندگی به گونه های مختلف درس چگونه زیستن را به هوادارانش می آموزد.

«استراونیسکی» می گوید:

«اگر هنر نبود، دنیای بشر کسالت بار و ملال آور بود».⁽¹⁾

بنابراین هنر کسالت و ملالت را زدوده و عشق، خوشحالی و نشاط را جایگزین آن می نماید، هنر ویژگی های فراوانی دارد که همه آنها نشان از اهمیت و جایگاه ویژه آن داشته زیرا یکی از جذاب ترین و پرفرودارترین رشته هایی است که تاکنون در دنیا وجود داشته است.

فردوسی می گوید:

«هنر برتر از گوهر آمد پدید»

تعریف واژه

پرورش و بهره برداری از استعداد های شخصی که احساسات خویش را در قالب هنر بیان می کند و دیگران در انجام آن عاجز هستند؛ و لازمه هنرمند بودن اینست که انسان احساس را بگیرد، نگاه دارد به خاطر بسپارد و در قالب بیان ابراز کند. برخورد احساسی یا عاطفی برای هنرمند کافی نیست هنرمند باید پیشه

ص: 188

1- . شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟، ص 311.

و یا کار خود را بشناسد، عشق بورزد و از آن لذت ببرد و قواعد و فنون هنر را به کار گیرد.

جایگاه و اهمیت آن

هنر برای بیان احساسات هنرمند به کار رفته، و نقش بزرگی در زندگی ایفا می نماید. جذبه و کشش هنر ستودنی است و هیچ کس نمی تواند آن را انکار نماید.

«مولیر» می گوید:

«آن کس که هنر را خوار دارد، نفس بشریت را خوار کرده است».⁽¹⁾

از این رو در می یابیم که هنر علاوه بر اهمیت والا از جایگاه ویژه ای نیز برخوردار است.

خصت های هنر

اشاره

ویژگی های هنر، نشان دهنده عظمت آن است، و موجب می شود آن را کلید طلایی کامیابی بدانییم بدین جهت هفت نمود و اصل آن را بررسی نموده ایم، با هم می خوانیم:

1- بروز استعداد ها در مجاری سالم

هنر هم ذاتی و هم اکتسابی است و هنرمند و حرفه آموز با شکوفایی استعداد های خویش در مجاری سالم از آن نهایت استفاده را می نماید. خلاقیت و بروز استعداد در این مسیر پسندیده و ستودنی است.

2- بهبود وضع اقتصادی

هنرجو با ارائه هنر خویش به هنردوستان، اوضاع اقتصادی، معیشتی خود را بهبود بخشیده و نه تنها از کالاش مآبی و زندگی انگلی مبرا بوده، بلکه در بعد مادی نیز همچون ابعاد دیگر زندگی هر روز بر ثروتش می افزاید.

ص: 189

1- . همان منبع.

3- بیان احساسات

هنرمند با بیان احساسات خود آثار شگرف و معجزه آسایی را بر جای می گذارد و هنردوستان نیز با دریافت آن از طریق حواس پنج گانه، تحت تأثیر احساسات او قرار می گیرند.

«دانته» می گوید:

«هنر، عالی ترین جلوه احساسات درونی بشر است».

4- خوشحالی، کامیابی و تغذیه روح

بدون تردید هنر کسالت ها را زدوده، ناراحتی ها را ریشه کن نموده و به جای آن احساسات را جایگزین می نماید. از سویی آگاهی را افزون تر، باعث خوشحالی و عشق شده، و موجب تخلیه دلهره و تشویش درونی و دوری از آشفتگی است.

مارگات یانگ می گوید:

«مردم اغلب می کوشند به شیوه معکوس زندگی کنند، کسب مال و منالی افزون تر تا بتوانند بیشتر به امور دلخواهشان پردازند و شادمان باشند. حال آن که عکس این شیوه مؤثر است. نخست باید آن کس که به راستی هستید باشید و آنگاه به کاری که از آن لذت می برید پردازید، تا بتوانید آنچه را که خواهانید دارا باشید».⁽¹⁾

5_ دوری از آفات بیکاری

هنر جو شغل شریف و آبرومندانه ای به دست آورده و از مفاسد بیکاری مبرا است.

اونوره دو بالزاک می گوید:

«حرفه هایی که می خواستیم در پیش بگیریم اما نگرفتیم، همچون لکه های رنگ تمام هستی ما را لکه دار می کند».⁽²⁾

ص: 190

1- . دیوید راس، هزار و یک نکته باریک تر از مو، مترجم سیمین موحد، نشر: تندیش، سال 1386، ص 183.

2- . همان منبع، ص 184.

آنان به دلیل بیان احساسات هنری خویش مورد احترام جوامع گوناگون بوده و همه آنان را می ستایند. چرا که هنر در دل و جان ملت ها ریشه دوانیده است.

7_ یاری رسانی

اشاره

عشق جوامع گوناگون به اهل هنر ستودنی بوده و از این روی در سختی ها و مشکلات به آنان یاری می رسانند. زیرا آنان سرلوحه و سرمشق زندگی هستند.

شخصیت هنرمندان

(پله های ترقی را طی کنیم!!)

هنرمندان به تعهد خود، حس مسئولیت و انجام وظیفه نگاه ویژه ای مبذول می دارند تا از هنر استفاده پسندیده و مطلوبی بشود، نمود و اصولی برای شخصیت آنان مورد بررسی قرار می گیرد که با هم می خوانیم:

1_ آشنایی با هنرمندان

هنرمند واقعی پس از آشنایی با استادان هنرمند خویش با آنان مؤدبانه برخورد کرده، از آنان اطاعت نموده و همچون دوستی صمیمی در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی کند.

2_ امیدواری

یک هنرمند واقعی با امیدواری آرزوهای دست یافتنی و زیبا را در ذهن خویش پرورش داده و به خواب ها و رؤیاهای جالب خود جنبه واقعییت بخشیده، و در عین حال سعی و تلاش پیگیر را از یاد نمی برد.

آن برونه می گوید:

«هیچ هنری بدون امید به حد کمال خود نخواهد رسید.»⁽¹⁾

ص: 191

3- تخصص و بهره برداری

هنرمند در رشته تخصصی خویش مدارج عالی را طی می نماید. به دلیل آنکه اگر رشته های تحصیلی متعددی را بیاموزد و در یک رشته خاص که مستعد آن است نخبه نگردد بازدهی او به مراتب کمتر خواهد بود.

لوک جاسبون می گوید:

« هنگام (حرفه آموزی) و کسب و کار بلند پرواز باشید، چیزهای بزرگ را هدف بگیرید و برای نیل به بیشترین ها و (تخصص) به خود فشار بیاورید» (1).

4- حس تعهد

یک هنرمند واقعی حس مسئولیت داشته و متعهد است که وظیفه خویش را انجام دهد. بنابراین از هنر و حرفه ناکار آمد دوری گزیده و در چارچوب مهارت به آن پایبند است.

5- رهروی و پیروی

هنر جویان باید راهبران عملی برای خویش انتخاب نموده و از الگوهای پیروی کنند که مظهر جوانمردی، گذشت و همت باشند. الگوهای چون پیامبران و پیروان راستین آنان به ما یاری می رساند تا هنر جویی حرفه ای بوده و نه تنها سازندگی خویش را هیچ گاه از یاد نبرده بلکه همیشه به آن مقید باشیم.

پیشوایان دینی حرفه آموز و هنرمند بودند. تمام انبیا و اولیا مشاغلی داشتند که با آن امرار معاش می کردند، آدم و لوط زراعت و ابراهیم گوسفند داری می کرد، موسی اجیر شعیب شد و چوپانی کرد، عیسی صباغی نمود، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) تجارت می نمود، علی (علیه السلام) نخلستان احداث می کرد و هر یک از ایشان کار می کردند، ادريس خياط، نوح نجار، هود تاجر، سليمان حصير باف، ميشم تمار خرما فروش و داوود کار می کرد.

ص: 192

1- . جمعی از کارآفرینان جهان، راه انداختن یک کسب و کار جدید، مترجم: مجید نوریان، نشر: مبلغان سال 1389، ص 25.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند متعال به داوود پیغمبر وحی نمود که تونیکو بنده ای هستی، اگر از بیت المال نمی خوردی و کار می کردی.

داوود از این خطاب گریه کرد پس خداوند آهن را در دست آن حضرت ملایم کرد و بعد از آن هر روزی زرهی می ساخت و آن را هزار درهم می فروخت تا اینکه از بیت المال بی نیاز شد. حضرت سلیمان نیز از بافتن زنبیل امرار معاش می کرد. (1)

کیفیت هنر در منزل

اشاره

هنر و هنرمندی یکی از خصلت های انسانی است که جلوه های گوناگون آن در زندگی اولیا ی خدا مشهود است. اگر هنر را به خلق زیبایی معنی کنیم و یا اگر آن را کار و حرفه توأم با زیبایی تعریف نماییم و یا اگر آن را به شکل دادن اشیاء بر اساس مقارنت و تعادلی تماشایی و غیر خسته کننده تعریف کنیم و اگر از مصادیق هنر شیوایی گفتار در نثر گویی و انضباط کلام در شعر گویی، تمرین و زیبا نویسی و کارهای دستی را نام ببریم، می توانیم همگی آنها را در زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) بیابیم. (2)

ما در یک بررسی کوتاه با توجه به اسناد تاریخی به چهار جلوه از جلوه های هنر متداول در زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) دست یافتیم:

1- فنّ بیان و سخنوری

2- شعر و شاعری

3- نویسندگی و تشویق فرزندان خود به این هنر

4- کارهای دستی (ریسندگی)

1- سخنوری و فنّ بیان

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود:

ص: 193

1- نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ج 1، ص 394، به نقل از مقدم، محمد تقی، در بهترین ارمغان، ص 123.

2- نیلی پور، مهدی، فرهنگ فاطمیه، نشر: شهید مدرس، سال 1385، ص 590-595.

«جَمَالُ الْمَرْءِ فَصَاحَةُ لِسَانِهِ»

«زیبایی هر کس شیوایی زبان اوست.»

آن حضرت در گفتار دیگری فرمود:

«الجمالُ فی اللسان»

«زیبایی در زبان است».(1)

در بین علوم مربوط به ادبیات، علمی با عنوان علم بلاغت یا معانی بیان وجود دارد که در آن به طور عمده به دو مسئله اساسی اشاره می شود:

اول_ فصاحت، رسایی سخن

دوم_ بلاغت، شیوایی سخن

در مورد رسایی و شیوایی سخنان فاطمه زهرا(علیها السلام)سخن زیاد است اما نظر شما را به اظهار نظر چند تن از اندیشمندان در مورد فصاحت و بلاغت خطبه حضرت جلب می کنیم.

علامه محقق اربلی می گوید: ... سخنرانی آن حضرت که سخنوران بلیغ را سرگردان و فصحا را ناتوان کرده، همان خطبه ای که به خاطر جلوگیری از تصرف او در فدک و کوتاه کردن دست ایشان از منافع آن ایراد شد...

سپس می گوید: این گفتار از خطبه های زیبا و بدیع است که پرتوی از نور نبوت آن را در برگرفته و شکوفه ای از گلستان رسالت در آن دیده می شود.(2)

علامه مجلسی گوید: این خطبه غزا و درخشنده را که از حضرت زهرا_ که هزاران سلام و درود و ثنای خداوند بر او باد_ نقل گردیده و اندیشه فصیحان و بلیغان رسول خدا از شگفتی آن سرگردان شده است را توضیح می دهیم.(3)

علامه سید محمد تقی رضوی قمی می گوید: در گذشته نسبت به خطبه مشهور درخشانی که به بانوی زنان و محبوب سرور پیامبران و همسر پیشوای جانشینان و مادر امامان برگزیده و بزرگوار، و شفیع روز جزا، فاطمه زهرا_ که

ص: 194

1- . همان میزان الحکمه/ج2/ص 776.

2- . همان، فاطمه زهرا3 شادمانی دل پیامبر، ص 515.

3- . همان.

هزاران سلام و درود و ثنای خداوند بر او باد _ منسوب است، تمایل شدیدی داشتم. همان خطبه و سخنرانی که زبان ادیبان و سخنوران از سرودن چنان خطبه ای و کمتر از آن عاجز، و عقل حکیمان و خردمندان از ادارک کنه و رسیدن به دقائق آن ناتوان است، چگونه، چنین نباشد؟ (1)

علامه سید شرف الدین می گوید: حضرت زهرا(علیها السلام) دارای حجت ها و براهین رسا و کاملی است که دو خطبه آن حضرت ثابت کننده همین حقیقت می باشد، همان گونه که قرآن را به دو فرزند خود می آموختند و ایشان را به فراگیری و حفظ این خطبه ها تشویق و ترغیب می نمودند. (2)

2- شعر و شاعری

بیان معانی در قالب شعر یعنی بیان نظم یافته با بیت، قافیه، دقت ادبیاتی و ملاحظت گفتاری بیشتر در زندگی اهل بیت عصمت و طهارت وجود داشته است در این بین در تاریخ زندگی حضرت زهرا(علیها السلام) مجموعه ای از اشعار و ابیات که بیش از 70 بیت است وجود دارد که حضرت این اشعار را در چند موضوع سروده اند.

1- اشعاری در شب ازدواج.

2- ابیاتی در هنگام تربیت فرزندان.

3- اشعاری در هنگام گفتگو با علی(علیها السلام)

4- اشعاری در هنگام یاد آوری شهادت خود.

5- اشعاری طولانی و جانسوز در رثای پیامبر بزرگوار اسلام.

3- هنر خطاطی و نویسندگی

در مورد نویسندگی اعضای خانواده حضرت زهرا(علیها السلام) و خود آن بانو شواهد بسیاری وجود دارد. از جمله هنگامی که حضرت علی (علیه السلام) بر بالین سر فاطمه(علیها السلام)

ص: 195

1- . همان.

2- . همان، ص 516.

آمدند و روپوش را از صورت فاطمه (علیها السلام) کنار زدند، ناگهان دست نوشته ای را نزد ایشان یافتند پس در آن دقت نمود که آن متن وصیت نامه حضرت زهرا (علیها السلام) بود. (1)

همچنین در تاریخ زندگی امیر المؤمنین (علیه السلام) آمده است که آن بزرگ مرد الهی کاتب وحی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بود و علاوه بر کتابت قرآن، صحیفه فاطمیه (علیها السلام) را نیز نوشته است.

امام صادق فرمود: «پس از رحلت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) جبرئیل بر فاطمه زهرا (علیها السلام) فرود می آمد و ضمن تسلی حضرت، او را به اخبار غیبی مطلع می ساخت و علی (علیه السلام) این اخبار غیبی را می نوشت.»

«وَ كَانَ جِبْرَائِيلُ يَأْتِيهَا فَيُحْسِنُ عَزَائِمَهَا عَلَى أَبِيهَا وَيُطِيبُ نَفْسَهَا وَيُخَبِّرُهَا عَنْ أَبِيهِ وَ مَكَانِهِ، وَ يُخَبِّرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا».

«وَ كَانَ عَلِيُّ (علیه السلام) يَكْتُبُ ذَلِكَ، فَهَذَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ» (2)

علاوه بر این نامه های متعدد نهج البلاغه که تعداد آن بر 79 نامه می رسد و نامه ها و دست نوشته های امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) که به طور مسلم آنچه در تاریخ آمده بخشی از نامه های آن بزرگواران است، نشان دهنده وجود قدرت نویسندگی در این خانواده ملکوتی می باشد و جالب اینکه یکی از عادت های مستمر امام حسن و امام حسین در کودکی خطاطی و کتابت بوده است و داوری چگونگی خط آنها را نیز پیامبر اکرم، حضرت علی (علیه السلام) و حضرت زهرا (علیهما السلام) بر عهده داشتند.

«إِنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ (علیهما السلام) كَانَا يَكْتُبَانِ فَقَالَ الْحَسَنُ لِلْحُسَيْنِ خَطِّي أَحْسَنُ مِنْ خَطِّكَ فَقَالَ الْحُسَيْنُ بَلْ خَطِّي أَحْسَنُ».

«همانا حسن و حسین همیشه به نوشتن و خطاطی مشغول بودند پس گاهی حسن به حسین می گفت: خط من از تو زیباتر است و حسین در جواب او می گفت خط من زیباتر است.»

ص: 196

1- . همان بحار الانوار، 439، ص 214.

2- . همان عوالم العلوم، زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) ص 188.

یکی از هنرهای قابل تأکید برای زنان روی آوردن آنان به هنر و حرفه بافندگی، خیاطی و اینگونه حرفه های هنری است.

اگر به تأکید اسلام در این باره اهمیت داده شود از جهت فردی خانوادگی و اجتماعی دارای آثار و منافع می باشد. از نظر فردی نوعی سرگرمی مفید و ایجاد

اشتغال برای اوقات فراغت می باشد. از نظر خانوادگی علاوه بر اینکه تأثیر روانی مثبت در روحیه افراد خانواده دارد وجدان کاری و هنرگرایی مفید در بستر خانواده را رونق می بخشد و نوعی کمک به بنیه اقتصادی خانواده هم می باشد و به نوعی به استقلال اقتصادی زن هم کمک می کند و این علاوه بر تشویق بیشتر مرد برای کار و تلاش بیشتر از نظر اجتماعی نیز خانه تبدیل به کارخانه ای کوچک شده و دسترنج خانواده در تکامل اقتصادی اجتماع اثر خواهد گذاشت.

بزرگ ترین مدح از زن صاحب حرفه و هنرمند در اسلام به عمل آمده به طوری که در روایت نبی اعظم اسلام (صلی الله علیه و آله) میل بافندگی زن را تشبیه به نیزه مجاهد در راه خدا می کند. حال سه روایت درباره بافندگی را از نظرتان می گذرانیم:

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«الْمَعْرُوفُ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ كَالرُّمْحِ فِي يَدِ الْغَازِي الْمُرِيدِ وَجَهَ اللَّهِ»

«میل بافندگی در دست زن صالحه مانند نیزه ای است که در دست جنگجویی است و وجه خدا را اراده کرده است (برای رضای خدا)».

حضرت امیر (علیه السلام) نیز می فرمود:

«مُرُوا نِسَائِكُمْ بِالْغَزْلِ فَإِنَّهُ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَأَزِينُ»

«زنانتان را امر به بافندگی کنید که بافندگی برای آنها بهتر و زیباتر است».

«نَعَمْ اللَّهُ الْمِعْزَلُ لِلْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ»

«بهترین سرگرمی برای زن صالحه، بافندگی است» (1).

ص: 197

بنابراین از آنجا که فاطمه زهرا(علیها السلام) الگویی تمام نما برای قوانین دینی است؛ در خانه کارخانه ای کوچک داشت و پشم ریزی می نمود و عوائد اقتصادی حاصل از آن را در اختیار اقتصاد خانواده قرار می داد.

در کتاب عوالم العلوم در بیان زندگی حضرت زهرا(علیها السلام) چنین بیان کرده که روزی حضرت علی(علیه السلام) در حالی که مقداری پشم گوسفند بافته شده (به دستان مبارک فاطمه زهرا) در دست داشتند از خانه بیرون آمدند، به بازار رفته و پیشنهاد فروش آن را به فردی که پشم فروشی داشت دادند او هم بر اساس معاملات سابق دادوستد نمود و آن پشم بافته شده را سه صاع جو خرید و تبادل نمودند.

پس از آن خبر این معامله را با حضرت زهرا(علیها السلام) داد حضرت این معامله را قبول نمود و به آن رضایت داد پس حضرت زهرا(علیها السلام) جو را گرفت و یک صاع آن را (سه کیلو) آسیا نمود، خمیر کرده و آنگاه پخت که حاصل آن 5 قرص نان شد.

از این نقل تاریخی بر می آید که:

1- حضرت زهرا(علیها السلام) در خانه پشم ریزی می نمود.

2- حضرت زهرا(علیها السلام) حاصل دسترنج خود را به علی(علیه السلام) برای کمک به اقتصاد خانواده می سپرد.

3- حضرت علی(علیه السلام) در هنگام فروش دسترنج حضرت زهرا(علیها السلام) رضایت ایشان را شرط می دانست.

4- از حاصل دسترنج حضرت زهرا(علیها السلام) نان برای اعضای خانواده تهیه شد.

5- کار دیگر حضرت زهرا(علیها السلام) نانواپی بود.

6- همین نان ها به اسیر، یتیم و مسکین داده شد که سوره هل اتی نازل شد. در این جا بد نیست به دو تذکر مهم اشاره کنیم:

1- آنچه که از تاریخ زندگی حضرت زهرا(علیها السلام) به طور جامع بیان نشده به دلیل دشمنی های متعدد بوده است.

2- برای حضرت، هنر و زیبایی معنوی اهمیّت خاصی داشته است.

«امام صادق(علیه السلام) شخصاً در مسابقه تیر اندازی حاضر می شد و در شرط بندی آن شرکت می فرمود.».

امام صادق (علیه السلام) فرمود: من در معیت پدرم به مجلس هشام بن عبدالملک در شام وارد شدیم. او بر کرسی خلافت نشسته بود، نظامیان و نزدیکانش در اطراف وی بر پا ایستاده بودند. در دیدگاه خلیفه هدفی برای تیر اندازی قرار داشت و بزرگان قومش در حضور وی تیر اندازی می کردند. به محض آنکه وارد مجلس شدیم از پدرم خواست که با شیوخ عرب تیر اندازی کند.

حضرت فرمود: من پیر شده ام ممکن است مرا معاف بداری.

قسم یاد کرد غیر ممکن است و به یکی از شیوخ بنی امیه اشاره کرد که کمانت را به امام باقر(علیه السلام) بده پدرم ناچار کمان را گرفت، تیر در آن گذارد و رها کرد، تیر در وسط هدف نشست.

سپس تیر دیگری گرفت و آن را روی تیر اول نشانند و سوفار آن را شکافت و خلاصه چند تیری روی هم زد.

این قدرت تیر اندازی و هدف گیری، هشام را مبهوت و پریشان خاطر ساخت. به امام باقر(علیه السلام) عرض کرد: مهارت شما از تمام تیر اندازان عرب و عجم بیشتر است و سپس آن حضرت را به سریر خود دعوت کرد، از جا برخاست دست بر گردن پدرم انداخت و او را به طرف راست خود نشانند، آنگاه دست به گردن من انداخت و مرا در سمت راست پدرم نشانند و به امام باقر(علیه السلام) گفت: این تیر اندازی را از که آموخته اید و در چه مدتی فرا گرفته اید؟ پدرم فرمود: می دانی که اهل مدینه مسابقات تیر اندازی بپا می کردند، و با علاقه در آن شرکت می نمودند، من نیز در ایام جوانی به این کار علاقه داشتم و در آن وارد بودم و سپس آن را ترک کردم. اکنون که از من خواستی، به روزگار جوانی برگشتم و تیر انداختم. هشام گفت: من هرگز تصور نمی کردم کسی روی زمین این چنین تیر اندازی کند، آیا فرزند شما جعفر نیز مثل شما تیر انداز است؟

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: ما همه وراثت کمالات پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) هستیم. (1)

مدیریت تحصیل هنر جویی (راهکارها)

1- انس، آشنایی و ارتباط با طبیعت (کنار گل ها و آبشارها نشستن و گوش کردن به صدای پرندگان).

2- تقویت حس زیباگرایی و زیبادوستی.

3- مطالعه آثار خلاقیت های هنری.

4- طی نمودن آموزش های فنی.

5- آموزش و پرورش یک رشته هنری مورد علاقه.

6 تهیه وسایل و به کارگیری در خانه.

7- بازدید کردن از نمایشگاه های صنعتی، هنر کده ها و کارخانجات.

8- دیدار با افراد هنرمند و صاحب حرفه. (2)

مدیریت هنر جویی

نوجوان در انتخاب هدف زندگی و شغل آینده اش از عوامل زیر متأثر می شود:

1- خصایص روانی: هر فرد بر حسب چگونگی هوش، امیال، شخصیت، ارزش ها و احتیاجات خودش شغل انتخاب می کند.

2- خصایص بدنی: از قبیل قد، وزن، سلامت عمومی، محاسن یا معایب اختصاصی بدنی.

3- تجارب شخصی: از قبیل کیفیت تربیت، سرگذشت شخص و شرایط کار.

4- والدین: کودک خردسال معمولاً نقشه والدین خود را درباره آینده اش می پذیرد. در سال های اولیه کودکی، والدین در طرز تفکر و راهنمایی شغل کودک بیش از هر عامل دیگر مؤثرند. این تأثیر والدین دو جنبه دارد: یکی اینکه بعضی شغل هایی را که خود دوست می دارند به فرزندان خود تأکید می کنند. دوم

ص: 200

1- نیلی پور، مهدی، فرهنگ جوان، ص 200 و 21، به نقل از فلسفی، محمد تقی، جوان، ج 2، ص 453.

2- نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ج 1، ص 394، با تصرف.

اینکه در فرصت های گوناگون، کارهایی را که دوست نمی دارند نزد فرزندان خود نکوهش و تقبیح می کنند تا بدین وسیله آنها را از اشتغال به آن کارها باز دارند. نتیجه این است که کودک پیش از رسیدن به مرحله نوجوانی، میدان انتخاب شغلش محدود می شود.

5-وضع اجتماعی: وضع اجتماعی خانواده کودک، در میل حرفه ای او تأثیر می کند. بدین معنا که بعضی خانواده ها، شهرت شغل را مهم تر و بیشتر از میل فرزند خود می دانند و از این رو، او را به کاری که شهرت داشته باشد تشویق می کنند اگر چه وی رغبتی برای آن نداشته باشد.

چنانکه امروزه بیشتر بلکه تمام والدین فرزندان خود را به ادامه تحصیلات متوسطه و دانشگاه وادار می کنند زیرا خوشبختی خود و ایشان را در آن می دانند.

6-وضعیت دوستان و خویشاوندان: نوجوان در انتخاب نوع شغل از طرز تفکر و شغل دوستان و خویشان خود متأثر می شود. چه بسا تلقین یک دوست سبب می شود که او به شغلی متمایل شود و سعادت خود را در آن پندارد، مثلاً وقتی دوستانش را می بیند که همگی به تحصیل پزشکی مشغولند او نیز بدون دقت به استعداد و میل خود همان راه را در پیش می گیرد.

7-وضعیت مدرسه: دیگر از عوامل مؤثر در انتخاب شغل، مدرسه است. دانش آموز از چگونگی گرایش معلمان به شغل های گوناگون متأثر می شود. از این رو، مدرسه راهنمایی حرفه ای نوجوانان، مسئولیت بزرگی به عهده دارد.

آموزش حرفه ای در کلاس درس سبب می شود که میدان دید دانش آموزان درباره دنیای کار، وسیع تر گردد. این عمل را می توان به چند شکل انجام داد.

1- خواندن متن هایی درباره انواع گوناگون شغل ها.

2- معلم می تواند جنبه های حرفه ای موضوع و ماده درس را مورد بحث قرار دهد.

3- از صاحبان یا نمایندگان حرفه های مربوط به واحد کار می توان دعوت کرد تا درباره کار خود توضیح دهند. (1)

ص: 201

1- . نیلی پور، مهدی، فرهنگ جوان، ص 445 و 446، به نقل از روانشناسی رشد، ص 238.

8- وضعیت مذهب، اقتصاد، جغرافیای محل و کلی

مرحله انتخاب شغل - آن هم انتخاب واقعی - بعد از سن 17 سالگی است.

این عوامل برای انتخاب شغل مؤثر است:

1- خصایص روانی.

2- خصایص بدنی.

3- تجارب شخصی، کیفیت تربیت.

4- والدین و تشویق و تنبیه آنها.

5- وضع اجتماعی، شهرت شغلی و...

6- دوستان و نزدیکان.

7- مدرسه.

8- وضع عمومی، مالی، محلی، و دین و مذهب. (1)

مهارت های هنر جویی

یکی از مسئولیت های والدین و مربیان جوانان ایجاد اشتیاق و فراهم ساختن فرصت های شغلی و مهارت های فنی و حرفه ای و رونق بخشی به امور معیشت و اقتصاد نسل جوان است.

برای رسیدن به این هدف رعایت این نکات لازم است:

* ایجاد فرصت های شغلی موقت برای نسل جوان و زمینه سازی در جهت تقلیل اوقات فراغت آنان.

* تشویق جوانان به تأمین بخشی از هزینه های زندگی از طریق اقدامات و فعالیت های اقتصادی و کسب درآمدهای شغلی.

* جذب و هدایت سرمایه های محدود جوانان شاغل در تأمین نیازهای داخلی و تحقق امر خود کفایی اقتصادی.

* مشروعیت بخشیدن به مالکیت ناشی از کار و فعالیت جوانان و حق تصرف آنان از درآمدهای ناشی از کار شخصی.

ص: 202

- * استفاده از نیروهای کار آمد جوان در بهره برداری اقتصادی از منابع و ظرفیت های موجود صنعتی و کشاورزی کشور.
- * هدایت تحصیلی و مشاوره شغلی دختران جوان در رشته های خاص و دارای اولویت در نیازهای اجتماعی طبقه زنان.
- * آگاه ساختن جوانان از علل و عواملی که باعث فقر، محرومیت اقتصادی، پیامدهای نامطلوب اجتماعی و اخلاقی آن است.
- * توسعه و گسترش دوره های کارآموزی دانشجویان در مؤسسات فنی و حرفه ای به منظور آماده سازی آنان برای اشتغال دائم.
- * تشویق جوانان به ارتقای سطح دانش فنی، شناخت فنون و تکنیک های پیشرفته جوامع صنعتی در جهت تأمین رشد و توسعه اجتماعی.
- * زمینه سازی علمی، عملی، تجارت فنی و حرفه ای از استاد کاران، کارشناسان مجرب و آزموده حرفه ها و صنایع برای نسل جوان.
- * ایجاد تحول در ساختار تولید روستایی و عشایری به کمک آموزش، ترویج و انتقال تکنولوژی و بهبود سیستم مدیریت و کارآیی.
- * تربیت و پرورش افراد آگاه، کارآمد و ماهر بر اساس نیازهای کمی و کیفی و استعداد و شرایط اقلیمی مناطق مختلف کشور.
- * اهمیت دادن به تکنولوژی و صنایع آموزشی در سطح آموزش های رسمی و تقویت مهارت های فنی جوانان.
- * هدایت استعدادهای فنی و حرفه ای نسل جوان به منظور تمهید مقدمات برای استخدام و اشتغال دائم آنان.
- * اهتمام نسبت به برنامه ریزی علمی و آموزشی متناسب با توسعه علوم، تکنولوژی معاصر، مقتضیات و نیازهای جامعه اسلامی. (1)

نیاز به هنر جویی

قبول این واقعیت که برخی از نوجوانان «درون گرا» بوده و از دنیای خارج

ص: 203

1- . همان منبع، ص 456 و 457، برگرفته از منشور تربیتی جوان.

روی برگردانیده و به سوی خود متوجه می شوند ما را بر می انگیزد که تدبیری در این جهت بیندیشیم.

اگر «درون گرایی» از حد اعتدال تجاوز کند به نوعی «در خود فرو رفتگی عاطفی» می انجامد که اصطلاحاً به آن «اوتیسم» می گوئیم.

مشخصه های اصلی اوتیسم، قطع ارتباط با دیگران، بی تفاوتی نسبت به جریانات و کاهش یافتن تحرک نوجوانان می باشد. مشغولیت هایی که نوجوانان را از خود رها نموده و انرژی های آنان را در یک رشته از کارها و فعالیت ها آزاد نموده و به جریان می اندازد، بهترین زمینه درمانی اوتیسم محسوب می شود. (1)

هنر جویی از نظرگاه آیات و احادیث

اشاره

چشم دل به کلام وحی سپرده و در آیات و احادیثی در این مورد تدبیر و اندیشه می نمایم:

1_ آیات:

«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (2)

«نون، قسم به قلم و آنچه از قلم به نگارش درآید.»

«وَعَلَّمَآءَ صَنَعَهُ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ» (3)

«ما به داوود صنعت زره بافی را آموزش دادیم تا محافظ شما در جنگها باشد.»

«فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا...» (4)

«ما به نوح وحی کردیم: زیر نظر و (آموزش و) وحی ما کشتی بساز...»

ص: 204

1- همان منبع، ص 572، برگرفته از دنیای نوجوان، ص 368.

2- سوره قلم، آیه 1 و 2.

3- سوره انبیاء، آیه 8.

4- سوره مؤمنون، آیه 27.

اشاره

اکنون گفتار راهبران مذهبی امامان شیعه را درباره این موضوع می خوانیم:

الف) مدیریت و نیاز هر صنعتگر

امام صادق(علیه السلام)فرمودند:

هر صنعتگری برای جلب مشتری ناگزیر از داشتن سه خصلت باشد: در کارش مهارت داشته باشد، در کارش امانت دار باشد و رضایت خاطر کسی را که به او سفارش کار داده است به دست آورد.(1)

ب) نکوش شب تا صبح کار کردن

صنعتگران عزیز باید توجه داشته باشند که در شبانه روز با برنامه تلاش و کوشش نمایند و در غیر از ساعات کاری به خواب، استراحت و عبادت پردازند.

امام صادق(علیه السلام)فرمود:

«صنعتگران اگر سراسر شب را کار کنند، در آمدی که به دست می آورند حرام است».(2)

«هر که سراسر شب را به کسب و کار پردازد و حق بهره چشم را از خواب به آن ندهد آن درآمد حرام است».(3)

هنر جویی از نظرگاه بزرگان

اشاره

مشاهیر در فرازهایی از گفتارشان هنرمندی و هنرجویی را ستوده و آن را راز طلایی موفقیت دانسته اند:

الف) آحاد ملت ها در پی کار و تلاش

کار و تلاش برای امرار معاش و بقاء زندگی انسان هاست، انسان هایی که سعادت و خوشبختی را می خواهند همواره تلاش می کنند تا زندگی دنیایشان

ص: 205

1- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ص 3719، ح 10839.

2- . همان منبع، ح 10840.

بهبتر شود و از سوئی باعث رفاه خود و جامعه می گردند. کار، تلاش و کوشش باعث می شود سیستم های عصبی انسان تقویت شود و بسیاری از بیماری ها را در بدن کاهش دهد.

استفن لیکوک می گوید:

«من هوا خواه جدی سعادت و مشاهده می کنم هر چه بیشتر کار می کنم سعادت مند می شوم».

در جوامع بشری امروزی با آنکه کار می کنند از نظر اقتصادی باز هم عقب مانده اند و آن طور که باید و شاید وسایل راحتی شان مهیا نمی شود. وای به حال

کسانی که بیکار هستند و تن به کار نمی دهند.

جان ویل می گوید:

«هیچ انسانی بدون رنج و زحمت به جایی نرسیده است».(1)

(ب) افراد پرکار و بیکار

افراد هر جامعه ای به دو گروه متفاوت تقسیم می شوند. گروه اول افرادی پرکار هستند که سبقت را از همه گرفته و حتی در کارهایشان به افراط کاری دست می زنند، و اما گروه دوم افرادی هستند که بیکاری را پیشه خود کرده و تن به هیچ کاری نمی دهند و توقع دارند که دیگران به آنان کمک و یاری برسانند. درست است که بیکاری جامعه ما را فرا گرفته اما دامن زدن و کار نکردن و تن پروری کار درستی نیست.

تئودروان دلی می گوید:

«کسی که از سرعت پیشرفت زندگی کنونی می ترسد از میان افراط در کار و بیکاری یکی را برگزیند».

شاید شما از جمله افرادی باشید که در مورد هر کاری که هنوز پیش نیامده است ترس دارید. مثل امتحان گواهینامه یا حتی روبرو شدن با رئیس اداره ها.(2)

ص: 206

1- . کاظمی، حکمت اله، نظری گذرا بر افکار اندیشمندان جهان، ص 78.

2- . همان منبع، ص 57.

راستگویی و امانت داری از فرهنگ اخلاقی سرچشمه می گیرد و راهبران مذهبی نسبت به آن تأکید فراوان داشته و آن را یک عمل پرفضیلت برشمرده و ترک آن را نافرمانی از ایزد متعال دانسته اند. از دیدگاه دین مقدس اسلام راستگویی و امانت داری موجب سعادت بشر در دنیا و آخرت می باشد؛ به دلیل آنکه، موجبات استحکام زندگی خانوادگی را فراهم نموده و امنیت اجتماعی را تأمین کرده و اختلاف و نزاع را برطرف ساخته و موجب ازدیاد رزق و همچنین سبب پاداش هایی می گردد که گناهان را می زداید، بر خلاف آن خیانت در امانت و دروغ گویی موجب گناهان بزرگی است که از عواقب آن می توان از دست دادن دوستان با ایمان، ایجاد ناامنی، تنگدستی، عدم روابط صحیح اجتماعی و شیوع بدبینی را نام برد که موجبات سقوط آدمی را به ورطه نابودی فراهم می نماید. خیانت در امانت شامل نمودها و اصل های گوناگونی است که از حیث مالی، ناموسی، آبرویی و علمی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و طی این فرایند مفاسد فراوانی در پی دارد که به بعضی از آنها اشاره کردیم و در صفحات بعدی به طور مشروح مورد بررسی قرار خواهیم داد.

تعریف واژه

امانت معنی وسیعی دارد و هر گونه سرمایه مادی و معنوی را شامل می شود و هر مسلمانی وظیفه دارد که در هیچ امانتی نسبت به هیچ کس (بدون استثنا) خیانت نکند، خواه صاحب امانت، مسلمان باشد، یا غیر مسلمان، و این در واقع یکی از مواد اعلامیه حقوق بشر در اسلام است که تمام انسان ها در برابر آن یکسانند.

راستگویی و ادای امانت دو نشانه بارز ایمان و شخصیت انسان است، حتی دلالت این دو بر ایمان از نماز هم برتر و بیشتر است. ذکر این دو با هم (راستگویی و امانت) به خاطر این است که ریشه مشترکی دارند، زیرا راستگویی چیزی جز امانت در سخن نیست، امانت همان راستی در عمل است. (1)

جایگاه و اهمیت آن

راستگویی و امانت داری از مهم ترین و عالی ترین صفات اخلاقی است که تمامی انبیا و اولیای الهی از آن برخوردار بوده اند. حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه وآله) نیز در کودکی «محمد امین» نامیده شد؛ زیرا در امانت داری شهره آفاق و زبانزد خاص و عام بود. تأکید فراوان قرآن کریم و راهبران دینی دلیل بر اهمیت ویژه آن است.

خصت های راستگویی و امانت داری

اشاره

ویژگی های امانت داری و راستگویی دلیل بر سعادت مندی افراد جوامع گوناگون است، زیرا هر کدام از این آثار تأثیر مستقیم و یا غیر مستقیم بر فرد و اجتماع دارد با هم آن را می خوانیم:

1- آسودگی خاطر

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«راستی مایه آرامش و دروغ مایه تشویش است».

چندی است، دانشمندان دستگاه دروغ سنج ساخته اند که دروغ گویان را به واسطه آشفتگی و تزلزل ناشی از دروغ گویی، شناسایی می نماید؛ به همین دلیل در می یابیم که راستگویی و امانت داری موجب آرامش است و از فضیلت های اخلاقی به شمار رفته و نه تنها عذاب وجدانی را در پی ندارد بلکه وجدانی آرام را می طلبد.

ص: 209

1- . همین مؤلف، راز خوشبختی زن و شوهر، نشر: مرغ سلیمان، سال 1391، ص 194 و 195، برگرفته از آیت اله مکارم شیرازی، یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث.

راستگویی و امانت داری باعث استحکام پیمان ها، عهد ها و معاملات است. اگر پس از منعقد شدن پیمانی در امانتی خیانت شود آن پیمان، عهد نامه و یا معامله فسخ شده و موجبات نقض آن فراهم می گردد. به دلیل آنکه دو طرف عهدنامه یا معامله باید امانت دار بوده و به آن پایبند باشند. پیمان زناشویی نیز از همین قرار است. از این روی شرط اصلی در هر پیمانی راستگویی و وفای به عهد است وگرنه پیمانی که با دروغ گویی و عدم امانت بسته شود هیچ گونه ارزشی نداشته و خود به خود باطل خواهد شد.

3- اعتماد عمومی

اشاره

راستگویی و امانت داری باعث جلب اعتماد عمومی است، بر خلاف آن دروغگویی و خیانت باعث سلب اطمینان و عدم عزت است. بنابراین افراد صادق در اجتماع از مقام و منزلت بیشتری نسبت دیگران برخوردارند.

«جوان امانتدار»

در زمان حکومت «عبدالملک مروان» مردی بازرگان بود که همگان وی را به امانت و درستکاری می شناختند.

او در بازار دمشق به قدری حُسن شهرت داشت و مورد اعتماد مردم بود که صاحبان کالا، متاع خود را به عنوان حَقِّ العمل کاری نزد وی امانت می گذاردند تا به هر قیمتی صلاح می داند، بفروشد.

او در یکی از معاملات خود، از مسیر درستی و امانت منحرف گردید و مرتکب خیانت شد. این خبر به گوش مردم رسید و از آن روز، اعتبار و شخصیت تاجر متزلزل گشت و اعتماد مردم از وی سلب شد. از آن به بعد، به او جنس امانت ندادند.

رفته رفته اوضاع کسب و کارش از هم پاشید و طلبکاران در فشارش گذاردند. فرزند آن بازرگان که جوان فهمیده و بافراستی بود؛ از سرگذشت تلخ پدر

درس عبرت گرفت و از آن واقعه در دناک، تجربه آموخت. او دریافت که تنها یک خیانت ممکن است آبرو و شرف آدمی را بر باد دهد و زندگی با عزت را به بد نامی و ذلت تبدیل نماید. از این رو تصمیم گرفت هرگز پیرامون خیانت و گناه نگردد و همواره پاکی و تقوا را پیشه خود سازد. رفتار پسندیده جوان موجب شهرت و عزتش گردید. در همسایگی آنان سرداری بود که از سوی عبدالملک مأموریت یافت که همراه سربازان مسلمان به جبهه جنگ روم برود. وی پیش از حرکت، آن جوان را طلبید و تمام سرمایه نقد خود را که ده هزار دینار طلا بود به او سپرد و گفت: این طلاها نزد تو امانت باشد.

من به جبهه جنگ می روم، اگر زنده باز گشتم، خودم آنها را دریافت می کنم و پاداش امانت داری تو را می پردازم. و اگر کشته شدم مراقب باش هر گاه دیدی زن و فرزندان من در فشار زندگی قرار گرفتند یک دهم آن را برای خود بردار و بقیه را در اختیار آنها بگذار که آبرومندانه زندگی کنند. پس از چندی سردار نامبرده در جنگ کشته شد.

تاجر شکست خورده، وقتی از کشته شدن همسایه خود آگاه گردید به پسر خود گفت: هیچ کس از طلاهایی که پیش تو امانت است خبر ندارد. من اکنون در فشار و تنگدستی هستم از تو می خواهم که مقداری از آن را به من بدهی، هر وقت در زندگی ام گشایشی پیدا شد به تو بر می گردانم. جوان امانت دار گفت: پدر! تو از خیانت و نادرستی به این روزگار سیاه گرفتار شده ای. به خدا سوگند، اگر اعضای بدنم را تکه تکه کنند، من در امانت خیانت نخواهم کرد و موجبات بدبختی خود را فراهم نمی آورم.

مدتی گذشت، بازماندگان سردار مقتول، پریشان و تنگدشت شدند، نزد جوان آمدند و از وی خواستند که نامه ای از جانب آنان برای عبدالملک بنویسد و فقر و تهیدستی آنها را به آگاهی خلیفه برساند، شاید کمکی به آنها بشود. جوان نامه را نوشت و تسلیم آنان کرد. اما نتیجه نداشت. زیرا عبدالملک پاسخ داده بود که هر کس کشته شود، نامش از دیوان بیت المال حذف می گردد. وقتی جوان امانت دار از جواب عبدالملک و ناامیدی و بیچارگی بازماندگان سردار مقتول آگاه شد با خود گفت: اکنون زمان آن رسیده است که طلاها را در اختیار آنان بگذارم و آنان

را از فقر و تنگدستی رها سازم. از این رو، فرزندان افسر را به منزل خود فرا خواند و گفت: پدر شما نزد من مقداری پول طلا به امانت گذارده و سفارش کرده است که در روز تنگدستی آن را در اختیارتان بگذارم و یک دهمش را برای خود بردارم. فرزندان از شنیدن این خبر بسیار خوشحال شدند و گفتند: ما دو برابر وصیت پدر را به شما خواهیم داد، جوان پول ها را آورد آنها دو هزار دینار به وی دادند و هشت هزار دینار را با خود بردند. چند روزی از قضیه گذشت عبدالملک از زندگی آنان پرسش نمود.

این واقعه را به آگاهی خلیفه رساندند. عبدالملک خیلی تعجب کرد، بی درنگ جوان را فرا خواند و از مراتب درستکاری و امانت وی بسیار قدردانی نمود و پست خزانه داری کشور را به او سپرد و گفت: من هیچ کس را نمی شناسم که مانند تو شرط درستی و امانت را به جای آورده باشد.

4- رشد اقتصادی و فرهنگی جامعه

امانت داری و استفاده صحیح از سرمایه های حیات برای تعهد به دین و حس مسئولیت در قبال مردم باعث شکوفایی اقتصادی و فرهنگی جامعه است؛ بر خلاف آن خیانت در امانت باعث بیماری اقتصادی و فرهنگی بوده و افراد خیانتکار در اقتصاد جامعه خلل وارد ساخته و رکود آن را رقم می زنند.

بی گمان در فرهنگ نیز وضعیت به همین منوال است زیرا عدم فرهنگ و عدم توافق و تفاهم اخلاقی در خانواده که موجب روابط ناسالم بین آنها می گردد موجب فروپاشی خانواده بوده و از سویی آثار نامطلوب اجتماعی نیز در پی دارد.

5- عزت نفس

افراد هر ملتی به علت راستگویی و امانت داری از عزت نفس و بزرگی برخوردار بوده و نزد دیگران محترمند.

یکی از مراجع بزرگ تقلید استاد اعظم شیخ مرتضی انصاری رحمه الله بود که در سال 1281 هجری قمری در نجف اشرف از دنیا رفت و مرقد شریفش در

همانجا واقع شده و دو کتاب معروف درسی حوزه های علمیه به نام مکاسب و رسائل از تألیفات اوست. ایشان در نجف اشرف زندگی می کرد در زمان حیات وی شخصی در عالم خواب شیطان را دید که بسیار خشمگین است و طناب های ضخیم و نازک و زنجیرهای مختلف و محکم در دست دارد و محکم ترین قسمت آن پاره شده است. از شیطان پرسید: این ها چیست؟ چرا پاره شده است؟ چرا خشمگین هستی؟ شیطان در پاسخ گفت: به سوی شیخ انصاری رحمه الله رفتم تا با این طناب ها او را به سوی خود بکشانم، ولی نتوانستم و در هر بار که طناب را می کشیدم پاره می شد تا هفت بار او را کشیدم ولی هفت طناب پاره گردید از او مأیوس شدم.

آن شخص می گوید: به شیطان گفتم زنجیر یا طناب مرا نیز به من نشان بده! گفت: کسی مثل تو نیاز به طناب و زنجیر ندارد. با یک اشاره می آیی. از خواب بیدار شدم و نزد استاد اعظم شیخ انصاری رحمه الله رفتم و داستان خواب خود را برای او تعریف کردم. شیخ انصاری رحمه الله شکر خدای را به جا آورد و گفت دیشب برای درد زایمان همسرم نیاز به پول پیدا کردم ولی پول نداشتم جز پولی که شخصی آن را به عنوان امانت نزد من گذارده بود، رفتم کنار طاقچه تا مقداری از آن پول را به عنوان قرض بردارم، ولی احتیاط کردم که آیا صاحبش راضی است؟!

این موضوع تا هفت بار تکرار شد، پس از آن تصمیم گرفتم که بر ندارم، خداوند زایمان همسرم را آسان گردانید و نیاز به پول پیدا نکردم، شاید تعبیر خواب تو همین باشد.

6- مانع اختلاف خانوادگی

امانت داری زن و شوهر در زمینه هم رازی باعث تحکیم روابط زناشویی می گردد، به دلیل آنکه اکثر اختلافات زن و شوهر حول این محور می گردد.

7- فضیلت

اشاره

حدود 10 آیه در قرآن در باب امانت داری و آیات فراوان دیگر در باب

ص: 213

راستگویی و احادیث مکرر از ائمه هدی (علیهم السلام) نشان از معنویت این فضیلت اخلاقی است.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«هنگامی که خدا بنده ای را دوست می دارد، امانت داری را در نظرش دوست داشتنی می سازد».⁽¹⁾

از ژرفای سیره اولیاء

هنگامی که امام علی (علیه السلام) زمام امور حکومت را به دست گرفت در مسجد پیامبر (صلی الله علیه وآله) در حضور مردم، بالای منبر رفت، پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

ای مردم! سوگند به خدا، من از بیت المال، درهمی را برای خود برنداشتم و درهمی از اموال شما را کم ننمودم، مطمئن باشید که تا یک نخله خرمای در مدینه داشته باشم، از بیت المال شما استفاده نمی کنم. وجدان خود را قاضی قرار دهید.

آیا مرا آن گونه می نگرید که شما را از حقتان باز دارم؟ عقیل، برادر علی (علیه السلام) که در آن جا بود برخاست و گفت:

« سوگند به خدا تو مرا با یک غلام سیاه در مدینه، مساوی قرار دادی».

امام علی (علیه السلام) به او فرمود: «بنشین، آیا در این جا غیر از تو کسی نبود که حرف بزند، تو بر غلام سیاه هیچ گونه برتری نداری جز به سابقه نیک و یا به تقوا».⁽²⁾

8- موجب مغفرت

امانت داری موجب آمرزش و مغفرت شده، از این روی خداوند بزرگ می فرماید:

«إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»

«به درستی که خوبی ها و نیکی ها، گناهان را از بین می برد».

خداوند در قرآن کریم به طور مکرر سفارش به کاربرد این دو فضیلت

ص: 214

1- نیلی پور، مهدی بهشت اخلاق، ج 2، ص 467.

2- رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج 1، ص 103.

اخلاقی در صحنه زندگی کرده است و راستگویان و امانت داران را از جمله خوبان بر شمرده است؛ زیرا «خیانت با ایمان سازگار نیست، و لازمه ایمان صداقت و امانت داری است»⁽¹⁾.

شخصیت راستگویان و امانت داران (راز سعادت)

اشاره

امانت داران و راستگویان در الفبای شخصیتی خویش نمودها و اصول زیر را پس از شناخت به کار می گیرند تا در ردیف سعادت‌مندان دو عالم باشند:

1- اعتقاد

آنان سرشار از ایمان به ایزد متعال بوده و به وسیله آن صادق و امین هستند. به عبارت ساده، با سازندگی خویش از رذیلت هایی چون دروغگویی و خیانت در امانت دوری می جویند.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«برترین ایمان امانت داری است و زشت ترین اخلاق خیانت ورزی است»⁽²⁾.

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«کسی که امانتدار نباشد ایمان ندارد»⁽³⁾.

2- رهروی از راهبر

اشاره

آنان به وسیله پیروی از راهبران مکتب و شناخت و کاربرد سخنان آنان سرلوحه دیگران شده اند، بدین جهت یکی از دستورات مؤکد دین مبین اسلام فضیلت و برتری افراد صادق و امین در بین ملت ها است.

ص: 215

1- . همان منبع، ص 105.

2- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 1، ص 409.

3- . همان منبع، ص 411.

آقای صدرا اراکی از مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمه الله نقل می کند؛ که فرمود: «زمانی که من در اراک بودم، به چند نفر درس می دادم. در میان شاگردها سیدی بود که می دانستم درس را خوب درک نموده و درست می فهمید. من از او خوشم آمد و دوست داشتم که او را یک روز نهار دعوت کنم. تا آن که روزی به او گفتم که شما یک روز برای صرف نهار به منزل ما تشریف بیاورید. گفت: قبول می کنم با این شرط که چیزی به غذای معمولی همه روزه خودتان اضافه نکنید من هم قبول کردم و قرار شد روز جمعه بیاید اما من یادم رفته بود و دعوت ایشان را فراموش کرده بودم.

ایشان روز جمعه آمدند. ما آن روز برای نهار، نان با پیاز داشتیم من دیدم این غذا مناسب مهمان نیست. ناچار مقداری پول امانت نزد من برداشتم و دو سیخ کباب از بیرون خریدم و سر سفره گذاشتم. آقا از آن کباب ها میل نکرد گفت: شیخ من با تو شرط کردم که غذای حاضری زیادتری آماده کنید. تو چرا به آن شرط عمل نکردی و پول کباب را از امانت مردم دادی؟

بالاخره نان را با پیاز خورد و رفت بعد از آن من هر چه کردم آقا را ندیدم و نفهمیدم که کی بود و کجا رفت؟ و چگونه می دانست آن پول امانت است؟!»(1)

3- عدم ستوه و رنجش

آنان به ستوه نیامده و رنجیده خاطر نیستند، به دلیل آنکه کسانی از مشکلات فراوان رنج برده و عذاب وجدان دارند که دروغگو و خیانتکار هستند. به عبارت دیگر؛ افراد امین و صادق، آشفستگی و تزلزل به خود راه نمی دهند و با ستوه، الم و رنج بیگانه هستند زیرا صداقت و امانت داری موجب آسودگی خاطر است.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«شخص به ستوه آمده و رنجیده را امین مشمار».(2)

ص: 216

1- . رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج 1، ص 103.

2- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 1، ص 413.

4 - عدم شراب خواری

امین و صادق از شراب خواری دوری می جویند زیرا گناهان بزرگی چون شراب خواری باعث عدم لیاقت، قابلیت و توفیق آنان در صداقت و امانت می گردد.

پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله)فرمود:

«هر کس بدانند کسی شراب خوار است و با این حال به او امانتی بسپرد خداوند ضامن او نیست، و مزد و عوضی به او نخواهد داد».(1)

5 - عدم منافق صفتی

منافق، دورو و رویه صفت است، بدین جهت خیانت در امانت می کند. او نزد متدین خود را مؤمن نشان داده و نزد بی دین به گناه می پردازد.

بدین دلیل برای او گناهی چون خیانت در امانت و دروغ گویی سهل است زیرا، امانت داری و راستگویی یک رنگی را می طلبد.

امام علی(علیه السلام)فرمود:

«خیانت کاری سره منافق صفتی است».(2)

6 - کراهت دوستی با دروغگو

از امام صادق(علیه السلام)نقل کرده اند که فرمود:

امیرالمؤمنین(علیه السلام)که بین شما بود وقتی به منبر می رفت. می فرمود: شایسته است که مسلمان از دوستی دروغگو پرهیزد. زیرا زندگی با دروغگو گوارا نیست، حرف تو را نزد دیگران و حرف دیگران را نزد تو می آورد، هر گفتاری به پایان می رسد گفتار دیگری به دنبال آن ذکر می کند و آن قدر دروغ می گوید که حتی اگر راست بگویند نمی توان او را تصدیق کرد. اخبار مردم را نزد دیگران

ص: 217

1- . همان منبع.

2- . حرّ عاملی، محمد بن حسن، العشره، وسائل الشیعه، مترجم: محمدعلی مقدس، نشر مبارک، سال 1387، صد 38.

می برد و بین آنها ایجاد دشمنی می کند، و در دل ها درخت کینه می نشاند. (1)

میسر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: برای انسان (مسلمان) شایسته نیست که با فاجر و نیز احمق و دروغگو دوستی کند. (2)

شخصیت دروغگو

اشاره

اکنون به بررسی شخصیت دروغگو می پردازیم. برای این کار دو نمود و اصل را مورد بررسی قرار می دهیم:

الف) انواع دروغ

دروغ از گناهان کبیره است و نه تنها در قرآن و شرع مقدس مذمت شده و عذاب قطعی دارد، بلکه زشتی اش در عقل و منطق روشن است. علاوه بر این، با دروغ در روابط اجتماعی، اعتماد سلب می شود و در بی اعتمادی، نتایج و مشکلات فراوانی در روابط اجتماعی پدید می آید.

دروغ در گفتار: همان سخن دروغ است و در قرآن کریم اشاراتی در این باره داریم؛ چون سوره نور، آیه هفتم که باری تعالی می فرماید:

«أَنْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ»

«لعنت خدا بر او باد اگر از دروغ گویان باشد».

و در سوره حج، آیه سی ام می فرماید:

«وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»

«از گفتار باطل اجتناب ورزید».

غیر از حرمت دروغ بحث در این است که جرأت بر دروغ در ابتدای کار موجب انحراف نفس از واقعیت و غفلت از حق و پوشانیدن آن می شود و مداومت بر این کار موجب حصول ملکه کذب می شود که از زشت ترین و خبیث ترین ملکات است خداوند در سوره زمر، آیه سوم، می فرماید:

ص: 218

1- حرّ عاملی، محمد بن حسن، العشره، وسائل الشیعه، مترجم: محمدعلی مقدس، نشر مبارک، سال 1387، صد 38.

2- همان منبع.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ».

«خدا آن کسی را که دروغ پرداز ناسپاس است هدایت نمی کند».

دروغ در عمل: موقعی است که در ظاهر، اعمالی از انسان سرزند که دلالت بر خوبی او کند ولی در باطن این طور نباشد. و خلاصه ظاهر و باطن او یکی نباشد

و در نتیجه صدق و راستی که همان یکی بودن ظاهر و باطن است ندارد.

دروغ در اخلاق: این است که کسی مدعی خوف از خدا و شکر و تسلیم یا تظاهر به خوب بودن کند، اما در باطن چنین نباشد. (1)

ب) دروغ و خیانت

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«يُطْبِعُ الْمُؤْمِنُ عَلَى كُلِّ خَصَلَةٍ، وَلَا يُطْبِعُ عَلَى الْكَذِبِ وَلَا عَلَى الْخِيَانَةِ» (2).

«مؤمن هر خوبی می تواند داشته باشد (گاهی ممکن است به خاطر کمی تقوا از مؤمن سر بزند) ولی به دروغ و خیانت خوی نگیرد».

در احادیث ما به مسأله دروغ و خیانت اهمیت زیادی داده شده است، از جمله در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) که فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ».

«خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر به راستگویی و برگرداندن امانت به نیکوکار و بدکار» (3).

شاید اشاره به این است که راستگویی و ادای امانت جزء قوانین همه انبیا بوده و شاید استثنا به خاطر این است که مؤمن تابع هر دینی باشد در آن دین دروغ و خیانت ممنوع است و یا اشاره به آیه ای است که می فرماید:

«إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ».

ص: 219

1- . بهشتی، محمود، سلامتی تن و روان، نشر: پارسایان، چاپ 1379.

2- . حرانی، ابو محمد، تحف العقول، ص 92 و 93، حکمت 150.

3- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 1، ص 211، ح 1499.

«تنها کسانی دروغ می‌بندند که به آیات خدا ایمان ندارند».

خیانت نوعی دروغ در عمل است همان‌طور که دروغ نوعی خیانت در گفتار است. یا ممکن است اشاره به این باشد که این دو عمل اساس زندگی انسان را متزلزل می‌کند، زیرا تشکیل جامعه انسانی بر اساس اعتماد است که اگر نباشد، جامعه وجود ندارد و دروغ، این سرمایه را از بین می‌برد. یا ممکن است اشاره به این باشد که دروغ و خیانت کلید گناهان دیگر است انسان اگر دروغ بگوید می‌تواند تقلب، کلاه برداری و خیانت کند.

جوانی خدمت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) آمد و عرض کرد: آلوده گناه هستم چه کنم؟

فرمود: به من قول بده که یک گناه را انجام ندهی و آن دروغ است.

عرض کرد: ترک می‌کنم. جوان می‌خواست گناه کند، ولی فکر کرد که فردا وقتی پیامبر می‌رسد حضرت سؤال خواهد کرد گناه کردی یا نه؟ اگر دروغ بگوید، که گناه کرده و اگر راست بگوید رسوا می‌شود، آن جوان به واسطه ترک دروغ گناهان دیگر را هم ترک کرد. (1)

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود:

«جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبُ».

«تمام بدی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن دروغ است» (2).

وقتی این کلید از بین برود گناهان دیگر هم از بین می‌رود.

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود:

« لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ حَجِّهِ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طَنْطَنْتِهِمْ بِاللَّيْلِ، وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ».

اگر می‌خواهید افراد را بشناسید از طریق عبادات، آنها را شناسید که نماز و روزه و حج شان زیاد است و اینکه در دل شب بیدار می‌شوند و از خوف خدا نعره می‌کشند، بلکه از ادای امانت و راستی گفتار آنها را بشناسید. (3)

ص: 220

1- آیت العظمی مکارم شیرازی، گفتار معصومین، ص 34، برگرفته از میزان الحکمه، ج 8، ص 344.

2- همان منبع.

3- همان محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 1، ص 408 و 409، ح 1490، گفتار معصومین، ص 34.

او در گفتار دیگری فرمود: هر گاه مؤمنی بدون (عذر شرعی) دروغ بگوید، هفتاد هزار فرشته او را لعنت می کنند، و از دهانش بوی تعفن و گندی بر می آید که تا عرش رسد، و حاملان عرش نیز وی را لعنت کنند. (1)

از آن حضرت پرسیدند: آیا ممکن است مؤمن ترسو باشد؟

فرمود: آری، پرسیدند: و بخیل باشد؟ فرمود: آری.

پرسیدند: و دروغگو باشد؟ فرمود: نه. (2)

ج) چه مواقعی دروغ گفتن جایز است!!!

مخفی نماند که در چند موضوع، دروغ را تجویز کرده اند:

اول: در جایی که اگر مرتکب دروغ نشود مفسده ای بر آن مترتب شود، یا ضرری به خود برسد، یا باعث قتل مسلمانی یا بر باد رفتن عرض او یا آبروی او یا مال محترم او بشود، که در این صورت جایز بلکه واجب است. پس اگر ظالمی کسی را بگیرد و از مال او بپرسد جایز است انکار کند. یا جابری او را بگیرد و از عمل بدی که میان خود و خدا کرده باشد سؤال کند جایز است که بگوید نکرده ام. و همچنین هر که بپرسد از کسی از معصیتی که از او صادر شده باید اظهار آن نکند، زیرا اظهار گناه گناهی دیگر است. و اگر از عیب یا مال مسلمانی از او استفسار کنند جایز است انکار آن بلکه در همه این صورت واجب است.

دوم: در وقتی که میان دو کس ملال و فساد باشد جایز است که کسی از برای اصلاح میان ایشان، دروغی از زبان هر یک به دیگری بگوید تا رفع فساد بشود و همچنین هر گاه از خود شخصی سخنی سرزده باشد یا عملی صادر شده باشد که اگر راست بگوید باعث فتنه یا عداوت مؤمنی یا فساد شود که انکار آن جایز است و اگر کسی مکدر شده باشد و رفع آن موقوف باشد به انکار سخنی که گفته باشی یا عملی که کرده باشی انکار آن نیز جایز است.

ص: 221

1- . همان جامع السعادات، ج 2، ص 425.

2- . همان.

سوم: هر گاه زن، چیزی از شوهر بخواهد که قادر نباشد یا قادر باشد اما بر او واجب نباشد، جایز است به او وعده دهد که می گیرم، اگر چه قصد او نباشد گرفتن آن و نگیرد. و همچنین هر گاه کسی را که زنان متعدده باشد جایز است که به هر یک بگوید من تو را دوست دارم، اگر چه مطابق واقع نباشد.

چهارم: هر گاه طفلی را به شغلی مأمور سازی و او رغبت به آن نکند، از مکتب رفتن یا شغل دیگر جایز است که او را وعده دهی یا بترسانی که با تو چنین و چنان خواهم کرد، اگر چه منظور تو کردن آن نباشد.

پنجم: در جهاد و مبارزه با اعداء اگر به دروغ، خدعه توان نمود که سبب ظفر یافتن بر دشمنان دین شود و حاصل کلام آن است که در هر موضعی که فایده شرعی بر آن مترتب شود و تحصیل آن موقوف به کذب باشد جایز است دروغ گفتن و اگر بر ترک دروغ، مفسده شرعی مترتب شود واجب می شود. و باید از حد ضرورت و احتیاج، تجاوز نکرد. و دروغ گفتن در تحصیل زیادتی مال و منصب و امثال اینها از چیزهایی که آدمی مضطر به آنها نیست حرام، و مرتکب آن گناهکار است. (1)

(و) توبه

توبه یعنی سخنی بگویی که ظاهر معنی آن راست باشد اگر چه آنچه را شنونده از آن می فهمد دروغ باشد تا نفس عادت به دروغ نکند. مثل اینکه بعد از آنکه ظالمی از مکان کسی سؤال کند، بگو خدا بهتر می داند که کجاست. یا علم غیب نزد خداست. یا بگو سراغ او را در مسجد بکن، اگر دانی که در مسجد نیست. (2)

محاربی از امام صادق 7 و او از پدرانش نقل می کند که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«سه چیز است که دروغ گفتن در آنها خوب است:

حیله در جنگ و وعده دادن تو به همسرت (3) و اصلاح میان مردم.

ص: 222

1- . نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، نشر: قائم آل محمد، چاپ ششم، ص 460.

2- . همان.

3- . مثلاً در هنگام تنگدستی وعده ای بدهی که موجب طلاق و جدایی نشود.

و سه چیز است که راست گفتن در آنها بد است:

سخن چینی و دادن خبر ناگوار به کسی درباره خانواده اش و تکذیب خبر دیگران و...» (1)

ی) دروغ مصلحت آمیز

در روزگاران گذشته، یکی از مخالفان حکومت را دستگیر کرده و به عنوان اسیر نزد حاکم بردند.

پادشاه بعد از شناختن او به کشتن او فرمان داد، آن بیچاره وقتی از جان خود نا امید شد، با زبان خود به پادشاه ناسزا و سخنان زشتی گفت و چنان که معروف است:

هر که دست از جان بشوید هر چه در دل دارد بگوید

پادشاه پرسید: او چه می گوید؟

یکی از وزرای مصلحت اندیش و فهمیده گفت: «قربان! او آیه قرآن می خواند و می گوید: «وَ الكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» (2)

انسان های مؤمن و پرهیزگار خشم خود را فرو می برند و از خطای مردم می گذرند.

پادشاه با شنیدن این کلام نورانی بر سر رحم آمده و او را بخشید وزیر دیگری که آنجا حضور داشت و با وزیر اول مخالف بود، اظهار داشت:

«ای پادشاه! برای امثال ما که در خدمت دستگاه سلطنت هستیم، دروغ گفتن شایسته نیست، این بی ادب شما را دشنام داده و ناسزا گفت.»

امیر گفت: آن کلام دروغ بهتر از این سخن راست توست، زیرا او بر اساس مصلحت گفت و تو بر پایه خبث باطنی، و حکما گفته اند: دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز» (3).

ص: 223

1- . شیخ صدوق، الخصال، مترجم: یعقوب جعفری، نشر: اندیشه هادی، چاپ اول، ص 137.

2- . آل عمران، آیه 134.

3- . سمّامی، محمد، داستان های شگفت انگیزی از قرآن، نشر: کاک، چاپ اول، ص 32 و 33، برگرفته از گلستان سعدی، باب اول.

ما در یک گروه بندی امانات را به پنج دسته تقسیم نموده ایم. در این دسته بندی سعی نموده ایم تمامی انواع امانات را در آن جای دهیم که امیدواریم با به کار گیری آن در تمامی مراحل زندگی، سرلوحه باشیم. با هم می خوانیم:

الف) امانات حق

ب) امانات سیاسی

ج) امانات اقتصادی و تجاری

و) امانات خانوادگی

ی) امانات فرهنگی

الف) امانات حق

باید دانست که حق تبارک و تعالی تمام قوا و اعضای ظاهریه و باطنیه را به ما مرحمت فرموده و بسط بساط نعمت و رحمت در مملکت ظاهر و باطن ما فرموده و در تحت قدرت ما تمام آنها را مسخر فرموده و اینها را به رسم امانت مرحمت فرموده، در صورتی که تمام آنها پاک و پاکیزه و طاهر از قذارات صورتیه و معنویّه بودند و آنچه از عالم غیب برای ما نازل فرموده تمام آنها مطهر از آلائش بوده اند.

پس اگر ما در وقت ملاقات آن ذات مقدس آن امانات را بدون آلائش به عالم طبیعت و قذارات مُلک و دنیا به او رد کردیم امین در امانت بودیم و الا خیانت کار بودیم، از اسلام حقیقی خارج و از ملت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بیرون هستیم.

و در حدیث مشهور است که:

«قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَانِ»

و در حدیث قدسی معروف است:

«لَا يَسْعُنِي أَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَلَا لَكِن يَسْعُنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ».

دل مؤمن عرش و سریر سلطنت حق و منزلگاه آن ذات مقدس و صاحب دل ذات مقدس است.

عشق به غیر حق تعالی خیانت به حق است و حبّ به غیر ذات مقدّس و خاصّان او که حبّ اوست، خیانت است. در مشرب عرفان، و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت و دوستی خاندان رسالت و عرفان مقام مقدس آنها امانت حقّ است چنانچه در احادیث شریفه کثیره امانت را در آیه تفسیر فرموده اند به ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و چنانچه غضب ولایت و سلطنت آن حضرت خیانت به امانت است، ترک تبعیّت آن بزرگوار از مراتب خیانت است، و در احادیث شریفه وارد است که:

«شیعه کسی است که تبعیت کامل کند و الاّ مجرد دعوی تشیع بدون تبعیّت، تشیع نخواهد بود».

بسیاری از خیالات از قبیل اشتباهی کاذب است. به مجرد آنکه در قلب خود دوستی از حضرت امیر (علیه السلام) و اولاد طاهرینش دیدیم مغرور به این دوستی می شویم و گمان می کنیم با ترک تبعیّت این دوستی محفوظ می ماند. چه اطمینان است که اگر انسان مراقبت نکرد و آثار دوستی را ترک کرد این دوستی باقی بماند؟ ممکن است در آن فشارهای سكرات که از برای غیر مؤمنین و مخلصین می باشد انسان از دهشت و وحشت، علی بن ابی طالب (علیه السلام) را فراموش کند.

در حدیث است که «یک طایفه از اهل معصیت در جهنم معدّبند و اسم رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را فراموش کنند تا بعد از آنکه مدت عذاب سر آید و از قذارات گناه تطهیر و تخلیص شوند، اسم مبارک آن حضرت به یادشان آید یا به آنها القاء شود. پس فریاد آنها به وا محمّدا بلند شود و مورد رحمت واقع شوند».⁽¹⁾

(ب) امانات سیاسی

دولت های عادل که برخاسته از توده مردم هستند در سیاست های مشروع خویش مردم جامعه را امانات الهی می دانند و همیشه تلاش می کنند موجبات آسایش و آسودگی خاطر آنان را فراهم نمایند.

ص: 225

1- . امام خمینی (ره) چهل حدیث، نشر: فرهنگی رجا، چاپ دوم، ص 401 و 402.

امانات اقتصادی رکن مهمی از امانت داری را به خود اختصاص داده است. بنابراین برگرداندن چنین اماناتی به صاحبانش از اهمیت خاصی برخوردار است چنانکه سخنان مشاهیر، پند دانان دنیا و راهبران مذهبی گواه این مدعاست؛ داستان زیر گویای امانات تجاری و اقتصادی است که با هم می خوانیم:

عبدالرحمن پسر سیّابه می گوید:

هنگامی که پدرم از دنیا رفت، یکی از دوستانش به خانه ما آمد. پیش او رفتم.

مرا تسلیت داد و گفت: عبدالرحمن! آیا پدرت چیزی از خود بر جای گذاشت؟ گفتم: نه!

در این وقت کیسه ای که هزار درهم در آن بود به من داد و گفت: این پول به عنوان امانت نزد تو باشد و آن را برای خود سرمایه ای قرار بده و سود آن را به مصرف احتیاجات خود برسان، اصل پول را به من برگردان. من با خوشحالی نزد مادرم رفتم و جریان را به او خبر دادم.

شب که شد پیش یکی از دوستان پدرم رفتم. او برایم مقداری قماش خرید و مغازه ای برایم تهیه کرد و من در آنجا به کسب و کار مشغول شدم. خداوند هم برکت داد و روزی زیادی نصیب من شد. تا اینکه موسم حج فرا رسید.

به دلم افتاد به زیارت خانه خدا بروم. اول نزد مادرم رفته و گفتم مایلیم به حج بروم. مادرم گفت: اگر چنین تصمیم داری، پول فلانی را بده. سپس به مکه برو.

من آن پول را آماده کردم و به آن مرد دادم، چنان خوشحال شد که گویی پول را به او بخشیده ام؛ چرا که انتظار پرداخت آن را نداشت. آن گاه به من گفت:

شاید این پول کم بود که برگرداندی، اگر چنین است بیشتر به تو بدهم. گفتم: نه! دلم می خواهد به مکه بروم از این رو مایل بودم اول امانت شما را بازگردانم.

بعد از آن به مکه رفتم. پس از انجام اعمال حج به مدینه بازگشتم و به همراه عده ای خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم.

چون من جوان و کم سن و سالی بودم در آخر مجلس نشستم.

هر یک از مردم سؤالی می کردند و حضرت جواب می داد.

همین که مجلس خلوت شد، نزدیک رفتم.

فرمود: کاری داشتی؟

عرض کردم: فدایت شوم! من عبدالرحمن پسر سیّابه هستم.

فرمود: حال پدرت چگونه است؟ عرض کردم: از دنیا رفت!

امام صادق (علیه السلام) خیلی افسرده شد و برای او طلب رحمت کرد و سپس فرمود: آیا از مال دنیا چیزی به جای گذاشته است؟

گفتم: نه! چیزی از خود به جای نگذاشته است.

فرمود: پس چگونه به حج رفتی؟

من داستان رفیق پدرم و هزار درهم را که به من داده بود، به عرض حضرت رساندم.

امام (علیه السلام) مهلت نداد سخنم را تمام کنم. در میان سخنم پرسید:

هزار درهم پول آن مرد را چه کردی؟

عرض کردم: به صاحبش رد کردم.

فرمود: آفرین کار خوبی کردی. آن گاه فرمود: می خواهی تو را سفارش و نصیحتی کنم؟ عرض کردم: آری! امام (علیه السلام) فرمود:

«عَلَيْكَ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ اِدَاءِ الْاَمَانَةِ...»؛ همواره راستگو و امانت دار باش.... اگر به این وصیت عمل کنی، در اموال مردم شریک

خواهی شد. در این هنگام میان انگشتان خود را جمع کرد و فرمود: این چنین شریک آنها می شوی.

عبدالرحمن می گوید: من سفارش آن حضرت را مراعات نموده و عمل کردم. در نتیجه وضع مالیم خوب شد و به جایی رسید که در یک

سال سیصد هزار درهم زکات پرداختم. (1)

ص: 227

1- . مرحوم مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 47، ص 348. و مرحوم مجلسی، محمد باقر، داستان های بحار الانوار، ج 2،

مترجم: محمود ناصری، ص 188-190.

و) امانت خانوادگی

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: چهار چیز است که هر کس از آن بهره بردارد، از نیکی دو جهان بهره ور است، (از آن جمله) زنی که به ناموس و مال وی خیانت نکند. (1)

امانت داری از جمله خصلت های شایسته یک زن است، زن امین موجبات آسودگی خاطر همسر خویش را فراهم می نماید و شوهر او نیز با دلگرمی و اطمینان خاطر به کسب و کار و فعالیت می پردازد و بدین جهت باعث استحکام خانواده شده و از سویی جامعه با ثبات تر می گردد. (2)

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در حجه الوداع فرمود: « من در این سرزمین به شما سفارش می کنم که به زنان نیکی کنید؛ زیرا آنان امانت های الهی در دست شما هستند، و با قوانین الهی بر شما حلال شده اند». (3) «زن امانت خدا نزد شوهر است». (4)

ی) امانات فرهنگی

امانات فرهنگی به آن گونه اماناتی می گویند که نزد اهل فرهنگ به ودیعه گذارده شده است. مانند کتاب یا جزوه ای که نزد دانشجویی به امانت سپرده شده و او حق کپی برداری و تکثیر آن را ندارد. بنابر این دانشجوی امانت دار باید تا لحظه ادای امانت از آن حراست نماید.

فراگیری روش های امانت داری و راستگویی

علمی :

1- شناخت امانت داری و راستگویی و ویژگی های آن.

ص: 228

1- . حیدری، حمیده، وظایف زنان از زبان معصومین، ص 67.

2- . همان.

3- . سبحانی، جعفر، فروع ابدیت، جلد دوم، نشر: دفتر تبلیغات اسلامی، سال 1371، ص 464.

4- . شکرانی، علویه، زن موجود ناشناخته، نشر: معصومه، سال 1370، ص 363.

2- شناخت مفاسد خیانت در امانت و دروغ گویی.

3- مطالعه سیره افرادی که در تاریخ به امانت داری و صداقت شهره آفاق بوده اند.

عملی:

1- تقویت ایمان به خدا و روز باز پسین.

2- تقویت روحیه وفاداری، امانت داری و راستگویی.

3- تضعیف و از بین بردن روحیه منافق صفتی و دورنگی.

4- اهمیت دادن به امانت ها و صداقت به ویژه در وقت آن.

5- درخواست توفیق الهی برای اینکه بر اثر تداوم صداقت و امانت داری، عادتی پسندیده و ممدوح برای تمامی عمر باشد.

لزوم امانت داری از دیدگاه قرآن کریم

اشاره

با هم آیاتی چند از قرآن کریم را درباره لزوم امانت داری تلاوت می کنیم. امیدواریم با چشم روشن بین صداقت و امانت داری در پرتو ایمانی محکم داشته باشیم.

الف) اهمیت حفظ امانت

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که می دانید (این کار گناه بزرگی است)!(1)

ب) اهمیت باز گرداندن امانت

«خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزهای خوبی به شما می دهد! خداوند، شنوا و بیناست».(2)

ص: 229

1- . سوره انفال، آیه 27.

2- . سوره نساء، آیه 58.

ج) امانت داری از صفات مؤمنین

«وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (1)

(و آنها (مؤمنین کسانی هستند که) امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند).

د) امین بودن انبیاء

«أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتٍ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ» (2)

(رسالت های پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم، و من خیر خواه امینی برای شما هستم).

ه) امین بودن کارگر

یکی از آن دو دختر گفت: پدرم او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است) (3)

ی) لزوم مراعات امانت در تجارت

و به سوی مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم) گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید که جز او معبودی ندارید! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است، بنابراین حق پیمانانه و وزن را ادا کنید! و از اموال مردم چیزی نگاهید! و در روی زمین، بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید! (4)

ص: 230

1- . سوره معارج، آیه 32.

2- . سوره اعراف، آیه 68.

3- . سوره قصص، آیه 26.

4- . سوره اعراف، آیه 85.

لزوم امانت داری و راستگویی از نظرگاه امام صادق (علیه السلام)

1 - امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

نگاه به رکوع و سجود طولانی افراد نکنید، چرا که ممکن است عادت آنها شده باشد، به طوری که اگر آن را ترک کنند، ناراحت شوند ولی نگاه به راستگویی و اداء امانت آنها کنید. (1)

در منابع اسلامی به قدری درباره این موضوع تأکید شده که در مورد سایر احکام کمتر دیده می شود.

2_ در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: اگر علی (علیه السلام) آن همه مقام در نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله) پیدا کرد به خاطر راستگویی در سخن و اداء امانت بود. (2)

3_ در حدیث دیگر از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده که به یکی از دوستان خود فرمود:

«اگر قاتل علی (علیه السلام) امانتی پیش من می گذاشت و یا از من نصیحتی می خواست و یا با من مشورتی می کرد و من آمادگی خود را برای این امور اعلام می داشتم، قطعاً حق امانت را ادا می نمودم». (3)

امام صادق (علیه السلام) نیز مظهر صداقت بوده اند گویی صداقت با تمام وجودشان حتی نامشان عجین شده است، بنابراین با الگوگرفتن از آن اسوه و نمونه بی نظیر صداقت و امانت داری جزء ذات ما باشد.

لزوم امانت داری و راستگویی از نظرگاه بزرگان

انسان با صداقت در گفتار و اعمال اعتماد به نفس دارد و وجدانش معذب نیست بلکه با آرامش و لذت معنوی در راه نیک بختی گام بر می دارد.

ص: 231

1- . مکارم شیرازی ناصر، یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث 1، ص 2620، برگرفته از سفینه البحار، ماده (صدق)

2- . همان منبع، ص 2063، برگرفته از نور الثقلین 1/496.

3- . همان.

«مرد آزاده شرم دارد از اینکه سخنانش از حدود و اعمال او تجاوز کند. یعنی گفتار او با کردار او راست نیاید».(1)

نیمی از بدبختی های جهان از آنجا می آید که ما شجاعت آن را نداریم که آشکارا و با روح محبت راست بگوییم و راست بشنویم.(2)

بنابراین با صداقت و امانت داری شاهد کامیابی را در آغوش بکشیم و به سر منزل سعادت برسیم.

دروغ و خیانت فرو افتادن در چاه ضلالت و ناکامی است و فرجام آن سقوط و بدبختی است. برخلاف آن صداقت و امانتداری باعث رشد و استحکام پیمان ها است.

ارسطو می گوید:

«راستی مثل گنج است هر قدر ظاهر شود طرفدارانش بیشتر می شود و دروغ مثل شعله پنهان آتش است که وقتی ظاهر شد سوزش و تباهی بیشتری همراه دارد».(3)

به عبارت دیگر؛ راستی مانند گوهری است که در روز روشن قدر و قیمتش بیشتر معلوم می شود.(4)

زرتشت می گوید: راستی یگانه فضیلت است راستی شادمانی است شادمانی از آن کسی که همیشه راستگو و درست کردار است.(5)

زرتشت در سخنی دیگر می گوید:

ای راستی، شکوه منش پاک را از آن من ساز.(6)

ص: 232

1- . ذوالفقاری، غلامحسین، رهنمون، ص 383 و 384.

2- . ذوالفقاری، غلامحسین، رهنمون، ص 383 و 384.

3- . ذوالفقاری، غلامحسین، رهنمون، ص 383 و 384.

4- . همان منبع، سخن بیکن.

5- . همان منبع، سخن زرتشت.

6- . همان منبع، سخن زرتشت.

شنو تا بدانی که این راز چ_____یست که گ_____ر نشن_____وی بر تو باید گریست
مگوی آنچه داری بدل راست راست ک_____ه هر راس_____ت را باز گفتن خطاست
بسا راحت کاشو بهار اس_____ت کرد وز آن گفته خ_____صم آنچه می خواست کرد
نه هر راست را بایدت گفت ت_____یز ن_____گر تا نگوئی، بجز راست چیز
کجا فتنه خیزد ز گفت_____ار راست خ_____موشی گزیدن در آنجا رواست

گروهی دروغی روا داش_____تند بیک ج_____ای و آن خیز پنداشتند
دروغی کجاس_____ود آید از آن به از راس_____ت کاشوی زاید از آن
منت راست گویم که چونین دروغ و آگ_____ر سود بخشد ندارد فروغ
ز خوبی زیان خواستن بودنی است ولی در بدی هیچگونه سود نیست(1)

مایه هر نیکی و اصل نکوئی راست است

راستی هر جا که باشد نیکوئی پیدا کند

راستی کن تا بدل چون چشم سر بینا شوی

راس_____تی در دل ترا چشم دگر بینا کند(2)

*** طریق صدق بیاموز آب صافی دل بر راستی طلب، آزادگی ز سرو چمن(3)

سخن راست خدنگی است که زهر آلود است

جگر شیر بخواد که به جرأت شنود(4)

-
- 1- . بهار.
 - 2- . ناصر خسرو.
 - 3- . حافظ شیرازی.
 - 4- . صائب تبریزی.

همه راستی کن که از راستی

نباید بکار اندرون کاستی

چو با راس-تی باشی و مردمی

نبینی جز از خوبی و خرمی

رخ مرد رات—یره دارد دروغ

بلندیش هرگز نگیرد فروغ(1)

ص: 234

فصل نهم: زیارت و بزرگداشت شهدا

اشاره

ص: 235

بزرگداشت شهدا موجب تقرب به خداوند بزرگ بوده، و الگوپذیری از آنان موجب فضیلت و ثواب فراوان است، کسانی که فقط به جنبه های اقتصادی همت گمارده و به دنبال مادیات هستند، گویی نیازی به تغذیه روح ندارند، اما زندگی بدون بعد معنوی آدمی را آشفته و متزلزل می سازد، بدین جهت پرورش روح با تقویت ایمان و عمل صالح حاصل می گردد و موجب حرکت به سوی قرب الهی می گردد، که آن به آدمی در مشکلات و گرفتاری ها یاری شایان توجهی می رساند.

هر روز در صفحات حوادث روزنامه ها و مجلات شاهد جنایت هایی هستیم که به علت عدم ایمان به باری تعالی، به اعمال خلاف شرع و عرف دست یازیده اند از این روی یکی از راه های پرورش روح؛ بزرگداشت شهدا و مطالعه وصایا و فرازهای زندگی نامه آنان است که زیارت آنان در حین اینکه به قصد قربت و برای انجام وظیفه و روحانی است، جنبه سیاحتی نیز دارد. زیرا به وسیله ارتباط با شهید از طریق زیارت و کسب فیض از وصیت ها و فرازهای سخنان او؛ بر ایمان و اعتقاد خویش افزوده و با الگوپذیری از وی، برای زندگی در راه عقیده؛ مبارزه را فرا راه خویش قرار داده و تا سر حد سعادت ادامه می دهیم.

آری!! آن جاست که معصوم(علیه السلام) می فرماید:

«إن الحیا عقید و الجهاد».

«به راستی زندگی مبارزه در راه عقیده است».

«فاطمه(علیها السلام) صبح شنبه ها، نزد قبور شهداء (أحد) می آمد سپس نزد قبر حمزه می آمد و درود و رحمت بر او می فرستاد و برایش استغفار می نمود.»⁽¹⁾

ص: 236

در روایت دیگری نقل شده است: «حضرت زهرا(علیها السلام)دوشنبه ها و پنج شنبه ها به زیارت قبور شهدای اُحد می رفتند و به همین دلیل زیارت قبور شهدا در این روزها مستحب مؤکد است.»(1)

تربت شهید

وقتی که رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله)دستور تسبیحات معروف را به حضرت زهرا(علیها السلام) دادند (34 بار الله اکبر، 33 بار الحمدالله و 33 بار سبحان الله) که ما هم معمولاً بعد از نماز به عنوان تعقیب، یا در وقت خواب می خوانیم) سر قبر عموی بزرگوارش جناب حمزه بن عبدالمطلب رفت، و از تربت شهید برای خود تسبیح درست کرد، اینها معنی دارد.

یعنی چه؟ خاک شهید محترم است، قبر شهید محترم است، انسان برای اینکه کار و اوراد خود را بشمارد نیازمند به تسبیح است.

چه فرق می کند که دانه های تسبیح از سنگ باشد یا چوب یا خاک، و از هر خاکی بردارد، برداشته است ولی ما این را از خاک تربت شهید بر می داریم، و این نوعی احترام به شهید و شهادت است، نوعی به رسمیت شناختن قداست شهادت است.(2)

تعریف و معنی زیارت

اشاره

ابتدا زیارت را معنی نموده و سپس به تعریف آن می پردازیم:

1_ معنی زیارت

الف) معنای لغوی:

«در معنای لغوی زیارت چنین بیان شده است: فلانی دیگری را زیارت کرد یعنی به سوی او متمایل شد.»(3)

ص: 237

1- همان منبع، ص 72 به نقل از بحار الانوار، ج 43، ص 195.

2- شهید مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی 7 به ضمیمه شهید، نشر: صدرا، چاپ ششم، سال 1359، ص 123.

3- نیلی پور، مهدی، مدیریت عمومی زیارت اهل بیت، نشر: سلسبیل، سال 1389، ص 6.

ب) معنای اصطلاحی:

در زیارت یعنی قصد نمودن مزور به منظور گرامی داشت، بزرگداشت و مأنوس شدن با وی. (1)

2_ تعریف واژه

زیارت و بزرگداشت شهدا:

حضور در هر مکان شریفی که قبور شهدای اسلام از ابتدای خلقت تا بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و از آن زمان تا کنون وجود داشته است و بزرگداشت آنان و شناخت و کاربرد وصیت هایشان در صحنه زندگی.

جایگاه و اهمیت آن

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله)، حضرت امیر و فاطمه (علیهم السلام) بر این امر تأکید داشته و دائم به زیارت شهدا رفته اند. ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز آنان را گرامی داشته و برایشان طلب مغفرت نموده اند. بزرگداشت شهداء و سرلوحه قرار دادن آنان موجب سربلندی بوده و باعث تداوم راه آنان است.

زیارت عارفانه (انواع زیارت)

اشاره

زیارت از جهت حالت زائر به پنج نوع قابل تقسیم است:

1_ جاهلانه 2_ عامیانه 3- عاطفی 4- عاقلانه 5- عارفانه.

1_ زیارت بر مبنای جهل (جاهلانه)

گاهی زائر با نادانی کامل و جهالت نسبت به مزور و آداب زیارت حتی جهالت نسبت به خود به زیارت می رود، این نوع زیارت نه تنها سبب رشد زائر نبوده و آثار مثبت تربیتی به دنبال ندارد، بلکه برای او و دیگر زائران مخرب و مشکل آفرین می شود، مانند: زیارت اهل غُلُو. (2)

ص: 238

1- . همان منبع، ص 7، برگرفته از مجمع البحرین.

2- . همان.

2_ زیارت بر مبنای عادت (عامیانه)

زیارتی که از روی عادت و برای گذراندن وقت است و خالی از معرفت و رعایت آداب باشد، زیارت عامیانه است. (1) گاهی زائر با احساسات و عواطف به زیارت می رود و در ارتباط با مزور تنها به ابراز احساسات بسنده می کند، نتیجه این نوع زیارت بسیار اندک، زود گذر و گاهی بدون رعایت آداب و اصول زیارت می باشد. افرادی که دارای چنین زیارتی هستند گاهی به خاطر احساساتی شدن پا را از حد عقل و شرع بیرون می گذارند و زیارت را توأم با ارتکاب محرمات و خرافات به جای می آورند. (2)

3_ زیارت بر مبنای عقل و علم

در این نوع زیارت زائر بر محاسبه گری تلاش می کند ضمن شناخت مقام مزور با آداب زیارت آشنا شود و ضمن رعایت آداب همراه با محبت و عواطف، عقل و علم را نیز دخیل نماید. (3)

4_ زیارت عارفانه (زیارتی بر مبنای عشق و عرفان)

ارتباطی دو طرفه و جذبه ای متقابل بین زائر و مزور است، زائر مشتاق صاحب خانه و مزور است، خانه و حرم و گلستان شهید و مزور نیز مشتاق زائر است.

این زیارت با شناخت شهودی و معرفت و محبت قلبی صورت می گیرد و زائر علاوه بر رعایت آداب ظاهری و باطنی به حقیقت زیارت و دیدار مزور نائل می شود. (4)

زیارت فرصتی برای شناخت نیازها (توصیف زیارت)

زیارت امضای مجدد سند شیعه گری است.

ص: 239

1- . همان.

2- . همان.

3- . همان.

4- . همان با تلخیص.

زیارت برای برقراری ارتباط صمیمی با شهیدان راه فضیلت است.

زیارت مشتی است کوبنده بر دهان منافقین و مخالفین دین.

زیارت فرصتی معنوی است برای تجدید بیعت با شهدای راه حق.

زیارت عاملی است برای توبه و بازگشت از گناهان.

زیارت جلوه ای از تعظیم شعائر اسلامی و تکریم راه شهدا است.

زیارت نمایشی است بزرگ و خالصانه از اقتدار اسلام و مسلمین.

زیارت بر افراشتن پرچم حیات دین است.

زیارت بسیجی است معنوی در پشتیبانی از شهیدان شاهد.

زیارت نمادی است از حیات و تکاپوی اهل ولایت.

زیارت تلاشی است برای تبدیل خویشتن موجود به خویشتن مطلوب.

زیارت یعنی تبدیل انسان «مُسیء» به «محسن» و انسان «محسن» به «أحسن».

زیارت عنایت الهی است که گاهی دعوت است و گاهی قسمت و گاهی منت.

زیارت تکنیکی است برای ارتباط با مقدس ترین ارواح.

زیارت هجرتی است زمینی برای هجرت معنوی و درونی.

زیارت راهکاری است معنوی برای شناخت بیشتر شهدای راه اسلام.

زیارت حرکتی است تحول آفرین برای واسطه قرار دادن شهید جهت هدیه گرفتن پاکی.

زیارت تجدید بیعتی است مجدد برای اعلام وفاداری و پایداری بر عقاید و اندیشه های اسلامی.

زیارت ابراز محبت و اظهار عشق خالصانه است به محضر معشوق.

زیارت ایجاد فراغتی است برای گفتگوی با خداوند بزرگ و شهیدان راه خدا.

زیارت فرصتی برای شناخت نیازها و کمبودهای خود و استدعای آن از خدا و شهیدان راه حق و فضیلت است. (1)

1- . نیلی پور، مہدی، مدیریت عمومی زیارت اہل بیت، ص 9-11، با تلخیص و تصرف.

زیارت فرصتی برای تکامل زائر است

چرا به زیارت می رویم؟!

با هم دوازده خصلت مهم زیارت را می خوانیم؛ امیدواریم با این کلید پررمز و راز درهای سعادت را بگشاییم.

1_ احساس سبکی روح در زیارتگاه.

2_ برخورد های جذاب انبوه زائران.

3_ دریافت های خوب مادی و معنوی که حاصل تقاضای ما از زیارت شونده بوده است.

4_ خاطراتی جاودانه.

5_ سیر در زمین (به فرمان قرآن کریم).

6_ شادابی عقل و دل.

7_ تسکین روان، اعصاب و مغز آدمی.

8_ نشاط روح و تحرک.

9_ اتصال عاشق و معشوق.

10_ تحول در اندیشه، اخلاق و رفتار.

11- معارف الهی و شهید شناسی.

12- تکامل زائر.

«ما از زیارت هایمان بسیار خاطره داریم! وعده های شیرین پیش از آن، خوش خلقی فراوان پدر و مادر و همراهان، احساس سبکی روح در زیارتگاه ها، برخورد های جذاب انبوه زائران، دریافت های خوب مادی و معنوی که حاصل تقاضای ما از زیارت شونده بوده است... همه و همه خاطراتی جاودانه در بایگانی ذهن ما دارد. این ها همه در کنار پاداش های چشمگیری که در روایات ما به زائر با معرفت، وعده داده شده، کاوش عقل را مانع نمی شود. پس طرح این پرسش بجا و سزا می نماید. سیر در زمین، سفارش اکید کتاب خداست. هم عقل و هم دل در این تنوع زمین شاداب می شوند. روان و اعصاب و مغز آدمی در حرکت زمینی، تسکین یافته و زمینه نشاط روح را فراهم می سازند. شاداب که شدیم، عقل و اندیشه از یک سو و دل و گرایش های متعالی، از سوی دیگر نشاط و

تحرك می یابند. آنگاه که نشاط روان و تن آدمی، در خدمت هدف مقدس ملاقات انسان بزرگی، در می آیند، زیارت، طعم دیگری دارد که هیچ گاه از حافظه ما پاک نمی شود.

دوستی ها، عاشق را به معشوق، وصل می کند، این اتصال که حاصل شد، عاشق به رنگ معشوق در می آید. معشوق که متعالی باشد، عاشق هم پله پله بالا می رود و اندیشه، اخلاق و رفتار او تحول می پذیرد.

شخصیت های آسمانی مانند شهداء راه حق و فضیلت مریدان و خواستاران خود را به منزل، پیش می برند و تجربه طولانی ملاقات کنندگان و زائران، مؤید این ادعاست.

تجلیل از سرباز گمنام در همه ملت ها نشانه این تقدیس و تکریم است. چه رسد که تجلیل شوند، شهرتش، مردمان را به خصائص گوناگون خود، فرا بخواند.

در میان روایات معتبر ما، پاداش های سنگین برای زائر عارف، مقرر شده است که با توجه به حکمت آمیز بودن پاداش های خداوندی، سزای در این عنایت به زائر نهفته است که باید آن را در تکامل یافتن زائر در اثر زیارت، جست و جو کرد.

فهم دقیق و عمیق عبارت ها و مضمون هایی که در زیارت شهداء به کار رفته، در حقیقت، راهیابی به رود خروشان از معارف الهی است. (و یک دوره شهید شناسی)، واز این رو به فهم و الهام از این مضمون ها تأکید شده است. (1)

زیارت معنوی شهید کربلا

به سند معتبر از صفوان نقل شده است که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

کمتر چیزی که زیارت کننده حضرت امام حسین (علیه السلام) کسب می کند، آن است که هر حسنه را هزار هزار حسنه ثواب می دهند، و گناه را یکی می نویسند. (2)

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

ص: 242

1- . رهبر، علی، سفری به ژرفای دریا، نشر جهاد دانشگاهی، سال 1386، ص 24 و 25.

2- . علامه مجلسی، محمد باقر، تحفه الزائر، نشر: امام هادی، سال 1386، ص 257.

اگر مردم می دانستند که چه فضلی در زیارت قبر حسین(علیه السلام) می باشد، از شدت شوق می مردند و جان هایشان به خاطر حسرت بر آن حضرت، پاره پاره می شد. عرض کردم: چه اجر و ثوابی در زیارت آن حضرت است؟

حضرت فرمود:

هر کس به خاطر اظهار شوق نسبت به آن حضرت به نزد آن بزرگوار برود، خداوند بزرگ برای او هزار حج مقبول و هزار عمره نیک و خالص و اجر هزار شهید از شهدای بدر و اجر هزار روزه دار و ثواب هزار صدقه مقبول و ثواب آزاد کردن هزار بنده که تنها برای رضای خداوند این عمل انجام گرفته؛ می نویسد و پیوسته در آن سال از هر آفتی که ناچیزترین آنها شیطان است؛ نگه داشته می شود و فرشته بزرگواری بر او گمارده می شود که او را از جلو و پشت سر و سمت راست و چپ و بالای سر و زیر پایش حفظ می نماید و برای او در قبرش تا آن جا که چشمش می تواند ببیند، گشایش حاصل می شود.

و خداوند متعال او را از فشار قبر و از این که منکر و نکیر او را بترسانند در امان نگه می دارد و برای او دری به سوی بهشت گشوده می شود و کتابش به دست راستش داده می شود و روز قیامت نوری به او عطا می شود که آنچه بین مشرق و مغرب است، به خاطر نور او فروزان می شود و ندادهنده ای ندا می دهد؛ که: این کسی است که امام حسین (علیه السلام) را به خاطر شوق به آن بزرگوار زیارت نموده و همه در روز قیامت آروز می کنند که ای کاش! از زوار امام حسین(علیه السلام) بودند. (1)

فواید زیارت

اشاره

نکو داشت یاد شهدا که با خاطره های به یاد ماندنی، ما را از شر دشمنان مذهب و وطن محافظت نموده و موجبات آسودگی خاطر همگان را فراهم کرده اند، بسی گرانبار و فراموش ناشدنی است؛ اکنون ویژگی های بزرگداشت، شهداء و مطالعه وصیت نامه های آنان را از نظر شما می گذرانیم:

ص: 243

1- . قمی ابن قولویه، کامل الزیارات، مترجم: امیر وکیلان، نشر: دفتر انتشارات اسلامی سال 1385، ص 324 و 325.

با این عمل پر فضیلت که کفاره گناهان و موجب سعادت دنیا و آخری می باشد، در خواست و توسل به استجابت می رسد. به ویژه بر آورده شدن حاجت ها نزد شهدای صحرای خونبار کربلا معجزه آساست.

2_ بزرگداشت شهید و شهادت

اشاره

برای حفظ مقام شهید به زیارت او رفته و به پاس جوانمردی و پایمردی او در راه اسلام ارج نهاده و شهادت مظلومانه او را گرامی می داریم، زیرا این پاسداری و وظیفه ای مقدس برای یک انسان متعهد و مسئول است، بد نیست بدانید که، شهیدانی که با خون خود درخت اسلام را آبیاری نموده و آن را بارور ساختند حق عظیمی برگردن ما دارند از این روی ما مبارزه آنان با کفار و منافقان را جهادی مقدس می دانیم، و با بزرگداشت شهید از زیارت آنان بهره مند می شویم.

گریه بر شهید

حضرت حمزه عموی پیامبر از مگه به مدینه مهاجرت کرده بود بدین جهت کسی را نداشت. جنگ احد فرا رسید حمزه در جنگ فعالانه شرکت کرد و از سایر رزمندگان بهتر درخشید تا مظلومانه به فیض شهادت رسید و به همین مناسبت لقب سید شهداء و سالار شهیدان را به او دادند.

جنگ احد به پایان رسید، خانواده شهدا در سوگ عزیزانشان نشسته بودند و با گریه هایشان خاطره آنان را گرامی داشتند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) از احد برگشت، وقتی به مدینه وارد شدند دید که در خانه همه شهدا گریه هست جز خانه حمزه، حضرت فرمود:

«اُمّا حمز فلا بواکی له، همه شهدا گریه کننده دارند جز حمزه که گریه کننده ندارد». تا این جمله را فرمود، صحابه به خانه هایشان رفتند و گفتند: پیامبر فرمود: «حمزه گریه کننده ندارد» ناگهان زنانی که برای فرزندان خودشان یا شوهرانشان یا پدرانیشان می گریستند، به احترام پیامبر و به احترام جناب حمزه بن عبدالمطلب به

خانه وی آمدند و برای او گریستند و بعد از این سنت شد که هر کسی برای هر شهیدی که می خواست بگرید، اول به خانه حمزه می رفت و برای او می گریست.

این جریان نشان داد که اسلام با اینکه با گریه بر میت (میت عادی) چندان روی خوشی نشان نداده است، اما مایل است که مردم بر شهید بگریند؛ زیرا شهید حماسه آفریده است و گریه بر شهید شرکت در حماسه او، هماهنگی با روح او، موافقت با نشاط او و حرکت در موج اوست.

3_ تداوم اعتقاد

الگو برداری از تعالیم و وصیت های شاهدان روح دوری از گناه و تداوم ایمان را در آدمی زنده نموده و تحوّل در ما ایجاد کرده تا با حرکت در سیر صعودی و از سویی با تغییر روحیه احسان به ایثار و بذل جان و مال خویش در راه اهداف والای اسلامی گام برداشته و با سرعت و سبقت در این راه الگوی دیگران شده و به بهشت برین زندگی رهنمون گردیم.

4_ سیر و سلوک

زیارت شهداء جاوید اسلام علاوه بر ملکات و فضایل روحانی یک سیاحت روح افزا نیز بوده، و هنگامی که این سیر با یاد خدا همراه باشد، سفری با نشاط و روح پرور به شمار رفته که همراه با آسودگی خاطر است، به دلیل آنکه آرامش ناشی از یاد او آدمی را از هر گونه تزلزلی در امان می دارد.

5_ پاداش و ثواب

اشاره

آموخته های علمی، عملی و مذهبی شهدا از بهره وافر اخروی برخوردار است. بدون اغراق می توانیم بگوییم که آنان به خاطر اسلام هستی خویش را ایثار نموده و جان خویش را در طبق اخلاص نهاده اند که زیارت آنان باعث فضیلت و ثواب والا در دو عالم است.

ص: 245

جابر بن عبدالله (1) از صحابه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به شمار می رود. وی در جنگ خندق جوانی تازه بالغ بود، در وقت وفات رسول اکرم (صلی الله علیه وآله)، این مرد هفتاد و اندی سال داشت، و نابینا شده بود، پس از واقعه جانگداز عاشورا، در ایام اربعین او با یک مرد محدث بزرگواری به نام عطیه عوفی به کربلا آمد. قبل از آنکه به سراغ تربت حسین (علیه السلام) برود، به سوی فرات رفت، غسل زیارت کرد و از سعد که گیاهی خوشبو بود خویش را خوشبو کرد و آهسته می آمد در حالی که ذکری بر لب داشت تا اینکه به نزدیکی قبر مقدس حسین بن علی (علیه السلام) رسید.

در این هنگام دو یا سه بار فریاد کشید:

حیبی یا حسین،... دوستم حسین جان، بعد گفت: حیبُ لا یجیبُ حبیبه؟ چرا دوست جواب دوستش را نمی دهد؟ من جابر دوست تو و غلام تو هستم چرا جواب مرا نمی دهی؟ حسین عزیزم! حق داری جواب دوستت را ندهی، جواب پیر غلامت را ندهی، من می دانم با رگ های گردن تو چه کردند، من می دانم سر مقدس تو از بدن جداست. این سخنان را گفت و گفت تا بیهوش شد و بر زمین افتاد. وقتی به هوش آمد، سرش به این طرف و آن طرف برگرداند و مثل کسی که با چشم دل می بیند گفت: السلام علیکم ایها الارواح التي حلت بفناء الحسین، سلام من بر شما مردانی که روح خودتان را فدای حسین کردید.

بعد جمله ای گفت: که پیوند شهیدان را نشان می دهد، او گفت: من شهادت می دهم که ما هم با شما در این کار شریک هستیم. عطیه تعجب کرد که او چه می گوید؟! ما با اینها در این کار شریک باشیم؟! به جابر گفت: معنی این جمله ات را نفهمیدم، ما که جهاد نکردیم، شمشیر به دست نگرفتیم، چرا شریک باشیم؟ جابر جواب داد: اصلی در اسلام هست که من از پیغمبر شنیدم که مضمون آن چنین است: کسی که واقعاً (شهید را) از صمیم قلب دوست داشته باشد، روحش هم آهنگ باشد، در این عمل (با شهید) شریک است. اگر آن وقت

ص: 246

1- . جابر از دوستان امیر المؤمنین و دوستان خاندان پیامبر است، در حدود دوازده سال از امام حسین (علیه السلام) بزرگتر و با آن حضرت محشور بوده است.

شرکت می کردم، حال نمی توانستم (در این زیارت) شرکت کنم، از من جهاد برداشته شده بود (به سبب پیری و کوری) ولی این روح من پرواز می کرد تا در رکاب حسین باشد، چون روح ما با روح حسین بود، پس من حق دارم که ادعا کنم ما با آنها در این عمل (جهاد و شهادت) شریک هستیم.

6 - کسب فضایل معنوی

همان گونه که در ابتدا بیان کردیم، زیارت قبور شهدا موجب نشاط در عبادت و تقویت روح می گردد. اگر با تدبّر به جهاد و مبارزه آنان با کفار، و منافقان پردازیم، پی می بریم که به زیارت شاهدان با شرافت و با تقوایی آمده ایم که سر لوحه زندگی هستند. هنگامی که از فضیلت های زیارت آن مردان جاوید آگاه شدیم در می یابیم که آنان در پی ایثارشان همیشه زنده هستند و نزد باری تعالی روزی می خورند سپس به ارزش ژرف و افتخار آفرین مبارزه آنان پی خواهیم برد.

عمرین عثمان گفت: از امام رضا (علیه السلام) شنیدم که می فرمود:

«هر که نمی تواند به ما احسان کند و با ما پیوند برقرار نماید، باید به محبتان صالح ما احسان کند تا ثواب احسان به ما برای او نوشته شود و هر که نمی تواند ما را زیارت کند، باید محبتان صالح ما را زیارت کند تا ثواب زیارت ما برای او نوشته شود» (1).

7_ مغفرت

زیارت قبور آن بزرگ مردان جاوید موجب مغفرت و آمرزش گناهان بوده، و هر چه زیارت عمیق تر، ژرف تر، و با بیش وسیع تر باشد، کفاره فراتری برای گناهان محسوب می گردد.

امام رضا (علیه السلام) فرمود:

«هر که به نزد قبور مؤمنش برود، سپس دستش را بر قبر گذارد و هفت مرتبه انا انزلناه بخواند، در روز ترس بزرگ، در اطمینان و آرامش می باشد» (2).

ص: 247

1- ابن قولویه القمی، ابی القاسم، کامل الزیارات، ص 692.

2- همان منبع، ص 693.

8_ نشاط، ناشی از ایمان و تغذیه روح

با تغذیه روح از فضیلت های ناشی از زیارت برخوردار شده و در پی انجام تعهد خویش به شهداء، سرشار از نشاط نشأت گرفته از ایمان به سیر صعودی به سوی قرب الهی ادامه می دهیم. چرا که در نکوداشت و زیارت شهدا در می یابیم که آنان به بالاترین درجه افتخار رسیده اند چون یاد خداوند بزرگ و انس با او همیشه فرا راه آنان بوده و با چشم خرد و ثبات قدم خویش را در محضر او دیده اند؛ «الا بذكر الله تطمئن القلوب».

مدیریت روش های زیارت (راهکارها)

علمی :

- 1- تلاوت آیات الهی به صورت موضوعی در باره فضیلت مبارزه و شهادت.
- 2- آگاهی از فضیلت شهادت و زیارت و آثار آن در گفتار بزرگان دینی.
- 3- آگاهی از سیره و آرمان های شهداء.
- 4- شناخت وصایا، کتاب ها و یادداشت های شهداء.

عملی:

- 1- دیدار از خانواده شهداء و محبت به آنان.
- 2- زیارت آرامگاه شهداء.
- 3- کاربرد فرازهای زندگی آنان در موقعیت ها و مکان های مختلف.
- 4- زیارت مکان های شهادت شهداء.
- 5- عبرت گرفتن از پایمال کنندگان خون شهداء و زنده نمودن حس دشمنی نسبت به آنان.
- 6- یاری شهداء تا حد امکان.

معنویت شهید و چگونگی زیارت از دیدگاه قرآن کریم

(شهادت در راه خدا)

اشاره

یکی از راه های زیارت و بزرگداشت شهداء آگاهی از مقام و عظمت آنان

است با هم کلام خدا را تلاوت می نماییم. امیدواریم با چشم بصیرت در آن تدبیر نموده و آن را فراراه زندگی خویش قرار دهیم:

الف) آموزش و شهادت

«قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ»؛ (1)

(سرانجام او را شهید کردند) و به او گفته شد: «وارد بهشت شو!» گفت: «ای کاش قوم من می دانستند.... که پروردگار مرا آمرزیده و از گرامی داشتگان قرار داده است!»

ب) آموزش و شهید

«وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ»؛ (2)

«اگر هم در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، (زیان نکرده اید؛) زیرا آموزش و رحمت خدا، از تمام آنچه آنها (در طول عمر خود) جمع آوری می کنند بهتر است!»

ج) شهید زنده است

«وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِن لَّا تَشْعُرُونَ»؛ (3)

«و به آنها که در راه خدا کشته می شوند، مرده نگوئید! بلکه آنان زنده اند ولی شما نمی فهمید!».

د) عظمت مقام شهید

«فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِّنْ خَلْفِهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ (4)

«آنها به خاطر نعمت های فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند و به خاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده اند (مجاهدان و شهیدان آینده) خوشوقتند؛ (زیرا مقامات برجسته

ص: 249

1- . سورة يس، آيات 26-27.

2- . سورة آل عمران، آية 157.

3- . سورة بقره، آيه 154.

4- . سورة آل عمران، آيه 170.

آنها را در جهان می بینند؛ و می دانند که نه ترسی بر آنهاست، و نه غمی خواهند داشت».

و) عظمت، مقام و اجر شهید

«فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ ذُكِّرَ أَوْ أُنْثِيَ بَعْضَ كُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أُذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ» (1)

«خداوند، درخواست آنها را پذیرفت؛ (و فرمود) من عمل هیچ عمل کننده ای از زن یا مرد شما را، ضایع نخواهم کرد؛ شما هم نوعید و از جنس یکدیگر! آنها که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند و جنگ کردند و کشته شدند به یقین گناهانشان را می بخشم؛ و آنها را در باغ های بهشتی، که از زیر درختانش نهرها جاری است، وارد می کنم، این پاداشی است از طرف خداوند و بهترین پاداش ها نزد پروردگار است».

هـ) عظمت، مقام و اجر عظیم شهید

«فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَ مَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (2)

«کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته اند، باید در راه خدا پیکار کنند! و آن کس که در راه خدا پیکار کند، و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد».

معنویت و حیات واقعی شهید

«وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (3)

ص: 250

1- . سوره آل عمران، آیه 195.

2- . سوره نساء، 74

3- . سوره آل عمران، 169.

«ای پیامبر! هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند».

بی گمان آیات یادشده نشان از عظمت و مقام والای شهید دارد. بنابراین زیارت و مطالعه وصایای آن راد مردان بزرگ را که هدفی والا داشته و در مسیر تکامل و تعالی بوده اند، باعث رشد ما می گردد و با مقام والای آنان آشنا شده و از آنان پیروی می نماییم.

معنویت شهید و چگونگی نکوداشت شهدا از دیدگاه معصومین (علیهم السلام)

اشاره

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«مَنْ لَقِيَ الْعَدُوَّ فَصَبَرَ حَتَّى يُقْتَلَ أَوْ يَغْلِبَ لَمْ يَفْتَنَ فِي قَبْرِهِ» (1)

«هر کس رو بروی دشمن قرار گرفت (با دشمن درگیر شد) و استقامت کرد تا کشته و یا پیروز شد در قبر مورد آزمایش قرار نمی گیرد (از او سؤال نمی شود)».

الف) بالاترین نیکی

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ»

«فرا تر از هر نیکی، نیکی است تا آنگاه که مرد در راه خدا کشته شود پس چون در راه خدا کشته شد، بالاتر از آن نیکی و ارزشی وجود ندارد».

ب) برترین قتل شهادت است

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود:

اشرف القتل الشُّهدا؛ «والاثرین قتل کشته شدن شهیدان است».

ص: 251

1- . رحمتی، محمد، کنز العمال 4:313، ح 10662، گنجینه معارف ج 2.

ج) برترین مبارز شهید است

پیامبر اسلام حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) فرمود:

«افضل الشهداء الذين يقاتلون في الصف الاول فلا يلفتون وجوههم حتى يقتلوا، اولئك يتلبطون في الغرف العلى من الجنة يضحك اليهم ربك فاذا ضحك ربك الى عبد في موطن فلا حساب عليه»⁽¹⁾

برترین شهیدان کسانی هستند که در صف اول «خط مقدم» پیکار می کنند و روی بر نمی گردانند تا کشته شوند، اینها هستند که جایگاه آنان غرفه های عالی بهشت است، و خداوند بر آنها متبسم است و اگر خداوند بر بنده ای تبسم کند «خشنود شود» پس هیچ حسابی بر او نیست.»

با استناد به احادیث فوق در می یابیم که بزرگداشت مقام شهید از اهمیت ویژه و جایگاه مهمی برخوردار است و باید با سرلوحه قرار دادن آن رادمردان، که حقیقتی بر گونه اساطیر هستند راه آنها را ادامه داده تا از سعادت دو عالم بهره مند گردیم.

د) خون شهید

«انّ علی ابن الحُسين (علیه السلام) كان يقول: قال رسول الله(صلی الله علیه و آله) ما من قطره احبّ الى الله عزوجلّ من قطره دم في سبيل الله؛⁽²⁾

«امام زین العابدین (علیه السلام) پیوسته از قول رسول خدا(صلی الله علیه و آله) می فرمود: هیچ قطره ای در نزد خداوند دوست داشتنی تر از قطره خونی که در راه خدا ریخته می شود نیست.»

ذ) شفاعت شهید

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود:

يَشْفَعُ الشَّهِيدُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِهِ؛⁽³⁾

«شهید هفتاد نفر از بستگان خود را شفاعت می کند.»

ص: 252

1- . همان كنز العمال4:401، حديث 11120.

2- . همان وسائل الشيعه 11:8، حديث 11.

3- . همان كنز العمال4:401.

شفاعت شهید نیز حکایت از شکوه و ابهت مقام او دارد. امیدواریم با زیارت آنان از شفاعت شان بهره مند گردیم.

(و شهیدان و تبریک

حضرت امام علی (علیه السلام) فرمود:

«ان کتب القتل علی قوم و الموت علی آخرین و کُلُّ آتیه مَیِّتُهُ کَمَا کَتَبَ اللَّهُ لَهُ فَطُوبَى لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَقْتُولِينَ فِي طَاعَتِهِ؛ (1)

«خداوند برای گروهی کشته شدن و برای گروهی دیگر مرگ را مقرر نموده و هر کدام به اجل معین خود آنسان که او مقدر کرده است می رسند، پس خوشا به حال مجاهدان راه خدا و کشتگان راه اطاعت او».

هـ) شهید درد جراحت را احساس نمی کند

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«الشَّهِيد لَا يَجِدُ الْمَ قَتْلَ إِلَّا كَمَا يَجِدُ أَحَدَكُمْ مَسَّ الْقَرْصَةِ»؛ (2)

«شهید درد کشته شدن را احساس نمی کند، مگر در حدی که یکی از شما پوست دست خود را بین دو انگشت فشار دهد».

ی) شهید و کفار گناهان

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«أَوَّلُ قَطْرٍ مِنْ دَمِ الشَّهِيدِ كَفَّارٌ لِذُنُوبِهِ إِلَّا الدِّينَ فَإِنَّ كَفَّارَتَهُ قَضَائِهِ»

«اولین قطره خون شهید کفار گناهان اوست مگر بدهی ها، که کفار آن ادای آن است».

با بزرگداشت شهداء از قبیل زیارت، مطالعه و درک مقام بزرگ آنان تأثیر مستقیم بر روح و روان افراد جوامع گذاشته و آنها را به سمت خدا سوق می دهیم.

ص: 253

1- . همان نهج السعاده، 2: 107.

2- . همان کنز العمال، 39804، 103.

اکنون با هم یک وصیت از یک شهید جنگ با دشمنان این آب و خاک را می خوانیم:

خداوندا تو را شکر می کنم که نگذاردی بیش از این آلوده شوم و مرا در صف اولیاءت آوردی و توفیق دادی مدتی را در جبهه در کنار اولیاءت زندگی کنم. (1)

در فراز بالا از وصیت نامه شهید حسین علی رجایی اشاره معنوی به جنگ و مبارزه با دشمنان ایران عزیز داشته و جنگ در راه خدا را یک توفیق الهی دانسته که شامل حال هر کسی نمی گردد، از این رو چنین آرزمانی سبب شکر الهی او نیز شده است.

بدین جهت باید همگان در هر شرایطی با یاد خدا، در راه خدا، و برای خدا مدافع ناموس وطن خویش بوده و با آزادمردی در شرایط بحرانی از این آب و خاک دفاع نمایند.

چو ایران نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد

ص: 254

1- . قسمتی از وصیت نامه شهید حسین علی رجایی.

فصل دهم: سرعت، سبقت و تلاش برای الگو شدن

اشاره

ص: 255

انسانی که با کاهلی حرکت کند به جای تکامل در همه زمینه ها، فقط در اهدافی محدودتر موفق می شود، اما اگر به زندگی سرعت بخشیده و در عین حال بدون شتاب زدگی از دیگران سبقت بگیرد، به اهداف بزرگ تری رسیده و سرانجام بهروزی را در آغوش می کشد. به دلیل اینکه حرکت و سرعت بدون شتاب لازم و ملزوم یکدیگرند و باید در زندگی خویش با احتیاط سبقت بگیریم. بد نیست بدانید که؛ تلاش برای الگو شدن به ما سرعت و سبقت لازم را عطا خواهد کرد، بنابر این پیشرفت در زندگی مرهون سرعت و سبقت با احتیاط و دور اندیشی است.

لاپلاس می گوید:

«هم سرعت و هم احتیاط، هر کدام در جای خود نیکوست».(1)

لاوازیه می گوید:

«سرعت و سرعت و سرعت. این سه اصل، موفقیت است».(2)

بدین جهت سرعت «حساب شده» یکی از عوامل پیروزی است.(3)

تفاوت «سرعت» و «سبقت»

سرعت به معنای شتاب است. حال، سخن این است که بی توجه به دیگران هر کس خود می بایست در کارهای نیک و خیر شتاب ورزد و تائی، مکث و درنگ نکند. وقتی گفته می شود که در کاری باید شتاب داشت، توجه به خود فرد و

ص: 256

1- . شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟ ص 185.

2- . همان منبع.

3- . همان منبع، ص 186.

عملکرد او نسبت به کاری است که باید انجام دهد و در حقیقت سرعت در کار، در حوزه فردی مطرح می شود. در مسابقه و پیشی گرفتن چنان که از خود واژه ظاهر است، نوعی نسبت در آن نهفته است. از این رو ارتباط نزدیکی با مسایل اجتماعی پیدا می کند. به این معنا که هر کسی می بایست خود را با دیگری مقایسه کرده و بسنجد و در کارهای نیک و پسندیده کاری نیک و خیر انجام دهد، هر یک از آنها می بایست تلاش کند که زودتر از دیگری به آن کار اقدام کند. (1)

تعریف واژه

در قرآن با دو واژه از مردم خواسته شده است تا در کارهای نیک و پسندیده مشارکت فعال و سازنده داشته باشند. این دو واژه عبارتند از «سبقت» و «سرعت» بازشناسی مفهوم این واژگان در تبیین صحیح مشارکت نقش ویژه ای را ایفا خواهد نمود. «سبقت» در لغت به معنای پیشی گرفتن در راه، کار، فکر و علم است. و «سرعت» عبارت است از شتاب داشتن؛ این معنی هم در اجسام کاربرد دارد. سبقت در کار خیر و سرعت داشتن در آن از صفات پسندیده به حساب می آید اما عجله در کارها چه خوب باشد و چه بد از صفات نکوهیده و ناپسند است. دلیل آن هم نکته لطیفی است که در معنای عجله خواستن چیزی است که هنوز موعدش فرا نرسیده است.

جایگاه و اهمیت آن

الف) اهمیت آن

سرعت و سبقت کلید پر رمز و راز رشد و تکامل در راه بهروزی است، وقتی که با دور اندیشی و احتیاط توأم باشد. هنری فوری می گوید:

«سرعت لازمه زندگی است، اصلاً خود زندگی است.» (2)

ص: 257

1- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان.

2- شاملویی، حبیب الله، بزرگان چه گفته اند؟، ص 187.

ب) جایگاه سرعت و سبقت

در روایات اسلامی بخشی در زمینه تعجیل در کار خیر داریم، از جمله در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) ممی خوانیم: خداوند کار نیکی را دوست دارد که در آن شتاب شود. (1)

در روایات نیز چنین بیان شده که منظور از عجله همان سرعت است در مقابل اهمال کاری و تأخیرهای بی جا و امروز و فردا کردن، که غالباً سبب بروز مشکلات و موانعی در کارها می گردد. شاهد این سخن حدیثی است که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: کسی که تصمیم به کار خیری گرفت باید عجله کند، زیرا هر کاری را که در آن تأخیر کنید شیطان در آن حيله ای می کند. (2) بنابر این باید گفت: سرعت و جدیت در کارها آری، اما عجله و شتابزدگی نه! و به تعبیر دیگر؛ عجله ممدوح آنست که به هنگام بررسی و مطالعه در جوانب کار و شناخت آن، در اجرا درنگ نشود؛ از این روی در روایات می خوانیم: «در کار خیر، عجله کنید، بعد از آنکه خیر کاری ثابت شد دیگر جای درنگ نیست». (3)

جان ویزلی می گوید:

«با وجودی که من همیشه شتابانم، هرگز عجله مذموم ندارم». (4)

خصوصیات سرعت و سبقت

اشاره

ویژگی های سرعت و سبقت به ما نشان می دهد که از اهمیت ویژه ای برخوردار است و نیروی محرکه ای قوی و مستحکم در جهت حرکت نیز است، با هم آن خصوصیات را می خوانیم:

ص: 258

1- . مکارم شیرازی، ناصر، یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، ص 535، به نقل از اصول کافی، ج 1، کتاب الایمان و الکفر.

2- . همان منبع، به نقل از سفینه البحار: ماده (ثب).

3- . همان منبع، ص 535 و 536.

4- . دیوید راس، هزار و یک نکته باریک تر از مو، مترجم: سیمین مؤحد، ص 150.

1) استفاده کامل از لحظات زندگی

سرعت و سبقت موجب استفاده افزون تر از فرصت ها می شود، زیرا سستی یکی از دزدان فرصت ها بوده و موجب تلف شدن اوقات گرانبهای آدمی می گردد.

2) اعتماد و اطمینان

شخصی که از دون همتی دوری گزیده و به کارهایش سرعت می بخشد به اهداف بلند مدت رهنمون شده و سرانجام کامیابی را در آغوش می کشد، بنابر این با سبقت در اعمال خود از اعتماد و اطمینان برخوردار است.

3) روابط سازنده در خانواده

او با پیروی از راهبران و نمونه ها از روابطی سالم در زندگی مشترک برخوردار است؛ از این روی خود نیز نمونه ای برای دیگران بوده و با سبقت از دیگران هر روز تفاهم و توافق را در برنامه زندگی مشترک خویش گنجانیده و آن را برای خویش عادت می سازد. زنی به حضور امام صادق (علیه السلام) آمد و گفت: «من زن بی همسر هستم» امام فرمود: منظورت چیست؟ او گفت: ازدواج نمی کنم و از آن دوری می نمایم. امام فرمود: چرا؟ او عرض کرد: با این کار می خواهم به مقام عالی و معنوی برسم، امام فرمود: از این عقیده دست بردار، هرگز ترک ازدواج موجب وصول به مقامات عالی معنوی نیست، اگر انسان با ترک ازدواج به چنین مقامی می رسید، حضرت فاطمه (علیها السلام) سزاوارتر بود که ترک ازدواج کند، چرا که هیچ کس در وصول به کمالات معنوی، از فاطمه (علیها السلام) پیشی نگرفته است. (1)

بنابر این با ازدواج و روابط سالم در خانواده بر سرعت و سبقت خویش افزوده و الگوی جوامع گوناگون شویم.

ص: 259

4- سرعت در اعمال دینی

سرعت در اعمال مذهبی فضیلت و برتری دارد زیرا در مکتب تشیع، بشر از سستی و مسامحه کاری باز داشته شده است. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

«سرعت گرفتن به سوی طاعت خدا، از برتری نفس است»⁽¹⁾.

بدین جهت با سرعت و سبقت و سرلوحه قرار دادن مظاهر فرهنگی و اجتماعی؛ نمونه ای برای دیگران شویم.

5) سیاست

در سیاست نیز سرعت جایگاه ویژه ای داشته و به وسیله آن و با نمونه قرار گرفتن در سیاستمداری الگوی دیگران می شویم. بد نیست بدانید که؛ سرعت و سبقت در راستای سیاستمداری علی گونه سیاستمداران عالم را سرلوحه قرار می دهد. به گونه ای که هر نوع سیاستی که در آن دغل و حقه قرار داشته باشد در نقطه مقابل آن قرار گرفته و نابود شدنی است.

6) عدم ملالت

کُندی باعث ملالت می شود، همان طور که سرعت از کسالت جلوگیری می نماید همانند کسی که یک کلاس درس را طی چند سال می گذراند برایش ملال آور است تا شخصی که به طور جهشی دو کلاس را در یک سال طی کند.

7) کیاست و بزرگی

بی گمان سبقت شخصیت های اجتماعی را به بزرگی رسانیده و سرلوحه دیگران قرار می دهد و به دنبال آن افراد جامعه نیز با پیروی از آنان به پیروان خویش درس بزرگی می آموزند.

ص: 260

1- . نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، 19، ص 254، به نقل از غرر الحکم، ج 6 ص 48.

8) مورد اطمینان

افراد جوامع گوناگون با سرعت و سبقت از دیگران و به وسیله رسیدن به اهداف گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی مورد اعتماد همگان واقع شده و آنان نیز در مشکلات غمخوارشان هستند.

9) موفقیت

تلاش برای الگو شدن کلید پیشرفت بوده و ما را به اهداف کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت فراوانی نائل می کند، به شرط آن که همراه با ثبات باشد.

10) نشاط ایمانی

به دلیل رسیدن به اهداف بزرگ اقتصادی، سیاسی و عبادی و سرلوحه دیگران قرار گرفتن از فیض آن نیز برخورداریم زیرا این اهداف بزرگ جنبه خدمت به هم نوعان را نیز در بر داشته و موجب نشاط ناشی از هم نوع دوستی می گردد.

11) هم دردی با قشر کم درآمد

یک انسان نمونه در کارهای نیکو با سرعت، گوی سبقت را از دیگران می رباید و سرآمد روزگار شده و نام نیکی به یادگار می گذارد.

سعیدیا مرد نکو نام نمیرد هرگز مرده آنست که نامش به نکویی نبرند

*** خاطره ***

علامه وحید بهبهانی دو پسر به نام آقا محمد علی و آقا عبدالحسین داشت. روزی همسر آقا عبدالحسین را دید که لباس فاخر پوشیده به پسرش اعتراض کرد. پسر در جواب پدر، آیه سی و دوم سوره مبارکه اعراف را خواند:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»

«ای پیامبر! بگو چه کسی زینت ها، رزق ها و غذاهای پاکیزه را که خداوند برای بندگانش آفریده حرام کرده است؟!»

وحید بهبهایی گفت: «پسرم! نمی گویم که کار حرام کرده ای! ولی بدان که من مرجع تقلید و پیشوای این مردم هستم. در میان مردم، گروه های مختلف، از ثروتمند و فقیر می باشند که ما نمی توانیم به فقیران خیلی کمک کنیم، بنابراین باید با آنها همدردی کنیم. اگر همسر یک مرد فقیر از او تقاضای لباس فاخر کند، آن مرد باید یک مایه آرامش خاطر داشته باشد و بگوید ما به خانواده بهبهانی نگاه می کنیم، نه به خانواده های ثروتمند، پسرم! وای به روزی که زندگی ما مثل زندگی طبقه مرفه باشد! ما باید زاهدانه زندگی کنیم تا با فقرا همدردی کرده باشیم».

شخصیت سبقت گیرندگان واقعی (ملاک های موفقیت آفرین)

اشاره

سرعت دهندگان و سبقت گیرندگان راه سعادت از شخصیت پسندیده ای برخوردارند که هفت نمود و اصل آن را می خوانید:

1) اسیر سرعت خویش نیستند !!

سبقت گیرندگان طالب سعادت بر سرعت خویش تسلط دارند ولی طالبان شقاوت اسیر سرعت هستند. بنابراین سعادت‌مندان با تسلط بر سرعت آن را تحت کنترل خویش در آورده و با مهارت توأم با احتیاط از آن بهره برداری می کنند.

2) تأمل کامل

طالبان سعادت این نکته را فراموش نمی کنند که در هنگام سرعت گاهی باید تأمل نموده و حرکت خویش را کند یا متوقف نموده و پس از پیش بینی های ضروری، با فراغت بال از نو حرکت کرده، و دوباره بر سرعت خود بیافزایند.

3) خستگی ناپذیری

در حرکت سرعتی خویش و در سبقت هایی که باعث نمونه شدن آنان می شود، هیچ گونه کسالتی را در خویش حس نکرده و تزلزلی به خود راه نداده و با خونسردی به کارشان تداوم می بخشند.

ص: 262

4) دور اندیشی

سرعت توأم با دور اندیشی موجب بهروزی بوده ولی اگر همراه با شتاب زدگی باشد، محکوم به شکست است. بنابراین واقع بینی و دور اندیشی در این راه باید سر لوحه قرار گیرد.

5) عدم ترس های بی مورد

گام نخست باید محکم برداشته شود و ترس های بی مورد از وجود آنان رخت بریندد. بنابراین برای عبور از موانعی که بر سر راه آنها است، هیچ باکی به خود راه نداده ولی در هنگام خطرات ناشی از سرعت غیر مطمئن احتیاط را چاشنی آن می کنند.

6) عدم سرعت غیر مجاز

آنها در جهت حرکت خویش، سرعت غیر مجاز ندارند. زیرا سرعت بیش از حد در هر کاری نهی گردیده و باعث تزلزل و شکست است.

7) هر چیزی در جای خویش

سرعت دهندگان واقعی هر چیزی را در جای خودش قرار می دهند. آنها برای عواقب مطلوب از سرعت توأم با احتیاط یاری می جویند؛ زیرا این نکته را نباید فراموش کرد که در همه مواقع سبقت و احتیاط لازم و ملزوم یکدیگرند. بنابراین آنان سرعت را همراه با دقت در مواقع مناسب و ضروری زیادتر نموده و در موقعیتی دیگر سرعت را کمتر و متناسب با احتیاط تنظیم می نمایند.

فراگیری روش های سرعت و سبقت

علمی :

1- آگاهی و شناخت در باره سرعت، سبقت و ویژگی های آن.

2- شناخت عواقب شتابزدگی و عجله.

ص: 263

3- شناخت عواقب سستی و کاهلی .

4- آگاهی از موضوع سرعت و سبقت از دیدگاه قرآن و احادیث.

عملی:

1- سرعت بخشیدن به حرکت در راه اهداف عالی.

2- استفاده عملی از قوانین سرعت و سبقت. (1)

3- شناخت سرلوحه های آن.

4- آموخته های تجربی از اهل سکون و تبلی.

فراگیری روش های الگو شدن

«پافشاری قرآن کریم در شناسایی شخصیت انسان های کامل به یقین برای بیان داستان سرایی نیست. زیرا قرآن کریم کتاب قصه نیست. قرآن کتاب هدایت، نور و روشن گری است. غرض قرآن از بیان شخصیت انسان های ملکوتی برای الگو پذیری دیگران است. تا با پیشی گرفتن اندیشه و روش آنان راه تکامل را پیموده به مقصد برسند. اگر قرآن کریم شخصیت انسان کامل را بیان کرده و می فرماید: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (2)

انگیزه و فلسفه را نیز بیان نموده؛

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (3)

«معرفی الگو برای پیروی از سیره و روش انسان کامل و نمونه است تا با اسوه قرار دادن وی از راه راست منحرف نشوند». (4)

نمونه ها و الگوها از دیدگاه قرآن

الف) پیامبر الگویی بزرگ

حال مظاهر و نمونه ها را از نظر کلام وحی مورد بررسی قرار می دهیم تا با

ص: 264

1- . تعدادی از آن قوانین در شخصیت سرعت دهندگان واقعی بیان شده است.

2- . سوره قلم، آیه 40.

3- . سوره احزاب، آیه 21.

4- . میر جهانی اصفهانی (ره)، محمد حسن، جُنَّة العاصمه، نشر: نسیم کوثر، سال 1389، ص 8.

چشم واقع بین راز کامیابی را دریابیم:

«لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»؛ (1)

«مسلماناً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند.»

ب) حضرت ابراهیم الگویی بزرگ

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآئُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَتَيْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (2)

«برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می پرستند بیزاریم؛ ما نسبت به شما کافریم؛ و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است؛ تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید! جز آن سخن ابراهیم که به پدرش (عمویش آزر) گفت: (و وعده داد) که برای تو آمرزش طلب می کنم و در عین حال در برابر خداوند برای تو مالک چیزی نیستم (و اختیاری ندارم)! پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم، و همه فرجام ها به سوی تو است!«.

ج) حضرت عیسی (علیه السلام) الگوی مناسب

«إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ»؛ (3)

ص: 265

1- .سوره احزاب، آیه 21.

2- .سوره ممتحنه، آیه 4.

3- .سوره زخرف، آیه 59.

«مسیح فقط بنده ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و الگویی برای بنی اسرائیل قرار دادیم.»

(د) قارون الگوی دنیا پرستان

«فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (1)

«(روزی قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آنها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد!»

ص: 266

1- . سوره قصص، آیه 79.

افراد جوامع مختلف از عادات ممدوح استفاده بهینه نموده و خویش را به کارهای پسندیده وا می دارند. مانند اینکه آنها به طور مداوم راه های پیروزی اندیشه را بررسی نموده و با سعی به آن جامعه عمل می پوشانند. عادت های ممدوح راه هایی برای رسیدن به کامیابی است. بر خلاف آن عادت های مذموم راه های شکست را هموار می کند، عاداتی چون غیبت، تهمت، کینه و انتقام جویی، دشمن برنامه ریزی انسان و مانع تحول و تغییر بوده و تضعیف اندیشه آدمی را در پی دارد، بنابراین مانع راه های رسیدن به موفقیت شده و راه های شکست را آشکار می کند.

تعریف واژه

هر گاه کاری در اثر تکرار چنان در طبع آدمی جایگزین و پذیرفته شود که انجام همواره و پی در پی آسان، خوشایند، و در نتیجه ترک آن نیز دشوار و ناخوشایند گردد و به اصطلاح بر اثر تکرار جزو طبیعت آدمی در آید، گویند در این کار عادت بسته است.

جایگاه و اهمیت آن

عادات پسندیده لطف الهی است که شامل اشخاص متدین و مورد اعتماد گردیده و آنان در تمامی لحظات عمر نهایت استفاده را از آن می کنند بر خلاف آن عادات مذموم موجب شقاوت بوده که در گفتار معصومین نهی گردیده است. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

«عادت ها را تغییر دهید، تا طاعات بر شما آسان شود».(1)

ص: 268

1- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 9، ص 4191، ح 14563.

اشاره

ویژگی های عادات پسندیده نموده‌ها و اصل های گوناگونی دارد که بعضی از آنان از تغییر، تحول و حرکت شکل گرفته و گاهی نیز از روابط سالم در خانواده، اجتماع و کار به وجود آمده است، با هم آن ویژگی ها را می خوانیم:

1) ابعاد اجتماعی

اشاره

عادات پسندیده در ابعاد اجتماعی آن بسیار مورد تأکید قرار گرفته است که یکی از آنها مبارزه با خرافه پرستی است. مردم از به کارگیری آن عادات موهوم خرافی نهی شده و برای روی آوردن به فرهنگ صحیح هیچ گونه توجیهی پذیرفتنی نیست.

به عبارت ساده در میان ملت های گوناگون باید عادات ممدوح در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رعایت شود، تا از گناه و خرافه پرستی دوری بسته و سرانجام نیکبختی را در آغوش بکشند.

هجرت از عادت

مرحوم آیت الله حجت رحمه الله، سیگاری قهاری بود.

وقتی مریض شد برای معالجه به تهران آمد در تهران اطبا گفتند: چون بیماری ریوی داری باید سیگار را ترک کنی.

— ایشان ابتدا به شوخی گفت: من این سینه را برای سیگار کشیدن می خواهم اگر سیگار نباشد سینه را می خواهم چه کنم؟

— عرض کردند: به هر حال برایتان خطر دارد، مضر است.

— فرمود: مضر است؟

— گفتند: بله.

— فرمود: دیگر نمی کشم. یک سخن طلایی و یک تصمیم، این مرد را مهاجر از عادت قرار داد.

در احادیث نیز آمده است: «المهاجر من حجر السيئات».

مرد آن است که اسیر عادت موهوم نباشد تا بتواند از آن جدا شود. اگر فردی از سیگار کشیدن نتواند دوری گزیند، انسان نیست.

آری!! عادت مذموم سیگار کشیدن علاوه بر مضرات فردی؛ موجب آزار رسانیدن به افراد جامعه نیز می شود. بنابراین با هجرت از گناه و دوری از این عادت مذموم و ناپسند از عواقب زیانبار فردی و اجتماعی آن در امان باشیم.

(2) ابعاد خانوادگی

اشاره

عادات پسندیده خانوادگی چون تفاهم و توافق موجب استحکام بنیاد خانواده شده و از فروپاشی آن جلوگیری می نماید. چنین خانواده هایی آداب خانوادگی را در نمود و اصل های گوناگون مورد بررسی و سپس کاربرد قرار داده و در زمینه فرهنگ تعلیم و تربیت فرزندان مراحل والایی را طی می نمایند. زیرا اعمال نیکو بر اثر تکرار در وجودشان جایگزین رذیلت ها می گردد.

کنترل عادت ها

شب پنج شنبه 28/8/66 با برادر فاضل شیخ جواد ابراهیمی به منزل استاد حسن زاده رفتیم تا طبق قرار قبلی ایشان را به مرکز تحقیقات باقر العلوم بیاوریم و در جلسه گروه فلسفه دوستان شرکت فرمایند.

درب منزل را زدیم، استاد تشریف آورد، گفتیم: تا شروع جلسه چند دقیقه ای فرصت هست، استاد فرمودند: پس بفرمایید داخل تا من آماده شوم.

در اتاقی که وارد شدیم کتاب های گوناگونی وجود داشت. کتاب هایی با جلد های چرمی قدیمی که همگی روی زمین چیده شده بود، از این رو جای کمی در اتاق برای نشستن باقی مانده بود.

در گوشه ای نشستیم. دو تا میز کوچک در دو طرف اتاق روی زمین گذاشته بود و روی هر یک مطالبی دیده می شد که ما از استاد علت آن را پرسیدیم.

استاد گفت: یکی برای نوشتن کتاب عیون مسائل است و دیگری برای نوشتن درس های هیئت.

بنده خدمتشان عرض کردم:

— اگر می خواهید کتاب ها را مرتب کنید، افتخار می کنیم که به شما کمک کنیم. برای خدمت حاضریم، ایشان گفت:

— نه آقا جان، خیلی ممنونم، این ها ترتیب همین است که می بینید، در گذشته محل کار و مطالعه ام زیر زمین بود، ولی خانم گفتند که آن جا برای شما ضرر دارد و مریض می شوید، سپس کتاب های لازم را به اتاق منتقل کردند.

جلوی ما قدری میوه و گز بود، استاد گفت:

— نمی دانم چرا کسی از این ها نمی خورد، چند روز است که این جا مانده، شما بخورید، سپس استاد رفت و پس از لحظاتی چایی آورد، من سینی را از دست او گرفتم یک چای هم برای خودش گذاشتم. او چند لحظه سرش را پایین انداخته بود و در حالت خاصی همراه با تفکر ساکت بودند، سپس گفت:

— علما و بزرگان گذشته چه موجوداتی چه بوده اند!! چقدر زحمت کشیده اند!! چقدر کار کرده اند، نمی دانم این ها پولاد بوده اند و از آهن و کوه هم سخت تر بوده اند!! واقعاً انسان متحیر می ماند. تعجب برانگیز است! وقتی چایی را خورد... پس از چند لحظه ای گفت: اشکال ما همین است، هر چه را چشم دید می خواهیم انجام دهیم. الآن من چایی نمی خواستم، اما چشمم افتاد، از روی عادت، خوردم، برای همین ما کودنیم.

سپس گفت: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «چیزی را که طبع مایل و نیازمند نیست نخورید که کودن بار می آید».

در پایان گفت:

— اصلاً این چایی چه اثری دارد که ما این قدر می خوریم. او بعد از درنگی کوتاه با لبخند شیرین خاصی گفت: هذا الشای لایزید الا بولاً؟

(3) اصل کاربرد

گراییدن به عمل از ارزش ها به شمار می رود. بنابراین کسانی که از تکرار رذیلت ها میبهره هستند و عادت های ممدوح را بر سر لوحه قرار داده اند، انسان های

ص: 271

ارزشمندی هستند که مظهر و سرمشق دیگران می باشند.

آری!! یکی از عادت های ممدوح، عادت به ارزشی شدن در جمیع موارد اقتصادی، سیاسی و عبادی است.

4) تحول ملت ها

تغییر عادت ها باعث تحول و دگرگونی آدمی می گردد. و همان گونه که در عید نوروز با تحوّل در طبیعت پس از زمستان سرد با آمدن بهار برگ ها، شکوفه ها و گل ها باز می شوند و طوطی ها و بلبلان شروع به نغمه سرایی می کنند تغییر عادت ها نیز در وجود آدمی باعث تحوّل شده و وی را دگرگون می سازد. با این اوصاف او به تکامل و پیشرفت خواهد رسید؛ بنابراین افراد جوامع گوناگون با ترقی و تکامل نوید بخش جامعه ای نوین بوده که با تغییر خویش با حرکتی متعالی به زندگی نشاط و طراوت می بخشند.

5) تقویت اندیشه

تغییر عادت ها باعث تقویت قدرت تفکر و سلاست آن گردیده و ضریب اطمینان در کارها دو چندان می گردد. زیرا تغییر عادت موهوم به عادت پسندیده تحولی در اندیشه به وجود می آورد که باعث چشم انداز زیبایی می گردد.

6) قدرت ابتکار

با قدرت اراده و تصمیم بر عادت های پسندیده تسلط می یابیم و به آن تداوم می بخشیم چنین اعمالی که باعث تقویت اراده است باعث تقویت نوآوری نیز در انسان می شود. همانند پیگیری در کارها را به عنوان یک عادت پسندیده در خود پرورش دادن(1) و یا خودتان را عادت بدهید که دقایقی از وقتتان را در شبانه روز برای سنجش اعمال گذشته و برنامه های آتی اختصاص دهید و یا اینکه عادت به خلاقیت را در درون خویش شکوفا نمایید.

ص: 272

1- . سجادی، محمد کاظم، می خواهم خوشبخت باشم، ناشر: شهید مدرس، سال 1384، ص 26، با تصرف.

7) فرصت شناسی

طبق عادت های پسندیده از وقت خویش نهایت استفاده را بنمایید، بر خلاف عادات مذمومی که موجب تلف شدن عمر آدمی می گردد.

8) نمود و اصل مذهبی

یک نمود و اصل مذهبی عادات پسندیده عبادی و معنوی است که طی آن آدمی به مهم ترین هدف آفرینش نزدیک می گردد که در این هنگام یاری خداوند نصیب او گردیده و به سعادت دو سرا می رسد.

9) نمود و اصل ملی

بعضی از عادت ها و رفتارهای ملی و میهنی که شامل آداب و رسوم و آیین ملی می شود که افراد ملت ها این عادات و رفتارها را گرامی داشته و با آنها جامعه خویش را از گزند بیگانگان مصون و محفوظ نگاه می دارند.

شخصیت پیروان عادات ممدوح

اشاره

پیروان عادت های پسندیده پنج نمود و اصل را مورد بررسی، شناخت و کاربرد قرار می دهند که عبارت است از:

1) پرورش نفس

اشاره

با پرورش معنوی نفس می توانید عادت ها را تغییر دهید. پرورش نفس باعث تقویت اراده، پایداری و تلاش در راه موفقیت و تغییر عادت ها می شود. بد نیست بدانید که تغییر عادات در همگان از کوچک و بزرگ پیر و جوان و زن و مرد تأثیر به سزایی دارد و موجب تحوّل می گردد تا جایی که باعث نماز خواندن گریه ای می شود:

*** خاطره ***

«گویند عماد الدین فقیه، در شیراز می زیست و گریه ای داشت؛

هر وقت او به نماز می ایستاد، گریه به او اقتدا می کرد و رکوع، سجده و قیام انجام می داد، همین باعث شد که شاه شجاع الدین، ارادت خاصی به عماد پیدا کند.

شعر خواجه حافظ به همین حادثه اشاره دارد، آنجا که می گوید:

ای کبک خوش خرام که خوش می روی به ناز غره مشو که گریه عابد نماز کرد»(1)

(2) تسلط و برتری

اشاره

برای تبدیل عادت های ناپسند به پسندیده نباید اسیر عادات موهوم شویم بلکه با تسلط بر آنها موجبات تحول در نفس خود و تغییر آنها را فراهم کنیم.

مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی

نقل شده است که مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی در سن 65 سالگی در اثر نقاهتی به پزشک مراجعه کرد، پزشک پس از معاینات اولیه گفت:

«علائمی از بیماری سل در شما مشاهده می شود که برای پیشگیری از شدت آن باید سیگار را ترک کنید.

علامه تهرانی جواب می دهند: من تا حالا در استعمال سیگار مرتکب اشتباهی شده ام و بعد از این، این اشتباه را تکرار نمی کنم و به شما قول می دهم که از همین لحظه سیگار را ترک کنم و از همان روز آن را ترک کرد و هر وقت میل به سیگار پیدا می کرد یک عدد آب نبات در دهان می گذاشت.

(3) چشم انداز زیبایی رفاقت

با فرهیختگان همنشین شده و با آنان همراهی کنیم. این کار نتایج مثبت و قابل ملاحظه ای به بار می آورد. به دلیل آنکه طبع همراه و همنشین در دوست او همگون و همانند می گردد، و نوید بخش فردایی سراسر امید و آرزوهای تحقق یافته است.

ص: 274

1- . رحمتی، محمد گنجینه معارف، ج 3، ص 568، برگرفته از ریاض الحکایات، ص 158.

4) عدم مطلق نگری

گاهی عادت موهوم باعث باند گرایی و مطلق نگری می شود. از این روی نگرش و بینش وسیع باعث تغییر عادات ناپسند به پسندیده شده و موجب تغییر

در آدمی می گردد.

5) متعصین جاهل

آنان از تعصب کور سیاسی مذهبی صرف نظر نموده؛ و با تبادل نظر، تحوّل در درون خویش ایجاد کرده و عادات زشت را به زیبا تغییر می دهند.

فراگیری روش های تغییر عادت (قاعده طلایی)

1- گرایش به اندیشه.

2- ایجاد نو آوری در امور فردی، خانوادگی و اجتماعی.

3- عدم رضایت به وضع کنونی.

4- ترک بعضی از کردارها برای عادت نکردن به آنها.

5- تقویت حسّ انتخاب گری و گزینش در زندگی.

6- تقویت عادات نیکو.

7- تغییر عادات زشت به عادات نیکو به وسیله تقویت حس سازندگی و تعهد.

8- تقویت حسّ تغییر، تحول و حرکت در نفس (سازندگی).

9- پرورش معنوی و تغذیه روح.

10- پرورش تن و روان چرا که روح سالم در بدن سالم است بدین جهت که آن عامل اصلی تقویت نفس بوده و به راحتی موجب تحول در خویش و تغییر عادت هاست.

مدیریت عادت از دیدگاه آیات الهی

اشاره

برای مدیریت عادت چشم دل به آیات روح بخش الهی می سپاریم؛ و با هم زمزمه می کنیم:

«فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» (1)

«اما افراد ستمگر، این سخن را که به آنها گفته شده بود، تغییر دادند (و به جای آن، جمله استهزا آمیزی گفتند) از این روی بر ستمگران در برابر این نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم.»

ب) تسلط بر عادت

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِعَ إِيمَانَكُمْ إِنْ اللَّهُ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (2)

همان گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط) تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است. و ما، قبله ای را که قبلاً بر آن بودی تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می کنند، از آنها که به جاهلیت باز می گردند، مشخص شوند و مسلماً این حکم، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرد، دشوار بود. (این را نیز بدانید که نمازهای شما در برابر قبله سابق، صحیح بوده است) و خدا هرگز ایمان (نماز) شما را ضایع نمی گرداند زیرا خداوند، نسبت به مردم، رحیم و مهربان است.»

ج) عادت به گناه

«كَذَّابٍ ءَالَ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (3)

(عادت آنان در انکار و تحریف حقایق) همچون عادت آل فرعون و

ص: 276

1- . بقره، آیه 59

2- . بقره، آیه 143

3- . سوره آل عمران، آیه 11.

کسانی است که پیش از آنها بودند آیات ما را تکذیب کردند، و خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان گرفت و عقوبت خداوند سخت است».

د) عادت و ارزش های اخلاقی پسندیده

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُوا أَوْ تَعَرَّضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (1)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما باشد! (چرا که) اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید که از حق، منحرف خواهید شد! و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است».

و) غلبه عادت بر فطرت

«قَالُوا أَجِئْنَا لِنُعْبُدَ اللَّهَ وَ حُدَّةَ وَ نَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (2)

گفتند: « آیا به سراغ ما آمده ای که تنها خدای یگانه را پرستیم، و آنچه را پدران ما می پرستند رها کنیم؟ پس اگر راست می گویی آنچه را (از بلا و عذاب الهی) به ما وعده می دهی، بیاور!»

هـ) غلبه عادت و رویگردانی از حق

«وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ؛ وَ ءَاتَيْنَاهُمْ ءَايَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ» (3)

«و اصحاب حجر قوم ثمود پیامبران را تکذیب کردند! ما آیات خود را به آنان دادیم ولی آنها از آن روی گردانند».

ص: 277

1- . سورة نساء، آیه 135.

2- . سورة اعراف، آیه 70.

3- . سورة حجر، آیات 80 و 81.

«وَلَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَآدَيْنَا كِتَابًا يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ* بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرِهِ مِنْ هَذَا وَ لَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ* حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ»(1)

«و ما هیچ کس را جز به اندازه توانایش تکلیف نمی کنیم و نزد ما کتابی است (تمام اعمال بندگان را ثبت کرده) و به حق سخن می گوید و به آنان هیچ سستی نمی شود. ولی دل های آنها از این نامه اعمال (و روز حساب و آیات قرآن) در بی خبری فرورفته و اعمال (زشت) دیگری جز این دارند که پیوسته آن را انجام می دهند. تا زمانی که متعتمان مغرور آنها را در چنگال عذاب گرفتار سازیم در این هنگام ناله های دردناک و استغاثه آمیز سر می دهند!»

مدیریت عادات ممدوح از دیدگاه روایات

اشاره

به سراغ روایات راهبران مذهبی می رویم و نکوهش عادات موهوم و چگونگی عادات ممدوح را مورد بررسی قرار می دهیم:

الف) الکوی والا

«ابن اثیر: كَانَ يُلقَبُ بِالكَاطِمِ (علیه السلام) لِإِنَّهُ كَانَ يُحْسِنُ إِلَى مَنْ يُسِيءُ إِلَيْهِ، كَانَ هَذَا عَادَتَهُ»(2)

«امام کاظم (علیه السلام) از آن روی کاظم نامیده شد که همواره با کسی که به او بدی می کرد به نیکی رفتار می کرد».

ب) ترک عادات ناپسند

علی (علیه السلام) فرموده است:

«ذَلَّلُوا أَنْفُسَكُمْ بِتَرْكِ الْعَادَاتِ وَ قُدُّوْهَا إِلَى فِعْلِ [أَفْضَلِ] الطَّاعَاتِ وَ حَمَلُوهَا أَعْبَاءَ الْمَعَارِمِ وَ حُلُّوهَا بِفِعْلِ الْمَكَارِمِ وَ صُونُوهَا عَنْ دَنَسِ الْمَأْتِمِ»(3)

ص: 278

1- . سورة مؤمنون، آیات 62-64.

2- . الكامل 6:164.

3- . رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج3، همان، ص 567، غرر الحکم، ص 407.

نفس متجاوز و سرکش خویش را با ترک عادات ناپسند خوار نمایید و به انجام اوامر الهی و ادارش سازید و بار غرامت های تخلفش را بر وی تحمیل نمایید، با ارتکاب مکارم اخلاق زینتش کنید و از پلیدی های گناه مصونش دارید.»

ج) روش ترتیب روح

علی (علیه السلام) فرموده است:

« الْمَرْءُ حَيْثُ وَضَعَ نَفْسَهُ بِرِيَاضَتِهِ وَ طَاعَتِهِ فَإِنْ نَزَّهَا تَنَزَّهَتْ وَإِنْ دَنَسَهَا تَدَنَسَتْ » (1)

«خوبی و بد اخلاقی هر آدمی تابع روشی است که تربیب روح خود را بر آن قرار داده و در راه نیل به آن روش کوشش و از آن پیروی می نماید. اگر با روش های صحیح جان خود را از پلیدی پاک کرده باشد پاک است و اگر آلوده نموده، آلوده خواهد بود.»

د) عادت به تقوا

فی الْخَبَرِ: أَلْزِمُوا التَّقْوَى وَ اسْتَعِيدُواهَا؛ (2)

در حدیث آمده است که:

« همواره ملازم تقوا و پرهیزگاری باشید و خویشتان را به آن عادت دهید.»

ذ) عادت به صبر

علی (علیه السلام) در ضمن وصایای خود به حضرت مجتبی 7 فرمود:

«عَوِّدْ نَفْسَكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ»؛ (3)

«نفس خویش را به بردباری در مقابل ناملایمات عادت ده.»

و) عادت مذموم

علی (علیه السلام) فرمود:

ص: 279

1- . همان، ص 305.

2- . همان به نقل از مجمع البحرین، عود.

3- . همان منبع به نقل از نهج البلاغه نامه 31.

«الْعَادَةُ عَدُوٌّ مُتَمَلِّكٌ» (1)

«عادت بد، دشمن است که با قدرت بر صاحبش حکومت می کند».

هـ) عادت معتاد

حضرت عسکری فرمود:

«رَدُّ الْمُعْتَادِ عَنْ عَادَتِهِ كَأَلْمُعْجِزِ»؛ (2)

«برگرداندن معتاد از عادتی که به آن خو گرفته، مانند معجزه است».

ی) هنر ترک عادت

امام چهارم (علیه السلام) فرمود:

«لَا تُعْطِ نَفْسَكَ مَا ضَرَّهُ عَلَيْكَ أَكْثَرَ مِنْ نَفْعِهِ» (3).

«چیزی که زیانش برای تو از سودش بیشتر است، بر خود روا مدار، و آن را به خود اعطا مکن».

آنچه در زندگی ضروری نیست

پیش عادات، سر افکنده مباش

خویشتن را به هیچ عادت و خوی

چون که هر عادتی نیاز آرد

دل به رامش اگر نیازی به

که به هر حال سرافرازی به

به هوس مبتلا نسازی به

از همه چیز بی نیازی به

ص: 280

1- . کتابچی، محسن، کشکول جاویدان، ص 529.

2- . همان منبع به نقل از غرر الحکم، ص 33.

3- . همان منبع به نقل از بحار الانوار، ج 17، ص 217.

بی گمان آموخته های عملی از حوادث و رویدادهای گذشته ما را از عدم گرایش به اندیشه در امان نگاه داشته و به ما بیداری و هوشیاری عطا می نماید. و از سویی موجبات تحوّل و تغییر را فراهم نموده و حرکت آفرین است؛ از این روی یکی از راه های جلوگیری از کژدلی پند گرفتن از وقایع گذشته است. به دلیل آنکه راه رسیدن به پیروزی با پند و اندرز هموار شده و آموخته های عملی در این راه ثمر بخش است. به عبارت ساده؛

گاهی آموختن حادثه ای از تاریخ، یا زندگی دیگران، و یا واقعه ای غیر منتظره درسی بزرگ فرا راه زندگی ماست، که موفقیت ما در گرو آن است. بنابراین باید از این درس های زندگی نهایت استفاده را نموده، تا کامیاب شویم. مارک تواین می گوید:

«آن که قدرت و قابلیت عبرت پذیری ندارد هیچ گاه ترقی نخواهد کرد».(1)

شاید شما بگویید چرا از گذشته یا سرگذشت گذشتگان عبرت بگیریم؟!؟

در پاسخ می گوئیم اگر احتیاج به پند و اندرز داشته باشیم به کتاب های حدیثی یا به سخنان مشاهیر جهان مراجعه می کنیم!! ولی عبرت آموزی از واقعه یا حادثه ای حقیقی که مشاهده می کنیم، به قدری تأثیر گذار است که شاید صدها و یا حداقل ده ها پند و اندرز به پای آن نمی رسد. ژولیو کوری می گوید:

«هزار پند و نصیحت زبانی ارزش یک عبرت عینی را ندارد».(2)

ص: 282

1- . شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟ ص 220.

2- . همان منبع.

تعریف واژه

«کلمهٔ «عبر» گذشتن و عبور از حالی به حال دیگر است و اعتبار (عبرت آموزی) حالتی است که با دیدن و حضور نزد آنچه مشهود است به پیامی که نامشهود است نایل گردند.» (1)

جایگاه و اهمیت آن

اشاره

آموخته های تجربی درسی مهم و زندگی ساز است، که به وسیلهٔ آن آدمی با سهولت و با درکی عمیق و تأثیری شگرف متحول شده و موجب حرکت او به سوی تعالی است. و در اصطلاح مفهوم زندگی است، بنابراین «از اعمال دیگران عبرت بگیرید و برای دیگران نیز عبرت آموز باشید، مفهوم زندگی همین دو نکته است.» (2)

خصوصیات آموخته های عملی

ویژگی های آموخته های عملی (عبرت) نشان از عظمت آن دارد که با آن رازهای شگفت انگیز و کلید سعادت را می یابیم. با هم آن خصلت ها را می خوانیم:

1) آفایی و بزرگی

درس گرفتن از وقایع و حوادث سبب رشد شخصیت شده و نه تنها مانع سرگردانی شده بلکه موجب بهره برداری صحیح از سرمایه های حیات است، که ترقی و تکامل نشانهٔ بارز آن است، و از سویی به آدمی بزرگی می بخشد.

2) ابزار خلاقیت و قدرت

آموخته های تجربی انسانی را به سوی انتخاب راه های با کیفیت تر، و خلاقیت برتر هدایت می کند. به دلیل آنکه بعضی از وقایع عبرت آموز در جهت

ص: 283

1- . دیلمی، احمد، آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، نشر: دفتر نشر معارف، سال 1385، ص 197.

2- . شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟ همان، ص 220.

قدرت آفرینی و خلاقیت ذهنی و عملی قرار دارد که موجب تحول آدمی است.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

کسی که به کیفیهایی که بر سر پشینان آمده است با دیده عبرت بنگرد، پرهیزگاری او را از فرو افتادن در شبهات باز دارد. (1)

3) اندیشه گرایی

اشاره

آموخته های تجربی موجب بهره برداری و حفظ برترین سرمایه های حیات از جمله اندیشه ای سلیس و روان است که موجبات رشد فکری را فراهم ساخته و باعث حرکت هر چه بهتر به سوی نیک بختی است زیرا امام علی (علیه السلام) فرمود:

«کسی که عبرت نگیرد فکر ندارد و کسی که باز نایستد (و عبرت ها در او کارگر نیفتد)، در واقع عبرت نگرفته است». (2)

*** حکایت ***

منصور دوانیقی از عبدالرحمن خواست که وی را موعظه کند؛

عبدالرحمن گفت: روزگار برای تو موعظه است!

منصور گفت: چگونه؟

عبدالرحمن گفت: «عمر بن عبد العزیز وقتی در گذشت پانزده پسر داشت و فقط هفده دینار از خود باقی گذاشت که پنج دینار آن نیز خرج کفن و دفن شد و هشام بن عبدالملک نیز وقتی مُرد پانزده پسر داشت و برای هر پسرش یک میلیون دینار ارث بر جای ماند!

کمی بعد از فوت هشام، روزی یکی از پسران عمر بن عبدالعزیز را دیدم با صد اسب و مقدار زیادی خواروبار که به عنوان حقوق در راه خدا به فقرا انفاق می کرد و در همان حال، یکی از فرزندان هشام را دیدم که گدایی می کرد و از مردم صدقه می گرفت».

ص: 284

1- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 7، ص 3445، به نقل از نهج البلاغه، خطبه 16.

2- . همان منبع، ح 11787.

4) عدم انحراف تاریخی

پندها و عبرت های نشأت گرفته از تاریخ به سیاستمداران در جوامع گوناگون و ملت های مختلف کمک می کند تا از انحرافات عبرت آموز بر حذر بوده و با نیروی برتر حرکت خویش را به سوی ترقی ادامه دهند؛ زیرا حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«کسی که حکمت بر او آشکار شود، عبرت را بشناسد و هر که عبرت را بشناسد گویا با گذشتگان بوده است».

5) خسارت و شکست

وقایع عبرت انگیز موجب می شود راه هایی که به پرداخت خسارت منتهی شده را مسدود نموده و راه های برتری را انتخاب نماییم. به دلیل آنکه؛ حضرت امیر 7 فرمود:

« هر که زیاد عبرت گیرد، کمتر بلغزد».

6) قانع و سازگار

عبرت گیرنده به علت برگزیدن اندیشه های سلیس و بکر از آشفته گی و تزلزل در امان بوده و همیشه به حق خویش قانع است، زیرا حضرت امیر 7 فرمود:

«عبرت گیر تا قانع و سازگار شوی» (1).

7) قرب الهی

اشاره

آموخته های عملی موجب می شود بر احوال اقوام گذشته آگاهی یافته و راه رستگاری را انتخاب کرده و به ریسمان الهی چنگ زده و در راه راست گام برداریم. در قرآن کریم نیز آیاتی در مورد این موضوع بیان شده است که نشان از اهمیت آن دارد.

ص: 285

وقتی که در مکه عده مسلمین کم بود سوره مبارکه الرّحمن نازل شد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به عده ای از مسلمانان فرمود: کدام یک از شما حاضرید بروید این سوره را بر مشرکین بخوانید؟

حضرت علی (علیه السلام) نبود. ابن مسعود گفت: من حاضر می‌شوم ولی به علت جثه کوچکی که داشت مسخره اش می‌کردند.

پیامبر می‌دانست ابن مسعود طاقت این کار را ندارد، فرمود: بشین! دوباره پیامبر 9 این سؤال را فرمود: باز ابن مسعود اعلام آمادگی کرد. مرتبه سوم قبول کرد.

ابن مسعود به مسجد رفت، ابو جهل و دیگران بودند، با رشادت شروع به خواندن قرآن کرد. ابو جهل یک سیلی به او زد به طوری که صورت و گوشش زخم شد و خون جاری گردید ایشان را پیش پیامبر (صلی الله علیه وآله) آوردند.

پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: گفتم نرو برای اینکه طاقت نداری!

در این موقع پیامبر (صلی الله علیه وآله) تبسمی کرد ولی چیزی نگفت: تا سال دوم هجری، هنگامی که لشکر ابو جهل به مدینه حمله کرد، در بدر با مسلمین جنگیدند و با پیروزی مسلمین همراه شد. در این جنگ از جمله کسانی که کشته شدند ابو جهل بود.

پیامبر (صلی الله علیه وآله) دید ابن مسعود نشسته و به علت کوچک و ضعیف بودن نمی‌توانست به جنگ برود، پیامبر به وی فرمود: کاری که می‌گویم بکن، شمشیر بردار، به میدان برو هر کافری را دیدی زخم کاری خورده و مُردنی است سرش را ببر! ابن مسعود شمشیر را گرفت و به جبهه جنگ رفت. تماشا می‌کرد تا ببیند کجا کافری افتاده ناگهان چشمش به ابو جهل افتاد، زخم کاری خورده ولی خرو پفی می‌کند. ابن مسعود از صدای او ترسید که اگر برای بریدن سر او برود ممکن است حرکتی کند و ابن مسعود را از بین ببرد. از دور نیزه را دراز کرد و گلویش را فشار داد دید مناسب سر بریدن است.

چقدر ابن مسعود کوچک و ابو جهل بزرگ بوده که می‌گویند به سختی بالا

رفت، ابوجهل به ابن مسعود گفت:

ای بچه چوپان وقتی مرا کشتی به صاحبت بگو حالا- که می خواهم بمیرم از تو کسی نزد من بدتر نیست! من از دشمنان سرسخت تو هستم.

وقتی ابن مسعود ماجرا را به پیامبر (صلی الله علیه وآله) عرض کرد.

فرمودند: او بدتر از فرعون است، فرعون در حال غرق شدن گفت ایمان آوردم، ولی این بدبخت مرگ را می دید اما باز هم لجاجت می کرد.

8) نشاط ناشی از ایمان و عدم یأس

آموخته های عملی از گناهکاران و خطاکاران روحیه بازگشت از گناه و تقویت ایمان را به آدمی عطا کرده و موجب فرار از شکست می شود.

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که هر گونه عبرتی در زمینه های معنوی، مادی و اخلاقی به علت اینکه حرکت آفرین بوده، یأس و نومیدی را از انسان دور می کند و او را چون درخت تنومندی در برابر طوفان ها مقاوم می سازد.

شخصیت عبرت گیرندگان

اشاره

برای شخصیت عبرت گیرندگان نمودها و اصل های زیر به کار گرفته می شود، با هم می خوانیم:

1- استعداد یابی

بی گمان با پرورش استعداد های ذاتی و کسب استعدادهای اکتسابی و با مشاهده دقیق وقایع عبرت آموز می توانید هر چه بهتر به این مهم نایل شوید. از این روی «عبرت نه زمان می خواهد و نه مکان بلکه استعداد می خواهد»⁽¹⁾.

2- بهره برداری از شناخت

گام اول آنان بهره گرفتن از شناخت است. به دلیل آنکه با آشنایی و آگاهی از وقایع و حوادث تاریخ و زندگی نامه افراد می توانند به این مهم نائل شوند. آنها به

ص: 287

1- شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟ همان، ص 22.

خوبی می دانند که «عبرت آموزی غریزی نیست بلکه اکتسابی است هر چه علمیشتر، عبرت بیشتر»⁽¹⁾.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«برای عبرت گرفتن خردمندان، همان شناخت آنها کافی است»⁽²⁾.

3) بهره گیری از هشدارها

عبرت گیرندگان از هشدارهای عبرت آموز حداکثر استفاده را نموده و به آن جامه عمل می پوشانند، چون راننده ای که از هشدار پلیس نهایت استفاده را می کند.

حال نگاهی واقع بینانه به هشدار عبرت انگیز بطلمیوس می اندازیم تا شاید فراراهمان قرار گیرد:

«امروز روزی است که سخت باید وسیله عبرت همگان را فراهم سازد و به جهان دیگر روی آورده کسی که مردم از شر او در امانند و از این جهان در گذشته؛ آنکه پس از این کسی از او خیری نمی بیند»⁽³⁾.

4) پاک سازی درون

اشاره

در شکل گیری شخصیت عبرت گیرندگان پاک سازی نفس نقش بسزایی داشته و شخصیت آنان را مجاب می کند که تابع نفس خویش نباشند بلکه با ایمان به خداوند متعال و روز باز پسین به سازندگی خویش پرداخته تا نه تنها از عذاب او ایمن بوده، بلکه در جوار رحمت حق قرار گیرند.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود:

ص: 288

1- . همان.

2- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 7، ص 3441، ح 117555.

3- . شیخ بهایی، محمد بن حسن، کشکول کامل شیخ بهایی، چاپ: ششم، ص 454.

«عبرت گیرنده از دنیا، زندگیش در آن همانند زندگی کسی است که دنیا را در خواب می بیند و آن را لمس نمی کند، او به سبب زشت دیدن رفتار فریب خوردگان دنیا، محبت آن چه را که حسابرسی و کیفر دارد، از دل و جان خود می زداید».⁽¹⁾

*** حکایت ***

روزگاری در کنار رود نیل هنگام باستان شناسی صندوق بزرگی را پیدا کردند.

وقتی در صندوق را باز کردند جسد مومیایی شده ای را دیدند که در اطرافش چند خروار جواهر قرار داشت. وقتی تحقیق کردند، فهمیدند یکی از ملکه های مصر بوده که بعد از مرگش جسدش را مومیایی کرده اند.

در این صندوق همراه جواهرات، لوحی را نیز پیدا کردند که روی آن نوشته شده بود: «این وصیت نامه من است، پس از مرگم هر کس جنازه ام را می بیند، بداند که در زمان سلطنت من در مملکت، قحطی شد و کار به آنجا رسید که، من که ملکه مصر بودم، حاضر شدم تمام این جواهرات را بدهم و یک عدد نان در عوض آن ها بگیرم، اما میسر نشد تا این که از گرسنگی به بستر مرگ افتادم. این را همه باید بخوانند تا عبرت بگیرند و بفهمند که تا وقتی خداوند نخواهد، هیچ چیز نمی تواند انسان را بی نیاز کند، اگر خداوند نخواهد، حتی اگر تمام وسایل و زمینه ها را فراهم کنی هیچ کاری را نمی توانی از پیش ببری!» «اذا اراد شیئا أن یقول له کن فیکون».

5) عدم اتلاف وقت

پس از ساعتی پژوهش، دور اندیشی و آگاهی از دزدان فرصت ها، از تلف کردن عمر در گذشته پند گرفته و بر این جمله طلایی پافشاری نمایند که هرگز فرصت ها را تلف نکرده و زمان را مدیریت نمایند.

ص: 289

1- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، همان، ص 3443، به نقل از مصباح الشریعه، ص 204.

پندها و عبرت‌ها در حافظه انسان ماندگار است، به دلیل آنکه به خوبی می‌دانیم مشاهده یک واقعه عبرت‌انگیز بارها و بارها تأثیرگذارتر از نکته‌های آموزنده علم است. و آموخته‌های عملی و تجربی می‌تواند در تمامی عمر در زمان و مکان معینی و برای اهداف گوناگونی به کار گرفته شود.

فراگیری راه‌های عبرت‌آموزی (راهکارها)

علمی:

1_ مطالعه تاریخ و زندگی‌نامه‌های افراد.

2_ آگاهی از نکته‌های عبرت‌آموز به ویژه هشدارها.

عملی:

1_ مشاهده آثار گذشتگان.

2_ نظر به طبیعت و موجودات.

3_ دقت در حوادث و رویدادهای فعلی.

4_ تأمل در قصص گذشتگان.

معنویت و عبرت از دیدگاه آیات الهی

اشاره

با چشم روشن بین آیات کلام خدا را تلاوت نموده و با عبرت از آن درس‌های پندآموز تاریخی پس از تأمل باز هم در آن تدبّر می‌نماییم:

الف) تقوا شرط عبرت‌آموزی

«فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَ مَا خَلْفَهَا وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (1)

«ما کفر را درس عبرتی برای مردم آن زمان و نسل‌های بعد از آنان و پند و اندرز برای پرهیزکاران قرار دادیم».

ص: 290

ب) خانه های خالی ظالمان گذشته مایه عبرت

«وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَ تَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَ ضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ»؛ (1)

(آری شما بودید که) در منازل (کاخ های) کسانی که به خویشان ستم کردند، ساکن شدید؛ و برای شما آشکار شد چگونه با آنان رفتار کردیم؛ و برای شما، مثل ها (از سرگذشت پیشینیان) زدیم (باز هم بیدار نشدید)!!

ج) درس های پند آموز تاریخ

« أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَى » (2)

آیا برای هدایت آنان کافی نیست که بسیاری از نسل های پیشین را (که طغیان و فساد کردند) هلاک نموده ایم و اینها در مسکن های (ویران شده) آنان راه می روند! به راستی در این امر، نشانه های روشنی برای خردمندان است».

د) عبرت در زمین

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظروا كيف كان عاقبة المكذبين؛ (3)

«بگو: روی زمین گردش کنید! سپس بنگرید سرانجام تکذیب کنندگان آیات الهی چه شد؟!»

و) عبرت و اربابان بصیرت

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ؛ (4)

ص: 291

1- .سوره ابراهیم، آیه 45.

2- .سوره طه، آیه 28.

3- .سوره انعام، آیه 11.

4- .سوره نور، آیه 44.

«خداوند شب و روز را دگرگون می سازد؛ در این عبرتی است برای صاحبان بصیرت!».

هـ) عبرت و عاقبت شوم کفار گذشته

« أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا» (1)

آیا آنان در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟ همانا که از اینان قوی تر (و نیرومند تر) بودند؛ نه چیزی در آسمان ها و نه چیزی در زمین از حوزه قدرت او بیرون نخواهد رفت؛ او دانا و تواناست!

ی) عدم چشم بصیرت آدمی باعث عبرت نگرفتن از تاریخ

« أَوْ لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصْبَنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ» (2)

آیا کسانی که وارث روی زمین بعد از صاحبان آن می شوند، عبرت نمی گیرند که اگر بخواهیم، آنها را نیز به گناهانشان هلاک می کنیم و بر دل هایشان مهر می نهیم تا (صدای حق را) نشنوند؟!».

معنویت عبرت از نظرگاه روایات

اشاره

بعد معنوی آموخته های عملی باعث تغذیه روح است. بدین جهت با هم نظرگاه راهبران مذهبی را می خوانیم:

الف) بند آموزی از پیشینیان

پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله)فرمود:

ص: 292

1- .سوره فاطر، آیه 44.

2- .سوره اعراف، آیه 100.

«إِعْتَبِرُوا؛ فَقَدْ خَلَّتِ الْمَثَلَاتُ فِيمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ» (1)

عبرت گیرید، که در میان پیشینیان شما درس های عبرت است».

ب) دنیا و عبرت از آن

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«إِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الإِعْتِبَارِ وَيَقْتَاتُ مِنْهَا بِبَطْنِ الإِضْطِرَارِ؛ (2)

مؤمن به دنیا با دیده عبرت می نگردد و از روی ناچاری، از آن خوراک بر می گیرد».

ج) عبرت و پند اندک

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«مَنْ جَهَلَ قَلَّ إِعْتِبَارُهُ» (3)

«هر که نادانی ورزد، پند گرفتنش اندک است».

و) عبرت و سلامتی از گناه

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«الاعْتِبَارُ مُنْدِرٌ نَاصِحٌ، مَنْ تَفَكَّرَ اعْتَبَرَ، وَمَنْ اعْتَبَرَ اعْتَزَلَ، وَمَنْ اعْتَزَلَ سَلِمَ»

«عبرت گرفتن، هشدار دهنده ای صادق است، کسی که بیندیشد، عبرت گیرد و کسی که عبرت گیرد (از گناهان و عوامل مهلک)، کناره گیرد و کسی که کناره گیرد سالم بماند».

ص: 293

1- . رحمتی، محمد گنجینه معارف، ج 2.

2- . همان نهج البلاغه : 539.

3- . همان، غرر الحکم : 75.

هـ) عبرت و عدم انحراف

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«الْإِعْتِبَارُ يَقُودُ إِلَى الرَّشَادِ»؛ (1)

«عبرت گرفتن، به راه راست می کشاند.»

ی) مراحل عبرت

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«مَنْ اعْتَبَرَ أَبْصَرَ وَ مَنْ أَبْصَرَ فَهَمَّ وَ مَنْ فَهَمَ عَلِمَ» (2)

«هر که عبرت گیرد، بینش یابد و هر که بینش یابد فهیم گردد و هر که فهیم گشت، دانا شود.»

ص: 294

1- . همان کنز الفوائد 2: 83.

2- . همان الکافی 8: 22.

تزلزل باعث ضعف اراده شده، شک و دودلی به وجود آورده و باعث تصمیمات نادرست خواهد شد. آشفتگی از سلامت انسان می‌کاهد، و از سویی باعث بی‌انضباطی و وجود شخصیت دوگانه می‌شود، که طی آن فرد در مسیر انتخابی خویش گاهی در مسیر حق حرکت نموده و گاهی از هدف خویش دور و در چاه ضلالت سقوط می‌نماید. از این رو عدم تزلزل یکی از راه‌هایی که ما را از انحراف بر حذر داشته و حرکت پویایی را در مسیر اهدافمان به ما عنایت می‌نماید. «وقتی اضطراب سر تا پای وجودتان را فرا گرفته از خود بپرسید: آیا برای رفع این مسأله و تنگنا کاری از دست من بر می‌آید؟ اگر پاسخ منفی است، این وضعیت را رها کرده و به حال خود واگذارش کنید و اگر کاری از دست تان ساخته است، تغییر مسیر بدهید و در جهت رفع آن تلاش کنید. به هر حال پاسخ به پرسش فوق عادت نگرانی را از وجودتان دفع خواهد کرد.»⁽¹⁾ به عبارت ساده؛ «فردی که در تنگنای زندگی همواره مأیوس، نگران و ناکام باشد، بیشتر وقت خود، را صرف افکاری می‌کند که موجب ناراحتی خود و خانواده و حتی اجتماع می‌شود این گونه افراد علاوه بر آنکه هیچ گونه موفقیتی در زندگی نخواهند داشت ممکن است یک جامعه را به ناکامی سوق دهند»⁽²⁾ از این روی باید شخصیتی تزلزل‌ناپذیر و با ثبات داشته باشند.

ص: 296

1- . وین دایر، اندیشه‌های ماندگار، مترجم: محمد رضا آل یاسین، ص 254.

2- . کاظمی، حکمت اله، نظری گذرا بر افکار اندیشمندان جهان، ص 56.

تعریف واژه

*آشفته‌گی و تزلزل: ناپسامانی و تشویش خاطر در مشکلات و سختی‌ها.

* تردید در انتخاب اهداف و عدم ثبات و عدم پایداری در حرکت خویش

جایگاه و اهمیت آن

عدم تزلزل و اطمینان در جهت حرکت به سوی اهداف باعث پیشرفت است. در پرتو عدم آشفته‌گی اندیشه سلیس، کاربردی و اصولی داشته که به ما یاری شایانی می‌رساند و موجب سرعت و سبقت در حرکت خویش به سوی فردایی امیدبخش است.

خصوصیات عدم تزلزل

اشاره

ویژگی‌های عدم تزلزل به ما این نکته را گوشزد می‌نماید که گاهی آشفته‌گی مخرب است بر خلاف آن؛ عدم آشفته‌گی تأثیرگذار، و کارگشاست با هم آن ویژگی‌ها را می‌خوانیم:

1) انجام اعمال نیکو و وجدان فروزنده

هر قدر آشفته‌گی در آدمی کمتر باشد و وجدان آرام‌تری داشته باشد، به همان مقدار اعمال نیکوی بیشتری انجام خواهد داد؛ زیرا تزلزل بیش از حد باعث عذاب وجدان و مانع انجام اعمال پرفروغ خواهد بود. ولی عدم تزلزل به انجام اعمال فروزان تداوم می‌بخشد.

2) انجام کارهای بزرگ

آسودگی خاطر و عدم تزلزل آدمی را به کارهای بزرگ رهنمون می‌کند، بر خلاف آن انسان متزلزل به کارهای کوچک تن در می‌دهد.

3) تصمیم قاطع

بی گمان، شک و دودلی ناشی از تزلزل، باعث ضعف در تصمیم گیری می شود. برخلاف آن عدم آشفتگی باعث تصمیمات قاطع می گردد.

4) ثبات عقیده

خونسردی ناشی از عدم تزلزل ما را در راه ثبات عقیده و ایمان به حق تعالی یاری خواهد کرد. همان طور شخصیت متزلزل و آشفته ما را به عقاید گوناگون راهنمایی خواهد کرد. «الا بذكر الله تطمئن القلوب»

5) عدم آسیب های تن و روان

خونسردی لازمه سلامت تن و روان است، و تشویش خاطر و دلهره یکی از مشخصه های امراض روحی است. بنابراین عدم آشفتگی از آسیب هایی چون عزلت جلوگیری خواهد کرد.

6) عدم همکاری با دزدان فرصت ها

آسودگی خاطر آدمی باعث وقت شناسی شده، تا جایی که آدمی در اثر عدم آشفتگی از اوقات گرانبهای خویش نهایت استفاده را می برد.

7) نوید بخش انضباط

بدون تردید عدم تشویش در زندگی نوید بخش اسلوب صحیح زندگی است. بدین جهت آشفتگی و تزلزل از نظم و انضباط فردی کاسته و عدم تزلزل و ثبات باعث نظم پذیری می گردد.

شخصیت افراد بدون تزلزل (راه رسیدن به مقصود)

اشاره

افراد جوامع گوناگون بدون آنکه تزلزلی به خود راه دهند، با ایمان به خدا و عمل صالح برای چگونه زیستن خود همیشه تلاش می کنند و با باورهای درست

خویش و اندیشه ای بارور در راه اهداف گوناگون به حرکت خویش تداوم می بخشند. بنابراین آنان باید نموده‌ها و اصولی را به کار گیرند که عبارت است از:

1_ ارتباط قلبی

راز عدم تزلزل از نظرگاه مذهبی ایمان به خدا و ارتباط قلبی با اوست. امام سجاد (علیه السلام) فرمود:

«خدایا! آری دل مرا، همدمی جان مرا، و بی نیازی و بسندگی مرا به خودت قرار ده، و به نیکان خلق خود.» (1)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«آنکه خدا انیس اوست تنها نمی ماند و به وحشت نمی افتد.» (2)

هنگامی که آدمی، به خویش رجوع نموده و کردار خود را محاسبه نماید اگر احساس نماید که زندگی و کارهایش بیهوده و بی فایده است، دچار نوعی پوچی می شود. در این هنگام تزلزلی در خویش احساس می کند زیرا وری مثلث پوچی را نمی شناسد؛ سه ضلع این مثلث را خوردن، خوابیدن و کار کردن تشکیل می دهد. بنابراین این سؤال برایش مطرح می شود که چرا زندگی می کنیم؟! چه هنگام، زندگی و کارهایم هدفمند است؟

آری!! «آن هنگام که انسان به خود نظر کند و ببیند که چیزی ندارد و در پوچی (من مجازی)، زندگی می کند نتیجه طبیعی اش تزلزل است.

اما هر وقت در جهت حق باشد و به غنی حمید رسد، احساس غنا و کمال می کند و در حقیقت به ضد پوچی و تزلزل می رسد که آرامش و اطمینان است.

دل بستن به غیر خدا (شهوآت و قیاس ها)، از همان اول، از جنس تزلزل است، زیرا نگهداری اش تزلزل دارد و از دست دادنش نیز تزلزل دارد و همین است که در قرآن کریم می فرماید:

«أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»

ص: 299

1- . حکیمی، محمد رضا و دیگران، الحیات، ج 1، ص 404، به نقل از صحیفه سجادیه، دعای 21.

2- . همان منبع.

«ای مردم شما به خدا نیاز مندید، و خدا بی نیاز ستوده است».

و همین طور داریم:

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»

«آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد».

در آیه قبلی می‌فرماید، شما چیزی ندارید و خدا همه چیز دارد و در آیه بعد می‌فرماید، در ارتباط خداست که آرامش می‌یابید.

بنابراین، معلوم می‌شود که تا با او ارتباط پیدا نکنیم، آرامش نداریم و ارتباط با او سرمایه ماست و ارتباط با غیر او، موقتی و سست است و هر وقت آرامش نیست تزلزل هست.

اساساً در دل هر چیز و هر امری، که غیر خدا باشد، اضطرابی نهفته است. اگر انسان، تزلزل خود و دیگران را ارزیابی کند، به این نتیجه می‌رسد که ریشه همه تزلزل‌ها در متصل نبودن هر چیز، هر امر و هر کس به خداست.

هدف عالی حیات، قرب به خداست، و خدا، کمال مطلق است، و انسان، طالب کمال مطلق، اگر انسان به این هدف اعلاء نرسد، یا در راه این هدف نباشد، احساس پوچی و تزلزل می‌کند.

از این روی باید بدانیم که نیروی خود را صرف چه چیز می‌کنیم، آیا در جهت من اصلی و حق صرف می‌شود، یا در راه من مجازی و افکار و احوال پوچ، در چارچوب من مجازی»⁽¹⁾.

(2) چگونه زیستن

زندگی آدمی در کشاکش دهر با مشکلات زیادی روبرو است. از این روی بایستی چگونگی زیستن را بیاموزیم تا در آخرت نزد پروردگار خویش شرمسار نباشیم. برای این کار با استفاده صحیح از سرمایه‌های حیات از بشر بودن فاصله گرفته و انسان بشویم. و باز هم با شناخت فضیلت‌های انسانی و مکارم اخلاقی و گرایش به فرهنگ ملی مذهبی فردی متعالی شویم.

ص: 300

1- . بهشتی، محمود، سلامتی تن و روان، ص 46 و 47، با تصرف.

3) درخواست و توسل

بدون تردید برای افراد جوامع گوناگون درخواست از خداوند حائز اهمیت فراوان بوده، بدین جهت از او می خواهند « آرامشی به آنها عطا کند تا هرگز در راه رسیدن به اهداف خویش متزلزل نبوده و از مسیر اصلی منحرف نگردند» «خدایا! ای که بسنده انسان ناتوانی، و نگهدارنده از خوف و هراسی...» (1).

4) عدم افکار نامطلوب

«کارها و فعالیت هایی را که پیش از این از عهده آن برنیامده اید و یا استعداد کمتری نسبت به آن نشان داده اید دنبال کنید. از قدم برداشتن در قلمرو مجهول و ناشناخته ای که تضمینی بر آن نیست نهراسید.

راه گریز از ترس و شکست (وتزلزل) رویایی و به مضحکه گرفتن آن است و نه خود باختگی در برخورد با نخستین پیامدهای آن. بنابراین وقتی نیروی مخالفی در باطن تان زمزمه می کند «نه این غیر ممکن است» این دشمن لانه کرده در ضمیر باطن را از قلمرو ذهن بیرون رانید و افکار شجاعانه و مثبت را به جای آن بنشانید» (2).

5) عدم خود باختگی

«گاهی اوقات که در اوج شکوه و عظمت زندگی می کنیم، از این نگرانی که حادثه ای رخ دهد و آن را از چنگ ما خارج سازد، ما آن را نگرانی و اضطراب بی مورد می دانیم.

زیرا نگرانی نوعی ترس است، و شما نباید خود را ببازید. هم اکنون آن را شناسایی کنید و از آن به خاطر سهیم بودن در زندگی تان سپاسگزاری کرده سپس رهایش سازید» (3).

ص: 301

1- . حکیمی، محمد رضا و دیگران، الحیات، ج 1، به نقل از صحیفه سجادیه، دعای 21.

2- . وین دایر، اندیشه های ماندگار، همان، ص 181 و 182.

3- . احسانی کناری، قاسم، چراغ راه زندگی، ص 281.

«نگرانی، اضطراب و دلهره چیزهایی نیست که از خارج ذهن ما به ما رسیده باشد، بلکه اینها همه عواملی هستند که در ذات و سرشت ما به وجود می‌آید. کنترل و تعادل آن به دست خودمان است. پس ما می‌توانیم کنترل آن را به دست بگیریم تا از آن طریق به خود و جامعه زیان نرسانیم.»⁽¹⁾

فراگیری روش های عدم آسفتگی و تزلزل (راهکارها)

علمی :

1_ فراگیری عواملی که موجبات ثبات را فراهم می‌کند.

2_ تأمل در ویژگی های آن.

3_ تأمل در عواقب زینبار تزلزل.

عملی:

1- رفاقت با افراد آرام، مقاوم و پایدار.

2- مراجعه به مراکز مشاوره و تبادل نظر با آنان.

3- بررسی نمودن و محاسبه اعمال روزانه.

4- تقویت نیروی پایداری که به اصطلاح «در کوره راه ها پختگی لازم است».

مدیریت عدم تزلزل از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام)

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«در سختی ها شکیبا باش، در سختی زیاد که اضطرابی به تو وارد می‌کند، با وقار باش.»⁽²⁾

شکیبایی، بردباری و مقاومت در سختی هایی که باعث اضطراب است مطلوب است و شکیبایی در هنگام خشم، هنگام ترک گناه، و در هنگام بلا سفارش شده

ص: 302

1- . کاظمی، حکمت اله، نظری گذرا بر افکار اندیشمندان ایران و جهان، ص 58.

2- . تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، ص 660، ح 7140.

است زیرا از میزان آثار زینبار اضطراب و تزلزل کاسته و ما را به بهروزی رهنمون می نماید.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«سَبَبُ الْحَيْرَةِ الشُّكُّ»

«سبب تزلزل و سردرگمی، شک و دو دلی است» (1).

بی گمان به واسطه نگرانی و سردرگمی ناشی از آن شک و تردید تزلزل بر انسان غلبه می کند. بنابراین باید با شکیبایی و پایداری بر آشفتگی ناشی از آن غلبه نماییم.

راه های نجات از تزلزل از دیدگاه نهج البلاغه چنین است:

* عدم پندار غلط * یقین

«علم خود را نادانی و یقین خود را شک و تردید مپندارید، پس هر گاه دانستید عمل کنید، و چون به یقین رسیدید اقدام کنید» (2).

مدیریت عدم تزلزل از دیدگاه بزرگان

جیمز لوئیل می گوید:

«بگذار دل قوی داشته و شادمان گردیم، زیرا حوادث غیر قابل تحمل هرگز اتفاق نمی افتد» (3).

اضطراب و ناراحتی ناشی از تزلزل را به کناری گذاشته و بر مشکلات با چهره گشاده و تبسمی بر لب برخورد نماییم زیرا حوادث و وقایع غیر منتظره جزئی از زندگی ما هستند و باید آنها را با شکیبایی تحمل کنیم. با این کار نه تنها بر سلامت و عمر خویش می افزاییم، بلکه با تغییر و تحول بر سرعت خویش افزوده و با سبقت از دیگران الگوی همگان می شویم.

چارلز ماریو می گوید:

ص: 303

1- . همان منبع، ص 505، ح 5533.

2- . احسانی کناری، قاسم، چراغ راه زندگی، ص 655.

3- . همان.

«تشویش و نگرانی بر روی گردش خون، قلب، غدد سیستم اعصاب و غیره اثر سوء گذاشته و موجب خدشه دار شدن تندرستی انسان می شود، یاد ندارم که فردی در اثر کار زیاد مرده باشد، لیکن اشخاص زیادی را سراغ دارم که در اثر نگرانی و ترس جان باخته اند»⁽¹⁾.

رابرت فراست نیز می گوید:

«دلیل این که مردم بیشتر از تشویش می میرند تا کار، این است که نگرانی شان بیشتر از کار سازنده شان می باشد»⁽²⁾.

از همین الآن تشویش و نگرانی را به کناری بگذارید. نگرانی و تزلزل در راه اهداف بلند مدت که در اثر عدم ثبات پدید آمده، موجب ناکامی بوده، بدین جهت دلهره درباره مسائل کوچک و پیش پا افتاده شده را از خویش دور کنید و با تغییر طرز فکر خویش؛ افکار لذت بخش را جایگزین آن نمایید. پس از همین الآن شروع کنید.

شما می توانید خویش را تغییر دهید باید بدانید تغییر عادت ها نوعی عبادت نیز محسوب می شود. اگر در این راه شکست خورده اید دوباره خردمندانه با این موضوع برخورد کنید، از نو شروع کنید.

ص: 304

1- . همان.

2- . همان.

اعتیاد به مواد مخدیری باعث دین فروشی، بی ناموسی، فروپاشی خانواده ها و از کار افتادن انسان ها است. اعتیاد انسان را فلج نموده و او را نابود می کند؛ از این روی سد راه حرکت آفرین شده و آدمی را با بدبختی قرین می سازد.

جوانی که با اعتیاد خویش از خانه و خانواده، بدون پول و امکانات رانده شده، و در گوشه ای از خیابان یا کنار گودالی دور از چشم دیگران افتاده، چگونه نیک بخت است؟! او یکی از بد بخت ترین افراد روی زمین است که در چاه جهالت سرنگون شده و چاره ای جز مرگ و عذاب در دنیا و آخرت ندارد. بر خلاف آن یک شخص ورزشکار که به اعتیاد «نه» گفته است و گرد آن مواد خطرناک نرفته می تواند به وسیله پرورش جسمانی قهرمان، پهلوان و جوانمرد گردد و با اراده ای وصف ناپذیر که از ورزش نشأت گرفته به قله های ترقی صعود کند.

تعریف واژه

* اعتیاد: استعمال مواد نابود کننده مخدیری به طور مکرر طبق عادات مذموم.

جایگاه و اهمیت آن

عدم اعتیاد و روی آوردن به پرورش جسمانی و روحانی موجب جلب اعتماد و اطمینان مردم بوده و به دلیل تقویت قوای نفسانی و سلامت ناشی از آن موجب قدرت اراده شده و حرکت در جهت نیل به اهداف سهل و آسان می گردد. بنابراین عدم اعتیاد از اهمیت والا و جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد.

ص: 306

اکنون که از جایگاه ویژه و اهمیت به سزای عدم اعتیاد آگاه شدیم لازم می‌دانیم خصوصیات آن را مورد بررسی قرار داده تا با آشنایی با آنها از هر گونه عادت مذمومی دوری جسته و عادت‌های ممدوح را سرلوحه زندگی خویش قرار دهیم، با هم می‌خوانیم:

1) اطاعت از ایزد متعال

عدم اعتیاد از دستورات دین مقدس اسلام است و فرد معتاد نه تنها از نظر مذهبی ارزشی نداشته بلکه مطرود و مبعوض خداوند متعال است.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

«هر کس بنگ (ماده مخدر) استعمال کند چنان است که هفتاد بار کعبه را ویران کند و هفتاد فرشتهٔ مقرب را بکشد و هفتاد پیامبر مرسل را به قتل رساند و قرآن را بسوزاند و هفتاد سنگ به سوی خدا پرتاب کند. چنین کسی از رحمت خدا دورتر است تا شراب خوار، ربا خوار، زناکار و سخن چین» (1).

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

.... اما وجوه حرام از خرید و فروش هر امری که در آن فساد است نهی شده از جهت خوردن و آشامیدن آن، یا کسب کردن آن، یا ازدواج کردن، یا مالک شدن آن، یا نگاه داشتن آن، یا بخشیدن آن، یا به عاریت دادن آن، یا چیزی که در آن وجهی از وجوه فساد وجود دارد، همچون داد و ستد ربایی به سبب فسادی که در آن است یا فروختن مردار، یا خون، یا گوشت خوک، یا گوشت‌های درندگان یا مرغان وحشی، یا پوست آنها یا شراب یا چیزهای نجس، همه اینها حرام است و تحریم شده است، زیرا خوردن و نوشیدن و پوشیدن و مالک شدن و نگاه داشتن یا بهره‌مندی از آنها به هر وجه که باشد به سبب فسادی که در آن است همه حرام است.

ص: 307

1- نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ج 2، ص 479، به نقل از مستدرک 17/86.

و چنین است خریدن چیزی که اسباب لَهو است و هر آنچه از آن نهی شده است و مایه نزدیکی به غیر خداست، یا سبب تقویت کفر و شرک می شود، از همه گونه گناهان، یا وسیله ای که سبب تقویت گمراهی یا تأیید باطل یا توهین به حق می شود، همه اینها حرام است و تحریم شده است، یعنی فروختن و خریدن و نگاه داشتن، مالک شدن، بخشیدن و عاریه دادن و هر گونه تصرفی در آنها حرام است. (1)

بنابر این در می یابیم که خرید و فروش مواد مخدر و استعمال آن نیز از این مقوله مستثنی نیست و از نظر شرع مقدس اسلام حرام است.

2) اطمینان برتر

اعتماد و اطمینان معتاد کمتر شده و یا سلب می شود، اما شخص پرورش یافته به علت عدم اعتیاد و روحیه ورزشکاری از اعتماد به نفس برتر برخوردار است.

3) امنیت و ارتباطات در خانواده

خانواده وی به علت بی ناموسی و دین فروشی معتاد، از امنیت کمتری بهره مند و یا حتی گاهی اوقات از آن بی بهره است.

4) امین

او برای کتمان اعمال ننگین خود طبق عادت موهومی که داشته به دروغ متوسل می شود اما یک پهلوان که به پرورش قوای جسمانی و روحانی همت گمارده راستگو و امانت دار است.

5) چشم انداز زیبایی

انسان سعادت مند به علت عدم اعتیاد هدف دار بوده و با برنامه ریزی و

ص: 308

1- . رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج 3، ص 797 و 798، به نقل از تحف العقول، ص 245 و 246.

دور اندیشی در راه اهداف پسندیده خود حرکت می کند.

6) دوری از کسالت

همان طور که معتاد به گوشه ای خزیده و با اراده ای سلب شده، چون افلیچی از کار افتاده، در انتظار مرگ به سر می برد، شخص پرورش یافته ای که از اعتیاد مبرا است، با قدرت اراده به تلاش و کوشش پرداخته و پله های ترقی را طی می نماید.

7) روح سالم در بدن سالم

معتاد به بیماری تن و روان مبتلا می شود چون انزوا طلبی، عدم تمرکز فکر و عدم تحمل اما شخص پرورش یافته از سلامت نفس برخوردار است. بدین جهت روحی سالم در بدنی سالم خواهد داشت.

8) شغل شرافتمندانه

همان گونه که معتاد کار خویش را از دست داده و بیکار می شود، بر خلاف آن اشخاصی که گرد مواد تخدیری نمی گردند با پشتیبانی خالق یکتا دارای شغل شرافتمندانه بوده و به دلیل از دست ندادن آن از عواقب زینبار بیکاری در امانند. چرا که پرورش جسمانی و تغذیه روحانی به وسیله عدم اعتیاد از فضیلت والایی نزد خداوند متعال برخوردار است و یاری او را به همراه دارد. «ان تنصر الله ینصرکم».

9) عامل مدد رسانی

پرورش نفس از طریق ورزش های جسمانی و فضیلت های انسانی یکی از عوامل پیوند و دوستی است. بر خلاف آن عادات ناپسند عامل جدایی است به دلیل آنکه اطمینان از معتاد سلب شده و کسی مایل نیست با او همنشین گردد. بنابراین بر اثر آن یآوری نخواهند داشت.

ص: 309

10) عدم تباهی

اشخاص پرورش یافته به علت عدم اعتیاد به مواد مخدیری از منکرات دوری جسسته و تباهی از زندگی آنها رخت بر بسته است. چرا که؛ عادات مذموم یکی از عوامل تیره روزی است و یا با آن در ارتباط می باشد. بدین جهت معتادانی که در تنگنای اقتصادی هستند به دزدی پناه برده و عده ای دیگر به علت عدم ازدواج یا رانده شدن از خانواده به جنایت متوسل می شوند.

11) منافع اجتماعی

یک نیروی جوان که به کار و تلاش مشغول است اگر به دامن گناهی چون عادات مخدیری، پناه برد، تلف شده و هیچ گونه نفعی برای جامعه ندارد. آمار مصرف کنندگان مواد گواه بر این مدعاست.

12) منافع خانوادگی

همان گونه که اعتیاد باعث فروپاشی خانواده و جدایی زن و شوهر می شود، عدم اعتیاد نیز باعث استحکام بنیاد خانواده می باشد. زیرا به وسیله نداشتن عادات مذموم امنیت خانوادگی پا بر جاست. بنابر این این گونه خانواده ها در معرض فروپاشی قرار نمی گیرد.

باید پیشگیری شود، زیرا معتاد مریض است!!

گروه زیادی از فقرا و ضعفا مستمری می گرفتند کسانی که تن سالمی برای کار کردن و سرمایه ای برای تجارت نداشتند و نیازمند بودند.

آخوندی مستمری قرار داده بود و خود نیز اغلب آنها را می شناخت و سر موعد که مراجعه می کردند جیره آنها را می داد.

یک نفر از این مستمری بگیران آمد و مستمری خود را گرفت و رفت.

فضولی در مجلس گفت: آقا این شخص معتاد به تریاک است شما به او مستمری می دهید؟

آقا گفت: راست می گویند!! چرا تا حالا نگفتید؟! همه فکر کردند که می خواهید مستمراً او را قطع کند. اما دفعه دیگر که آمد آقا فرمود: بنشین و بگو ببینم راستی معتاد هستی؟

آن شخص با خجالت گفت: بلی.

آقا پرسید: روزی چقدر برای تریاک خرج می کنی؟

گفت: با پول چایی اش جمعاً ده شاهی. آقا گفت: چرا تا حالا نگفتی من آن جیره را فقط برای اهل و عیالت تعیین کرده بودم معلوم می شود تو حق آنان را می خوردی.

سپس ده شاهی به جیره او افزود و فرمود: بیش از این حق نداری برای تریاک خرج کنی. یک قران هم فوق العاده داد تا کسری مخارج خانواده اش را جبران کند.

بعد از رفتن آن شخص اطرافیان به آقا اعتراض کردند.

او پاسخ داد: این بدبخت معتاد شده و اختیار از دستش رفته و این ده شاهی جزو مخارج روز اوست. باید داده شود و گرنه او ترک نمی کند و از مخارج زن و بچه اش بر می دارد.

دیدگاه قرآن کریم درباره اعتیاد

اشاره

چشم خرد به آیات الهی می سپاریم و کلام جان آفرین پاک را درباره عادات موهوم مرور می نماییم. امیدواریم در محضر او خویش را به هلاکت نیفکنیم و عادات مذموم ما از تهی سرشار باشد.

الف) ماده مخدر و فساد در زمین

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ وَ يُسْهِدُ اللّٰهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللّٰهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (1)

ص: 311

«و از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان در زندگی دنیا مایهٔ اعجاب تو می شود (در ظاهر، اظهار محبت شدید می کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می گیرند (این در حالی است که) آنان، سرسخت ترین دشمنانند. (نشانهٔ آن این است که) هنگامی که روی بر می گردانند (و از نزد تو خارج می شوند) در راه فساد در زمین کوشش می کنند و زراعت ها و چهار پایان را نابود می سازد (با اینکه می دانند) خدا فساد را دوست نمی دارد.»

بنابراین در می یابیم که مصرف مواد مخدیری موجب فساد در زمین بوده و خداوند بزرگ نیز آنان را دوست نمی دارد.

ب) مادهٔ مخدر و کارهای افراطی

«وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» (1)

با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می خوانند، و تنها رضای او را می طلبند! و هرگز به خاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها بر مگردان! و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همانا کسانی که از هوای نفس پیروی کردند و کارهایشان افراطی است.»

از این آیه در می یابیم که کارهای افراطی و تابع خواهش های نفسانی بودن آدمی را از یاد خدا غافل می سازد و از سعادت ابدی باز می دارد.

ج) مادهٔ مخدر و هلاکت

«وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛ (2)

ص: 312

1- . سورهٔ مبارکه کهف، آیهٔ 28.

2- . سوره مبارکهٔ بقره، آیه 195.

«و در راه خدا انفاق کنید! و با (ترک انفاق) خود را به دست خود به هلاکت نینفکنید! و نیکی کنید! که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد».

با مصرف مواد افیونی با دست خود خویش را به هلاکت نیندازید، زیرا با فضیلت معنوی آن خداوند بزرگ را یاری کرده اید و هر کس خدا را یاری کند، خدا او را یاری خواهد کرد.

(د) مذمت عدم مواظبت از اموال

«وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ قِيَاماً وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا»؛ (1)

اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده به دست سفیهان نسپارید و از آن، به آنها روزی دهید! و لباس بر آنان بپوشانید و با آنها سخن شایسته بگویید!

به دلیل آنکه در میان سفیهان معتادان زیادترند و ممکن است از پول های به ناحق گرفته سوء استفاده کنند.

(و) مذمت ماده مخدر و غفلت

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ؛ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَآلِي مُسْتَكْبِرًا فِي أذُنِهِ وَقَرَأَ فَسِئْرَهُ بَعْدَآبٍ أَلِيمٍ» (2)

«و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند برای آنان عذابی خوار کننده است! و هنگامی که آیات ما بر او خوانده

ص: 313

1- . سوره مبارکه نساء، آیه 5.

2- . سوره مبارکه لقمان، آیات 6 و 7.

می شود، مستکبرانه روی بر می گردانند گویی آن را نشنیده اند گویی گوش هایشان سنگین است! آنها را به عذابی دردناک بشارت ده!»
سخنان لغو موجب اعمال لهو و گمراهی گردیده و ممکن است افرادی را به عادت مذموم سوق دهد.

هـ) نکوهش کارهای بیهوده

«وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَ تَرَكَوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»؛ (1)

هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را می بینند پراکنده می شوند و به سوی آن می روند و تورا ایستاده به حال خود رها می کنند بگو آنچه نزد خداست بهتر از عمل لهو و تجارت است، و خداوند بهترین روزی دهندگان است».

ی) دیدگاه پیامبر (صلی الله علیه وآله) درباره اعتیاد

پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود:

« خصلتان لیس فوقهما من الشرّ شیء: الشُّرک بالله و الضُّر لعباد الله» (2)

«دو خصلت است که بالاتر از آن ها شری نیست: شرک ورزیدن به خدا، و زیان رساندن به بندگان خدا».

عادات ناپسند موجب خسران بوده و خانمان برانداز است. بنابراین سعی کنیم عادات پسندیده را جایگزین آن نماییم تا از امتیازات آن در محیط خانه، اجتماع و دانشگاه بهره برداری کنیم.

روش های عدم اعتیاد

1- حل مشکلات جوانان.

ص: 314

1- .سوره مبارکه جمعه، آیه 11.

2- .رحمتی، محمد، گنجینه معارف، 39، ص 796، بحار الانوار، ج 82، ص 144.

- 2- نظارت خانواده ها بر زندگی جوانان.
- 3- آگاهی بخشی به مردم.
- 4- حفاظت مرزها.
- 5- گسترش محیط های پرورشی.
- 6- تنظیم و اجرای قوانین لازم بر کنترل قاچاق.
- 7- بستری نمودن معتادان برای ترک اعتیاد.
- 8- کنترل جوانان از دوستان منحرف.
- 9- تفریحات سالم.
- 10- آموزش فنون مورد علاقه آنها.
- 11- پرورش قوای جسمانی و روحانی آنان به انحاء گوناگون چون انجام ورزش های مورد علاقه.
- 12- شرکت دادن آنها در کلوب ها و جلسات ترک عادات مذموم.
- 13- پندها، اندرزها و سخنان مفید در باره عادات نکوهیده.
- 14- استفاده از تلقینات سودمند برای ترک عادات ناپسند.
- 15- استفاده از اساتید مجرب و مورد اطمینان.

بدون تردید سستی و تنبلی موجب هدر رفتن استعدادها و به دنبال آن عدم شکوفایی و عاقبت فرو افتادن در جهنم سوزان زندگی است و از سویی عسرت و پریشانی به دنبال داشته و حسرت بر انگیز است.

به عبارت ساده؛ «آنجا که کوشش نیست زندگی راهی ندارد. برای کسی که در سستی و بیکاری به سر می برد در حقیقت یک برات مرگ می باشد».(1)

تلاش و کوشش انسانی را پویا نموده و به او زندگی می بخشد به دلیل آنکه او زمان را به خوبی مدیریت نموده و از دزدان فرصت ها در امان است برخلاف آن انسانی که روزگار را به کاهلی می گذراند از عواقب نافرجام آن در امان نخواهد بود.

آری!! «باید لب فرو بست و بازو گشود و کارکرد و دم نزد و یقین نمود که کلید جادویی کامیابی کار و کوشش است».(2)

چنان که کاپلان و سادوک (1993م) اشاره کرده اند: «تأثیر بیکاری خیلی بیشتر از فقدان در آمد است برای اینکه عوارضی چون اعتیاد، الکلیسیم، خودکشی و خشونت به دنبال بیکاری افزایش می یابد».(3)

تعریف واژه

* در حقیقت تنبلی نوعی سستی و عدم اهتمام به حرکت در مسیر اهداف است.

ص: 318

1- ذوالفقاری، غلامحسین، رهنمون، ص 624.

2- همان منبع، ص 627.

3- خسروی، زهره، نقش خانواده در ارتقاء فرهنگ کار، نشر: احیاء کتاب، چاپ اول، ص 15.

* تلاش و کوشش اداره کردن امور زندگی در اوقات آن و تلف نکردن عمر است.

جایگاه و اهمیت آن

ترقی و تکامل فرد و جامعه در گرو تلاش آنان است، زیرا افراد تنبل نادانانی هستند که عاقبت به تباهی مبتلا می شوند. در جامعه ای که تنبلی گریبانگیر آن است، نه تنها پیشرفتی نداشته بلکه محتاج ملت های دیگر بوده و جوانانش در ناکامی به سر می برند. در کتاب قابوس وشمگیر می نویسد:

«بسی گنج از رنج فراز آید و از کاهلی از دست برود».(1)

خصوصیات عدم سستی و تنبلی (کلید جادویی کامیابی)

اشاره

سستی و تنبلی عواقب زیانباری از خود بر جای می گذارد، بر خلاف آن خصوصیات کوشش چشم انداز زیبایی دارد؛ که موجب تحوُّلی ژرف در افراد ملت ها گردیده تا از سستی بر حذر بوده و گرایش به کار داشته باشند، با همان خصلت ها را می خوانیم:

1) ارزش برای موفقیت ملت ها

اشاره

کوشش از ارزش ها به شمار می رود و جوامعی که عمل گرا نبوده و کار در وجود افراد آن به ودیعه گذاشته نشده باشد، ارزشمند نخواهند بود. بنابراین مورد احترام جوامع دیگر نبوده، و از عزت نفس پایین تری برخوردارند و در انزوا به سر می برند.

*** روایت ***

یکی از اصحاب امام صادق 7 که طبق معمول همیشه در محضر درس آن

ص: 319

1- . همان.

حضرت شرکت می کرد و در مجالس رفقایش نیز حاضر می شد و با آنها رفت و

آمد می کرد، مدتی بود که دیده نمی شد. یک روز امام صادق (علیه السلام) از اصحاب و دوستانش پرسیدند: راستی فلانی کجاست که مدتی دیده نشده است؟

— ای فرزند رسول خدا به تازگی خیلی تنگ دست و فقیر شده.

— پس چه می کند؟

— هیچ، در خانه نشسته و یکسره به عبادت پرداخته است.

— پس زندگی از کجا اداره می شود؟

— یکی از دوستانش عهده دار مخارج زندگی او شده.

امام فرمود: «به خدا قسم! این دوستش به درجاتی از او عابدتر است» (1).

آری!! مراتب سعی و تلاش پاداشی وافر در پی دارد. تا آنجا که آن باعث درجات افزونی نزد عابد می گردد.

2) امیدهای تحقق یافته

اشاره

بی گمان امیدها، آرزوها، خواب ها و رؤیاهای تحقق یافته با عمل گرایی به واقعیت مبدل می شود. شخصی که آرزویی نداشته و مأیوس باشد هرگز تلاش از خود نشان نخواهد داد. بنابراین انگیزه های خویش را با سعی به منصفه ظهور برسانیم؛ و با سرعت خویش را در کار فراموش کنیم وگرنه زیر بار ناامیدی کمرمان خواهد شکست همان گونه که طوفان درختان را از جا می کند. روزولت می گوید:

«من هرگز خود را از فعالیت کنار نخواهم کشید، چه در این صورت از فرط بیکاری مجبور خواهم شد به پیری و مرگ فکر کنم» (2).

استخاره سیاحتگر شرق و غرب

نجفی قوچانی مؤلف دو کتاب مشهور سیاحت غرب و سیاحت شرق به هنگام بیان بخشی از مشکلات دوران تحصیل خود چنین می گوید:

ص: 320

1- . رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج 3، ص 481.

2- . ذوالفقاری، غلامحسین، رهنمون، ص 368.

خلاصه در سه چهار ماه اول من از همه جهت بی بی شده بودم! فقط سرما نبود، بی مأوایی، بی پوشاکی، بی خوراکی، بی غذایی، رسم و عادت طبیعی من بر کتمان حال و عدم اظهار حاجت حتی از خدا و علی (علیه السلام) بوده و هست که اظهار حاجت نزد مخلوق را ولو به عنوان قصه و شرح حال باشد یکی از درجات کفر می دانم و در نزد خدا و اولیاء عدم تسلیم می دانم و سنت نیکوی سکوت و سازگاری را بر خود لازم می شمردم.

«و کنتُ فی ذالک غیوراً و لو صدَرَ عن غیرِ لسانی و صَبَرْتُ فی ذالک حَتَّى تَبَدَّلَتْ مَرَاتُهُ حُلُواً و جِیاعُهُ بِالْمَنِّ وَالسَّلْوٰی و اَحْمَدُهُ فی مَوْرِدِ الشُّکُوٰی و حُضُورِ الْبَلُوٰی».

فقط خوشی و سرور من فهمیدن درس آخوند مولی محمد کاظم خراسانی صاحب کفایه الاصول بود و زیارت حضرت امیر (علیه السلام) و لوس شدن در خدمت آن بزرگوار، حتی پاکتی نوشتم به میان ضریح انداختم که حاصل مضمونش اینکه «من می خواهم تو را ببینم و یا پسرت حجّت عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را و دوبیت شعر هم در مدیحه آن جناب ساختم و در آخر کاغذ نوشتم. وقتی که پاکت را به داخل ضریح انداختم، از حماقت خود آگاه شدم و خود را ملامت نمودم، برای آنکه این کار عامیانه و بی فایده را کردم.

زیرا این کاغذ که به من بر نمی گردد که از جواب علی (علیه السلام) آگاه شوم. باز به ذهنم خطور کرد که این قرآن هایی که در بالا سر گذارده اند را برداشته و استخاره می گیرم، آنچه را در اول صفحه بود جواب علی (علیه السلام) می دانم قرآن را بعد از چند صلواتی باز نمودم. در اول صفحه این بود:

«مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ لَاتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»

کسی که امید به دیدار خدا (و رستخیر دارد باید در اطاعت فرمان او بکوشد) زیرا سر آمدی را که خدا تعیین کرده فرا می رسد و او شنوا و داناست».

کلمات آیه را بوسیدم به دلیل آنکه جواب شفای من بود. (1)

ص: 321

اشاره

کوشش، یار بسیار خوبی در مشکلات معیشتی، عبادی، سیاسی و در ابعاد خانوادگی و اجتماعی بوده و کمک های چشمگیری به ما می نماید. همانند زمینه معیشتی که موجب رونق اقتصادی است. به عبارت ساده؛ باید تیره بختی را به وسیله کوشش از دامان زندگی دور سازید و از فلک کج مدار شکایت نکنید و خود و جامعه را ناکام ننمایید و بدانید که هر نابسامانی از کوشش سامان می یابد و هر دشواری با آن سهل می گردد.

«بند کفش»

امام صادق (علیه السلام) با بعضی از اصحاب برای تسلیت به خانه یکی از خویشاوندان می رفتند، در بین راه بند کفش امام صادق (علیه السلام) پاره شد به طوری که کفش به پا بند نمی شد، امام کفش را به دست گرفت و با پای برهنه به راه افتاد. ابن ابی یعفر که از بزرگان صحابه آن حضرت بود بی درنگ کفش خویش را از پا در آورد، بند کفش را باز و دست خود را به طرف امام دراز کرد تا آن بند را به وی بدهد تا امام با کفش برود و خودش با پای برهنه راه را طی نماید. امام با حالت خشمناک، روی خویش را از عبدالله برگرداند و به هیچ وجه حاضر نشد آن را بپذیرد و فرمود: «اگر یک سختی برای کسی پیش آید، خود آن شخص از همه به تحمل آن سختی اولی است. معنا ندارد که حادثه ای برای یک نفر پیش بیاید و دیگری متحمل رنج بشود».

4) پیروزی ملت ها

عدم کوشش برای جوامع مختلف جهان بلای خانمان بر انداز است و بهروزی افراد ملت های گوناگون به تلاش آنها بستگی دارد هر قدر بیشتر تلاش کنند؛ سعادت مند تر خواهند بود. بنابراین تنبلی آسیب ملت ها به شمار می رود همان طور که رنگ آب راکد بر اثر مرور زمان فاسد می شود؛ سستی و رکود نیز قلب افراد و ملت ها را فاسد ساخته و آنها را نابود می سازد. بنابراین باید در آسیب شناسی

ملت های مختلف برای آفت زدایی، سستی و تنبلی را محو نموده و کار و تلاش

را جایگزین آن نماییم.

5 چگونه زیستن

اشاره

گرایش به عمل در اصل عبادی نحوه زندگی را به ما می آموزد. بنابراین کوشش ما را از لذت و نشاط معنوی برخوردار ساخته و با ثواب وافر همراه است. از این روی در می یابیم که تلاش فقط هزینه زندگی را تأمین نمی کند بلکه چگونه زیستن را هم به ما می آموزد.

«خواهش»

شخصی با هیجان و اضطراب به حضور امام صادق (علیه السلام) آمد و گفت: درباره من دعایی بفرمایید تا خداوند به من وسعت رزقی بدهد که خیلی فقیر و تنگدستم.

امام: «هرگز دعا نمی کنم».

- چرا دعا نمی کنید؟

«برای اینکه خداوند راهی برای این کار معین کرده است، خداوند امر کرده که روزی را پیگیری کنید و طلب نمایید. اما تو می خواهی در خانه خود بنشینی و با دعا روزی را به خانه خود بکشانی».

6 حفظ موقعیت های مناسب

بدون تردید گاهی موقعیت هایی چشمگیر نصیب آدمی شده که بهره برداری از آن به تلاش او بستگی دارد، به دلیل آنکه عدم سستی و تنبلی باعث حفظ موقعیت و از سوئی موفقیت در آن است.

به رنج اندر آری تنت را رواست که خود رنج بردن به دانش سزاست

به رنج اندر است ای خردمند گنج نباید کس_____ی گنج نابرده رنج

«آدمی نباید بنشیند و دعا کند یا توکل کند آن وقت اگر چیزی به دست

نیاورد، نسبت قضا و قدر یا بد شانسی بدهد مانند شعارهایی که باطل گرایان می دهند.» (1)

ناصر خسرو چنین می سراید:

نکوهش مکن چرخ نیل_____ و فری را برون بر ز س_____ ر باد خیره سری را تو چون خود کنی اختر خویش را بد مدار از فلک چشم
نیک اختری را اگر تو از آموختن س_____ ر نتایی بچ_____ و بد سر تو همی سروری را بسوزند چ_____ وب درختان بی
بر سزا خود همین است هر بی بری را

(7) خوشحالی

عدم سستی به علت به کارگیری اصول مختلف زندگی، رنج ها و ملالت های بی شماری را از بین برده و به انسان نشاط و به دنبال آن خوشحالی عطا می کند. چرا که خصوصیات آن به نفع فرد و اجتماع بهره برداری شده و خوشبختی فرد و جامعه در گرو آن است. به عبارت ساده؛ تلاش تزلزل را نابود ساخته به دلیل آنکه کسانی که به عمل می گریند نه تنها از افسردگی در امانند، بلکه همواره کامیاب و مسرورند.

(8) دشمنی با شیطان

آدمی که به سستی و تنبلی گرایش دارد از پیروان شیطان به شمار رفته، با او همنشین و یار و یاور اوست؛ و از سویی ابلیس در مغز او خانه ساخته و به اغوای او می پردازد. بنابراین افراد تنبل به گوشه ای پناه برده و به افکار باطل مشغولند. به عبارت ساده؛ عدم سستی و تنبلی مانند سنگ زدن به نمود شیطان و دشمنی با او است که موجب دوری از او و حرکت به سوی اهداف معین است.

«انسان همیشه در زبان و ادعای خود، در همه زمین ها شوق نشان می دهد و خود را موفق می داند، اما در عمل، گاهی روحیه بندگی اش ضعیف است و دایم بهانه هایی برای انجام ندادن عمل دارد. به همین دلیل علی (علیه السلام) فرمود:

ص: 324

1- . ملک احمدی، عین اله، جامع الشتات، نشر: نجابت، سال 1385، ص 269.

«بیشترین سخنی که به زبان می آید حق است و کمترین سخنی که در عمل می آید، آن هم حق است».

همیشه باید سعی کنیم که مرد عمل و تکلیف باشیم. لفظ و ادعا ممکن است ظاهر خوبی داشته باشد اما عمل حلاوتی دیگر هم دارد و آن هم عمل حق و در راه عبودیت است.

اگر عمل ما به زبان ما هماهنگ نباشد، دقیقاً پای شیطان در کار است و از طریق وسوسه نفس، ما را از عمل باز می دارد بنابراین یکی از مهم ترین القانات شیطان و نفس، این است که ما را به آینده امیدوار می کند و می خواهد در همین زمان موجود ما را فریب دهد تا نصیب ما را در زمان حال از دستمان بگیرد؛ از آن روی باید مواظب باشیم، میر حال و میر احوال باشیم و هرگز با امید خیالی به آینده حال را از خود نگیریم» (1).

9 سلامت نفس

یکی از خصوصیات عدم سستی سلامت نفس است که موجب پرورش روح بوده و آدمی را از عزلت رهایی می بخشد، بدین جهت!! کوشش ما را از عواقب خطرناکی چون نیازمندی باز می دارد زیرا همان گونه که بیان کردیم پرورش روح به ما سلامت نفس عطا کرده و ما را از تزلزل در امان می دارد.

به عبارت ساده؛ تلاش موجب پرورش قوای جسمانی و روحانی است و «روح سالم در بدن سالم است».

10 نجات از رذیلت ها

عدم سستی باعث نجات انسان ها بوده؛ و «کار برترین تفریح است» که با گراییدن به آن آدمی فرصتی برای اعمال خلاف شرع ندارد. بنابراین کوششی که با حق جویی، حق پویی و حق گویی آمیخته باشد جوامع مختلف را از کژی ها بازداشته و از تباهی در امان می دارد.

ص: 325

1- . بهشتی، محمود، سلامتی تن و روان، ص 198، با تلخیص .

به بیان ساده افراد باید به فراخور استعداد خویش در مسیر حق تلاش نموده و از آفاتی چون؛ گراییدن به باطل و اعانت آن، در امان باشند زیرا این آفت هنگامی که در خدمت باطل باشد، حاکمان ستمگر در جوامع را پایدار می نماید. ولتر می گوید:

«کار و کوشش ما را از سه شر بزرگ می رهند، ملالت و دلسردی، رذیلت و تباهی و فقر و نیازمندی، در هر جامعه ای که کارها بر اساس استعدادهای تقسیم نشود در واقع همه بیکاره اند».

آری !! استعداد شناسی در راه حق از جایگاه ویژه ای برخوردار است و پرورش آن نیز حائز اهمیت است.

شخصیت عمل گرایان

اشاره

در شکل گیری شخصیت عمل گرایان؛ کوشش همراه با برنامه ریزی پیروزی آفرین است اما برای حرکت در این راه نمود و اصولی را باید مد نظر قرار دهیم که عبارت است از:

1) استعداد شناسی

استعدادشناسی در کار مورد علاقه از ارزش ویژه ای برخوردار است و تلاش در راه رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده ای که درخور استعداد آدمی باشد، نیز شریف بوده و در آن حکمتی بزرگ است.

2) اصل قدرت اراده

اگر آدمی سست عنصر باشد میل به کار و تلاش ندارد و از سویی کژی و کاستی در وجود او رخنه می کند. به عبارت دیگر؛

گرایش به کار به واسطه سازندگی برای تلاش بیشتر و بطالت کمتر در هر زمان و مکانی میسر و ضروری است. کسانی که از قدرت اراده آگاهی ندارند، و آن را به خدمت نمی گیرند مثل تویی هستند که اختیارشان به دست بازیکنان است.

ص: 326

اشاره

آدمی با کوشش خویش و با الگو گرفتن از دانایانی که قلّه های ترقی را فتح نموده اند، مشتاقانه به سوی موفقیت گام بر می دارد.

*** روایت ***

عبدالاعلی می گوید:

«در بین راه مدینه به حضرت امام صادق (علیه السلام) برخورد کردم. روز بسیار گرمی بود، گفتم: فدایت شوم با آن مقامی که پیش خداوند داری و از خویشان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می باشی، چرا در این گرما خود را این چنین به زحمت انداخته ای؟ امام (علیه السلام) فرمود:

عبدالاعلی! من برای جستجوی روزی بیرون آمدم تا از چون تویی بی نیاز شوم.»

4 سعی شرافتمندانه

اشاره

او در کنار اهداف شخصی خویش گرایش به جامعه نیز دارد و در حین فرد گرایی، جامعه گرا نیز می باشد از این روی به اعمال نیکو و پسندیده همت می گمارد تا جامعه از حرکت وی به نیکی یاد نموده و نام وی جاودانه گردد. او خود بینی را از وجود خویش زدوده و در کنار مردم به حل مشکلاتشان همت می گمارد.

*** روایت ***

عمر بن مسلم یکی از یاران امام صادق 7 بود. او مدتی خدمت حضرت نیامد، امام جوایای حال او شد عرض کردند: او تجارت را ترک کرده و مشغول عبادت است. حضرت فرمود: وای بر او آیا نمی داند کسی که در طلب روزی کوشش نکند دعایش مستجاب نمی شود؟ سپس فرمود: گروهی از اصحاب

پیامبر(صلی الله علیه وآله) هنگامی که آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (1) نازل شد درها را به روی خود بستند و رو به عبادت آوردند و گفتند: خداوند روزی ما را عهده دار شده! این قضیه به گوش رسول خدا(صلی الله علیه وآله) رسید حضرت فرمود: هر کس چنین کند دعایش مستجاب نمی شود؛ بنابر این شما باید در راه زندگی سعی و تلاش کنید. (2)

5) عدم هراس از شکست

انسان تلاشگر کامیاب در حرکت خود به سوی اهداف بلند مدت از شکست هراسی به خود راه نداده و شهامت پذیرش آن را در سختی ها و دشواری ها دارد.

6) عدم سستی باعث ثروت

اشاره

در بهار جوانی فرصت را غنیمت شمرده و در مزرعه دنیا با تلاش به کشت اعمال پسندیده و نیکو همت گمارده تا در پاییز محصولات حاصلخیزی داشته و در تابستان با دروی محصول ثروتمند باشیم.

از خشکبار فروشی تا شهرت نویسندگی

«دیل کارنگی» درباره «جرج ولز» تاریخ نگار و دانشمند بزرگ انگلیسی می نویسد: پدرش ورزشکار بود و دکان کوچک خشکبار فروشی داشت، «ولز» کوچک، بر اثر فقر و تنگدستی پدر، ناچار بود از سیزده سالگی در دکان پدر کار کند، ولی چون دارای هدفی برتر بود مغازه را ترک کرد و به مادر گفت: مرگ را به کار کردن در دکان ترجیح می دهم. پس شغل معلمی را برگزید چند سال بعد «ولز» در یک بازی فوتبال آنچنان زمین خورد که به دستور پزشکان مجبور گردید تا مدت دوازده سال از رختخواب بیرون نیاید او در این مدت طولانی از فرصت

ص: 328

1- . سوره طلاق، آیه 2 و 3.

2- . مجلسی، محمد باقر، ج 22، ص 131 و مجلسی، محمد باقر، داستان های بحار الانوار، ج 5، مترجم: محمود ناصری، ص 116.

استفاده کرد و به طور مداوم شروع به مطالعه و تحقیق کرد و بر معلومات خود افزود تا اینکه چندین کتاب چاپ و منتشر کرد، که مورد استقبال مردم قرار گرفت و آن قدر به کارش ادامه داد تا به شهرت فراوانی رسید».

7) عدم شکایت از روزگار

کسانی که پیرو خرافات هستند، عدم تلاش خویش را تقصیر بد اقبالی می گذارند، بنابر این به جای عدم سستی و تنبلی از دست روزگار شکایت کرده و به گوشه ای پناه می برند. این گونه افراد به جای شکوه و شکایت باید با تغییر و تحول برای نیل به اهداف نکو به حرکت خویش ادامه داده تا به مقصود برسند.

8) قانون سلطه

آدمی با آگاهی از قانون سلطه هرگز اسیر عمل نمی شود؛ بلکه آن را اسیر خود می کند. بنابراین هر جایی که اقتضا کند حرکت خویش را متوقف کرده و پس از کسب آمادگی لازم تغییر و تحول خویش را از نو شروع می کند.

9) مدرسه معرفت

اشاره

ما باید برای عدم سستی به مدرسه علم و معرفت رفته و نزد معلم کوشش را بیاموزیم، باید با شناخت فضایل علم به رذیلت های تنبلی نیز پی برده و پس از آشنایی کامل با آن، از به کارگیری آن بهره وافر ببریم.

«کوشی ادیسون»

«ادیسون دانشمند و مخترع بزرگ می گوید:

نبوغ یعنی یک درصد الهام گرفتن و 99 درصد عرق ریختن.

او نمی فهمید کار یعنی چه؟

به طوری که روزی 16 ساعت کار می کرد و حتی اکثر اوقات از فرط خستگی در محل کارش روی صندلی می خوابید.

ص: 329

هنگامی که افرادی برای رسیدن به هدفی واحد در تلاش هستند باید با تبادل نظر هماهنگی را حفظ نموده و با پندار، گفتار و کردار نیک تفرقه و جدایی را از خود دور کنند زیرا با رفاقت و همدلی کوه مبدل به طلا می شود.

فراگیری روش های مبارزه با سستی و تنبلی

اشاره

اکنون که با ویژگی های عمل گرایی آشنا شدید بد نیست بدانید که چگونه سستی را از خود دور کنید، زیرا در زندگی روزمره گاهی اتفاق می افتد که آدمی در حالی که حس مسئولیت می کند و باید به تعهد خویش پایبند باشد ولی از وظیفه خویش سرباز می زند و برای شانه خالی نمودن از وظیفه بهانه هایی واهی می گیرد و از سویی کسب علم را رها کرده و با خود می گوید: حالش را ندارم، دلم گرفته، باشه فردا. او با این گونه سخنان گاهی از اوقات ضررهای جبران ناپذیری بر خویش وارد می کند. بدین جهت لازم است در دوران های مختلف زندگی از آنچنان نشاط و انبساط روحی برخوردار بوده و با تحرک لازم و قدرت در همه کارها پیش قدم شده تا کامروا شویم. با هم نمود و اصل های مبارزه با سستی و تنبلی را می خوانیم:

1- آگاهی

مهم ترین عامل بالا- بردن سطح آگاهی از زمینه های مختلف کاری است که می خواهیم انجام دهیم. وقتی آگاهی ما نسبت به منافع عملی کامل باشد ناخودآگاه اراده خلل ناپذیر و علاقه کافی برای انجام آن را داریم. اگر می خواهیم نشاط کافی و اراده ای مستحکم در سعی و تلاش پیدا نماییم؛ باید ویژگی های آن را بیاموزیم. در این هنگام با ذوق و شوق فراوان بدان جامه عمل می پوشانیم.

2- استمداد از پروردگار

شرط برطرف نمودن کاهلی و سستی استعانت از پروردگار و کسب توفیق از

اوست. اگر توفیق با ما یار شود کارها سهل گردیده و بر وفق مراد می گردد. بنابراین از او درخواست نماییم تا به اجابت رسد زیرا او فرمود: «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را».

3) انضباط و نظم پذیری

بی نظمی عامل مهمی در ایجاد روحیه کسل و سست عنصری و سرانجام تزلزل است. چرا که در صورت عدم نظم مقررات مختل می گردد که تجلی آن در قوانین اصلی به ویژه قوانین رانندگی است. زیرا آنها بر اساس نظم و انضباط بنا نهاده شده است، مثلاً در حالتی که رانندگان تابع قوانین منظم رانندگی نباشند آمار تصادفات افزون تر گردیده و حوادث غیر منتظره ای رخ می دهد. بدون تردید اساس هر عملی بر نظم بنا نهاده شده است همان طوری که در تمامی هستی نظم حکم فرماست ما نیز به نوبه خود باید نظم و ترتیب را رعایت نموده و همراه با برنامه ریزی سر لوحه اعمالمان قرار دهیم. به دلیل آنکه بدون نظم و برنامه ریزی کاری از پیش نمی بریم به عبارت دیگر؛ اگر برنامه ای مدون تنظیم گردیده و به عمل گراید نتیجه ای مطلوب حاصل خواهد شد.

4) تقویت ایمان

همان گونه که قبلاً هم به آن اشاره شد، هر چه ایمان انسان قوی تر باشد اراده او برای سیر به سوی خدا زیاد تر می گردد. و در عین حال انگیزه مهمی برای دوری از تنبلی و گراییدن به کار حاصل می گردد.

5) دل بستن به دنیا

همه ما می دانیم که مشکلات متفاوتی در زندگی هر انسانی وجود دارد، و طی آن باید ناراحتی های مختلفی را تحمل نماید؛ که یکی از عوامل اصلی آن دل بستگی به دنیا است.

در این میان کسانی که طبق فرمان عقل، وظیفه خود را انجام داده و غصه به

خود راه نمی دهند و با نشاط ایمانی به صورت افراطی دل به دنیا نبسته اند کلید طلایی کار و تلاش را یافته اند.

کسانی که دنیا برای آنها اهمیت والا و جایگاه ویژه ای دارد در ناملایمات زندگی مشکلات گریبانگیرشان شده و سختی های زیادی را متحمل می گردند از سوئی زندگی بدون علاقه مذمت شده، ولی با تقویت ایمان به آفریدگار اعمال بر وفق مراد گردیده و کوه چون کاهی می گردد.

قرآن کریم از این منقطعین از دنیا که در واقع همان زاهدین هستند، چنین یاد می فرماید:

«لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (1).

تا آنکه برای آنچه از دست داده اید تأسف نخورید و به آنچه به شما داده شده است دل بسته و شادمان نباشید.

6- کسب موفقیت های دنیایی و آخرتی

موفقیت هایی که آحاد ملت ها در نمود و اصل های گوناگون زندگی حاصل می کنند، تأثیرات شایانی در شادی و خوشحالی آنها دارد. پیروزی های ورزشی در میدان های مسابقه در رشته های گوناگون، پیروزی در امتحانات دانشگاه ها، موفقیت معنوی در خود سازی و زدودن رذیلت های اخلاقی و کسب فضیلت های اخلاقی.

پیروزی در هر بعدی از ابعاد زندگی چون اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی موجب تغییر، و تحول و حرکت است؛ اما گاهی بر اثر عدم برنامه ریزی مدون و منظم و عدم گرایش به کار در مسیر حرکت وقفه ای حاصل شده و شکست گریبانگیر آدمی می گردد؛ در چنین شرایطی اگر در اثر شکست ناامید شده و یأس به خود راه دهد چه بسا موجب توقف در راه رسیدن به موفقیت می گردد. بنابر این خردمندان در مواقع شکست، عوامل عدم موفقیت خود را پیدا نموده و با تلاش برای از بین بردن آنها، آینده خویش را تضمین می نمایند.

ص: 332

با هم معنویت و کوشش را از نظرگاه آیات الهی جويا می شويم:

الف) آثار تلاش

«الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (1)

«منافقان همان ها هستند که پیوسته انتظار می کشند و مراقب شما هستند اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنائم شریکیم!) و اگر بهره ای نصیب کافران گردد، به آنان می گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی کردیم؟ پس با شما شریک خواهیم بود!» خداوند در روز رستاخیر میان شما داوری می کند و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است».

ب) تلاش برای کسب دنیا و نتیجه آن

«وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ مُّوَجَّلاً وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ» (2)

هیچ کس، جز به فرمان خدا، نمی میرد سرنوشتی است تعیین شده (بنابراین مرگ پیامبر با دیگران، سنت الهی است) هر کس پاداش دنیا را بخواهد و در زندگی خود در این راه گام بردارد چیزی از آن به او خواهیم داد و هر کس پاداش آخرت را بخواهد از آن به او می دهیم و به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد».

ص: 333

1- . سوره نساء، آیه 141.

2- . سوره مبارکه آل عمران، آیه 145.

پ) تلاش در راه خدا

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (1)

کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده اند، آنها امید رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است.»

ج) سعی و تلاش بی ثمر

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» (2)

«کسی که زراعت آخرت را بخواهد به کشت او برکت و افزایش می دهیم و بر محصولش می افزاییم و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد کمی از آن به او می دهیم اما در آخرت هیچ بهره ای ندارد!»

و) هدایت در راه تلاش برای کسب روزی

«لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَذَا أَفْضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَادْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ» (3)

«گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان و از منافع اقتصادی و ایام حج طلب کنید (که یکی از منافع حج، پی ریزی یک اقتصاد صحیح است). و هنگامی که از عرفات کوچ کردید خدا را نزد مشعر الحرام یاد کنید! او را یاد کنید همان طور که شما را هدایت نمود و به طور یقین شما پیش از این از گمراهان بودید.»

ص: 334

1- . سورة بقره، آیه 218.

2- . سورة شوری، آیه 20.

3- . سورة بقره، آیه 198

ه) هدایت و مطلوب بودن تلاش برای کار نیک

«وَلِكُلِّ وَجْهَةٌ لَّهُ مُوَلِّئُهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (1)

هر طایفه ای قبله ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است (بنابر این، زیاد دربارهٔ قبله گفتگو نکنید! و به جای آن) در نیکی ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوید! هر جا باشید، خداوند همه شما را برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد در روز رستاخیر، حاضر می کند زیرا او بر هر کاری تواناست».

«وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ (2)

«و اینکه برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست».

مدیریت کوشش و تلاش از نظرگاه ائمه هدی (علیهم السلام)

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«إِيَّاكَ وَخَصَلْتَيْنِ: الضَّجْرَ وَالكَسَلَ فَإِنَّكَ إِنْ ضَجَرْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَىٰ حَقِّهِ وَإِنْ كَسَلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقَّهُ»

از دو صفت پرهیز: ملالت و تبلی که اگر ملول باشی حق را تحمل نکنی و اگر تبیل باشی از ادای حق باز مانی. (3)

آری!! با گرایش به عمل در راه حق تا سرانجام آن به تلاش پرداخته و لحظه ای درنگ نکنیم. حضرت علی 7 در خطبه 103 نهج البلاغه فرمود:

«بدترین افراد نزد خدا، کسی است که خدا او را به حال خود وا گذاشته، تا از راه راست، منحرف گردد، و بدون راهنما اگر برای محصولات دنیا تا مرز جان تلاش کند، اما چون به آخرت و نعمت های گوناگونش دعوت شود سُستی ورزد، گویا آنچه برای آن

ص: 335

1- . سوره بقره، آیه 148.

2- . سوره نجم، آیه 39.

3- . نهج الفصاحه، ص 209.

کار می کند، بر او واجب و آنچه نسبت به آن کوتاهی و تبلی می کند از او نخواستہ اند» (1).

آری؛ انسان باید نسبت به انجام وظایف تلاش و کوشش نموده و نسبت به آن متعهد باشد چرا که از لحاظ مذهبی نیز معنویتی مثال زدنی است که انسان را در بُعد عبادی همچون ابعاد دیگر زندگی سعادت‌مند می سازد.

مدیریت کوشش و تلاش از دیدگاه بزرگان

الف) از حرف تا عمل

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«انسان بی عمل مانند چارپایی است که در منجلاب گل و لای همچنان دست و پا می زند و نمی تواند خودش را از آن بیرون بکشد» (2).

ویلیام جیمس می گوید:

«هر قدر هم مثل زیاد بدانیم و هر قدر احساساتمان را لطیف و نیتیمان پاک باشد در صورتی که از هر فرصت مناسب برای اقدام کردن استفاده نکنیم، خوی و طبع ما همان خواهد ماند که قبلاً بوده است. هیچ بعید نیست جهنم نیز مملو از نیتات و عقاید پاک باشد. مواردی پیش می آید که انسان بایستی در بعضی از خواسته ها، خود را تسلیم نماید. منظورمان آن نیست که همواره انسان باید خودش را تسلیم ظلم کند خیر. بلکه اگر توانست وضع خود را تغییر دهد چه خوب اگر نتوانست وضعیت خود را تغییر دهد لااقل نیرو و تلاش خود را به هدر ندهد» (3).

ص: 336

1- نهج البلاغه، خطبه 103، ص 135.

2- کاظمی، حکمت اله، نظری گذرا بر افکار اندیشمندان جهان، ص 77.

3- همان.

تئودورورن دلن می گوید:

«هنگامی که وضع را نمی توانید تغییر دهید. بیهوده نیروی خود را صرف نکنید».(1)

ب) خواسته ها و آرزوهای انسان

خواسته ها و آرزوهای انسان دور و دراز و بی نهایت است چون تمایلات و خواسته های متعددی دارد. بدین جهت نمی تواند به همه خواسته ها و آرزوهایش برسد بایستی از بعضی از آنها چشم پوشد تا موفقیت های بسیار در آینده نصیبش شود.

برتر اندراسل می گوید:

«چشم پوشی از قسمتی از آرزوها و تمایلات یکی از شرایط اساسی کسب سعادت است».(2)

ج) کار و تلاش لازمه زندگی بشر

«کار و تلاش برای امرار معاش و بقاء زندگی انسان هاست، انسان هایی که سعادت و خوشبختی را می خواهند همواره تلاش می کنند تا زندگی دنیایشان بهتر شود و باعث رفاه خود و جامعه می گردند؛ کار، تلاش و کوشش کردن باعث می شود سیستم های عصبی انسان تقویت شود و بسیاری از بیماری ها را در بدن کاهش می دهد».(3)

استفن لیکوک می گوید:

«من هوا خواه جدی سعادت و مشاهده می کنم هر چه بیشتر کار می کنم سعادت مند می شوم».

در جوامع بشری امروز با آنکه کار می کنند از نظر اقتصادی باز هم عقب

ص: 337

1- . همان.

2- . همان.

3- . همان.

مانده اند و آن طور که باید و شاید وسایل راحتی شان مهیا نمی شود وای به حال کسانی که بیکار هستند و تن به کار نمی دهند.»(1)

ص: 338

1- . همان.

تمکین ستمگران دنیا و به دنبال آن ظلم و جنایت در جهان به وفور مشهود است که استقلال، آزادی و عدالت ملت های مظلوم از بین رفته است. به همین علت آحاد آن جوامع را به فلاکت می کشاند. بنابر این سه اصل نام برده از راه های سعادت‌مندانانه هر ملتی است و برای رسیدن به آن باید مبارزه با ستمگران را الگوی خویش قرار دهیم.

آری!! مجاهدان راه خدا سختی ها و مشکلات مبارزه را بر جان خریده اند و چون کوه مانده اند و چون رود رفته اند و درخت اسلام را با مال و جان خویش آبیاری نموده اند تا جامعه ای آباد، آزاد، مستقل و به دور از هر گونه ظلم و ستم داشته باشیم.

تعریف واژه

عدم تمکین در برابر جائران دنیا و عدم یاری آنان و مبارزه برای سرنگون نمودن آنان؛(1) به جهت اینکه آنان جفا به غیر می نمایند از جهت انتقام و تشفی قلب.(2)

جایگاه و اهمیت آن

عدم همکاری با ظالمان و مبارزه با آنان از فضیلت و پاداش وافر برخوردار است زیرا جوامع با آن از مردگی به زندگی می رسند. به همین دلیل «هر کس

ص: 340

1- . نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ج 3، ص 127، با تصرف.

2- . بانوی ایرانی، اخلاق راه سعادت، نشر: گلبهار، سال 1385، ص 329، با تصرف.

سنگی را دوست دارد خداوند او را با آن سنگ محشور می گرداند و هر کس ظالمی را به جهت طمع در دنیای او دوست دارد خداوند بر او خشمناک گردد و با قارون در تابوت اسفل در آتش هم درجه خواهد بود»⁽¹⁾.

بر خلاف آن کسی که با جائران دنیا همکاری نکند و یا تابع آنان نباشد از ثواب چشمگیری بهره مند گردیده و در دو عالم از جمله مبارزان راه خدا خواهد بود. همان گونه که باری تعالی فرمود: «کسانی که ایمان آوردند، هجرت کرده و جهاد نمودند بالاترین درجه را نزد خداوند خواهد داشت و آنان رستگارند.»

چرا با ستمگران مبارزه می کنیم!!!

به سراغ گنجینه کتاب رفته در قفسه اخلاقیات آن کتاب معراج السعاده را می یابیم، آن را مورد پژوهش قرار داده و سپس مفاسد ظلم را که خود جواب چرایی مبارزه با ظالمان است را بررسی نموده که حاصل آن را با هم می خوانیم:

بدان که ظلم در اصل لغت به معنی کار بی جا کردن و تعدی نمودن از حد وسط است. و ظلم به این معنی، جامع همه رذایل و ارتکاب هر یک از قبایح شرعی و عقلیه را شامل است. و این ظلم به معنی اعم است.

از برای ظلم معنی دیگری نیز است که عبارت است از ضرر و اذیت رسانیدن به غیر از قبیل کشتن، زدن، دشنام و فحش دادن، غیبت او را کردن، مال او را به غیر حق تصرف کردن و گرفتن، غیر اینها از کردار یا گفتاری که باعث اذیت غیر باشد و این ظلم به معنی اخص است. و بیشتر آنچه در آیات و اخبار و عرف مردم ذکر می شود این معنی مراد است و باعث این ظلم اگر عداوت و کینه باشد از نتایج قوه غضبیه خواهد بود. و اگر موجب آن حرص و طمع در مال باشد از جمله رذایل قوه شهویه محسوب خواهد شد.⁽²⁾

به هر حال به اجماع جمیع طوایف عالم، و به اتفاق همه اصناف بنی آدم، ظلم از همه معاصی اعظم و عذاب آن اشد و ندامت آن بیشتر، و وبال آن بالاتر است.

ص: 341

1- . مامقانی غروی (ره) عبدالله، سراج الشیعه فی آداب اشریعه، نشر: شاکر، سال 1389، ص 584.

2- . نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، ص 379 _ 383.

در مواضع متکثره در قرآن بر ظالمین لعن شدید وارد، و در اخبار متواتره ذمّ عظیم و تهدید بر آن ثابت است. و اگر هیچ تهدیدی بر آن نباشد همین آیه مبارکه از برای طایفه ظالمین کافی است (1) که پروردگار جبار می فرماید:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُؤُسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْنِدُتْهُمْ هُوَاءً»

خلاصه معنی آن که «گمان مکن که پروردگار غافل است از کرده ظالمان و ستمکاران، نه چنین است و این مهلتی که به ایشان داده به جهت آن است که عذاب و سزای عمل ایشان را به روزی اندازد که در آن چشم ها به کاسه سر می جهد. و همه مردمان در آن روز شتابان خواهند بود. یعنی از حیرانی و سرگردانی آرام و سکون نخواهند داشت و به هر طرف خواهند دوید و چشم های ایشان باز خواهد ماند و قدرت نخواهد داشت که چشمهای خود را به هم گذارند و دل های ایشان از شدت خوف و فزع، پریده خواهد بود و از عقل و هر چیزی خالی خواهد بود». و باز حق تعالی می فرماید:

«وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»

«زود باشد بدانند آنان که ظلم و ستم کردند که بعد از مرگ بازگشت ایشان به کدام مکان خواهد بود».

آری بازگشت ظالم، البته به آتش سوزنده و مار و عقرب گزنده خواهد بود و ستم بر بندگان خدا، و چشم داشت آمرزش در روز قیامت نیست مگر از حمق و سفاهت.

مکن بد که بد بینی از یار نیک که ناید ز تخم بدی بار نیک

دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر کای نور چشم من بجز از کشته ندروی

از متمم مکارم اخلاق و مبعوث بر کافه آفاق مروی است که «پست ترین و ذلیل ترین خلق در نزد خدا کسی است که امر مسلمانان در دست او باشد و میان ایشان به راستی رفتار نکند». و در حدیثی دیگر از آن سرور مروی است که «ظلم

ص: 342

1- . همان.

و جور کردن در یک ساعت بدتر است در نزد خدا از شصت سال گناه» و فرمود که: «هر که از انتقام و مکافات بترسد، البته از ظلم کردن باز می ایستد». چون منتقم حقیقی البته انتقام هر ظلمی را می کشد. و مکافات ظالم را به او می رساند. (1)

چوبدی کردی مباش ایمن ز آفات که واجب شد طبیعت را مکافات

از جانب خداوند معبود، وحی به حضرت داوود (علیه السلام) رسید که به اهل ظلم بگو؛ مرا یاد نکنند که بر من واجب است یاد کنم هر که مرا یاد بکند و یاد کردن ظالمین به لعن کردن ایشان است در هنگامی که حضرت سید سجاد (علیه السلام) را وفات رسید به حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود که «زنهار ای فرزند که ظلم نکنی بر کسی که دادرسی به غیر از خدا نداشته باشد» زیرا که او را چون کسی دیگر نباشد دست به درگاه مالک الملوک بر می دارد و منتقم حقیقی را بر سر انتقام می آورد. هان ای آنکه زمام اختیار مردم در دست داری تا بیچارگان بی کس را نیازی، که کس بی کسان در مقام آزار تو بر آید. (2)

دردمندان بلا زهر هلاهل نوشتند قصد این قوم خطا باشد هین تا نکنی

منجیق آه مظلومان به صبح زود گیرد ظالمان را در حصار

از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) مروی است که «هیچ کس نیست که به دیگری ظلم کند مگر اینکه خدا به آن ظلم او را می گیرد، در جان یا مال او». مردی که مدتی والی موضعی بود به خدمت آن والی امامت عرض کرد که آیا توبه ای از برای من هست؟ فرمود نه، تا هر که بر ذمه تو حقی دارد به وی برسانی». و نیز از آن حضرت مروی است که «آنچه مظلوم از دین ظالم می گیرد بیش از آن چیزی است که ظالم از مظلوم می ستاند».

و از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) منقول است که در تفسیر قول خدای عزوجل «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ» (3) فرمودند که پلی بر صراط هست که از آن

ص: 343

1- . همان.

2- . همان.

3- . همانا خدای در کمینگاه است.

نمی گذرد بنده ای که بر گردن او مظلومه ای باشد». و فرمود که هیچ ظلمی شدیدتر و بدتر از ظلمی نیست که بر کس باشد که یآوری بجز خداوند قهار نیابد». و نیز

فرمود که «هر که بخورد مال برادر خود را به ناحق و به او رد نکند، خواهد خورد در روز قیامت شراری از آتش دوزخ را». و از آن جناب مروی است که «پروردگار عالم وحی فرستاد به پیغمبری از پیغمبران، که در مملکتی که ستمگری حکمرانی می کرد به نزد او برود و به او بگوید؛ که من تو را و نداشته ام از برای ریختن خون بی گناهان و گرفتن اموال مردمان، بلکه تو را صاحب اختیار کردم به جهت آنکه صداهای مظلومان را از درگاه من بازداری و ناله های ایشان را کوتاه کنی، من نخواهم گذشت از ظلمی که بر احدی شود، اگر چه از جمله کفار باشد».

آری، حکمرانی، حکم شبانی دارد، که آفریدگار عالم او را بر رعیت گماشته و از او محافظت ایشان را خواسته و چنانچه اندکی در حفظ و حراست ایشان اهمال و مسامحه نماید به زودی دست او را از شبانی ایشان کوتاه فرماید و در روز محاسبه روز قیامت حساب جزء جزء را از او می طلبد. (1)

میازار دهقان به یک خ_____ردله که سلطان شبان و است و دهقان گله

چو پرخاش ببینند و بیداد از او شبان نیست، گرگ است، فریاد از او

کسی که حفظ رعیت نگاه می دارد؛ حلال باد خراجش که مزد چوپانی است و گرنه راعی خلق است زهر مارش باد که هر چه می خورد از جزیه مسلمانی است. و نیز از آن حضرت مروی است که فرمود: «هر که بدی کند با مردمان و بر ایشان ستم روا دارد، او را ناخوش نیاید، چون به او بدی کنند و ستمی به او رسد، چون فرزند آدم، آنچه را می کارد می درود و هیچ کس از تخم تلخ میوه شیرین بر نمی دارد و تخم شیرین بار تلخ نمی دهد».

اگر بد کنی چشم نیکی مدار

مپندارم ای در خزان کشته ج_____ و

که هرگز نیارد گز، انگور بار

که گن_____دم ستانی به وقت درو

چه عجب نیست از بسیاری از ابناء زمان، که انواع ظلم و ستم از ایشان به بیچارگان می رسد و اگر روزی ورق زمانه برگردد و دست ایشان از ظلم کوتاه

ص: 344

شود، و روزگار درصدد مکافات بر آید، آه و ناله ایشان از ثریا می گذرد. و زبان شکوه خالق و خلق را می گشاید. و بر کسانی که اگر شفاعت مظلومی را در نزد

ایشان می کرد به هیچ گونه قبول نمی کردند، اعتراض می کنند و ایشان را ملامت و سرزنش می نمایند که آخر، چنین ظلمی بر ما می شود، و تو چنین ساکت نشسته ای چرا گریبان چاک نمی کنی و بر سر خاک نمی ریزی و شورش و غوغا نمی مانی؟

ببری مال مسلمان و چو مالت ببرند بانگ و فریاد بر آری که مسلمانی نیست

برگشت اثر هر ظلمی به خود ظالم یا به اولاد اوست و غافل است از اینکه هر ظلمی که از کسی سرزد، روزگار، اثر آن را به او می رساند. (1)

مکن خیره بر زی—ردستان ستم که دستی است بالای دست تو هم ستمگر جفا بر تن خویش کرد نه زیر دس—تان دلریش کرد
مها زورمندی مک—ن با کهان که بر یک نم—ط می نماند جهان

همچنان که حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند که «هر که ستم کند، خداوند عالم مسلط می سازد بر او کسی را که ظلم کند بر او، یا بر اولاد او، یا بر اولاد اولاد او. کجا با عدل خداوند عادل جمع می شود که زیر دستی را بیازارد و دست آن بیچاره از مکافات او کوتاه و حضرت ملک الملوک بر آن مطلع باشد و درصدد انتقام او بر نیاید؟

راوی گوید: چون حضرت چنین فرمودند، من عرض کردم که آن مرد، ظلم می کند و خدا ظلم را بر اولاد، و اولاد اولاد او مسلط می سازد؟

فرمود: بلی، خدای تعالی می فرماید:

« وَ لِيَخْشَ الَّذِينَ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لِيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا »

خلاصه معنی آنکه «باید بترسند کسانی که هر گاه اولادی از ایشان بماند بی دست و پا، بر ایشان مهربان و ترسناک باشند، پس باید از خدای پرهیزند و سخن نیک بگویند». و والد ماجد حقیر در جامع السعادات فرموده است که

ص: 345

«ظاهر آن است که مؤاخذه اولاد به سبب ظلم پدران، مخصوص اولادی است که به ظلم پدران خود راضی بوده اند. یا اولادی که از ظلم پدر به ایشان اثری رسیده باشد، چون مالی که به ایشان منتقل شده باشد». و بعضی از علما در سرّ این، گفته که دنیا دار مکافات و انتقام است و باید مکافات هر ظلمی در دنیا بشود. گو بعضی از آن به روز قیامت افتد این انتقام هم از برای ظالم فایده دارد تو هم از برای مظلوم، اما از برای ظالم به جهت اینکه چون این را شنید و مطلع شد که هر ظلمی را در دنیا مکافات است بسا باشد که از ظلم کردن باز ایستد و اما از برای مظلوم به جهت اینکه او از آگاهی بر این شاد و مستبشر می گردد. و علاوه بر ثواب اخروی، فرح در دنیا نیز از برای او حاصل می شود. (1)

لب خشک مظلوم را گو بخنند که دندان ظالم بخواهند کند

پس آنچه به اولاد و اولاد ظالم از ظلم می رسد اگر چه ظاهراً بر او ظلم است و لیکن در معنی نعمتی است از خدا بر او، که فایده از برای دیگران نیز دارد. پس هر که را اندک عقل و شعوری بوده باشد، و دشمن خود و بازماندگان خود نباشد و اعتقاد به مرگ و رسیدن به حساب و ثواب و عقاب روز قیامت داشته باشد البته خود را از ظلم نگاه می دارد؛ و عجب است از قومی که مرگ را به چشم خود می بینند و دعوی یقین به حشر و نشر و بهشت و دوزخ می نمایند، و احوال اهل ظلم را در دنیا معاینه و ملاحظه می نمایند، و با وجود این پیوسته ظلم و ستم به زیردستان و ضعفا می نمایند و از حکم حاکم عادل، و مؤاخذه مالک الملوک، و سطوت قهر جبار سموات و ارضین، خوف نمی کنند. و از رسوایی روز قیامت در حضور ملائکه و انبیاء و سایر امم گذشته و آینده اندیشه نمی نمایند. و از تخویفات و تهدیدات پروردگار خود هیچ باکی ندارند.

بلی !! «يَوْمَ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ» یعنی «روز توانایی و قدرت مظلوم بر ظالم بسی شدیدتر و بالاتر است از امروز که ظالم قدرت بر مظلوم دارد.»

تحمل کن ای ناتوان از قوی

که روزی تواناتر از وی شوی

ص: 346

1- . همان.

زنهار، ای ظالم دست نگه دار که دستی بالای دست تو هست. بر خود بترس که توانا تر از تویی در کمین است.

بنا به مفاسد ظلم باید با ظالمان مبارزه نموده و حکومت عدل و داد، استقلال و آزادی را حفظ نمود.

چگونگی پاسخ ظالم در روز قیامت

ملا احمد نراقی در ادامه چنین می نویسد:

روز قیامت را به یاد آور. و زمان مؤاخذه را در نظر بگیر. و خود را در حضور پروردگار خود ایستاده بین. و مستعدّ جواب ظلم و ستم بر بیچارگان شو. و جواب آنها را مهیّا کن. پس ای کسانی که زمام اختیار بندگان خدا را در دست دارید و خلعت مهتری و سروری در بر کرده اید یاد آورید روزی را که در دیوان اکبر ملوک، و سلاطین عدالت گستر، به خلعت زیبای آمرزش ارجمند، و به تاج و هّاج کرامت سر بلند گردند، مبادا شما لباس یأس در بر، و خاک مصیبت بر سر، اشک حسرت از دیده بیارید. و دست ندامت بر سر زنید.

خطابین که بر دست ظالم برفت جهان ماند و او با مظالم برفت

و چون از فکر آخرت، و روز حسرت و ندامت پردازید احوال دنیای خود را ملاحظه نمایید. و مفاسد دنیویّه ظلم و ستم را متذکر گردید، و بدانید که عاقبت آن نیست مگر اینکه قوّت و شوکتی که حضرت رب العزه داده به شئامت آن باز می گردد. چنان که والی مملکت عدالت، و سریر آرای کشور ولایت فرمود «که هیچ سلطانی نیست که خدای تعالی او را قوّت و نعمتی داده باشد و او به دستیاری آن قوّت و نعمت بر بندگان خدا ظلم کند، مگر اینکه بر خدای لازم است که آن قوّت و نعمت را باز گیرد.»⁽¹⁾

نمی بینی که خدای تعالی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» یعنی «به درستی که خدای تعالی تغییر نمی دهد آنچه با طایفه ای هست از شادی و دولت، یا رنج و محنت، تا آنکه ایشان نیّت و اعمال خود را تغییر

ص: 347

بدهند» و هم از سخنان هدایت بنیان آن حضرت است که «بِالظُّلْمِ تَزُولُ النِّعَمُ» یعنی: به سبب ظلم، نعمتها زایل می گردد، و به نکبت مبدل می شود و به شومی آن، احوال ملک و مملکت زیون، و تخت و دولت سر نگون می گردد.

آری، بسا باشد که ستمکار ظالم، بیدادی بر بیچاره کند که در چاره جویی اش از هر جا بسته و دست امیدش از همه جا گسسته می شود. ناچار شکوه و داد خواهی به درگاه پادشاهی برد ساحت رحمتش گریزگاه بی پناهان، و غمخواری مرحمتش فریادرس دادخواهان است.

میر دیوان عدلش به دادخواهی گدای بی سروپایی خسرو تاجداری در دست اقتدار در زیر تیغ انتقام می نشاند. و سرهنگ سیاستش برای خاطر پریشانی، سلطان والا شأنی را پالهنگ(1) عجز در گردن افکنده و به پای دار مکافات می دواند. مظلومی از ضرب چوب ظالمی بر خود بیچد که شحنة غضبش با وی در نیچد و ستم کیشی، اشکی از دیده درویشی فرو نریزد، که سیلاب عقوبتش بنیان دولت وی از هم بریزد.

نخفته است مظلوم، زاهش بترس

نترسی که پاک اندرونی شبی

چراغی که بیوه زنی بر فروخت

پریشانی خاطر دادخواه

ستاننده داد آن کس، خداست

زدود دل صبحگاهش بترس

بر آرد زسوز جگر یا ربی

بسی دیده باشی که شهری بسوخت

براندازد از مملکت پادشاه

که نتواند از پادشه داد خواست

از حضرت امام صادق (علیه السلام) مروی است که «بترسید که از ظلم کردن، به درستی که دعای مظلوم به آسمان بالا می رود و به محل استجابت می رسد».

لا تظلمنّ اذا ما كنت مقتدرا فالظلم مقدرت تفضی إلى الندم تنام عیناک و المظلوم منتبه یدعو علیک و عین الله لم تنم

گویند یکی از پادشاهان باهوش که از تیر دعای خسته دلان بر حذر بودی، فرموده بود که این دو بیت بر بساط وی نقش کرده بودند که روز و شب در نظر

1- . طنابی بر گردن اسب بندند تا او را بکشند. (معراج السعاده)

وی باشد:

یعنی زنهار، ظلم مکن در وقت توانایی، که آخر ندامت و پشیمانی است، زیرا که در دل شب ها چشم تو در خواب استراحت و مظلوم با دیده بی خواب لب او به نفرین تو باز است. و ذات پاک خداوند عادل از خوابیدن مبرّا و ناله مظلومان را شنواست». زود باشد که شحنة عدلش به جانب داری آن مظلوم تیغ قهر کشیده سزای آن در کنارت نهد. (1)

اگر زیر دستی بر آید ز پای حذر کن ز نالیدنش برخ—دای

گرفتم ز توانان تر بسی است توانانتر از تو هم آخر کسی است

سلطان محمود غزنوی می گفته که «من از نیره شیر مردان این قدر نمی ترسم که از دوک پیره زنان و با وجود همه اینها خود ظلم باعث پریشانی رعیت، و موجب ویرانی مملکت می گردد».

علاوه بر آنچه مذکور شد، نام ستمکار در اطراف و اقطار به ظلم و ستم اشتهار می یابد و دل نزدیک و دور از او نفرت می گیرد، و سال های سال و قرن های بی شمار بدنامی و رسوایی در دودمان او می ماند و در روزگاران، بدی او را یاد می کنند و چه زیانکاری از این بدتر و بالاتر است.

خرابی و بد نامی آید ز جور

تقو بر چنان ملک و دولت بود

نماند ستمکار بد روزگار

بزرگان رسند این سخن را به غور

که لعنت بر او تا قیامت بود

بماند بر او لعنت پایدار (2)

چگونگی و چرایی یاری ظالمان

«بدان که ظلم، مذموم و فاعل آن در دنیا و آخرت معذب است. و همچنین هر که بر آمدن مقاصد او کند، او نیز مثل ظالم است در گناه و عقوبت. از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) مروی است که «هر که ظلم کند و هر که یاری ظالم کند، و هر که راضی به ظلم او باشد، هر سه ظالمند و در ظلم شریکند» و فرمود: «هر که

ص: 349

1- . همان.

2- . همان منبع، ص 383-385.

اعانت کند ظالمی را در ظلمی که می کند، خدا ظالمی را بر او مسلط می سازد که او را ظلم کند. و او هر چه دعا کند به اجابت نرسد. و بر ظلمی که بر او می شود اجری از برای او نباشد». مروی است که روزی سید رسولان فرمودند که: «سَدْرُ النَّاسِ الْمُثَلَّثُ» یعنی «بدترین مردمان مثلث است».

عرض کردند مثلث کیست؟

فرمود: کسی که سعایت و بدگویی کسی را در نزد پادشاه و امراء و حکام جور کند، که او سه نفر را هلاک کرده، اول خود را به جهت معصیتی که نموده، و دوم آن پادشاه یا امیر را به جهت ظلمی که به آن مظلوم نموده، سوم آن مظلوم را در دنیا هلاک کرده به جهت اذیتی که به او رسانیده، و ترضیع حق او کرده». فرمود: «هر که همراه ظالمی برود، از برای اعانت و یاری کردن او، و داند که او ظالم است آن کس از اسلام بیرون رفته و داخل کفر شده» و نیز از آن جانب مروی است که «چون روز قیامت شود منادی ندا کند که کجایند ظالمان و کسانی که شبیه و مانند ظالمانند؟ حتی آن کسی که قلمی از برای ایشان تراشیده، یا دواتی به جهت ایشان لایقه کرده؟ پس همگی را در تابوتی از آهن جمع سازند و در آتش جهنم اندازند». و مراد از «شبیه ظالمان» کسانی هستند که به ظلم ایشان راضی باشند». (1)

چگونگی بی تفاوتی نسبت به ظالم

نقل شده که: حاکم ظالمی هیروود سیس نام داشت. زنی داشت که آب و رنگ خود را از دست داده و پیری در او اثر کرده بود.

زن با خود فکر می کرد که حاکم به زودی زن جوانی خواهد گرفت و آن زن صاحب و همه کاره کاخ خواهد شد، از این رو با خود گفت: خوب است دخترم «سلومه» را که از زیبایی صورت، رعنائی، قد، دلفریبی و قیافه و تناسب اندام سر آمد همه دختران است و از شوهر اولم باقی مانده، به حاکم پیشنهاد کنم، تا با او ازدواج نماید و صاحب کاخ و تخت گردد.

ص: 350

این پیشنهاد را به حاکم کرد و او نیز قبول نمود و تصمیم به ازدواج با او گرفت.

وقتی این خبر به پیامبر بزرگ خدا حضرت یحیی (علیه السلام) رسید، صریحاً اعلام کرد که این ازدواج باطل و نامشروع است و مخالف دستورات تورات می باشد و من تا سر حدّ امکان به مبارزه با چنین کاری قیام خواهم کرد.

فتوای آن حضرت سر و صدایی به راه انداخت و در تمام شهر پیچید و نقل مجالس شد، به طوری که در کاخ به گوش زن حاکم و دخترش رسید و آنان متوجه شدند که بزرگ ترین مانع ازدواج حضرت یحیی (علیه السلام) است. آنان بسیار خشمگین شده، کینه آن حضرت را به دل گرفته و تصمیم گرفتند که در فرصتی مناسب از او انتقام بگیرند و این مانع را از سر راه خود بردارند.

زن در فرصتی مناسب دخترش را آرایش کرد، زینت آلات قیمتی به او آویخت، لباس های بدن نما و رنگی به او پوشانید و حاکم را شراب بسیاری نوشاند تا مست و از خود بی خود شد و در این حال دختر را پیش او فرستاد. زمانی که دختر به نزد حاکم رفت، به عشوهِ گری و طنازی پرداخت؛ به طوری که تمام وجود او را به او نشان داد.

حاکم دل از دست داد و تصمیم داشت به او نزدیک شود، که دختر امتناع کرد و زیر بار نرفت، حاکم پرسید: چرا ممانعت می کنی؟ اگر حاجتی داری بگو تا برآورده کنم؟

هنگامی که دختر مطمئن شد که کار خود را خیلی خوب انجام داده و او را به دام هوس انداخته، گفت: اگر حاکم راضی شود، من به غیر از سربریده یحیی چیزی نمی خواهم؛ زیرا او حیثیت حاکم و آبروی مرا در میان مردم برده، ما را سر زبان ها انداخته و همه مردم به بدگویی از ما مشغول هستند. اگر حاکم خواهش و تقاضای مرا بپذیرد، چشمم روشن، دلم آرام، و خاطرم شاد و آسوده می گردد.

حاکم که دیوانه وار به آن دختر عشق می ورزید و برای جمال دل آرای او از خود بی خود شده بود، بدون توجه به عاقبت این کار، تسلیم بی قید و شرط دختر شد و طولی نکشید که سر آن حضرت را نزد آن زن بدکاره حاضر ساخت. دختر با دیدن سر بریده پیامبر خدا، خوشحال شد و آتش غضبش خاموش گشت و

تسلیم حاکم شد. اما عواقب دردناک این عمل ناجوانمردانه، سرانجام دامان دختر و مادر، حاکم و بنی اسرائیل را گرفت و در دنیا به مکافات اعمال خود رسیدند و در آخرت نیز از رحمت خدا منع شدند و مستحق عذاب الهی گردیدند.

آری؛ هنگامی که حاکم فلسطین تصمیم گرفت سر بریده حضرت یحیی را برای تازه عروس خود هدیه آورد، دستور داد تا سر را در طشتی بگذارند و در

این هنگام قطره خونی از یحیی (علیه السلام) روی زمین ریخت و شروع به جوشش کرد. مأموران دربار برای محو کردن آن، خاک آوردند و روی خون ریختند؛ اما جوشش خون زیادتر شد، تا جایی که در اثر ریختن خاک روی خون، آن مکان به اندازه تلی بزرگ در آمد که از ده ها فرسنگ دورتر دیده می شد.

مردم آن زمان در اثر سکوت، بی تفاوتی و دفاع نکردن از حضرت یحیی (علیه السلام) به مکافات اعمال خود رسیدند و خون هفتاد هزار نفر آنان ریخته شد، تا خون حضرت از جوشش افتاد.

آری! مردم بیت المقدس در اثر گناه و معصیت، دفاع نکردن از مظلوم و سکوت در برابر ظالم باید به دست فردی که از جهت پدر و مادر، غذا و پوشاک، موقعیت اجتماعی، منزل و ماوی و سلامت بدن، پست ترین و بی شخصیت ترین مردم جهان بود مکافات می شدند.

روزی خداوند متعال به «ارمیای» پیامبر وحی فرستاد که من مردم بیت المقدس را به دست پست ترین بندگانم عذاب می کنم؛ کسی که بزرگان آنان را به قتل رساند، زن و بچه ایشان را اسیر کند، خانه های آنان را خراب نماید و به کوچک و بزرگشان رحم نکند.

ارمیا جهت امان گرفتن برای خود، محل سکونت او را از خداوند جویا شد.

وقتی به آن جا رفت، دید پسر بچه ای کاروانسرای در کنار بتی روی کتافات افتاده؛ در حالی که حشرات، تمام وجود او را احاطه کرده و مرض های گوناگون سر و صورت او را پوشانده و کتافت سر تا پای او را فرا گرفته است؛ مادرش ظرف شکسته ای جلوی خود گذاشته و تکه های نانی که از میان زباله ها پیدا کرده، در آن کاسه ریز ریز می کند. سپس زن کنار خوک که آن جا بود، رفت و مقداری شیر از خوک داخل ظرف غذا دوشید و در مقابل بچه گذاشت، او هم با همان

دست های کثیف و آلوده، مشغول خوردن شد.

ارمیا او را شناخت؛ بنابراین نزدیک او رفت و نامش را پرسید.

کودک گفت: نام من «بخت نصر» است. فرزند بت، حرام زاده و بدون پدر.

ارمیا فهمید که این همان کسی است که خداوند برای نابودی مردم بیت المقدس معرفی کرده است. او را از میان کثافات برداشت و معالجه اش کرد. وقتی

صحیح و سالم شد، ارمیا فرمود: مرا می شناسی؟

گفت: نمی شناسم؛ اما می دانم که یکی از بندگان نیکوکار و صالح خدا هستی که مرا از آن وضع فلاکت بار و بیماری های گوناگون نجات دادی.

فرمود: نام من «ارمیا» است و یکی از پیامبران بنی اسرائیل هستم. خداوند به من وحی نمود که تو بر مردم بیت المقدس پیروز می شوی، مردان آنان را می کُشی، زنان و بچه های ایشان را اسیر و خانه های آنان را خراب می کنی. حال امان نامه ای برای من بنویس تا وقتی که مسلط شدی، من در امان باشم و کاری به کار من نداشته باشی. این جریان گذشت و آن پسر بزرگ شد و از راه هیزم کشی زندگی خود و مادرش را تأمین می کرد.

سرانجام عده ای از جوانان همانند خود را اطراف خود جمع نمود و به طرف بیت المقدس حرکت کردند.

وقتی که نزدیک بیت المقدس شدند، از دور مشاهده کردند که کوه بزرگی وسط شهر است و از آن خون می جوشد و هر چه خاک روی آن می ریزند که خون را محو کنند، باز خون جوشش دارد.

هنگامی که علت جوشیدن خون را می پرسد، به او می گویند: حاکم عیاش و ستمگری بود که به دستور تازه عروسی حرام زاده، سر یحیای پیامبر را برای او هدیه بردند و او سر را به جای مهریه خود قرار داد. «بخت نصر» گفت: خون باید با خون شسته شود؛ آن قدر از بنی اسرائیل را روی این تل خون می کُشم تا خون از جوشش بیفتند. دستور داد تمام مردان و زنان و بچه های بنی اسرائیل را بیاورند و روی آن تل بکشند، حتی حیوانات را هم کشتند اما خون از جوشش نیفتاد. بعضی نوشته اند هفتاد هزار نفر از بنی اسرائیل را روی این تل کُشتند. بخت نصر وقتی دید خون هنوز می جوشد، پرسید: آیا کسی از بنی اسرائیل هست

که کشته نشده باشد؟ گفتند: پیرزنی در فلان جا هنوز زنده است. دستور داد او را آوردند و کُشتند تا این که خون از جوشش افتاد. (1)

امام حسن مجتبی فرمود:

«پس بکوشید و تلاش کنید و مواظب باشید که یاور ستمگران نباشید، زیرا پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرموده است: هر کس برای کمک به ستمگری، از قلمرو اسلام خارج شده است و هر کس به ستمگری کمک کند تا حقی از مسلمانی را پایمال کند، از صفت اسلام، خداوند و پیامبر او خارج شده هر کس دعا کند تا ظالمی زنده بماند، «در واقع» دوست دارد که با دستورات خداوند مخالفت شود». (2)

خصوصیات عدم تمکین ظالمان

اشاره

ویژگی های عدم همکاری با ستمکاران و مبارزه با آنان بدین قرار است:

1) آزادی جوامع

آزادی هر جامعه ای بستگی به مبارزات پیگیر آحاد آن با جباران دنیا داشته و عدم تمکین جباران نویدبخش عدالت است.

2) استقلال ملت ها

استقلال هر اجتماعی در سایه حاکمیتی توانا، امین و عادل، که از هر گونه ظلمی مبرا بوده، به وجود می آید و عدم تمکین ستمکاران و مبارزه با آنها برترین راه برای رسیدن به آن است.

3) امنیت آحاد ملت ها

اشاره

برقراری امنیت احاد ملت ها در سایه مبارزه آنان با ستمکاران است؛ زیرا اگر

ص: 354

1- رضوی، جواد، کیفر گناهکاران، نشر: خادم الرضا، 1386، ص 141 _ 146 برگرفته از مکافات عمل، ص 83.

2- دشتی، محمد، فرهنگ سخنان امام حسن مجتبی، نشر: امیرالمؤمنین (علیه السلام) سال 1389، ص 356.

ظالمی بر سر افراد جامعه ای مسلط شود، آنان از چنگال ظلم و ستم او ایمن نخواهند بود.

«مقدس اردبیلی»

احمد بن محمد اردبیلی، معروف به مقدس اردبیلی الگوی زهد و تقوا و در عین حال از محققان و فقهای شیعه است. او در عصر صفویه در نجف سکنی گزیده بود. گویند شاه عباس خیلی مایل بود که مقدس اردبیلی برای کاری به او رجوع کند تا اینکه شخصی به علت تقصیری از ایران فرار کرد و در نجف از مقدس اردبیلی خواست که نزد شاه عباس شفاعت او را بکند. مقدس نامه ای به شاه عباس نوشت به این مضمون:

بانی مُلکِ عاریتِ عباس بداند اگر چه این مرد اول ظالم بود اما اکنون مظلوم می نماید چنانچه از تقصیر او بگذری، شاید که حق سبحانه از پاره ای تقصیرات تو بگذرد. (بنده شاه ولایت، احمد اردبیلی)

شاه عباس نوشت: به عرض می رساند: عباس خدماتی که فرموده بودید به جان منت داشته، به تقدیم رسانید. امید که این محب را از دعای خیر فراموش ننمایید. (کلب آستان علی، عباس)

امتناع مقدس اردبیلی از آمدن به ایران سبب شد که حوزه نجف به عنوان مرکزی دیگر در مقابل حوزه اصفهان احیاء شود.⁽¹⁾

4) حاکمیت اسلامی

اشاره

هرگاه آحاد جوامع اسلامی عدم تمکین ظالمان و مبارزه با آنها را عین وجود خویش سازند، در آن جوامع حاکمیت اسلامی برقرار گردیده و مردم در سایه تعالیم مقدس اسلامی زندگی خواهند می کنند.

ص: 355

1- . رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج 2، ص 404.

علی (علیه السلام) در یک روز جمعه بر روی منبری آجری خطبه می خواند، اشعث بن قیس که از سرداران معروف عرب بود آمد و گفت: «یا امیرالمؤمنین! این «سرخ رویان» (یعنی ایرانیان) جلوی روی تو بر ما خشم گرفته بودند، امروز من

نشان خواهم داد که عرب چکاره است. علی (علیه السلام) فرمود:

این شکم گنده ها خودشان روزها در بستر نرم استراحت می کنند و آنها (موالی و ایرانیان) روزهای گرم به خاطر خدا فعالیت می کنند. آنگاه از من می خواهند که آنها را طرد کنم تا از ستمکاران باشم، قسم به خدایی که دانه را شکافت و آدمی را آفرید که از رسول خدا شنیدم که فرمود: «به خدا همچنان که در ابتدا شما ایرانیان را به خاطر اسلام با شمشیر خواهید زد، بعد ایرانیان شما را با شمشیر به خاطر اسلام خواهند زد» (1)

5) عدالت موجب خوشبختی

پیروزی ملت ها به وسیله اجرای عدالت امکان پذیر است. در صورت برخورداری از این نعمت دیگر ظلمی وجود نداشته و همه مردم در سایه آن زندگی سعادت‌مندانه ای را تجربه خواهند کرد.

6) غفران

مبارزان راه خدا، راه مبارزه با ظالمان را به خوبی آموخته اند؛ از این روی از فضیلت های دنیوی و اخروی، و اجر و پاداش وافر بهره مند می گردند. که آن نیز موجب غفران و رحمت الهی است.

7) نشاط ناشی از فضیلت

بنا به حکم و فرمان قرآن کریم و احادیث متواتر در این بُعد عبادی، مبارزه با

ص: 356

جباران یک جهاد بزرگ محسوب شده و از معنویت خاصی بهره مند است. نشاط ناشی از فضیلت آن نیز به آدمی نیرو بخشیده تا از بی ایمانی رها گردد.

شخصیت مبارزان و مجاهدان راه خدا (زندگی نمونه)

اشاره

آحاد ملت ها به دلیل بیداری و هشیاری جوامع خویش ظالمان را تمکین نمی کنند بنابراین در الفبای شخصیتی خویش به اصولی پایبندند که عبارت است از:

1) ایمان به خدا و روز بازپسین

در شکل گیری شخصیت آنان ایمان به خداوند بزرگ و روز بازپسین موج زده و هرگز از یاد خدا غافل نیستند. بنابراین در عرفان و سیر و سلوک ناشی از قرب الهی به سر برده و یاد معاد و عذاب های بزرگ آن آنها را برای سختی های مبارزه، صیقل می دهد.

2) جوانمردی و مروّت

عدم همکاری با ظالمان و مبارزه با آنها از جوانمردی افراد ملت ها سرچشمه گرفته، به دلیل آنکه، نمی توانند نظاره گر ظلم آنان به هم نوعان خویش باشند.

3) استمداد از او

امام سجاد(علیه السلام) در صحیفه سجادیه می فرماید:

«بارخدایا، من شکایتم را به سوی هیچ کس جز تو نمی آورم و استعانت نمی جویم از هیچ حاکمی جز تو، حاشا که چنین کنم. پس درود فرست بر محمد و آلش و دعایم را قرین اجابت نما و شکایتم را با دگرگونی وضع موجود مقرون فرما؛ خدایا مرا با نومیدی از عدل خود آزمایش مفرما و دشمنم را با ایمنی از کيفرت امتحان مکن که بر ستمگری اش بر من اصرار ورزد و بر حق من دست تعدی دراز کند، بلکه به زودی و در مدتی کم، آنچه را که به ظالمان وعده داده ای به

ص: 357

4) شناخت

آنان از فضیلت مبارزه آگاهی دارند، بنابراین هرگز از مواضع خویش عقب نشینی نکرده و دائم از عدم همکاری با ظالمان سخن می رانند.

5) عدم فریب

اشاره

آنان در الفبای شخصیتی خویش به واسطه طلا و گنج، تهدید و ارباب و خدعه و نیرنگ؛ فریب ظالمان و یاران زشت سیرت آنان را نمی خورند، زیرا خودسازی آنها مربوط به زمان و مکان خاصی نیست، و تا دم مرگ ادامه دارد.

*** تصمیم ناگهانی ***

وقتی که به هارون الرشید خبر دادند که صفوان کاروانچی، کاروان شتر را یکجا فروخته است و بنابراین برای حمل خیمه و خرگاه خلیفه در سفر حج باید فکر دیگری کرد، سخت در شگفت ماند.

در اندیشه فرورفت که فروختن تمام کاروان شتر، خصوصاً پس از آنکه با خلیفه قرار داد بسته است که حمل و نقل وسائل و اسباب سفر حج را به عهده بگیرد، عادی نیست، بعید نیست فروختن شتران با موضوع قرار داد به ما بستگی داشته باشد. صفوان را طلبید و به او گفت:

— شنیده ام کاروان شتر را یکجا فروخته ای؟

— بلی یا امیر المؤمنین!

— چرا؟

— پیر و از کار مانده شده ام، خودم که از عهده بر نمی آیم بچه ها هم درست به فکر نیستند، دیدم بهتر است که بفروشم.

ص: 358

- راستش را بگو چرا فروختی؟

- همین بود که به عرض رساندم.

- اما می دانم چرا فروختی؟ حتماً موسی بن جعفر از موضوع قرار دادی که برای حمل و نقل اسباب و اثاث ما بستی آگاه شده و تو را از این کار منع کرده،

او به تو دستور داده شتران را بفروشی علت تصمیم ناگهانی تو این است.

هارون آنگاه با لحنی خشونت آمیز و آهنگی خشم آلود گفت: صفوان! اگر سوابق دوستی های قدیم نبود، سرت را از روی تنت بر می داشتم.

هارون خوب حدس زده بود، صفوان هر چند از نزدیکان دستگاه خلیفه به شمار می رفت و سوابق زیادی در دستگاه خلافت خصوصاً با شخص خلیفه داشت، اما او از اخلاص کیشان و پیروان و شیعیان اهل بیت بود. صفوان پس از آنکه پیمان حمل و نقل اسباب سفر حج را با هارون بست روزی با امام موسی بن جعفر (علیه السلام) برخورد کرد، امام به او فرمود:

«صفوان همه چیز تو خوب است جز یک چیز».

- آن یک چیز چیست ای فرزند رسول خدا؟

- «اینکه شتران را به این مرد کرایه داده ای؟»

- ای فرزند رسول خدا! من برای سفر حرامی کرایه نداده ام. هارون عازم حج است، برای سفر حج کرایه داده ام. به علاوه خودم همراه نخواهم رفت، بعضی از کسان و غلامان خود را همراه می فرستم.

- «صفوان! یک چیز از تو سؤال می کنم».

- بفرمایید ای فرزند رسول خدا.

- «تو شتران خود را به او کرایه داده ای که آخر کار کرایه بگیری. او شتران تو را خواهد برد و تو هم اجرت مقرر را از او طلبکار خواهی شد این طور نیست.»

- آری ای فرزند رسول خدا.

- «آیا آن وقت تو دوست نداری که هارون لااقل این قدر زنده بماند که طلب تو را بدهد»؟.

- آری ای فرزند رسول خدا.

- هر کس به هر عنوان دوست داشته باشد ستمگران باقی بمانند، جزء آنها

محسوب خواهد شد و معلوم است هر کس جزء ستمگران محسوب گردد، در آتش خواهد رفت.»

بعد از این جریان بود که صفوان تصمیم گرفت یکجا کاروان شتر را بفروشد،

هر چند خودش حدس می زد ممکن است این کار به قیمت جاننش تمام شود. (1)

6) وجدانی بیدار

مبارزان راه خدا از وجدان پاک یا وجدان بیدار بهره مند بوده به دلیل آنکه عواقب عدم مبارزه را می دانند. بدین جهت از کارهایی که موجب عذاب وجدان بوده پرهیز می کنند.

شخصیت و تمایلات ستمگران

«چرا ستمگران بر امور مسلط شدند؟!»

امام حسین (علیه السلام) در جواب این سؤال فرمود:

«چون شما از مرگ فرار کردید عاشقانه به زندگی گذرا دل نهادید. (در پی این وابستگی) شما ضعیفان و بینویان را به دست ستمگران سپردید تا برخی را برده و مقهور خود ساختند و برخی را برای لقمه نانی بیچاره و ناتوان کردند.

ستمگران، در ملک خدا طبق میل و خواست خود گام بر می دارند، و با تمایلات خود راه پستی و مدّلت را هموار می سازند.

از اشرار و دونان پیروی می کنند و جسورانه در مقابل خدای متعال می ایستند. در هر شهری بر فراز منبری گوینده ای دارند که فریاد می زند و با صدای بلند سخن می گوید. زمین در تسلط کامل آنان است و دستشان از هر جهت باز و گشوده، مردم بردگان آنانند بدان گونه که هر دستی بر سر آنان کوبیده شود قادر به دفاع نیستند گروهی از این جبّاران کینه توز سخت بر بینویان چیره گشته اند و گروهی فرمانروایانی هستند، که نه خدا را می شناسند و نه به روز معاد عقیده دارند. (2)

ص: 360

1- . رحمتی، محمد گنجینه معارف، ج 2، ص 406 و 405.

2- . نهج الشّهاده، مجموعه سخنان امام حسین، مترجم احمد فرزانه، نشر: فرهنگ اهل بیت، 1362، ص 127 و 128.

فراگیری روش های عدم تمکین ستمگران (راهکارها)

- 1- شناخت مظالم ستمگران.
- 2- شناخت و عبرت از ستم پذیران در آن گونه جوامع.
- 1- شناخت مفسد و عدم ایمان به خدا و روز باز پسین.
- 2- اندیشه و تأمل در شکنجه ها و عذاب های اخروی به دلیل عدم اطاعت خداوند در این امر.
- 3- تأمل در آثار شخصیت آنانی که ستمگران را تمکین نکرده اند.
- 4- سازندگی خویش و دیگران.
- 5- دیدار با دوستان اهل مبارزه و الهام گرفتن از آنها.
- 6- اندیشه در آیات و روایات درباره مبارزه با نفس و مبارزه با ستمگران.
- 7- الگو گرفتن از زندگی نامه راهبران مذهبی و یاران با وفای آنها برای مبارزه.
- 10- مطالعه زندگی نامه و آموخته های عملی از ظالمین و ایجاد حس دشمنی و انزجار از آنان در خویشتن.
- 11- ایجاد نمودن حس وطن دوستی و آزادی خواهی در خویشتن و میل و رغبت به آن.
- 12- مبارزه اصولی و با اسلوب صحیح با ستمگران دنیا.

مفاسد تمکین ستمگران

زیاد بن ابی سلمه که با دستگاه هارون الرشید ارتباط داشت می گوید:

- روزی خدمت امام کاظم علیه السلام رسیدم، فرمود:

- زیاد شنیده ام تو برای هارون الرشید کار می کنی و با آنان همکاری داری؟

- گفتم: آری!

- فرمود: چرا؟

- گفتم: من آبرودار، عیال وار و تهی دست می باشم و برای تأمین مخارج زندگی برای آنها کار می کنم.

- امام فرمود: زیاد! اگر من از بلندی بیفتم و قطعه قطعه شوم، برایم بهتر از آن است که عهده دار کاری از کارهای آنها (ظالمان) باشم و یا قدمی روی فرش آنها بگذارم.

- مگر در یک صورت، می دانی آن چه صورتی است؟

- گفتم فدایت شوم نمی دانم.

- فرمود: با آنان همکاری نمی کنم مگر در چند مورد:

1- غم از دل مؤمنی بردارم.

2- یا ناراحتی تو را برطرف کنم.

3- یا قرضش را ادا نمایم.

زیاد! کمترین کاری که خداوند با یاوران ستمگران انجام می دهد، این است که آنها را در خیمه آتشی قرار می دهد تا از حساب اهل محشر فارغ گردد.

ای زیاد! هرگاه متصدی شغلی از شغل های آنها شدی به برادرانت نیکی کن! تا جبران گناهانت را بکنند. وقتی که خود را صاحب قدرت بر مردم مشاهده کردی بدان! خداوند نیز فردای قیامت بر تو قدرت دارد و به یاد داشته باش نیکی های تو می گذرد و ممکن است آنها نیکی هایت را فراموش کنند ولی برای فردای قیامت تو، همان نیکی خواهد ماند. (1)

مفاسد تمکین با ستمگران از نگاه آیات الهی

اشاره

در قرآن کریم آیات زیادی درباره مفاسد تمکین ستمگران وجود دارد که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

الف) آیات الهی و شقاوت

«وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» (2)

ص: 362

1- . مرحوم مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 48، ص 172 و مرحوم مجلسی، محمد باقر، داستان های بحار الانوار، ج 5، مترجم محمود ناصری، ص 129 و 130.

2- . سوره مبارکه مریم، آیه 32.

«و مرا نسبت به مادرم نیکو کار قرار داده و جبار و شقی قرار نداده است».

ب) آیات خدا برای عدم حمایت ستمگران دنیا

«وَ تِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرًا كَبِيرًا عَنِيدًا» (1)

«و این قوم «عاد» بودند که آیات پروردگارشان را انکار کردند و پیامبران او را معصیت نمودند و از فرمان هر ستمگر دشمن حق، پیروی کردند!»

ج) حکومت ظالمانه

«وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذْنَ بِالْأُذْنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ وَ مَن لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (2)

و بر آنها (بنی اسرائیل) را در آن (تورات) مقرر داشتیم که جان در مقابل جان، و چشم در مقابل چشم و بینی در برابر بینی و گوش در مقابل گوش، و دندان در برابر دندان می باشد و هر زخمی، قصاص دارد و اگر کسی آن را ببخشد (و از قصاص، صرف نظر کند)، کفاره (گناهان) او محسوب می شود و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند، ستمگر است».

د) رابطه تکبر و ظلم

«الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَتْهُمْ كَثِيرًا مِّنَّا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَالِكَ يَطَّبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُّتَكَبِّرٍ جَبَّارًا» (3)

ص: 363

1- . سوره مبارکه هود، آیه 59.

2- . سوره مبارکه مائده، آیه 45.

3- . سوره مبارکه غافر، آیه 35.

همانا که در آیات خدا بی آنکه دلیلی بر ایشان آمده باشد به مجادله بر می خیزد (این کارشان) خشم عظیمی نزد خداوند و نزد آنان که ایمان آورده اند به بار می آورد این گونه خداوند بر دل هر متکبر جباری مُهر می نهد!.

(و) محکوم به شکست

«وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ» (1)

«و آنها (از خدا) تقاضای فتح و پیروزی (بر کفار) کردند و (سر انجام) هر گردنکش منحرفی نومید و نابود شد!»

(ی) محکومیت ستمگران

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (2)

ما موسی را با آیات خود فرستادیم (و دستور دادیم): قومت را از ظلمات به نور بیرون آر! و «آیام خدا» را به آنان یاد آور! در این نشانه هایی است برای هر صبرکننده شکرگزار!

مفاسد عدم مبارزه با ستمگران از دیدگاه پیامبر اسلام (صلی الله علیه واله)

اشاره

خداوند متعال یاری و کمک به هم نوع را در نهاد مردمی که از فضیلت های انسانی سرشارند، به ودیعه گذاشته است، تا آنجا که در عصر کنونی چشم انداز گرایش به مکتب شیعه روز افزون تر گردیده که یکی از دلایل آن زندگی سراسر مظلومیت راهبران دینی و از همه مهم تر شهادت معصومین و در رأس آن حادثه جانسوز کربلا بوده تا یاران باوفای امام حسین (علیه السلام) در آن واقعه چون شمع گرد آن حضرت گردیده و با شهادت خویش درس فداکاری و جوانمردی به همه

ص: 364

1- . سوره ابراهیم، آیه 15.

2- . سوره ابراهیم، آیه 5.

جهانیان داده و با پیام گلگون خویش مظهر مبارزه با ستمگران جهان باشند و ابر مردان شاهد مظلومی باشند که یاور مظلومان و خصم جباران جهان لقب گرفته اند.

به عبارت ساده؛

انسان از حالت سکون به حرکت در آمده و از بشریت تغییر نموده و با شدن به خویشتن خویش باز گشته تا اینکه انسان شده است، به دلیل اینکه رکود، نخوت، زندگی حیوانی و مثلث پوچی، خوردن، خوابیدن و کارکردن، در او راهی نداشته و از شناخت و بهره برداری صحیح از سرمایه های حیات غافل نمانده و سیر صعودی طی نموده است، و بنابر حکم وجدان نه تنها برای اعانت ظالمین رغبتی از خود نشان نداده بلکه حس خصومتی دو چندان نسبت به آنان داشته است، او به خوبی می دانسته که اگر ستمگران دنیا اعانت نمی گردیدند، مظلومیتی نیز وجود نداشت. از این روی بر آن شدیم دیدگاه پیشوایان دین را در مورد این اصل بیان نماییم:

الف) بدترین اخلاق حکمرانان

آنان که قدرت را در دست دارند ولی هدف روشنی ندارند و لذت های زود گذر دنیا آنان را به خودبینی کشانیده بنابر این از فضیلت های انسانی و ارزش های اخلاقی دور مانده اند.

از این رو امام حسین (علیه السلام) به زشتی های اخلاق آنان اشاره می کند و می فرماید:

«بدترین صفت فرمانروایان، ترس از دشمنان، سنگدلی به ناتوانان و از پا افتادگان و تنگ چشمی و بخل در وقت بخشش و احسان است»⁽¹⁾.

ب) پرهیز از درمان

آنان که به زور و قدرت فخر می فروشند، تنها خود و منافع خود را می نگرند و کاری به ارزش ها و فداکاری های دیگران ندارند، دوست دارند از آنان تعریف

ص: 365

1- . دشتی، محمد، فرهنگ سخنان امام حسین (علیه السلام)، ص 88.

کنند و خود کسی را نمی ستایند. از این رو امام حسین (علیه السلام) به یکی دیگر از روحيّات ناپسند آنان اشاره می کند و می فرماید:

«به هیچ ستمگری راه درمان نگوئید زیرا اگر مفید افتد از تو تشکر نمی کند و اگر زیان آور باشد تو را متهم می سازد».(1)

مفاسد عدم مبارزه با ستمگران از دیدگاه مشاهیر

الف) عامل اصلی پیدایش ظالمان

سنت آگروپری می گوید:

«عامل اصلی پیدایش ظالمان، مظلومان هستند».(2)

بنابر این ستمدیده هرگز از ظالمان دنیا پیروی نمی نماید تا ظلم ستیز باشد و اگر از ظالم پیروی کند؛ پیروی ظلم پذیر لقب می گیرد.

ب) زور گویی و استفاده نامحدود از قدرت

چگونه ظلم امکان پذیر است؟! «قدرت نامحدود و بی حد و حصر در برابر طبقات گوناگون اجتماع امکان هر گونه ظلمی را فراهم می نماید؛ بدین جهت از قدرت باید در جای آن و به اندازه مطلوب استفاده شود، زیرا استفاده نامطلوب از قدرت نامحدود؛ ستمگری و زور گویی را در بین ملت های دنیا حکمفرما می سازد.

ج) قبول ظلم

ریمسکی کور ساکوف می گوید:

«قبول ظلم فرقی با خود ظلم ندارد».

قبول ظلم و سکوت در برابرش آدمی را شریک ظلم محسوب می گرداند، برای برخورداری از والاترین جهاد با ظالمان آنان را به عدالت دعوت نماییم. به

ص: 366

1- . همان، ص 159.

2- . شاملویی، حبیب اله، بزرگان چه گفته اند؟، ص 218.

عبارت دیگر، همکاری با ظالمان ممکن است با ایما، اشاره، حتی حرکات چشمی و یا ارتباطات کلامی دیگری انجام گیرد؛ بنابراین با مواظبت از همگی ارکان وجودی خویش از به کار گیری چنین ارتباطی که موجب یاری آنان است احتراز جوییم.

مفاسد عدم یاری ظالمان از دیدگاه شعرا

صائب تبریزی می گوید:

اظهار عجز پیش ستم پیشه ابلهی است

اشک کباب باعث طغیان آتش است

آدمی هر قدر بیشتر با غاصبان دنیا همکاری نموده و بی قید و بند تسلیم آنان باشد بیشتر مورد تجاوز قرار می گیرد.

حافظ می گوید:

نباش در پی آزار و هر چه خواهی باش

که در شریعت، غیر از این گناهی نیست

اذیت کردن افراد هر جامعه ای از هر خطایی بالاتر بوده و همکاری و یا شرکت در آن گناهی نابخشودنی است.

فردوسی می گوید:

ستمگر چو برف و ستمکش چو کوه

بسی رفت برف و بجا ماند کوه

عاقبت ستمگران یاوران آنان پایدار نبوده و چون برف آب شدنی بوده و نه تنها نام نیکی بر جای نگذاشته بلکه لگه ننگی در تاریخ بوده اند.

دو شعر ذیل از ناصر خسرو نیز در همین زمینه است:

ستم میسند از من بر تن من

ستم از خویش بر من نیز میسند

انگشت مکن رنجه به در کوفتن کس

تا کس نکند رنجه به در کوفتنت مش

بر ضعيفان روا نباشد زور چه ملخ باشد آن ضعيف چه مور

ص: 368

فصل هفدهم: گرایش به قرآن

اشاره

ص: 369

دور من می گوید: «قرآن، لفظ به لفظ به وسیله فرستاده خدا بر محمد(صلی الله علیه و آله) وحی شد.» قرآن کتاب رحمت و سعادت است؛ کتابی که قوانین سعادت آفرین آدمی را بازگو کرده و برای هدایت او است. این کلام الهی از سوی خداوند بزرگ به محمد بن عبدالله(صلی الله علیه و آله) وحی شده که آیه های آن سرشار از معجزه و حکمت بوده، و با فلاح و رستگاری قرین است.

«ژان ژاک روسو» می گوید:

«بروید قرآن را به دقت مطالعه کنید تا حقایق و مزایای آن بر شما روشن شود، به طور قطع می دانم که پس از مطالعه قرآن، سر تعظیم در برابرش فرود می آورید».(1)

«قرآن نسخه حیات بخش است برای آنها که می خواهند با جهل، کبر و غرور، حسد و نفاق به مبارزه برخیزند؛ قرآن نسخه شفابخشی است برای برطرف ساختن ضعف ها و زبونی ها و ترس های بی دلیل؛ اختلاف ها و پراکندگی ها قرآن داروی شفا بخشی است برای آنها که از بیماری عشق به دنیا، وابستگی به مادیات و تسلیم بی قید و شرط در برابر شهوت ها رنج می برند؛ قرآن نسخه شفا بخشی است برای دنیایی که آتش جنگ ها در هر سوی آن افروخته است، و در زیر بار مسابقه تسلیحاتی کمرش خم شده، و مهم ترین سرمایه های اقتصادی و انسانی خود را در پای غول جنگ و تسلیحات می ریزد.

و سرانجام قرآن نسخه شفابخشی است برای آنها که پرده های ظلمانی شهوات

ص: 370

آنها را از رسیدن به قرب پروردگار مانع شده است» (1).

در سوره یونس می خوانیم:

«قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ» (2)

« از سوی پروردگارتان اندرز و شفا دهنده دل ها نازل شد.

در سوره فصلت نیز می خوانیم:

«قُلْ هُوَ الَّذِيْنَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ» (3)

به این لجوجان تیره دل بگو این قرآن برای مؤمنان مایه هدایت و شفاء است.

حضرت علی (علیه السلام) درباره ویژگی های قرآن در نهج البلاغه می فرماید:

«آگاه باشید! همانا این قرآن پند دهنده ای است که نمی فریبد، و هدایت کننده ای است که گمراه نمی سازد و سخنگویی است که هرگز دروغ نمی گوید. کسی با قرآن همنشین نشد مگر آن که بر او افزود یا از او کاست، در هدایت او افزود و از گمراهی اش کاست. آگاه باشید! کسی با داشتن قرآن نیازی ندارد و بدون قرآن بی نیاز نخواهد بود.

پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی ها از قرآن یاری بطلبید، که در قرآن درمان بزرگ ترین بیماری ها یعنی کفر، نفاق، سرکشی و گمراهی است. پس به وسیله قرآن خواسته های خود را از خدا بخواهید، و با دوستی قرآن به خدا روی آورید، و به وسیله قرآن از خلق خدا چیزی نخواهید، زیرا وسیله ای برای تقرّب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد» (4).

تعریف واژه

اصل گرایش به قرآن: مونس قرآن بودن و تلاوت آن در موقعیت و مکان مناسب برای عمل به آن در جهت اهداف سعادت‌مندانانه زندگی.

ص: 371

1- . آیت اله العظمی مکارم شیرازی، یکصد موضوع اخلاق در قرآن و حدیث، ص 38.

2- . سوره یونس، آیه 57.

3- . سوره فصلت، آیه 44.

4- . نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (ره)، ص 236، خطبه 176.

اصل گرایش به قرآن و تلاوت آن متصل شدن به سرچشمه وحی و سفارش مؤکد خداوند متعال و پیامبر اسلام (صلی الله علیه واله) و ائمه هدی (علیهم السلام) می باشد که عامل به آن در دنیا و آخرت سعادت مند می باشد.

خصوصیات گرایش به قرآن

اشاره

انس با کلام خدا و سرچشمه وحی ما را از جهنم سوزان دو عالم باز داشته و به بهشت برین رهنمون می نماید، با هم آن فواید را می خوانیم:

1) آب حیات

اشاره

بر شما باد عمل کردن به قرآن، که ریسمان محکم الهی و نور آشکار و درمانی سودمند است، که تشنگی را فرو بنشانند.

نگه دارنده کسی است که به آن تمسک جوید و نجات دهنده آن کس است که به آن چنگ آویزد، کجی ندارد تا راست شود، و گرایش به باطل ندارد تا از آن باز گردانده شود، و تکرار و شنیدن پیای آیات، کهنه اش نمی سازد، و گوش از شنیدن آن خسته نمی شود. کسی که با قرآن سخن بگوید راست گفته و هر کس بدان عمل کند پیشتاز است» (1).

*** روایت ***

عبدالله بن مسعود را گفتند، فلان کس همه روزه دزدی می کند و همه شب قرآن می خواند، جواب داد که: «سَتْنَهَاءُ قِرَاءَتُهُ» (2).

و این قول خدای تعالی است که فرمود: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ».

ص: 372

1- . همان منبع، ص 207، خطبه 156.

2- . سرانجام قرآن خوانی وی را باز می دارد.

در هنگام تلاوت قرآن دعا به استجابت قرین است به ویژه وقتی که قرائت قرآن نه تنها برای خوشامد مردم نبوده بلکه برای رضای خدا باشد. امام صادق (علیه السلام) به روایت از پدرش امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود:

«دعا کردن را در پنج جا غنیمت شمارید: هنگام خواندن قرآن، هنگام بانگ برداشتن به اذان، هنگام فرو ریختن باران، هنگام برخورد دو صف برای شهادت و هنگام دعا کردن مظلوم که حجاب از عرش برداشته می شود»⁽¹⁾.

3) تازگی و طراوت

تلاوت کننده قرآن اگر بارها قرآن را قرائت کند، خسته نشده، و احساس ملامت نمی کند. آیات قرآن پس از هزاران بار تلاوت نمودن باز هم تازه و نو است. از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد: چه سرّی است که قرآن هرچه بیشتر خوانده و بحث شود، بر تازگی و طراوت آن افزوده می شود؟ حضرت فرمود:

«چون خدای تبارک و تعالی، آن را تنها برای زمان خاص و مردمی خاص قرار نداده است. از این رو، در هر زمانی و برای هر مردمی تا روز قیامت، تازه و با طراوت است»⁽²⁾.

4) دارویی بدون عوارض منفی

اشاره

«کافی است یک ماه خود را متعهد به پیروی از این نسخه شفابخش کنیم، فرمانش را در زمینه علم، آگاهی، عدل و داد، تقوا و پرهیزگاری، اتحاد و صمیمیت، از خودگذشتگی و جهاد و... پذیرا گردیم، خواهیم دید به سرعت نابسامانی های ما سامان می یابد.

ذکر این نکته ضرورت دارد که این نسخه مانند نسخه های دیگر وقتی مؤثر

ص: 373

1- . حکیمی، محمد رضا و دیگران، الحیات، ج 2، ص 171، به نقل از شیخ صدوق، امالی، ص 234.

2- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 10، ص 4809، ح 16435.

است که به آن عمل شود و الا صد بار اگر بهترین نسخه های شفابخش را بخوانیم، روی سر بگذاریم ولی به آن عمل نکنیم، نتیجه ای نخواهیم گرفت»⁽¹⁾.

امام علی (علیه السلام) در وصف قرآن می فرماید:

«خداوند، قرآن را مایهٔ زدودن عطش دانشمندان و بهار دله ای فهمیدگان و شاهراه درستکاران قرار داد و دارویی که با وجود آن دیگر دردی باقی نمی ماند و با آن ظلمتی همراه نیست»⁽²⁾.

«هجرت از گناه»

فضیل بن عیاض یکی از دزدان معروف بود، به طوری که مردم از دست او خواب راحت نداشتند. یک شب از دیوار خانه ای بالا می رود، روی دیوار می نشیند تا به قصد ورود در منزل پایین برود. اتفاقاً آنجا خانهٔ مرد عابد و زاهدی بود که شب زنده داری می کرد، نماز شب می خواند، دعا می خواند. اما در این لحظه به قرآن خواندن مشغول بود. صدای حزین قرآن خواندش به گوش می رسید، ناگهان این آیه را تلاوت کرد: «الم یأمن للذین آمنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله»؛ آیا وقت آن نرسیده که مدعیان ایمان، قلبشان برای خدا نرم و آرام شود؟ یعنی تا کی قساوت قلب، تا کی تجزّی عصیان، تا کی پشت به خدا کردن؟ آیا وقت رو برگرداندن از گناه و رو کردن به سوی خدا نرسیده است. فضیل بن عیاض همین که این آیه را روی دیوار شنید، انگار به خود او وحی شد، گویی مخاطب، شخص او است. از این روی همان جا گفت: «خدایا چرا، وقتش رسیده است و همین الآن موقع آن است. از دیوار پایین آمد و بعد از آن دزدی، شراب، قمار و هر چه را که به آن مبتلا بود کنار گذاشت. از همه هجرت کرد، از تمام آن آلودگی ها دوری گزید، تا حدی که برایش مقدور بود اموال مردم را به صاحبانش برگرداند، حقوق الهی را ادا کرد و کوتاهی های گذشته را جبران نمود. تا جایی که بعدها یکی از بزرگان گردید، نه فقط مرد با تقوایی شد بلکه مربّی و معلّمی

ص: 374

1- . مکارم شیرازی، ناصر، یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، ص 41.

2- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 10، ص 4805، ح 16412.

نمونه برای دیگران گردید. پس او یک مهاجر است، زیرا توانسته است از سیئات و گناهان دوری گزیند. با این منطق، همه توبه کاران دنیا مهاجرند. (1)

5) زندگی سعادتمندان

اشاره

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«ای معاذ! اگر زندگی را می خواهی و مردن شهیدان را و نجات در روز محشر را و امنیت در روز ترس را و روشنایی در روز تاریکی ها را و سایه در روز سوزان را و سیرابی در روز تشنگی را و سنگینی در روز سبکی (ترازوی اعمال) را و هدایت در روز گمراهی را، پس قرآن را نیک بیاموز؛ زیرا که آن یاد خدای رحمان است و نگهدارنده از شیطان و مایه سنگینی میزان (اعمال)». (2)

«کاش به حفظ قرآن می پرداختیم»

حکیم متأله و ربّانی حضرت آیت الله حسن زاده آملی دام ظلّه، می گوید:

«حقیقت امر این است که از همان ابتدا، عشق عجیبی به دیوان شعرا و شعر داشتم. روی این ذوق، همان وقت تمام دوبیتی های بابا طاهر را حفظ بودم و تمام رباعیات خیّام را و اکثر غزلیات حافظ را و همین طور دیگران را، و ای کاش از همان وقت کسی به من می گفت:

آقا! به جای اینکه این ها را حفظ کنی، شروع کن به حفظ قرآن، و الآن این حسرت برای من به جا مانده است که این عشق و علاقه ای که به دیوان های شعرا داشتم، کاش در حفظ قرآن به کار می بردم. (3)

ص: 375

1- . رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ص 648.

2- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ص 484، ح 16456.

3- . رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج 1، ص 677.

علامه اقبال لاهوری دانشمند و متفکر معروف پاکستانی از آغاز عمر، قرآن را به آواز بلند قرائت می کرد.

روزی هنگام تلاوت پدرش از کنار او گذشت و گفت:

« اقبال! روزی تو را نکته ای درباره قرآن خواهم گفت». چندی بعد هنگامی که اقبال مانند همیشه مشغول خواندن قرآن بود پدر گفت:

«قرآن را چنان بخوان که گویی از جانب خدا بر تو نازل می گردد» این سخن پر معنی در دلش تأثیر عمیقی گذاشت.

اقبال، قرآن را همیشه با لحن جالب و دلکش قرائت می نمود و در آن حال گریه می کرد. حتی اوراق مصحف نیز از اشک های او تر می شد، این نسخه قرآن در کتابخانه اسلامی کالج لاهور محفوظ می باشد.

اقبال طی نامه ای به خواهرش نوشت: «هنگامی که نگاهی به زندگی گذشته ام می کنم، بسیار متأسف می شوم که چرا قسمت عمده عمرم را در مطالعات فلسفه اروپا تلف کردم. اگر خدا به من نیروی فکری اعطا کرده بود. این نیرو در مطالعه و تحقیق علوم دینی صرف می شد، لااقل خدمتی به دین اسلام انجام می دادم».

آخرین کتاب اقبال لاهوری، در حواشی «قرآن مجید» نام دارد که به زبان انگلیسی نگاشته است. (1)

6) شفاء و رحمت

بهترین دلیل برای اثبات این واقعیت که قرآن داروی شفابخش می باشد مقایسه وضع عرب جاهلی با تربیت شدگان مکتب پیامبر(صلی الله علیه وآله) در آغاز اسلام است، دیدیم چگونه آن قوم خونخوار، جاهل و نادان که انواع بیماری های اجتماعی و اخلاقی سرتاپای وجودشان را فرا گرفته بود، با استفاده از این نسخه شفا بخش نه تنها درمان یافتند، بلکه آنچنان قوی و نیرومند شدند که قدرت های جهان را به زانو درآوردند. و این درست همان حقیقتی است که مسلمانان امروز آن را از یاد

ص: 376

برده اند، و به این حال و روزگار که می دانیم و می دانید گرفتار گشته اند و تفرقه در میانشان غوغا می کند. غارتگران بر منابعشان مسلط شده اند، سرنوشتشان به دست دیگران تعیین می شود، و انواع وابستگی ها آنها را به ضعف و زبونی و ذلت کشانده است. و این است سرانجام کار کسانی که نسخه شفابخش در خانه هاشان باشد و برای شفای دردهای خود دست به سوی کسانی دراز کنند که از آنها بیمار ترند! قرآن نه فقط شفا می بخشد، بلکه بعد از بهبودی یعنی در دوران نقاهت بیماران را با پیام های گوناگونش تقویت می کند چرا که بعد از شفا، رحمت است. (1)

پس باید از قرآن شفا بخواهند، پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«کسی که از قرآن شفا نخواهد، پس خداوند او را شفا نمی دهد». (2)

«بدان که در قرآن، بزرگ ترین پادزهر، و یاقوت سرخ، و خواص غریب و معجزات عجیب نهفته است».

نه آن را می توان به کوه بلند و سر به فلک کشیده تشبیه کرد که مقامش از آن بالاتر است، و نه به اقیانوس ها که از آن عظیم تر می باشد.

اگر به موعظه ها و تهدیدها بنگری، می بینی خطیب توانا، و واعظ بلیغ و گویا از قرآن بهره برده، و اگر به احکام و دستورات حلال و حرام نظر بیفکنی، می یابی که فقیه حاذق، مُفتی صادق از دریای قرآن برداشت کرده است. و اگر به بلاغت و فصاحت دقت کنی، می فهمی که بلیغان از چشمه قرآن کسب فیض کرده اند. ادیب خُبره، و هوشیار ماهر، افتخارشان به تفسیر معانی قرآن و شناخت روش ها و مبانی آن است. (3)

7) گرایش به ارزش ها

اشاره

حضرت علی (علیه السلام) در خطبه 158 نهج البلاغه می فرماید:

ص: 377

- 1- . مکارم شیرازی، ناصر، یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، ص 40 و 41.
- 2- . طبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، ص 716
- 3- . فهد حلی، شیخ احمد، عده الداعی، مترجم: حسین غفاری، نشر: معارف اسلامی، چاپ سال 1384، ص 556.

«خداوند پیامبر(صلی الله علیه وآله)را هنگامی فرستاد که پیامبران حضور نداشتند، و امت ها در خواب غفلت بودند و رشته های دوستی و انسائیت از هم

گسسته بود. پس پیامبر(صلی الله علیه وآله)به میان خلق آمده، در حالی که کتاب های پیامبران پیشین را تصدیق کرد و با «نوری» هدایت گر انسان ها شد، که همه باید از آن اطاعت نمایند، و آن نور قرآن کریم است.

از قرآن بخواهید تا سخن گوید، که هرگز سخن نمی گوید، اما من شما را از معارف آن خبر می دهم، بدانید که در قرآن علم آینده، و حدیث روزگاران گذشته است. شفا دهنده در دهای شما، و سامان دهنده امور فردی و اجتماعی شما است.»(1)

«هدایت خاصه»

در یکی از شهرهای آمریکا زنی مسلمان شده بود در حالی که در آن شهر مسلمان دیگری وجود نداشت تا به او درس اسلام بیاموزد.

وقتی خبرنگاران برای تهیه خبر به او مراجعه کردند. آن زن داستان ایمان آوردن خود را چنین تعریف کرد: «من در یک خانواده ای زندگی می کردم که هیچ اسمی از اسلام در آن برده نشده بود و هیچ کدام از افراد خانواده درباره اسلام چیزی نمی دانستند. هنگامی که کودک بودم، هوش سرشار و استعداد فوق العاده ای که خداوند به من داده بود، همه را به تعجب می انداخت.

در آن هنگام من از انجام کارهای زشت و ناروا خودداری می کردم از این که بدنم را به دیگران نشان بدهم ابا داشتم، به همین خاطر تن پوشی برای خودم درست کرده بودم که سر، دست ها و پاهایم را می پوشانید.

بالا-خره چند سال قبل شبی در خواب دیدم که مردی روحانی و عبا به دوش به من فرمود: «من از سمت شرق می آیم». آنگاه کتاب مبارکی را که در دست داشت به من نشان داد و فرمود: «راه نجات و سعادت تو در این کتاب است». از خواب بیدار شدم و سه سال به دنبال آن کتاب، تمام کتابخانه ها را گشتم، شاید

ص: 378

آن را بیابم ولی موفق نشدم. روزی یک مسلمان هندی را دیدم پرسیدم از کجا می آیی؟ گفت: «از هند می آیم و مسلمان هستم». من خواب خود را برای او

تعریف کردم. او بعد از شنیدن سرگذشت من دست در جیبش کرد و کتابی در آورد. دیدم همان کتابی است که در خواب دیده ام پرسیدم این چه کتابی است؟ گفت: «این قرآن است که خداوند بر آخرین پیامبرش حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) نازل نموده است». سپس آن کتاب را به عنوان هدیه به من داد.

پس از مدتی ترجمه انگلیسی قرآن را به دست آوردم. دیدم همان چیزهایی را که فطرت و عقل به من حکم می کردند، در قرآن نیز همان دستورات آمده است».(1)

8) نشاط ناشی از ایمان

با کتاب خدا به هدف نهایی آفرینش، که قرب الهی است، نزدیک می شویم و اگر مونس آن جوان با ایمانی باشد قرآن با پوست و خون او آمیخته می شود. بنابراین او با نشاط و لذت معنوی همراه بوده، و با عافیت قرین می گردد.

شخصیت قاریان قرآن

اشاره

با هم شخصیت انسان هایی را که به قرآن می گروند و پس از تلاوت به آن جامه عمل می پوشانند را مورد بررسی قرار می دهیم:

1) پناه بردن به خدا

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«پس هر گاه قرآن خواندی، از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر».(2)

امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به سؤال از استعاذه در هنگام شروع هر سوره ای،

ص: 379

1- . رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج 2، ص 680.

2- . سوره نحل، آیه 98.

فرمود: آری از شیطان رانده شده که پلیدترین شیاطین است، به خدا پناه ببر». (1)

(2) ترتیل (روشن و شمرده خواندن)

خداوند بزرگ در قرآن کریم می فرماید:

«یا بر آن (نصف) بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان» (2)

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله)، درباره آیه «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» فرمود:

«قرآن را روشن و شمرده بخوان و آن را مانند تخم علف پاش مده و همچون شعر به شتاب و بریده و بریده بخوان. در شگفتی هایش درنگ کنی، دل ها را با آن به تپش و حرکت در آورید و همه کوشش شما این نباشد که سوره را به آخر برسانید». (3)

عبدالله بن سلیمان، از امام صادق روایت کرده است که علی (علیه السلام) فرمود:

خود را بکوبید (تکان دهید) و به هنگام خواندن قرآن نباید بخواهید که سوره به پایان برسد (که این حالت با تأمل و یاد آوری به خود سازگار نیست). (4)

(3) تفکر و تدبیر

اشاره

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«کتابی است فرخنده که آن را سوی تو فرو فرستادیم تا در آیاتش تدبیر کنند و خردمندان پند گیرند». (5)

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

ص: 380

1- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 10، ص 4827، ح 16529.

2- . سوره مزمل، آیه 4.

3- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 10، ص 4829، ح 16530، به نقل از نوادر رواندی، ص 30.

4- . حکیمی، محمد رضا، الحیات، ترجمه احمد آرام، ج 2، ص 167، به نقل از وسائل، ج 14 ص 856

5- . سوره ص، آیه 29.

«بدانید که در قرآن خواندنی که با تدبّر همراه نباشد، خیری نیست، بدانید که در عبادتی که با فهم و اندیشه توأم نباشد نیز خیری نیست»⁽¹⁾

وای بر قاریان بدون تدبّر!

عبدالله عمر به عایشه همسر پیامبر (صلی الله علیه وآله) گفت: عجیب ترین چیزی که از پیامبر (صلی الله علیه وآله) دیدی چه بود؟ جواب داد: کارهای پیامبر (صلی الله علیه وآله) همه اش عجیب بود. شبی از شب ها پیامبر (صلی الله علیه وآله) به منزل من آمد و در بستر خوابید اندکی استراحت نکرده بود که برخاست و وضو گرفت و به نماز ایستاد و آنقدر در نماز گریه کرد که جلوی لباسش از اشک چشمش تر شد. آنگاه بر زمین نشست و چندان گریه کرد که اشک هایش بر کنارش فرو ریخت.

بعد از آن سر به سجده گذارد و آنقدر گریه کرد که اشک چشمش زمین سجده اش را تر کرد و تا صبح گریان بود.

بلال آمد و او را برای نماز صبح طلبید، اما آن حضرت را گریان دید.

عرض کرد یا رسول الله! چرا گریه می کنی؟ شما که مشمول آمرزش خدا در گذشته و آینده ای؟

پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: «أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا» «بنده سپاسگزاری نباشم؟» چرا نگریم که خدای تعالی در شبی که گذشت آیاتی را بر من نازل کرد و آیات 190 تا 194 سوره آل عمران را قرائت کرد و آنگاه فرمود: «وَيْلٌ لِّمَن قَرَأَهَا وَلَمْ يَتَفَكَّرْ فِيهَا»؛ «وای بر کسی که این آیات را بخواند و در آنها نیندیشد»⁽²⁾.

تلاوت قرآن ایمان به خدا و روز بازپسین را می طلبد، چرا که، هر قدر ایمان آدمی قوی تر باشد موجب خشوع بیشتر و تقرب به او گردیده و قرآن با گوشت و پوست او آمیخته تر می گردد.

ص: 381

1- . محمدی ری شهری، محمد میزان الحکمه، ج 10، ص 4829، ح 16534.

2- . اکبری، محمد رضا، قصه های قرآن، نشر، شهید فهمیده، چاپ چهارم، به نقل از تفسیر ابوالفتوح رازی، ج 3، ص 283.

اشاره

خداوند عزوجل در قرآن کریم می فرماید:

«آیا برای کسانی که ایمان آورده اند، زمان آن نرسیده است که دل هایشان برای یاد خدا و آنچه از حق نازل شده است خاشع شود و چون کسانی نباشد که پیش از این به آنها کتاب (آسمانی) داده شده

و روزگار درازی بر آنها گذشت و پس دل هایشان سخت شد و بسیاری از آنان فاسقاند؟» (1)

« در راه سفر به خراسان، شب ها در بسترش بسیار قرآن می خواند و هرگاه به آیه ای که در آن از بهشت یا آتش یاد شده بود می رسید، می گریست و بهشت را از خدا مسألت می کرد و از آتش به او پناه می برد.» (2)

«یاد جهنم به وسیله قرآن»

حنظله غسیل الملائکه در شب زفاف از پیامبر (صلی الله علیه وآله) اجازه گرفت که در مدینه بماند و صبح زود خود را از میدان اُحد برای جنگ با دشمن برساند. پیامبر (صلی الله علیه وآله) به او اجازه داد. حنظله، صبح زود خود را به سپاه اسلام رساند و با دشمن جنگید تا به شهادت رسید. بعد از او از همسرش جمیله فرزندی به دنیا آمد که نام او را «عبدالله» گذاشتند. جمیله مادر عبدالله، فرزند خود را همچون پدرش با ایمان و سلحشور، پرورش داد، تا جایی که سرانجام عبدالله سربازی دلاور برای اسلام گردید و در جریان حمله وحشیانه یزید به مدینه (در حادثه حرّه) پرچمدار گروهی اندک از مخالفان یزید شد و در جنگ با یزیدیان به شهادت رسید.

درباره آثار ایمان عبدالله حکایت می کنند که شخصی مشغول قرائت قرآن بود تا به این آیه رسید:

«لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَ مِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ» (3)

ص: 382

1- . سوره حدید، آیه 16.

2- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 10، ص 4831، ح 16540.

3- . سوره اعراف، آیه 41.

«آنان (تکذیب کنندگان) بستری از آتش جهنم در زیر و پوششی از آن بر روی دارند، و این است کیفر ستمگران».

عبدالله با شنیدن این آیه، چنان منقلب گشت که صدایش به گریه بلند شد و همچون آدمی حیران برخاست. به او گفتند: بنشین. در جواب گفت: یاد جهنم مرا

از نشستن باز می دارد، زیرا نمی دانم، شاید من هم یکی از آنان باشم».(1)

5 مسواک

پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: گذرگاه قرآن را نظافت کنید.

عرض شد: ای رسول خدا، گذرگاه قرآن چیست؟

فرمود: «دهانهایتان».

عرض شد: با چه تمیزش کنیم؟

فرمود: با مسواک زدن.(2)

بنابراین با تمیز کردن دندان ها در هنگام تلاوت قرآن، دهانی خوشبو داشته باشیم به ویژه وقتی که قرآن را به طور دسته جمعی قرائت می کنیم، تا موجب آزار دیگران نگردد.

شناخت و چگونگی آشنایی با قرآن

آشنایی با این کتاب مقدس طی مراحل صورت می گیرد که عبارتند از:

1_ تعلیم.

2_ تجوید.

3_ حفظ آیات و معنای ظاهری آنها.

4_ تفسیر علوم قرآنی و دانستنی های آن.(3)

ص: 383

1- . قنبری، حیدر، داستان های شگفت انگیزی از جهنم، نشر شمیم کوثر، سال 1386، ص 60 و 61.

2- . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 10، ص 4827، ح 16525.

3- . شیخی، ابوالفضل، معجزه جاوید، نشر: مولود کعبه، سال 1381، ص 17.

در این مرحله با خواندن ساده این کتاب شریف آشنا می شویم تا بتوانیم الفاظ مربوط را تلفظ کنیم.

مقدمه این مرحله، یادگیری حروف الفبا، آشنایی با حرکات و سکانات مربوطه، علائم و رسم الخط ها و... می باشد. (1)

تجوید

در این مرحله که خواندن یا خوب خواندن قرآن است با اصول و قواعد مربوطه، از جمله: مراعات همزه قطع و وصل، مخارج و صفات حروف، اشباع، مدّ، لین، احکام تنوین و نون ساکنه، وقف و... آشنا می شویم.

پس از آن که این مرحله را به خوبی یاد گرفتیم، می توانیم قرآن را به طور صحیح قرائت کنیم.

حفظ آیات و معنای ظاهری آنها

در این مرحله آیات این کتاب مقدّس را با سبک خاصّی حفظ و با معنای ظاهری آنها آشنا می شویم. البته معنای ظاهری آیات و کلمات قرآن، نیاز به علوم قرآنی دارد که به این مبحث اشاره خواهد شد. (2)

شناخت مفاهیم معانی و مقاصد

مقصود از این مرحله، شناخت مفاهیم، معانی و مقاصد قرآن مجید و تحصیل حکمت های آن می باشد، تا بدین وسیله مضامین و محتوای این کتاب آسمانی در مورد احکام، اوامر، نواهی، مواعظ، دنیا، آخرت، معاد، قصص و امثال آنها معلوم گردد. (3)

ص: 384

1- . همان.

2- . همان منبع، ص 17 و 18.

3- . همان.

مرحله آشنایی با علوم قرآنی و دانستنی های آن در این مرحله با دانش هایی که مربوط به قرآن است آشنا می شویم. البته در تعداد آنها اختلاف نظر است لیکن مهم ترین آنها عبارتند از:

تفسیر، اعراب، علم اعجاز، علم آیات الاحکام، علم مکی یا مدنی بودن آیات، علم شأن نزول آیات، علم ناسخ و منسوخ، علم محکم و متشابه، علم قرائت و علم مربوط به رسم الخط قرآن.

منظور از دانستنی های قرآن مطالب و اطلاعات عمومی در مورد این کتاب شریف است. (1)

قرآن چگونه کتابی است!!!

با هم می خوانیم:

1- کتاب حقیقت

2- کتاب آیین استوار

3- کتاب راه راست

4- کتاب توحید راستین

5- کتاب وعده راست

6- کتاب هدایت و روشنی بخشایش و بینا دلی

7- کتاب خرد و اندیشیدن

8- کتاب حکمت و علم

9- کتاب عمل

10- کتاب بیان و تفضیل

11- کتاب بی شبهه و اختلاف

12- کتاب دوستی و دوست داشتن

الف) دوست داشتن خدا (بندگان را و بندگان او را)

ب) دوست داشتن انسان (خدا را و دیگران را)

13- کتاب مژده و بیم

14- کتاب دعوت و آغاز گری

15- کتاب پایداری و تعهد شناسی

16- کتاب دادگری، نیکوکاری و پرهیزگاری

17- کتاب خصلت های انسانی

18- کتاب شفای تن و جلای جان

19- کتاب خشنودی و آرامش خاطر

20- کتاب تأمل و خود یاد آوری

الف) ملازمت قرآن

ب) تدبّر قرآنی

ج) تدبّر در چه چیز؟

اول: در تن و جان

1- تدبّر در نقطه های آغاز پیدایش

2- تدبّر در مراحل وجود آدمی

3- تدبّر در پایان این جهان

4- کشف شدن حقیقت

دوم: در جهان انفس و جهان آفاق

سوم: در احوال ملت های گذشته و سرنوشت های ایشان

چهارم: در علل سختی ها و بدبختی های گذشتگان

د) نتیجه تدبّر کردن در زمینه های گذشته

الف) توبه و بازگشت

ب) آموزش خواهی

ج) دعا و عبادت

د) پایداری و کوشش

21- کتاب عبرت گرفتن و دریافتن

22- کتاب همه بشریت

23- کتاب سیاست و حاکمیت

ص: 386

الف) حکومت ربّانیان

ب) ساقط کردن جبّاران

24- کتاب عزّت و برتری

25- کتاب نهضت و پیروزی

26- کتاب صلح

27- کتاب اخبار گذشتگان و آیندگان

28- کتاب نقّادی و تصحیح

29- کتاب احکام و قوانین فراگیر

30- کتاب امر به معروف و نهی از منکر

31- کتاب اقتصاد و رشد مالی

32- کتاب کوشش و مثبت بودن

33- کتاب طبیعت و مظاهر زندگی

34- کتاب باطن و ملکوت

35- کتاب هنر و نوآوری

36- کتاب همآورد طّبی و اعجاز

37- کتاب همیشه (1) و...

قرآن کریم از نگاه آیات الهی

قرآن کریم، سرچشمه حقایق و معارف اسلامی، کتاب آسمانی و سند نبوّت حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه وآله) است. این کتاب مقدّس، کلام خدای متعال و تعالیمی است که از مصدر عزّت و مقام کبریا و عظمت به اشرف انبیاء الهی، وجود منور پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) نازل گشته است؛ این کتاب شریف و مبارک یک سلسله موادّ علمی را برای فرد و جامعه بیان می کند که آدمی با به کار بستن آنها به خدا نزدیک می گردد.

قرآن عظیم الشان در مدّت بیست و سه سال به تدریج نازل شده و

1- . گروه نویسندگان، الحياه، ج 2، ص 6-8.

نیازمندی های جامعه بشری را پاسخ گفته است. آن کتابی است که در بیانات خود هدفی جز راهنمایی مردم ندارد و اعتقاد درست، و عمل شایسته را که پایه های فلاح فرد و جامعه انسانی است را با بیانی رسا بیان می کند. (1) آنجا که می فرماید:

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (2)

«کتابی که هر چیز را روشن می کند به سوی تو فرستادیم».

این کتاب مقدس، معارف اسلامی را بیان فرموده که برای تفصیل و تفسیر آن باید به احادیث گرانمایه خاندان نبوت مراجعه گردد. چنانکه می فرماید:

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (3)

«قرآن را به تو نازل کردیم تا آن چه را که از جانب خداوند سبحان برای مردم فرستاده شده است برای آنها روشن سازی».

قرآن مجید در میان مقاصد خود بی آنکه مردم را به تقلید کورکورانه دعوت نماید با ایشان به زبان عادی و منطق خدادادی خودشان سخن می گوید و تذکر می دهد که انسان هرگز نمی تواند از پذیرفتن آنها شانه خالی کرده و از اعتراف به آنها سرباز زند. (4) خدای تعالی می فرماید:

«إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ * وَ مَا هُوَ بِالْهَزْلِ» (5)

«قرآن سخنی است که حق را از باطل جدا می کند و کلامی نیست که بیهوده و سرسری گفته شده باشد».

حضرت حق، در جای دیگری، در وصف قرآن می فرماید:

«يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ» (6)

ص: 388

1- . شیخی، ابوالفضل، معجزه جاوید، نشر: مولود کعبه، 1381، ص 10 _ 13.

2- . سوره نحل، آیه 89.

3- . سوره نحل، آیه 44.

4- . همان.

5- . سوره طارق، آیات 13 و 14

6- . سوره احقاف، آیه 30.

«قرآن کریم، مردم را به سوی حق و حقیقت و راه روشنی که یکنواخت و از هر گونه تضاد و تناقص دور باشد، راهنمایی می کند».

باز می فرماید:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»⁽¹⁾

«این قرآن مردم را به سوی دینی و آیینی راهنمایی می کند که از همه آیین ها و روش ها تواناتر و درست تر است».

در آیه ای دیگر، سبب این توانایی و درستی اسلام را، همان مطابقت اسلام با آفرینش انسان معرفی می کند؛ زیرا پر واضح است که روش و راهی است که خواسته های فطری و نیازمندی های واقعی انسان را پاسخ می دهد و انسان را به بهترین وجهی کامیاب و خوشبخت می سازد.

آنجا که می فرماید:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»⁽²⁾

«برای پذیرفتن دین استوار باش. دینی که با آفرینش مخصوص انسانی که هرگز قابل تغییر و تبدیل نیست توافق کامل دارد. دینی که می تواند جامعه انسانی را اداره نموده و به منزل سعادت برساند».

و در موضع دیگر می فرماید:

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»⁽³⁾

«کتابی به تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی ها به سوی روشنایی بیاوری».

از همین جا می توان به اهمیت و عظمت این کتاب مقدس از نظر اسلام و مسلمانان پی برد.

گذشته از این که قرآن مجید از زمان خود تاکنون - که چهارده قرن می گذرد - پیوسته در جامعه های گوناگون بشری از جهات مختلف، مقام ارجمندی داشته و

ص: 389

1- . سوره اسراء، آیه 9.

2- . سوره روم، آیه 30.

3- . سوره ابراهیم، آیه 1.

همیشه توجه جهانیان را به خود جلب کرده است.

آری! قرآن کریم کتابی است آسمانی که پشتوانه آیین جهانی و همیشگی اسلام است و کلیات معارف عالیة اسلام در آن با بیانی جذّاب ذکر شده و از این نظر، ارزش آن مساوی با ارزش دین خدا است.

علاوه بر این، قرآن سخن خدا و معجزه جاوید حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) می باشد. (1)

قرآن کریم در اشعار شعرا

ما به دلبردگان پی قرآن و عترتیم هر راه دعوت دگری جز فریب نیست

حافظا در کنج فقر و خلوت شب های تار تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور

حافظا می خور و رندی کن و خوش باش ولی دام تزویر مکن چون دگران قرآن را

عشقت رسد به فریاد ار خود بسان حافظ ق_____ رآن زبر بخوانی در چارده روایت

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم

قرآن کریم معجزه جاوید

به گوشه ای از امتیازات معجزه جاودان الهی، قرآن اشاره می شود:

1_ گنجاندن معارفی بلند در کلماتی کوتاه: مثلاً در مورد زن و مرد تعبیر می کند: «هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لِهِنَّ» زنان لباس شما و شما لباس آنها هستید. برای بیان سستی قدرت های غیر الهی، آنها را به خانه عنکبوت تشبیه می کند و یا از اینکه از آفریدن یک پشه آنان را ناتوان می داند «لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا».

2_ شیرینی کلام و نفوذ: هزار بار هم خوانده شود کهنه نمی شود، بلکه هر بار نکته ای به دست می آید.

ص: 390

3_ آهنگ و موسیقی کلام: طنین و آهنگ کلمات آن، مخصوص است و اگر آیه ای از قرآن در میان سخنان هر عرب زبان در میان روایات باشد، مشخص است. (1)

4_ جامعیت قرآن: از برهان تا مثل، از دنیا تا آخرت و نیز مسائل خانوادگی، حقوقی، سیاسی، نظامی، اخلاقی، تاریخی و... را در بر دارد.

5_ واقع گرایی: محتوای آن مبتنی بر حدس و گمان نیست. حتی داستان هایش مستند و واقعی است.

6_ همه گیر و جهانی: مردم در هر سطح و هر کجا باشند، از آن بهره می برند.

7_ ابدی: هر چه از عمر بشر و علوم می گذرد، اسرار بیشتری از قرآن کشف می شود.

8_ رشد فزاینده: با داشتن بیشترین دشمن و ضربات فراوان، بیشترین رشد را در طول عمر خود داشته است.

9_ معجزه ای در دست: این معجزه از نوع سخن و کلمه است که در اختیار همه است.

10_ هم معجزه و هم کتاب دستور و قانون است.

11_ از فردی درس نخوانده و در منطقه ای محروم از سواد است.

12_ چیزی به آن افزوده یا کاسته نشده است و مصون از تحریف است. (2)

قرآن و عترت امانت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله)

«پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) بارها، از جمله در روز عرفه، در مسجد خیف، در غدیر خم و در خطبه غدیریه، نیز در روزهای آخر عمر، بر جایگاه والای قرآن و عترت تأکید فرمود و از این رو میراث گرانبها و دو یادگار سنگین یاد کرد که پس از خود بر جای می گذارد و فرمود:

«در قیامت از شما سؤال خواهم کرد که با این دو یادگار چه کردید؟»

ص: 391

1- . رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج 1، ص 678 و 679.

2- . همان.

متن حدیث به صورت های مختلف نقل شده است، از جمله:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ عِتْرَتِي، كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَ عِتْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، فَانظُرُوا بِمَاذَا تَخْلِفُونِي» (1)

«من میان شما دو چیز سنگین می گذارم، کتاب خداوند متعال و خاندانم. کتاب خدا، رشته ای کشیده میان آسمان و زمین است و عترتم خاندان منند، خدای لطیف و آگاه به من خبر داده است که این دو از هم جدا نمی شوند، تا کنار حوض (کوثر) بر من وارد شوند، پس بنگرید به آنان پس از من چگونه رفتار خواهید کرد؟»

ثقل یا ثقل به معنای وزن و سنگین است. از ابو عباس ثعلب پرسیدند چرا به این دو ثقلین گویند؟ گفت: چون تمسک به این دو سنگین است (2) نیز به معنای متاع، توشه سفر، هر چیز نفیسی که نیازمند حفاظت باشد آمده است.

در روایات متعددی از این دو با عنوان «ثقل اکبر» و «ثقل اصغر» یاد شده است. در سخنان علی (علیه السلام) به کمیل آمده است:

«يَا كَمِيلُ نَحْنُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ». (3)

این حدیث، هم منقبتی برای اهل بیت پیامبر است، هم می رساند که آنان عدل و قرین قرآنند، هم مرجعیت علمی و دینی خاندان پیامبر و ائمه معصومین را می رساند، هم به تفکیک ناپذیری «قرآن و عترت» در آن تصریح شده است و اینکه تمسک به این دو با هم موجب سعادت و رستگاری است. آینده نگری رسول خدا (صلی الله علیه وآله) برای فلاح امت و دوری از گمراهی ایجاب می کرد که راه روشن

ص: 392

1- . محدثی، جواد، فرهنگ غدیر، نشر: معروف، سال 1389، ص 208، به نقل از معانی الاخبار، ص 90، امالی صدوق، ص 500 (مجلس 64).

2- . همان، ثقل هم به معنای متاع و توشه سفر است، هم هر چیز نفیسی که نیاز به محافظت دارد، (قاموس المحيط) و به معنای سنگین هم آمده است.

3- . همان، اهل البيت في الكتاب و السنة، ص 120، به نقل از بشارت المصطفى، ص 29، نیز ر.ک «عترت، ثقل کبیر» کمالی دزفولی.

حق و دین را در سایه قرآن و عترت به امت خویش نشان دهد. حضرت بر مسأله «تمسک به آن دو» تأکید داشت و آن را مانع «گمراهی» می دانست.

از اینجا لزوم متابعت از عترت در همه امور روشن می شود، همان نقشی را که قرآن دارد. جامعیت کتاب و عترت و هدایت جویی از این دو یادگار و همراهی

آن دو و ضرورت رجوع به آنان از این حدیث روشن می گردد.

نیز از این حدیث، عصمت ائمه و عترت نیز به دست می آید. همان گونه که قرآن وحی الهی است و خطایی در آن راه ندارد، امامان نیز معصومند و از هوای نفس و گناه و خطا مصونند. به همین خاطر فرمان داد که به هر دو تمسک جویند و از آن جدا نشوند تا گمراه نگردند. این حدیث، از احادیث متواتر است و شمار بسیاری از اصحاب آن را روایت کرده اند، 34 نفر از اصحاب و 19 نفر از تابعین، و از سوی علمای شیعه و سنی حدیث صحیح شمرده شده است. مرحوم قاضی نورالله آن را از 74 راوی اهل سنت نقل کرده است و در منابع گوناگون به اسناد و راویان آن اشاره شده است. (1)

«انسان منتظر با امید به گشایش، فرج و ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) آمادگی پیدا می کند با تزکیه و خودسازی در این مسیر حرکت کند و با هر گونه رکود، یأس و ناامیدی بیگانه است. برنامه او را در این راه قرآن و احادیث ائمه معصومین: تبیین نموده اند و با علم و آگاهی به آنها با سعادت و نیکبختی قرین می گردد. همچنین در حین خودسازی به دیگرسازی همّت می گمارد و در پی اصلاح جامعه خویش است.» (2)

ص: 393

1- . همان ص 208 و 209، به نقل از احقاق الحق، ج 8، ص 308، نیز ر.ک «الغدیر»، ج 1، ص 32 به بعد و ص 294. و «نفحات الأزهار» (خلاصه عباقت).

2- . رجایی، محمد رضا، شناخت امام زمان، نشر: مرغ سلیمان، چاپ دوم، ص 118.

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

* صحیفه سجادیه.

1- آسیب شناسی دانش و دانشمندان، نیلی پور، مهدی، نشر: مرغ سلیمان، سال 1388.

2- آسیب شناسی و عرفان، بارفروش، عبدالرضا، نشر: راه نیکان، سال 1385.

3- اخلاق و راه سعادت، حاجیه خانم امین، نشر: گلبهار، سال: 1385.

4- اصول کافی، ثقة الاسلام کلینی، ج 5، نشر: اسوه، سال 1386.

5- اعتماد به نفس برتر، گیل لیندن فیلد، مترجم: اسماعیل حسین هاشمی، نشر: غزل، سال 1380.

6- الحیاه، حکیمی، محمد رضا و دیگران، ج 1 و 2، مترجم: احمد آرام، نشر: دفتر تبلیغات اسلامی، سال 1366.

7- الخصال، شیخ صدوق، مترجم: یعقوب جعفری، نشر: اندیشه هادی، سال 1385.

8- الشموس الطالعه، همدانی درود آبادی، سید حسین، مترجم: محمد حسین نائیجی، نشر: مسجد مقدس جمکران، سال 1387.

9- العشره، وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی محمد بن حسن، مترجم: محمد علی مقدس، نشر: مبارک، سال 1387.

- 10- اندیشه های ماندگار، وین دایر، مترجم: محمد رضا آل یاسین، نشر: هامون، سال 1387.
- 11- بزرگان چه گفته اند؟، شاملویی، حبیب اله، نشر: ولی عصر، سال 1385.
- 12- بهشت اخلاق، ج 1 و 2 و 3، نیلی پور، مهدی، نشر: ولی عصر، سال 1385.
- 13- تحف العقول، حرّانی، ابو محمد، مترجم: صادق حسن زاده، نشر: آل علی، سال 1386.
- 14- تحفه الزائر، علامه مجلسی، محمد باقر، نشر: امام هادی، سال 1386.
- 15- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، استاد جعفری، محمد تقی، ج 4، نشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال 1358.
- 16- توان بی پایان، آنتونی رابینز، مترجم: محمد رضا آل یاسین، نشر: هامون، سال 1388.
- 17- جام اندیشه، سمیعی، رضا، نشر: صالحان، سال 1387.
- 18- جامع الشتات، ملک احمدی عین اله، نشر: نجابت، سال 1385.
- 19- جنه العاصمه، علامه طباطبایی میر جهانی، محسن، نشر نسیم کوثر، سال 1389.
- 20- چراغ راه زندگی، احسانی کناری، قاسم، نشر: علمی، سال 1386.
- 21- چهل حدیث، حضرت امام خمینی، نشر: فرهنگی رجاء، سال 1386.
- 22- داستان های بحار الانوار، ج 2 و 7 و 5، مرحوم مجلسی، محمد باقر، تنظیم و ترجمه: محمود ناصری، نشر: دارالهدی، سال 1386.
- 23- داستان های شگفت، شهید آیت اله دستغیب، نشر: دفتر انتشارات اسلامی، سال 1385.
- 24- داستان های شگفت آوری از قرآن، سماوی، محمد، نشر: کاک، سال 1386.
- 25- داستان های شگفت انگیزی از جهنم، قنبری، حیدر، نشر: شمیم کوثر، سال 1386.
- 26- راز خوشبختی زن و شوهر، رجایی، محمد رضا، نشر: مرغ سلیمان، سال 1391.
- 27- راه انداختن یک کسب و کار جدید، جمعی از کارآفرینان بزرگ جهان، مترجم: مجید نوریان، نشر: مبلغان، سال 1389.

- 28- رمز پیروزی مردان بزرگ، آیت اله العظمی سبحانی، جعفر، نشر: نسل جوان، سال 1387.
- 29- رهنمون، ذوالفقاری، غلامحسین، نشر: اوسان، سال 1385.
- 30- زن موجود ناشناخته، شکرانی، علویه، نشر: معصومه (س)، سال 1370.
- 31- سراج الشیعه فی آداب الشریعه، مامقانی غروی، عبدالله، نشر: شاکر، سال 1389.
- 32- سفری به ژرفای دریا، رهبر، علی، نشر: جهاد دانشگاهی، سال 1386.
- 33- سلامتی تن و روان، بهشتی، محمود، نشر: پارسایان، سال 1379.
- 34- سیره و سخن پیشوایان، کوشا، محمد علی، نشر: پارسایان، سال 1388.
- 35- سیمای خوشبختی در احادیث معصومین، رسایی، حمید، نشر: بوستان کتاب، سال 1377.
- 36- شناخت امام زمان، رجایی، محمد رضا، نشر: مرغ سلیمان، سال 1390.
- 37- شیعه پاسخ می دهد، حسینی نسب، رضا، نشر: مشعر، سال 1390.
- 38- عارفانه ها، پائولو کوئلیو، نشر: شولا، سال 1383.
- 39- عد الداعی، فهد حلی، احمد، مترجم: حسین غفاری، نشر: بنیاد معارف اسلامی، سال 1384.
- 40- غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد، مترجم: لطیف و سعید راشدی، نشر: پیام علمدار، سال 1390.
- 41- فارسی عمومی، گروه نویسندگان، نشر: دانشگاه آزاد اسلامی، سال 1380.
- 42- فروغ ابدیت، ج 2، سبحانی، جعفر، نشر: دفتر تبلیغات اسلامی، سال 1371.
- 43- فرهنگ جوان، نیلی پور، مهدی، نشر: سلسبیل، سال 1386.
- 44- فرهنگ سخنان امام حسن مجتبی (علیه السلام)، دشتی، محمد، نشر: امیرالمؤمنین 7، سال 1389.
- 45- فرهنگ سخنان امام حسین (علیه السلام)، دشتی، محمد، نشر: امیرالمؤمنین، سال 1386.
- 46- فرهنگ غدیر، محدّثی، جواد، نشر: معروف، سال 1389.
- 47- فرهنگ فاطمیه، نیلی پور، مهدی، نشر: شهید مدرس، سال 1385.
- 48- قصه های قرآن، اکبری، محمد رضا، نشر: شهید فهمیده، سال 1375.

- 49- قیام و انقلاب مهدی (علیه السلام)، به ضمیمه شهید، شهید مطهری، مرتضی، نشر: صدرا، سال 1359.
- 50- کامل الزیارات، ابن قولویه قمی، ابوالقاسم، مترجم: امیر وکیلان، نشر: دفتر انتشارات اسلامی، سال 1385.
- 51- کتاب کوچک نکته های زندگی 2، باتلریاتس، مترجم: زهره زاهدی، نشر: جیحون، سال 1383.
- 52- کشکول جاویدان، کتابچی، محسن، نشر: الف، سال 1382.
- 53- کشکول عباسی، عباسی، ابراهیم، نشر: امیر العلم، سال 1382.
- 54- کشکول کامل شیخ بهایی، شیخ بهایی، محمد بن حسن، نشر: کتابچی، سال 1386.
- 55- کلیدهای کامیابی زندگی، رضوی حائری، مصطفی، نشر: کرانه عشق، سال 1390.
- 56- کوتاه سخن، نیکنام، محمد کاظم، نشر: مؤلف، سال 1357.
- 57- کیفر گناهکاران، رضوی، جواد، نشر: خادم الرضا (علیه السلام)، سال 1386.
- 58- گزیده ای از کشف الاسرار، میبدی، ابوالفضل، مترجم: بهروز ثروتیان، نشر: سال 1383.
- 59- گفتار بزرگان، رحمت نژاد، حسین، نشر: عارف کامل، سال 1387.
- 60- گفتار معصومین، آیت اله العظمی مکارم شیرازی، ناصر، نشر: مدرسه الامام علی، سال 1387.
- 61- گنجینه سخنان بزرگان ایران و جهان، یعقوبی، مرضیه، نشر: عطار، سال 1385.
- 62- گنجینه معارف، ج 1 و 2 و 3، رحمتی، محمد، نشر: پیام علمدار، سال 1390.
- 63- مبانی اخلاق اسلامی، آیت اله امینیان، مختار، نشر: بوستان کتاب، سال 1381.
- 64- مدیریت عمومی زیارت اهل بیت، نیلی پور، مهدی، نشر: سلسبیل، سال 1389.
- 65- مکارم الاخلاق، طبرسی، رضی الدین، مترجم: لطیف راشدی، نشر: صبح پیروزی، سال 1389.
- 66- معجزه جاوید، شیخی، ابوالفضل، نشر: مولود کعبه، سال 1381.
- 67- معراج السعاده، نراقی، ملا احمد، نشر: قائم آل محمد (علیه السلام)، سال 1387.
- 68- منتخب میزان الحکمه، محمدی ری شهری، محمد، مترجم: حمید رضا شیخی، نشر: دارالحديث، سال 1383.

- 69- می خواهم خوشبخت باشم، سجادی، محمد کاظم، نشر: شهید مدرس، سال 1384.
- 70- میزان الحکمه، ج 1 و 3 و 7 و 10، محمدی ری شهری، محمد، مترجم: حمید رضا شیخی، نشر: دار الحدیث، سال 1384.
- 71- نظری گذرا بر افکار اندیشمندان جهان، کاظمی، حکمت اله، نشر: هنر پارینه، سال 1386.
- 72- نقش خانواده در ارتقاء فرهنگ کار، خسروی، زهره، نشر: احیاء کتاب، سال 1380.
- 73- نهج الشهاده (مجموعه سخنان امام حسین) مترجم: احمد فرزانه، نشر: فرهنگ اهل بیت، سال 1362.
- 74- نهج الفصاحه (مجموعه سخنان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله))، مترجم: شریعتی، محمد امین، پیمانی، عبدالرسول، نشر: خاتم الانبیاء، سال 1385.
- 75- وظایف زنان از زبان معصومین (علیهم السلام)، حیدری، حمیده، نشر: نسیم حیات، سال 1389.
- 76- هدف خلقت، مهدوی، سید ابوالحسن، نشر: محبتان، سال 1387.
- 77- هدیه، فلاحی، منصور، نشر: محور، سال 1385.
- 78- هزار و یک نکته باریک تر از مو، دیوید راس، مترجم: سیمین موحد، نشر: تندیس، سال 1386.
- 79- یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، مکارم شیرازی، ناصر نشر: دارالکتب اسلامی، سال 1384.
- 80- وبگردی در سایت های تخصصی:

viki shie-

hozeh -

DANeshNamehAZAD-

JAmeh -

AhlohBeit-

ص: 399

کتاب های منتشر شده همین نویسنده:

1_ راه های رسیدن به موفقیت و خوشبختی (جلد اول و دوم)

(کتاب برگزیده سال 1388 در همایش کتاب استان اصفهان)

2_ ویژگی های دعا

3_ راز خوشبختی زن و شوهر

(کتاب برگزیده در همایش کتاب در رشته روانشناسی)

4_ راز خوشبختی دختران و پسران

5_ فرهنگ غدیریه (فرهنگ الفبایی غدیر)

6_ فرهنگ الفبایی امام هادی (علیه السلام)

7_ تحلیلی از زندگی امام حسین (علیه السلام)

8_ تحلیلی از زندگی امام رضا (علیه السلام)

9_ شناخت امام زمان (علیه السلام)

10_ کشکول رجایی

11_ آزادی

12_ پرواز به آبرو

از همین نویسنده به زودی منتشر می شود:

1_ سخنان بزرگان

2_ نماز راز سعادت

3_ فرهنگ الفبایی امام مجتبی (علیه السلام)

4_ فرهنگ الفبایی امام حسین (علیه السلام)

5_ اشک قلم (بررسی دانش و دانشمندان از دیدگاه های مختلف)

6_ کتاب و کتاب خوانی (چگونه مطالعه کنیم!!؟)

ص: 400

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

